فهرست کتاب نسایم الازهار فی الصلوة علی سید الابرار

بفضل ایزد از تصنیفات جناب مغفرت مآب علامه زمان مستغرق بارگاه یزدان حضرت مولانا مولوی

محمد غوث صاحب مرحوم و مغفور دیوان سابق دربار نواب کرناٹک این کتاب مستطاب

الصلوٰة علی سید الابرار فی نسائم الازهار

در سنه ۱۲[illegible] هجری در شهر مدراس باهتمام بندهٔ ضعیف اضعف سید عبد اللطیف

بتصحیح تمام و درستی تمام بمطبع مظهر العجائب حلیهٔ انطباع پوشید

فرشتگان استغفار است و از ضحاک رحمه الله روایتی دیگر است که صلوة از خدای تعالی مغفرت و از ملائکه دعاست و از
رحمه الله منقول است که صلوات از خدای تعالی رحمت و از ملائکه رقت است و از حلیمی رحمه الله منقول است جواز بودن
صلوة بمعنی سلام پس عطف وسلموا بر صلوا در آیه کریمه از قبیل عطف مترادفین است و رد کرده اند این قول را
بآنکه احادیث صحیحه صریحه فرق میکنند میان صلوة و سلام و نزد بعضی صلوة خدای تعالی بر انبیا علیهم الصلوة والسلام
بمعنی ثنا و تعظیم است و بر غیر ایشان رحمت است و قاضی عیاض رحمه الله از بکر قشیری نقل کرده که صلوة بر نبی تشریف
و زیادت تکریم است و بر غیر نبی رحمت و حلیمی رحمه الله در شعب الایمان آورده که معنی صلوة بر نبی تعظیم اوست
و نزد بعضی صلوة از خدای تعالی رحمت و از ملائکه استغفار و از آدمیان دعاست و سید سند رحمه الله در حواشی که
شرح حکمة العین تصریح کرده که از وحوش و طیور بمعنی تسبیح است و نیز حلیمی رحمه الله گفته که مراد از صلوة بر وی
صلی الله علیه وسلم تقرب بسوی خدای تعالی است باداء صلوة و قضاء حق وی صلی الله علیه وسلم پس معنی اللهم صل علی محمد
این است اللّٰهم عظّمه فی الدنیا باعلاء ذکره واظهار دینه وابقاء شریعته وفی الآخرة باجزال
مثوبته وتشفیعه فی امته وابداء فضیلته بالمقام المحمود یعنی ای خدای تعالی بزرگ کن محمد را در دنیا
به بلند کردن ذکر او و ظاهر گردانیدن دین او و باقی داشتن شریعت او و بزرگ کن او را در آخرت به زیاده کردن
ثواب او و قبول نمودن شفاعت او در امت او و ظاهر ساختن فضیلت او بعطای مقام محمود و شیخ عز الدین بن
عبد السلام رحمه الله گفته که صلوة ما بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم شفاعت در حق وی نیست زیرا که امثال
ما در حق وی صلی الله علیه وسلم چه شفاعت خواهند کرد لیکن وی تعالی امر کرده است بمکافات احسان و چون ما را
در مکافات احسان آنحضرت صلی الله علیه وسلم عاجز یافت بمحض فضل خود امر کرد بدعا که تا مکافات احسان
وی صلی الله علیه وسلم شود و جمعی گفته اند که فائده صلوة عائد بسوی مصلی است زیرا که صلوة دلالت میکند
بر نصوح عقیدت و خلوص نیت و اظهار محبت و مداومت بر طاعت و احترام وی صلی الله علیه وسلم که
از اعظم شعب ایمان است **باب دوم در تفسیر آیه صلوة** بدانکه اصل در مشروعیت صلوة آیه کریمه
إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا است بدرستی
خدای تعالی و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر خدای ای کسانیکه ایمان آورده اید درود گوئید بروی و سلام
گوئید سلام گفتنی حسین کاشفی در تحفة الصلوة از ذخیرة المذکرین نقل کرده که چون ملائکه بعد از نفخ روح در قالب
آدم علیه السلام مامور بسجود وی شدند مقصود ایشان آن بود که چون حضرت خاتم صلی الله علیه وسلم ظهور فرماید
همان امر بسجود وجود خواهد گرفت بعد از آن که عرصه عالم بلمعات وجودش منور شد آن فرمان بشرف صدور
نیافت حق سبحانه بجهت دفع توهم تفضیل آدم بر سید عالم صلی الله علیهما وسلم خود بر وی درود فرستاد و ملائکه

و مومنان را بدان امر فرمود تا اقتدا بوی تعالی کنند و از فضل آنحضرت صلی الله علیه وسلم اشارت یابند و در تفسیر کشاف
آورده که چون این آیه شریفه نازل شد امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه عرض کرد که یا رسول الله هیچ چیز نیست
که خدای تعالی ترا بآن مخصوص و مشرف گردانیده مگر که ما را شریک آن کرده پس نازل شد آیه کریمه هُوَ الَّذِي يُصَلِّي
عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ پوشیده نماند که آیه إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ الخ مشتمل است بر چند دقایق اول آنکه مصدر
شد به لفظ إِنَّ که برای تحقیق مضمون جمله و تاکید آن است دوم تعبیر یافت به جمله اسمیه که مفید دوام و استمرار است تا دلالت
کند بر دوام و استمرار صلوة وی تعالی و ملائکه بر وی صلی الله علیه وسلم و باین مرتبه علیه و درجه سنیه هیچ کس از انبیا
علیهم السلام فایز نگردید سیوم اضافت لفظ ملائکه که صیغه جمع است و اضافت جمع مفید استغراق میگردد
اضافت ملائکه بسوی ضمیر راجع به الله تعالی دلالت دارد بر اهتمام شان چهارم خبر را جمله فعلیه آورد تا دلالت کند
بر تجدد صلوة خدا و ملائکه وقتاً فوقتاً و این تشریف اتم است از تشریف آدم علیه السلام بسجود ملائکه بنا بر مشارکت
او تعالی با ملائکه در صلوة و استمرار صلوة بخلاف سجود که یکبار شد و منقطع گردید و نیز در امر بسجود تادیب ملائکه
و تبکیت آنها بود بخلاف صلوة که برای محض تعظیم و توقیر است و نیز امر ملائکه بسجود برای نور محمدی بود که در جبین
آدم علیه السلام میدرخشید قاله الامام الرازی پنجم تعبیر کرد وی صلی الله علیه وسلم را بلفظ نبی و تصریح ننمود
بنام وی زیرا که کنایت ابلغ از تصریح است و در آن اشارت است بعلو مرتبت و فخامت منزلت وی صلی الله
علیه وسلم بخلاف دیگر انبیا علیهم السلام که آنها را غالبا باسمای آنها تعبیر کرده است و لام تعریف مفید عهد خارجی
است و در آن اشارت است باینکه وی صلی الله علیه وسلم معروف و حقیق باین وصف است ششم خطاب کرد
به يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا نه يَا أَيُّهَا النَّاسُ که شامل است مومنین و کفار را زیرا که صلوة بر وی صلی الله علیه
از اجل وسائل و انفع ذرائع است و کفار را وسیله نیست پس نیاورد لفظیکه شامل باشد آنها را و در امر مومنین بصلوة
بعد اخبار بصلوة ملائکه تنبیه است بر اینکه فرشتگان با وصف عصمت آنها از معاصی هرگاه تقرب جویند بسوی وی تعالی بصلوة
بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آدمیان احق و اولی اند بدان هفتم لفظ صلوا و سلموا دلالت دارد بر وجوب صلوة
و سلام چنانچه حافظ ابو عمر بن عبد البر رحمه الله نقل کرده است اجماع علما و صیغه امر موضوع است برای
وجوب حقیقةً نزد محققان اهل اصول مگر دلیلی صرف کند از آن پس در آن وقت مفید وجوب نیست هشتم موکد گردانید
جمله سلموا را بمصدر و صلوا را تاکید بمصدر نکرد زیرا که صلوة موکد است بحرف تحقیق و با علام صلوة خدای تعالی
و ملائکه و باضافت ملائکه و سلام ازین تاکیدات خالی بود پس موکد گردانید به مصدر و تخصیص اسناد سلام
به مومنان از آن است که سلام چنانچه بمعنی تحیت است بمعنی انقیاد هم آمده و این معنی اخیر صحیح است در حق ما نه در حق
خدای تعالی و ملائکه پس ترک آن برای دفع این ایهام است یا صلوة متضمن است سلام بمعنی تحیت را پس اسناد

صلوة خدا و ملائکه مستلزم سلام است و صلوة ما نیز اگرچه مستلزم سلام بمعنی تحیت است لیکن مستلزم آن بمعنی انقیاد نیست زیرا انقیاد مقصود است و از اینجاست تفسیر بعض علما سلموا را به انقادوا و تحقیق معنی صلوة در باب سابق گذشت اما سلام پس در معنی آن چهار وجه است یکی سلامت از نقائص و آفات و درین صورت سلام مصدر است دوم سلام نام خدای تعالی است سیوم بمعنی انقیاد چهارم بمعنی تحیت پس معنی السلام علی محمد بر وجه اول اللهم سلمه من النقائص است و بر وجه دوم حفظ السلام ای الله علیه یعنی اللهم احفظه و بر وجه سیوم اللهم صیر العباد منقادین له و بر وجه چهارم التحیة علیه و این وجه اخیر منقول است از ابن دقیق العید رحمه الله و شیخ محمد مهدی فاسی رحمه الله در مطالع المسرات شرح دلائل الخیرات گفته که بر تقدیر جواز استعمال لفظ مشترک در جمیع مفهومات دفعة واحدة چنانچه مختار مالکیه و شافعیه است صحیح باشد که سلام کننده بر وی صلی الله علیه و آله و سلم این همه وجوه معانی را اراده کند دفعة و در اعراب لفظ ملائکه خلاف است عامه قرا نصب میدهند بنا بر عطف او بر لفظ الله و یصلون خبر است از هر دو یا خبر است از لفظ ملائکه و خبر لفظ الله محذوف است بدلالت آن بعضی ترجیح داده اند ثانی را بتغائر صلوتین و بعض اول را و توجیه کنند باینکه صلوة موضوع است برای قدر مشترک یعنی عطف که نسبت بخدای تعالی رحمت و نسبت بملائکه استغفار و نسبت به آدمیان دعا است و نزد بعضی قرا مرفوع است و برین وجه دو احتمال دارد یکی آنکه معطوف است بر محل اسم ان و یصلون خبر است از هر دو دویم آنکه ملائکه مبتدا است و یصلون خبر آن است و این جمله معطوف است بر جمله سابق و خبر لفظ الله محذوف است تا لازم نیاید توارد دو عامل بر معمول واحد و در کلام عرب یافته نشده که فعل واحد مختلف شود معنی او باختلاف مسند الیه در وقتیکه اسناد حقیقی باشد و از توجیه مذکور جواب این ظاهر شد فتفطن اگر کسی گوید که بر تقدیر گردانیدن لفظ یصلون خبر از هر دو لازم آید تشریک خدای تعالی و ملائکه در یک ضمیر و آن موهم نقص و ممنوع است بدلیل شریف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که شخصی در حضور وی صلی الله علیه و سلم خواند مَن یُطِعِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ رَشَدَ وَ مَن یَعْصِهِمَا فَقَدْ غَوٰی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بِئْسَ الْخَطِیبُ اَنْتَ قُلْ وَ مَن یَعْصِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ یعنی بد خطیب هستی تو که شریک گردانید خدا و رسول را در یک ضمیر بگو مَن یَعْصِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ جواب داده اند که تشریک در آیه کریمه صادر است از خدای تعالی برای تشریف ملائکه و از آن متوهم نمیشود نقص زیرا که شارع مختار است و از اینجاست قول آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود لَا یُؤْمِنُ اَحَدُکُمْ حَتّٰی یَکُونَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اَحَبَّ اِلَیْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا تشریک فرمود در ضمیر سواهما خدای تعالی و نفس خود را و اما منع خطیب از آنجهت است که منصب او قابل زلل

است دوم آنکه نقص باینکه جمع کرد خدا و رسول را در یک ضمیر بزعم تساوی هر دو و نزول این آیه کریمه و امر بصلوة در سال دویم است از هجرت پس آیت مدنیست کذا قال ابو ذر الهروی رحمه الله و به قول بعض علما امر بصلوة در شب معراج است و مناسبت این آیت با ماقبل او این است که در آیات سابقه امر است مر صحابه را خصوصا و همه است را عموما بتعظیم حرمت او صلی الله علیه وسلم والتزام ادب با او در ظاهر و باطن و انقیاد مر او را و نفی از فعلیکه محل تعظیم و احترام اوست پس اگر مثلا قائلی گوید که سبب این تشریف عظیم لا نظیر چیست پس گفته شود که سبب آن این است که خدا تعالی او را بخصوص گردانیده است بصلوة خود و امر کرده است مومنان را بدان پس این آیت گویا سبب است برای آیات سابقه زیراکه از این امر معلوم شد رفعت مرتبه آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آن متمم انقیاد و اطاعت است در اوامر سابقه و مناسبت آن با مابعد نیز همین است زیراکه در آن منع از ایذای وی صلی الله علیه وسلم

باب سیوم در بیان حکم صلوة

اول لاخلاف است دراینکه امر در آیه کریمه محمول است بر وجوب یا استحباب ابن جریر طبری رحمه الله قایل استحباب شده و ادعای اجماع بر آن نموده و این قول مردود است زیراکه ابن عبد البر رحمه الله گفته که اجماع دارند علما بر اینکه صلوة فرض است بر هر مومن باین آیت و قرطبی رحمه الله گفته که نیست خلاف در وجوب آن در عمر یکبار پس قول ابن جریر محمول است بر زاید از یکبار و بعد تحقق وجوب علما را ده قول است اول اینکه واجب است فی الجمله بدون حصر و اقل درجه که بدان حاصل میشود کفایت در عمر یکبار است و قائل آن قاضی ابو الحسن بن قصار مالکی است رحمه الله و ادعای اجماع بر آن نموده و بیضاوی رحمه الله نیز در تفسیر خود مائل بدان است و قول قرطبی نیز موید اوست ولیکن قول ابن عبد البر دلالت بر آن ندارد دوم واجب است در عمر یکبار بی تعیین محل چون کلمه توحید زیراکه امر مطلق مقتضی تکرار نیست و ماهیت حاصل میشود به مرتبه واحده بر آن است امام ابو حنیفه و امام مالک و جمهور علما رحمهم الله سیوم واجب است در مطلق صلوة بدون تعیین محل منقول است این قول از امام محمد باقر رضی الله عنه چهارم واجب است در صلوة در تشهد مطلقا و آن قول شعبی و ابن راهویه است پنجم واجب است در قعود اخیر میان تشهد و سلام تحلل و آن است قول امام شافعی و اتباع او رحمهم الله ششم واجب است در دعای افتتاح صلوة و بر آن است بعض حنابله هفتم واجب است اکثار آن بدون تعیین عدد و محل و این قول ابوبکر بن بکیر مالکی است رحمه الله هشتم واجب است نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم در هر مجلس یکبار اگرچه ذکر وی مکرر شود حکایت کرده است این قول را زمخشری و بعضی از شراح هدایه از حنفیه نیز گفته که بر قول صحیح یکبار کافی است کما قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله نهم واجب است در هر دعا این قول را نیز زمخشری نقل کرده است دهم واجب است هر گاه ذکر وی صلی الله علیه وسلم شود و بر این است طحاوی

وجمعی از حنفیه و طحاوی گفته که هرگاه کسی بشنود ذکر وی صلی الله علیه وسلم از غیر یا خود ذکر وی کند واجب است صلوة
وجمعی از شافعیه مثل حلیمی و استاذ ابو اسحق اسفراینی و شیخ ابو حامد اسفراینی وجمعی از مالکیه مثل طرطوسی و ابن
عربی و فاکهانی ولخمی و از حنابله ابن بطه بران اند و بیضاوی نیز در تفسیر خود حکایت کرده و کرخی و زمخشری گفته اند
این قول احوط است و در تحفة الغریب نیز اثر ترجیح داده و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نیز مایل بترجیح آنست و بر این اقوال
بچند وجه اعتراض کرده اند اول اینکه بنای این بر قول ضعیف است که امر مطلق مفید تکرار است و جواب داده اند
که بنای آن بران قول ضعیف نیست بلکه بر ادله دیگر است از احادیثیکه مشتمل اند بر دعا برغم انف و ابعاد و شقا
و وصف به بخل و جفا و غیر آن که مقتضی وعید است بر ترک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم و وعید بر ترک
از علامات وجوب فعل است این عاصی تجاوز الله عن ذنوبه میگوید که قول باینکه امر مطلق مفید تکرار است قول ضعیف نیست
بلکه استاذ ابو اسحاق اسفراینی که از عمدکان اهل اجتهاد است و ابو حاتم قزوینی وجماعه از فقها و متکلمین بران رفته اند
بر تسلیم کسانیکه قایل اند باینکه صیغه امر برای طلب فعل است مطلقاً نیز گفته اند که اگر قرینه بر دوام و تکرار باشد محمل
تکرار است كما حقق في الاصول و در آیه کریمه قرینه بر تکرار قایم است زیرا که لفظ یصلون دلالت دارد بر تجدد
صلوة خدایتعالی و ملائکه و در تقدیم اخبار بصلوة خدایتعالی و ملائکه بر امر مومنین بدان اشارت است با قتدا
باو تعالی و ملائکه و تجدد و تکرار فعل مقتدا قرینه قویه است برای تجدد و تکرار فعل مقتدی والله اعلم دویم این قول مخالف
اجماعی است که پیش از وجود قایل آن منعقد شده است زیرا که معروف نشد این قول نه از هیچ صحابی و نه از هیچ تابعی
جواب قایلان این قول نیز از ائمه نقل اند پس جایز نخواهند داشت خرق اجماع بر تسلیم تمام نمیشود رد بر ایشان
بهمین قدر که از صحابی و تابعی معروف نشد بلکه ضرور است حفظ اجماع صریح لعدم وجوب سیوم در صورت صحت
این قول لازم آید عدم تفرغ سامع برای عبادتی دیگر جواب ممکن است تفرغ برای عبادات دیگر زیرا که تمام روز و شب کسی
مشغول بذکر وی صلی الله علیه وسلم نمیباشد که او را فراغت برای عبادات دیگر میسر نشود چهارم لازم آید بر آن قول
بوجوب آن در حق موذن و سامع و قاری که بگذرد بذکر وی صلی الله علیه وسلم و متلفظ بکلمتین شهادتین و دران
حرج است و در این شریعت سمحه حرج نیست جواب قایلان آن التزام وجوب در مواطن مذکوره میکنند و دران
زیادت حرج نیست بلکه اهل سعادات را دران لذت است پنجم لازم آید که ثنای وی تعالی نزد ذکر وی تعالی نیز واجب باشد
هر بار و کسی بدان قائل نیست جواب این سخن مسلم است چنانچه جمعی تصریح بوجوب تکریر ثنا نزد ذکر وی تعالی کرده اند
وجمعی گفته که تکریر ثنا نزد تکریر ذکر الهی واجب نیست بخلاف صلوة که واجب است تکریر آن نزد تکریر ذکر وی
صلی الله علیه وسلم زیرا که حقوق الهی مبنی بر مسامحت و توسیع است و حقوق عباد مبنی بر مشاحت و تضییق است
حتی الامکان ششم از هیچ صحابی منقول نیست که گفته باشد یا رسول الله صلی الله علیک جواب در طرق متعدده

وارد است که صحابه رضی الله عنهم چون میگفتند یا رسول الله ضم میکردند با آن صلی الله علیک نیز هم احادیثیکه در آن وعید
بر ترک صلوة است صادر شده بطریق مبالغه و مزید تاکید جواب حمل احادیث بر مبالغه محتاج سند است
و سندش مفقود و نیز قائلان وجوب خلاف دارند درین که فرض عین است یا فرض کفایه اکثری بر اول اند و بعضی بر ثانی
و سلام اگر بمعنی انقیاد گیرند نیز در حکم آن خلاف است حلیمی رحمه الله تصریح کرده است بوجوب آن نزد ذکر وی
صلی الله علیه وسلم و ابن فارس لغوی نیز تصریح کرده است بیان سلام و صلوة در فرضیت بنا بر ورود امر در آیت است
و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود گفته که سلام مثل صلوة است در وجوب در تشهد صلوة و امام نووی رحمه الله
در اذکار خود بکراهت افراد صلوة از سلام و عکس آن تصریح کرده اگر کسی گوید که تعلیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم سلام
مر صحابه را قبل از تعلیم صلوة بود چنانچه احادیث صریحه صحیحه بران دلالت دارند و این مقتضی جواز افراد سلام از صلوة است جواب
گفته اند که جائز است که تعلیم سلام قبل از نزول آیه صلوة باشد زیرا که نزول آیه صلوة در سال دویم از هجرت است و وجوب سلام در
شب معراج نزد فرضیت نماز است و بر قول بعضی که امر بصلوة نیز در شب معراج است و تعلیم صلوة بعد نزول آیت است نه بعد از امر
پس احتیاج باین جواب نیست لکن این قول ضعیف است و در فتح الباری قول کراهیت را توجیه کرده است باینکه مکروه است افراد
صلوة و ترک سلام مطلقا پس اگر صلوة گوید وقتی و سلام گوید در وقتی دیگر مکروه نیست ابن عاصی رضی الله
عنه میگوید که بنای این محاکمه بر آنست که واو عطف را در وسلموا برای مطلق جمع دارند خواه بمعیت باشد یا بتقدم و تاخر
و اگر برای معیت گیرند چنانچه در قاموس تصریحش داده و ابو یوسف و محمد رحمهما الله صاحبان ابی حنیفه رضی
الله عنه نیز آنرا اختیار کرده اند تفصی از اشکال مشکل است و اگر سلام بمعنی انقیاد گیرند فلا کراهة اولا اشکال

باب چهارم در ذکر فضیلت صلوة و این باب مشتمل است بر دو منظر منظر اول

در احادیث نبویه که دلالت بر فضیلت صلوة دارند چون تلبس بالفاظ نبی صلی الله علیه وسلم الذ و اطیب و ابرک و انفع است
عبارات احادیث را بعینها ایراد کرده بعد از آن ترجمهٔ آن تحریر نموده آید در تحفة الغریب آورده که احادیث در باب
صلوة بر سید کائنات بحد تواتر رسیده اند و روایت کرده شده اند از ابی بکر صدیق و عمر بن الخطاب و علی
بن ابی طالب و فاطمهٔ زهرا و سبطین شهیدین و طلحه بن عبد الله و عبد الرحمن بن عوف و ابی مسعود
انصاری بدری و کعب بن عجره و ابی سعید خدری و ابی حمید ساعدی و زید بن حارثه که او را ابن خارجه هم میگویند
و ابی هریره و سهل بن سعد و بریده بن الحصیب و عبد الله بن مسعود و فضاله بن عبید و انس بن مالک
و ابی طلحه انصاری و عامر بن ربیعه و ابی بن کعب و اوس و براء بن عازب و ربیع بن ثابت انصاری و
جابر بن عبد الله و ابی رافع مولای آن حضرت صلی الله علیه وسلم و ابی امامه باهلی و عمار بن یاسر
و ابی برده بن نیار و عبد الله بن اوفی و عبد الرحمن بن بشیر بن مسعود و جابر بن سمره و ابی امامه

بن سہل بن حنیف و مالک بن حویرث و عبد اللہ بن جزء زبیدی و ابی ذر غفاری و عبد اللہ بن عباس و واثلہ بن اسقع و عبد اللہ بن عمرو بن عاص و سعد بن عمیر انصاری از پدر خود عمر کہ بدری بود و حسن از بن مسعود رضی اللہ عنہم ابن عاصی کان اللہ لہ میگوید کہ مراد از تواتر مذکور تواتر معنوی است زیرا کہ حدیث متواتر بتواتر لفظی بقولی غیر موجود است و بقول ابن صلاح یک حدیث و بقول ابن جوزی شش حدیث است و حدیث صلوۃ دران مذکور نیست واللہ اعلم روایت کردہ است مسلم از طریق عبد اللہ بن عمرو بن عاص رضی اللہ عنہ کہ او از پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم شنید مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَلٰوۃً وَّاحِدَۃً صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ عَشْرًا ہر کہ درود فرستد بر من یک درود صلوۃ فرستد خدا تعالی بر آنکس دہ بار روایت کردہ است نسائی از طریق انس رضی اللہ عنہ کہ گفت وی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَلٰوۃً وَّاحِدَۃً صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَّحُطَّتْ عَنْہُ عَشْرُ خَطِیْئَاتٍ وَّرُفِعَتْ لَہٗ عَشْرُ دَرَجَاتٍ ہر کہ درود فرستد بر من یک درود درود فرستد خدا تعالی بر آنکس دہ درود و بر داشتہ شود از وی دہ گناہ و بلند کردہ شود برای او دہ درجہ روایت کردہ اند دارمی و احمد و ابن حبان و حاکم و نسائی از طریق ابی طلحہ رضی اللہ کہ روزی بیرون آمد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم درحالیکہ سرور در چہرہ مبارکش محسوس میشد صحابہ گفتند یا رسول اللہ می بینیم سرور در چہرہ تو فرمود اَتَانِی الْمَلَکُ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ اَمَا یُرْضِیْکَ اَنَّ رَبَّکَ عَزَّ وَجَلَّ یَقُوْلُ اِنَّہٗ لَا یُصَلِّیْ عَلَیْکَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِکَ اِلَّا صَلَّیْتُ عَلَیْہِ عَشْرًا وَّلَا یُسَلِّمُ عَلَیْکَ اَحَدٌ مِّنْ اُمَّتِکَ اِلَّا سَلَّمْتُ عَلَیْہِ عَشْرًا آمد مرا فرشتہ پس گفت ای محمد آیا راضی نمیکند ترا اینکہ بدرستی پروردگار تو عز و جل میگوید کہ بدرستی شان اینست کہ درود نفرستد بر تو ہیچ کس از امت تو مگر کہ درود فرستم بر آنکس دہ بار و سلام نگوید بر تو ہیچ کس از امت تو مگر کہ سلام گویم بر آنکس دہ بار روایت کردہ است ترمذی بسند حسن و بزار از حدیث عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہما کہ گفت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم اَوْلَی النَّاسِ بِیْ یَوْمَ الْقِیَامَۃِ اَکْثَرُہُمْ عَلَیَّ صَلٰوۃً نزدیکترین مردم بمن در روز قیامت زیادہ ترین آنہا است از روی صلوۃ بر من روایت کردہ اند ابو داود و نسائی و ابن ماجہ از طریق اوس بن اوس رضی اللہ عنہ کہ گفت وی صلی اللہ علیہ وسلم اِنَّ مِنْ اَفْضَلِ اَیَّامِکُمْ یَوْمَ الْجُمُعَۃِ فَاَکْثِرُوْا عَلَیَّ مِنَ الصَّلٰوۃِ فِیْہِ فَاِنَّ صَلٰوتَکُمْ مَعْرُوْضَۃٌ عَلَیَّ قَالُوْا یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ وَکَیْفَ تُعْرَضُ صَلٰوتُنَا عَلَیْکَ وَقَدْ اَرِمْتَ یعنی بلیت قَالَ اِنَّ اللّٰہَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ عَلَی الْاَرْضِ اَنْ تَاْکُلَ اَجْسَادَ الْاَنْبِیَاءِ بدرستی از فاضلترین روزہای شما است روز جمعہ پس زیادہ کوشید بر من از صلوۃ دران پس بدرستیکہ صلوۃ شما عرض کردہ شدنی است بر من گفتند اصحاب یا رسول اللہ چگونہ عرض کردہ شود صلوۃ ما بر تو درحالیکہ تحقیق پوسیدہ شوی فرمود کہ بدرستی خدای عز و جل حرام کردہ است بر زمین خوردن جسدہای پیغمبران روایت کردہ است ابو داود در سنن خود از طریق ابی ہریرہ رضی اللہ عنہ کہ گفت وی صلی اللہ علیہ وسلم لَا تَجْعَلُوْا قَبْرِیْ عِیْدًا وَّصَلُّوْا عَلَیَّ فَاِنَّ

صَلٰوتَکُمْ تَبْلُغُنِیْ حَیْثُ کُنْتُمْ مگردانید قبر مرا عید یعنی مثل عید که بعد گذشتن تمام سال می آید بلکه زیارت آن اکثر کنید و درود فرستید بر من پس بدرستیکه درود شما میرسد مرا هر جا که باشید شما روایت کرده است ابوداود از طریق ابی هریره رضی الله عنه که گفت آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم مَا مِنْ اَحَدٍ یُسَلِّمُ عَلَیَّ اِلَّا رَدَّ اللّٰهُ عَلَیَّ رُوْحِیْ حَتّٰی اَرُدَّ عَلَیْهِ السَّلَامَ نیست هیچ یکی که سلام گوید بر من مگر که باز آرد خدایتعالی بر من روح مرا یعنی نطق مرا تا که رد کنم بر آنکس جواب سلام روایت کرده است ترمذی از طریق ابی هریره رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم رَغِمَ اَنْفُ رَجُلٍ ذُکِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ خوار گردید و بخاک رسید بینی کسیکه ذکر کرده شوم نزد او پس درود نفرستاد بر من روایت کرده است ترمذی از طریق امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم اَلْبَخِیْلُ مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهٗ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ بخیل کسی است که ذکر کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من روایت کرده است ابن صخر از طریق عامر بن ربیعه رضی الله عنه که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَلٰوةً صَلَّتْ عَلَیْهِ الْمَلٰئِکَةُ مَا صَلّٰی عَلَیَّ فَلْیُقَلِّلْ عَبْدٌ مِنْ ذٰلِکَ اَوْ لِیُکْثِرْ کسی که درود فرستد بر من صلوة فرستادنی درود فرستند بر آنکس فرشتگان چندانکه درود گوید آنکس بر من پس باید که کم کند بنده از صلوة یا زیاده کند روایت کرده اند مسلم و نسائی از طریق عبد الله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما که گفت وی صلی الله علیه واله وسلم اِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُوْلُوْا مِثْلَ مَا یَقُوْلُ ثُمَّ صَلُّوْا عَلَیَّ فَاِنَّهٗ مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ مَرَّةً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوْا لِیَ الْوَسِیْلَةَ فَاِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِی الْجَنَّةِ لَا یَنْبَغِیْ اِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللّٰهِ وَاَرْجُوْ اَنْ اَکُوْنَ اَنَا هُوَ فَمَنْ سَاَلَ لِیَ الْوَسِیْلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ چون بشنوید اذان موذن را پس بگوئید مانند آنچه موذن میگوید پس تر درود گوئید بر من پس بدرستی هر که درود گوید بر من یکبار درود گوید خدایتعالی بر وی در مقابله درود او ده بار پس تر بخواهید برای من وسیله پس بدرستیکه آن منزلتی است در بهشت که نمی سزد مگر برای بنده از بندگان خدایتعالی و امید دارم که باشم من آن بنده پس کسیکه بخواهد برای من وسیله لازم شود برای آنکس شفاعت من روایت کرده است ترمذی از طریق فضاله بن عبید رضی الله عنه که روزی آنحضرت صلی الله علیه واله وسلم نشسته بود پس بیامد مردی پس نماز گذارد و گفت اللّٰهم اغفر لی وارحمنی پس فرمود وی صلی الله علیه واله وسلم عَجِلْتَ اَیُّهَا الْمُصَلِّیْ اِذَا صَلَّیْتَ فَقَعَدْتَ فَاحْمَدِ اللّٰهَ بِمَا هُوَ اَهْلُهٗ وَصَلِّ عَلَیَّ ثُمَّ ادْعُهٗ شتافتی ای مصلی چون نماز گذاری پس بنشین پس ستایش کن خدا را بچیزیکه او لایق آنست و درود بگو بر من پس تر دعا کن پس مردی دیگر نماز گذارد و حمد کرد خدایتعالی را و درود فرستاد بر وی صلی الله علیه وسلم پس گفت آن حضرت صلی الله علیه واله وسلم مر او را اَیُّهَا الْمُصَلِّیْ اُدْعُ تُجَبْ ای مصلی دعا کن مجاب شوی روایت کرده است این حدیث را طبرانی و ابن بشکوال نیز

ورجال آن ثقات اند مگر رشدین سعد لیکن حدیث او در رقائق مقبول است **روایت** کرده است ترمذی حسن
از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بعد گذشتن دو ثلث شب برمیخاست پس میگفت
یا ایها الناس اذکروا الله اذکروا الله جاءت الراجفة تتبعها الرادفة جاء الموت بما فیه جاء
الموت بما فیه قال ابی فقلت یا رسول الله انی اکثر الصلوة علیک فکم اجعل لک من صلوتی
قال ما شئت قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قلت فالثلثین قال ما شئت
وان زدت فهو خیر لک قلت اجعل لک صلوتی کلها قال اذا تکفی همک ویغفر ذنبک
ای آدمیان یاد کنید خدای تعالی را یاد کنید خدای تعالی را بیامد یعنی قریب شد راجفه یعنی نفخهٔ نخستین در پی آن آید رادفه یعنی نفخهٔ دویمین
یعنی قیامت قریب شد بیامد موت با آنچه در آن است از سکرات و معامله با خدای تعالی بیامد موت با آنچه در آن است
تکریر برای تاکید است گفت ابی بن کعب پس گفتم یا رسول الله بدرستیکه من زیاده میگویم درود بر تو پس چه قدر گردانم
و هدیه کنم مر ترا از درود من آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر چه بخواهی گفتم چهارم حصه هدیه بکنم فرمود هر چه بخواهی
و اگر زیاده کنی پس آن بهتر است مر ترا گفتم پس دو ثلث هدیه کنم فرمود هر چه بخواهی و اگر زیاده کنی پس آن بهتر
است مر ترا گفتم میگردانم و هدیه میکنم برای تو همه درود من فرمود آنگاه بس کرده شود اندوه تو و آمرزیده شود
گناه تو و در تحفة الغریب بعد قول او قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک این عبارت
زیاده کرده است قال الثلث قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قال النصف قال ما شئت
وان زدت فهو خیر لک قال الثلثین الخ و در کتاب در منضود این عبارت نیست و در روایتی بجای
دو ثلث شب ربع شب است چون ربع شب بگذشت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم برمیخاست حاکم در مستدرک
گفته که اسناد این حدیث صحیح است **دقیقه** گفته اند که مراد از صلوة درین حدیث حقیقت آن است و مضاف
مقدر است یعنی جعلت ثواب صلواتی کلها و مقصود از آن یا نفس ثواب است یا مثل آن و در آن دلیل واضح است
بر نیکه درود گوید بعد فراغ از آن بگوید هدیه کردم ثواب آن بسوی روح پر فتوح سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم کذا قال
الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و بعضی گفته اند که مراد از صلوة اینجا دعاست چنانچه در روایتی مرسل یا معضل آمده اتانی
آت من ربی فقال ما من عبد یصلی علیک صلوة الا صلی الله علیه عشرا فقال یا رسول الله
اجعل لک نصف دعائی فقال ما شئت قال الثلثین قال ما شئت قال اجعل دعائی کله لک قال
اذا یکفیک الله هم الدنیا وهم الآخرة آمد مرا آینده از نزد کار من پس گفت که نیست هیچ بنده که درود فرستد بر تو
یکبار مگر درود فرستد خدای تعالی بران بنده ده بار پس گفت ابی بن کعب یا رسول الله بگردانم برای تو نصف دعای
من پس فرمود هر چه بخواهی گفت بگردانم دو ثلث فرمود هر چه بخواهی گفت بگردانم دعای من همه برای تو فرمود آنگاه

بس کند خدایتعالی مر ترا اندوه دنیا و اندوه آخرت را و معنی روایت اولی چنین شد که زیاده میکنم دعا پس چه قدر کردانم
از دعای من صلوة بر تو و حاصل معنی بر دو روایت آنکه مرا زمانی است که دعا میکنم برای نفس خود در آن پس چه قدر از آن
زمان صرف کنم در صلوة بر تو ابن عاصی عفی الله عنه میگوید که این معنی را سیاق روایت اولی آبی است زیرا که قول ابی بن کعب
انی اکثر الصلوة علیک احتمال ندارد که از آن دعا برای نفس خود اراده کرده شود والله اعلم مخفی نماند که آنحضرت
صلی الله علیه و آله وسلم در جواب سوال ابی بن کعب رضی الله عنه را اول و هله حد معین نفرمود و هر بار تفویض اختیار با مراعات
تخصیص بمزید آن نمود تا باب از دیاد ثواب برو منغلق نکردد تا آنکه گفت اجعل لك صلوتی کلها پس فرمود اذا تکفی
همك روایت کرده است بزار از طریق رویفع بن ثابت رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و آله وسلم من صلی
علی محمد وقال اللهم انزله المقعد المقرب عندك یوم القیمة وجبت له شفاعتی هر که درود فرستد بر محمد
صلی الله علیه و آله وسلم و گوید ای خدایتعالی فرود آر او را در منزلیکه نزدیک کرده شده است بتو در روز قیامت واجب و لازم
شود برای آنکس شفاعت من و جایز است که مقرب اسم فاعل باشد از تقریب یعنی منزلیکه نزدیک کننده است بتو روایت
کرده است بزار از طریق عمار بن یاسر رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم ان الله وکل بقبری ملکا اعطاه
اسماع الخلائق فلا یصلی علی احد الی یوم القیمة الا بلغنی باسمه واسم ابیه هذا فلان بن فلان
قد صلی علیک بدرستی خدایتعالی مقرر کرده است نزد قبر من فرشته که عطا کرده است او را اسماع همه خلائق پس درود نفرستد
بر من هیچ یکی تا روز قیامت مگر که میرساند مرا نام او و نام پدر او که این فلان پسر فلان تحقیق درود فرستاد بر تو روایت
کرده است ابن وهب رضی الله عنه که گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم ما من مسلم صلی علی عشرا فکانما اعتق رقبة
است هیچ مسلمان که درود فرستاد بر من ده بار پس گویا که آزاد کرد ایک رقبه روایت کرده است قشیری بسند خود از ابن عباس رضی الله
عنهما که گفت وحی کرد الله تعالی بسوی موسی صلی الله علی نبینا و علیه وسلم انی جعلت فیك عشرة آلاف سمع حتی
سمعت کلامی وعشرة آلاف لسان حتی اجبتنی واحب ما یکون واقربه اذا اکثرت من الصلوة
علی محمد بدرستی کردانیدم در تو ده هزار سمع تا که شنیدی سخن مرا و کردانیدم در تو ده هزار زبان تا که جواب دادی مرا و دوست
ترین چیزیکه باشد و نزدیکترین آن است نزد من چون زیاده کنی از صلوة بر محمد صلی الله علیه و آله وسلم و مراد از دادن ده هزار سمع
و ده هزار لسان نیست الا تقویت سمع و زبان او داده است که طاقت مخاطبت و مکالمت خدایتعالی پیدا کرد روایت
کرده است ابو هریرة رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم من صلی علی فی کتاب لم تزل الملائکة
تستغفر له ما دام اسمی فی ذلك الکتاب هر که درود فرستد بر من در کتابی همیشه فرشتکان طلب مغفرت کنند برای
آنکس تا که باشد نام من در آن کتاب روایت کرده است امیر المومنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه که گفت وی صلی الله
علیه و آله وسلم صلوتکم علی محرزة لدعائکم ومرضاة لربکم وزکوة لابدانکم درود شما بر من کذرانده است

مر دعای شما را و رضامندیست مر پروردگار شما را و پاکی است مر بدنهای شما را یعنی از گناهان روایت کرده است ابن شهاب
زهری رحمه الله که رسیده است مرا از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود اکثروا من الصلوة علی فی هذه اللیلة الزهرا
والیوم الازهر فانهما یؤدیان عنکم زیاده کنید از صلوة بر من درین شب روشن و درین روز روشن یعنی روز جمعه و شب آن پس
بدرستی که آن هر دو ادا کنند از شما یعنی حق ما را روایت کرده است ابن عدی در کامل و غیر او که گفت وی صلی الله علیه و آله و سلم
صلوا علی صلی الله علیکم درود گوئید بر من درود خواهد گفت خدایتعالی بر شما و نیز فرمود صلوا علی فان الصلوة علی
کفارة لکم و زکوة فمن صلی علی صلوة صلی الله علیه عشرا درود گوئید بر من پس بدرستیکه صلوة بر من
برای شما کفارت ذنوب است مر شما را و زکوة است پس هر که درود فرستد بر من یک درود فرستد خدایتعالی بر آن کس ده درود
روایت کرده است دیلمی بلا اسناد که گفت آنحضرت صلی الله علیه و سلم صلوا علی فانها لکم اضعافا
مضاعفة درود گوئید بر من پس بدرستیکه آن مر شما را دو چند است دو چند کرده شده روایت کرده است
ابن مسعود رضی الله عنهما که گفت وی صلی الله علیه و سلم اذا صلیتم علی فاحسنوا الصلوة فانکم لا تدرون لعل
ذلک تعرض علی قولوا اللهم اجعل صلواتک و رحمتک و برکاتک علی محمد و علی آل محمد کما جعلتها
علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید هرگاه صلوة گوئید بر من پس نیک کنید صلوة را پس بدرستیکه شما
نمی دانید شاید آن صلوة عرض کرده شود بر من بگوئید اللهم اجعل تا آخر در کتاب در منضود گفته که سند این روایت ضعیف
است روایت کرده شده است بسند مرسل انکم تعرضون علی باسمائکم و سیماکم فاحسنوا الصلوة
علی بدرستیکه شما عرض کرده میشوید بر من بنامهای شما و ذات شما پس نیک گوئید درود بر من روایت کرده شده
است بسندی ضعیف که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بکاء الصغیر الی شهرین شهادة ان لا اله الا
الله والی اربعة اشهر التقرب بالله والی ثمانیة اشهر الصلوة علی النبی صلی الله علیه و سلم
والی سنتین استغفار لوالدیه فاذا استسقی انبع الله له من ضرع امه عینا من الجنة
فیشرب فیجزیه من الطعام والشراب گریه طفل تا دو ماه گواهی دادن است بانیکه نیست معبود بحق جز خدایتعالی
و گریه او تا چهار ماه این است که اعتماد بر خدایتعالی است و گریه او تا هشت ماه درود بر نبی صلی الله علیه و سلم و گریه او تا دو سال
طلب مغفرت است برای پدر و مادر او پس هرگاه آب بخواهد طفل می برآرد خدایتعالی برای او از پستان مادر او چشمه از جنت پس
مینوشد از آن پس کفایت میکند او را از طعام و شراب روایت کرده شده است لا تضربوا اولادکم علی
بکائهم سنة فان اربعة اشهر منها یشهد ان لا اله الا الله و اربعة یصلی علی و اربعة اشهر
یدعو لوالدیه نزنید اولاد شما را بر گریه ایشان در یک سال پس بدرستیکه چهار ماه از آن گواهی میدهد بانیکه نیست
معبود بحق جز خدایتعالی و چهار ماه درود میگوید بر من و چهار ماه دعا میکند برای پدر و مادر خود و این هر دو روایت مذکور اند

در کتاب منضود روایت کرده است ابن مبارک و سعید بن منصور بسند مرسل از حسن بصری رضی الله عنه که گفت وی صلی
الله علیه وسلم بحسب المرء من البخل ان اذکر عنده ولا یصلی علی بس است مرد را از بخل اینقدر که ذکر کرده شوم نزد او و درود
نگوید بر من روایت کرده است دیلمی از طریق انس رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی یوم الجمعة
مائة مرة غفرت له خطیئة ثمانین سنة هر که درود فرستد بر من روز جمعه صد بار آمرزیده شود مر او را گناه هشتاد سال
ابو طالب مکی رحمه الله در کتاب قوت القلوب و امام محمد غزالی رحمه الله در احیاء علوم آورده اند من صلی علی یوم الجمعة ثمانین
مرة غفر الله عز وجل له ذنوب ثمانین سنة قیل یا رسول الله کیف الصلوة علیک قال تقول اللهم صل
علی محمد عبدک ونبیک ورسولک النبی الامی وتعقد واحدة هر که درود گوید بر من روز جمعه هشتاد بار بیامرزد
خدای عز وجل مر او را گناهان هشتاد ساله گفته شد که یا رسول الله چگونه است صلوة بر تو فرمود که بگوئی اللهم صل تا آخر و عقد کنی یک
انگشت را و شیخ ابو عبد الله بن ثابت و غیر او مقید کرده اند این روایت را به لفظ بعد عصر الجمعة و توفیق میان روایتین که در یکی صد بار
درود و در دیگری هشتاد بار است ظاهر است زیرا که روایت اولی از تعیین درود و تعیین وقت هر دو خالی است و روایت ثانیه مقید است
والله اعلم روایت کرده است ابوهریره رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم للمصلی علی نور علی
الصراط ومن کان من اهل النور لم یکن من اهل النار مر کسی را که درود گوید بر من نوری خواهد بود بر صراط و هر که از اهل نور است
نباشد از اهل آتش آورده است این حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر روایت کرده است ابن ماجه بسند حسن از حدیث ابن
عباس رضی الله عنهما من نسی الصلوة علی اخطأ طریق الجنة هر که ترک کند صلوة را بر من خطا کند راه بهشت را
مراد از نسیان ترک است زیرا که بر نسیان بمعنی غفلت مواخذه نیست روایت کرده است عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه
که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم جاءنی جبرئیل علیه السلام وقال یا محمد لا یصلی علیک احد الا صلی علیه
سبعون الف ملک ومن صلت علیه الملائکة کان من اهل الجنة آمد مرا جبرئیل علیه السلام و گفت ای محمد درود
نفرستد بر تو هیچ یکی مگر که درود فرستد بروی هفتاد هزار فرشته و هر که درود فرستد بروی فرشتگان باشد آنکس از اهل بهشت آورده است این
حدیث را ابن فرحون در کتاب زاهر روایت کرده اند حاکم و بیهقی در شعب الایمان و احمد در مسند خود از حدیث عبد الرحمن بن
عوف رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم ان جبرئیل بشرنی وقال ان ربک یقول من صلی علیک صلیت
علیه ومن سلم علیک سلمت علیه فسجدت لله شکرا بدرستیکه جبرئیل علیه السلام بشارت داد مرا و گفت
که بدرستی پروردگار تو میگوید هر که درود فرستد بر تو درود فرستم بروی و هر که سلام گوید بر تو سلام گویم بروی پس سجده کردم مر خدای تعالی
را برای شکر روایت کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثرکم علی صلوة اکثرکم ازواجا
فی الجنة زیاده ترین شما از روی صلوة بر من زیاده ترین شما است از روی زنان در بهشت ذکر کرده است این حدیث را ابن ودعة
بلا نسبت بکسی روایت کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم من صلی علی صلوة تعظیما

الجوّ خلق الله عزّ وجلّ من ذلك القول ملكاً له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مغروزتان في الا
السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله عزّ وجلّ له صلّ على عبدي كما صلّى على نبيّي
فهو يصلّي عليه إلى يوم القيمة هركه درود فرستد بر من بيك وروى براى تعظيم حق من پيدا كند خدا تعالى از آن قول فرشته كه او راست
بازوى بمشرق وبازوى ديگر بمغرب وهر دو پاى او ثابت در زمين هفتم زيرين وگردن او متصل بعرش بگويد خدا تعالى مر او را درود فرست
بر بنده من چنانچه درود فرستاد او بر پيغمبر من پس آن فرشته درود فرستد بر آن بنده تا روز قيامت ذكر كرده است اين حديث را ابن سبع
بدون ذكر صحابى ومخرج وبعضى نسبت بانس رضى الله عنه كرده اند وشيخ ابن حجر مكى رحمه الله در كتاب درّ منضود آنرا بتفاوت بعض الفاظ
آورده وگفته كه حديث منكر است **روايت** كرده است ابو موسى مدينى از طريق ابى هريرة رضى الله عنه من صلّى علىّ
عشراً صلّى الله عليه مائة ومن صلّى علىّ مائة صلّى الله عليه ألفاً ومن زاد صبابة وشوقاً كنت له
شفيعاً وشهيداً يوم القيمة هركه درود فرستد بر من ده بار درود فرستد خدا تعالى بر وى صد بار وهركه درود فرستد بر من صد بار
درود فرستد خدا تعالى بر وى هزار بار وهركه زياده كند عشق وآرزومندى من بار زياده كند درود را از روى عشق وآرزومندى خواهم شد
مر او را شفاعت كننده وگواهى دهنده در روز قيامت در لفظ زاد صبابة احتمال دارد كه صبابة مفعول باشد يا مفعول محذوف
است يعنى زاد الصلوة وصبابة تميز است ولهذا در ترجمه آن ترديد نموده شد **روايت** كرده است ابو الربيع بن سبع در كتاب شفاء
الصدور از طريق ابن عباس از اكابر اصحاب رضى الله عنهم من صلّى علىّ واحدة صلّى الله عليه عشراً ومن صلّى
علىّ عشراً صلّى الله عليه مائة ومن صلّى علىّ مائة صلّى الله عليه ألفاً ومن صلّى علىّ ألفاً زاحمت كتفي كتفه
على باب الجنّة هركه درود گويد بر من يكبار درود گويد خدا تعالى بر وى ده بار وهركه درود گويد بر من ده بار درود گويد خدا تعالى
بر وى صد بار وهركه درود گويد بر من صد بار درود گويد خدا تعالى بر وى هزار بار وهركه درود گويد بر من هزار بار ضم آيم ومتصل شود
شانه او بشانه من بر در جنّت شيخ ابن حجر مكى رحمه الله از سخاوى نقل كرده كه بر اصل اين حديث تا هنوز واقف نشدم **روايت**
كرده شده است از وى صلّى الله عليه وسلم من صلّى علىّ مرّة واحدة صلّى الله عليه عشر مرّات ومن صلّى علىّ عشر
مرّات صلّى الله عليه مائة مرّة ومن صلّى علىّ مائة مرّة صلّى الله عليه ألف مرّة ومن صلّى علىّ ألف مرّة
حرّم الله جسده على النار وثبّته بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة عند المسئلة وادخله
الجنّة وجاءت صلوته علىّ نوراً له يوم القيمة على الصراط مسيرة خمسمائة عام وأعطاه الله بكلّ صلوة
صلّاها قصراً في الجنّة قلّ ذلك أو كثر معنيش تا الف مرة در ترجمه روايت سابقه معلوم شد لزما بعد آن نوشته شود
هركه درود گويد بر من هزار بار حرام گرداند خدا تعالى جسد آنكس بر آتش دوزخ وثابت گرداند او را بقول ثابت در زندگى دنيا ودر آخرت
نزد سوال ودر آرد او را در بهشت وبيايد درود او كه بر من فرستاده است در حاليكه نور است مر او را روز قيامت بر صراط تا راه پانصد سال
وعطا كند او را خدا تعالى در مقابل هر صلوتيكه فرستاده است آنرا بر وى صلّى الله عليه وسلم كوشكى در بهشت اندک باشد الصلوة يا بسيار

آورده است این روایت را ابن ودعه بلا سند روایت کرده شده است که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم ما من
عبدٍ صلّى عليّ الا خرجت الصلوة مسرعةً من فيه فلا يبقى برٌّ ولا بحرٌ ولا شرقٌ ولا غربٌ الا وتمرّ
به وتقول انا الصلوة فلان بن فلان صلّى على محمد المختار خير خلق الله فلا يبقى شيٌ الا وصلّى عليه
ويخلق من تلك الصلوة طائرٌ له سبعون الف جناحٍ في كل جناحٍ سبعون الف ريشةٍ في كل ريشةٍ سبعون
الف وجهٍ في كل وجهٍ سبعون الف فمٍ في كل فمٍ سبعون الف لسانٍ كل لسانٍ يسبّح الله تعالى بسبعين الف
لغةٍ ويكتب الله له ثواب ذلك كله نیست هیچ بنده که درود فرستاد بر من مگر که بیرون آید آن درود درحالیکه شتاب
کننده است از دهن آنکس پس باقی نمی ماند بر و نه بحر و نه شرق و نه غرب مگر که میگذرد آن صلوة بر آن و میگوید من درود فلان پسر فلان
ام که فرستاده است بر محمد مختار صلی الله علیه وسلم که بهترین مخلوقات الهی است پس هیچ چیز باقی نماند مگر درود گوید برو و پیدا کرده شود
ازان صلوة پرنده که باشد او را هفتاد هزار بازو در هر بازو هفتاد هزار بال در هر بال هفتاد هزار روی در هر روی هفتاد هزار دهن در هر
دهن هفتاد هزار زبان هر زبان تسبیح کند خدای تعالی را به هفتاد هزار لغت و بنویسد خدای تعالی برای آنکس ثواب تمام آن تسبیح این حدیث
را شیخ محمد جزولی رحمه الله در کتاب دلائل الخیرات بلا سند آورده است و شارحش در مطالع المسرات گفته که بر اصل این
مطلع نشدم روایت کرده است ابو نعیم در حلیه از طریق علی بن الحسین از امام حسین از امیر المؤمنین علی رضی الله عنهم که
گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم من صلّى عليّ يوم الجمعة مائة مرةٍ جاء يوم القيمة ومعه نورٌ
لو قسّم ذلك النور بين الخلق كلّهم لوسعهم هر که درود گوید بر من روز جمعه صد بار بیاید در روز قیامت
درحالیکه باشد با او نوری که اگر قسمت کرده شود آن نور را در میان همه مخلوقات هر اینه گنجایش کند همه را روایت کرده است
مستغفری از طریق جابر بن عبد الله رضی الله عنهما که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم من صلّى عليّ في كل يوم مائة
مرةٍ قضيت له مائة حاجةٍ منها ثلاثون للدنيا وسائرها للآخرة هر که درود فرستد بر من در هر روز
صد بار روا کرده شود برای او صد حاجت از آن سی حاجت در دنیا و باقی در آخرت روایت کرده شده است
که گفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم كل الاعمال فيها المقبول والمردود الا الصلوة عليّ فانها نورٌ لكم يوم
القيمة همه اعمال دران بعض مقبول و بعض مردود است مگر درود بر من پس بدرستیکه آن نور است شما را در روز قیامت روایت
کرده شده است که گفت وی صلی الله علیه وآله وسلم طهارة قلوب المؤمنين وغسلها من الصدا الصلوة
پاکی دلهای مومنان و شستگی آن از زنگ گناهان صلوة بر من است روایت کرده شده است که گفت وی صلی الله علیه وسلم
قال الله تعالى يا محمد جعلتك ذكرا من ذكري من ذكرك فقد ذكرني ومن احبك فقد
احبني گفت خدای تعالی مر وی صلی الله علیه وسلم را ای محمد گردانیدم ترا ذکری از ذکر من هر که یاد کند ترا پس بالتحقیق
یاد کرد مرا و هر که دوست دارد ترا پس بالتحقیق دوست داشت مرا گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم من ذكرني فقد

ذکر اللّٰه ومن احبّنی فقد احبّ اللّٰه هرکه یاد کند مرا پس بتحقیق یاد کرده خدای تعالی را و هرکه دوست دارد مرا پس بتحقیق
دوست داشت خدای تعالی را آورده است این هرسه روایت را در تحفة الغریب بدون اسناد روایت کرده است طبرانی
وابن مردویه وثعلبی وغیر ایشان بسندیکه در ان یکی از رواة متروک الحدیث است که صحابه گفتند یا رسول اللّٰه ارأیت قول
اللّٰه عزّ وجلّ انّ اللّٰه وملائکته یصلّون علی النبی فقال علیه الصلوٰة والسلام انّ هذا من
العلم المکنون ولولا انّکم سألتمونی عنه ما اخبرتکم به انّ اللّٰه عزّ وجلّ وکّل بی ملکین
فلا اذکر عند عبد مسلم فیصلّی علیّ الّا قال ذانک الملکان غفر اللّٰه لک وقال اللّٰه عزّ
وجلّ جوابا لذینک الملکین آمین ای رسول اللّٰه آیا دیدی قول خدای عزّ وجلّ را که میگوید انّ اللّٰه وملائکته
یصلّون علی النبی یعنی از راه تعجب این شان عظیم و از تحریم استفهام از حقیقت حال آن نمودند پس فرمود آنحضرت صلی اللّٰه
علیه وسلم که این از علم مکنون و سر مخزون است که بدان سوال کردید و اگر نمی پرسیدید شما از آن خبر نمی کردم شما را بدان بدرستیکه
خدای عزّ وجلّ مقرر کرده است برای من دو فرشته پس یاد کرده نمیشوم نزد هیچ بندهٔ مسلمان و او بر من صلوٰة فرستد الّا که آن دو
فرشته او را دعا کنند و گویند غفر اللّٰه لک و میگوید خدای تعالی در جواب آن دو فرشته آمین و در روایت تفسیر مدارک زیاده کرده است
لفظ وملائکته بعد قال اللّٰه عزّ وجلّ و بعد آمین این عبارت است ولا اذکر عند عبد مسلم فلا یصلّی
علیّ الّا قال ذانک الملکان لا غفر اللّٰه لک وقال اللّٰه وملائکته لذینک الملکین آمین
و یاد کرده نمیشوم نزد هیچ بندهٔ مسلمان و او بر من درود نفرستد مگر که آن دو فرشته بد دعا میکنند او را و میگویند لا غفر
اللّٰه لک و گوید خدای تعالی و ملائکه او در جواب آن دو فرشته آمین و این روایت را حسین کاشفی در تحفة الصلوٰة از تفسیر
لباب آورده بحواله تفسیر کشاف و ثعلبی نموده روایت کرده اند جمعی از محدثین بسندی بسیار ضعیف که گفت
صلی اللّٰه علیه وآله وسلم یا ایّها الناس انّ انجاکم یوم القیٰمة من اهوالها ومواطنها اکثرکم علیّ
صلوٰة فی دار الدنیا ای مردم بدرستی نجات یابنده تر از شما در روز قیامت از هولهای آن و مواطن آن زیاده
ترین شما است از روی صلوٰة بر من در دار دنیا روایت کرده شده است اکثروا من الصلوٰة علیّ لانّ
اوّل ما تسألون فی القبر عنّی زیاده کنید از صلوٰة بر من زیرا که بدرستی اول سوال کرده شوید در قبر از من سخاوی
گفته که بر سند این روایت واقف نشدم روایت کرده شده است الصلوٰة علیّ نور یوم القیٰمة عند ظلمة
الصراط ومن اراد ان یکتال بالمکیال الاوفی یوم القیٰمة فلیکثر من الصلوٰة علیّ
درود بر من نور است در روز قیامت نزد تاریکی صراط و هر که اراده کند که پیموده شود ثواب او به پیمانه وافی ترین در روز قیامت
پس باید که زیاده کند از صلوٰة بر من شیخ ابن حجر مکی رحمه اللّٰه گفته که اصل این روایت معلوم نشد روایت کرده شده
است بسند ضعیف از ابوذر غفاری رضی اللّٰه عنه که وصیت کرد مرا آنحضرت صلی اللّٰه علیه وآله وسلم باینکه نماز ضحی یکدم

در سفر و حضر و در خواب نروم مگر بعد ادای آن و بترو گفتن صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم ذکر کرده است ابن حجر رحمه الله در کتاب صلوة الاحسان
که آدم علی نبینا و علیه الصلوة والسلام چون خواست قربت حوا پس حق از و مهر خود طلبید پس آدم علیه السلام از خدای تعالی سوال کرد که چه دهم
و حق تعالی فرمود ای آدم درود بگو بر دوست یگانه و برگزیده من محمد بن عبد الله بیست بار پس آدم علیه السلام همچنین کرد و جز این روایات
بسیار احادیث در باب صلوة وارد است انشاء الله المستعان در باب ثمرات صلوة و در باب سوالهن آن مذکور خواهد شد **منظر دوم**
در آثار و سنا ما که در باب فضیلت صلوة وارد است **آثار** مروی است از ابی بکر صدیق رضی الله عنه که صلوة بر آنحضرت صلی الله
علیه و آله وسلم محو کننده تر است مر گناهان را از آب سرد مر آتش را و سلام بروی صلی الله علیه وسلم افضل است از اعتاق رقاب مروی است
از عمر فاروق رضی الله عنه که دعا موقوف است میان آسمان و زمین و نمی رود بر آسمان تا که درود فرستی بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و همچنین مروی است
از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل کرده است تیمی از علی بن الحسین رضی الله عنهما که علامت اهل سنت کثرت صلوة است بر پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم صاحب تحفة الغریب از جد خود عبید الله عیدروس رحمه الله نقل کرده که او در بعض تصانیف خود گفته که بسیاری از
مسلمانان سعادتمند شده اند بسبب اشتغال در صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در شب جمعه و روز جمعه و بیشتر گناهکاران آمرزیده شده اند
گناهان ایشان بکثرت صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و هم وی از حاتم بن احمد اهدل رحمه الله نقل کرده که همه عبادات محتاج اند سوی
اخلاص و اما صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس مقبول است بهر نهج که باشد چون ادا شود بشروط آن مثل طهارت و اما اخلاص
و حضور قلب در آن پس مفید اسرار عجیبه است و از آن است رویت آنحضرت صلی الله علیه وسلم در منام بلکه چنان ترقی میشود که رویت وی
صلی الله علیه وسلم در بیداری حاصل گردد و هم وی از فقیه احمد با جابر رحمه الله نقل کرده که وی از شیخ ابی بکر صائم الدهر وصیت خواست
او رحمه الله فرمود که لازم گیر آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمده است زیاده از آن وصیت نمیکنم مگر اینکه لازم گیری استغفار
از حق تعالی و صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و از ابن عطا رحمه الله منقول است که دعا را ارکان و جناح و اسباب و اوقات است پس اگر دعا
موافق افتد ارکان را قوت گیرد و اگر موافق افتد جناح را پرواز کند در آسمان و اگر موافق افتد اوقات را فائز شود و اگر موافق افتد
با اسباب انجاح یابد ارکانش حضور قلب و رقت و استکانت و خشوع و تعلق دل بخدا و قطع از اسباب دنیا است و جناح آن صدق
است و اوقات آن اسحار و اسباب آن درود بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم است شیخ احمد بن عقبه رحمه الله در بعض وصایای خود گفته
که صلوة بروی صلی الله علیه وسلم وسیله سلوک و سلم عروج بخدای تعالی است اگر شیخ کامل یافته نشود و از سعود و شیخ زروق و شیخ ابو العباس
احمد بن موسی المشروع یمنی رحمهم الله نیز همچنین منقول است کذا فی مطالع المسرات از شیخ شهاب فارانی مکی رحمه الله منقول است
که شیخ شهاب الدین احمد بن محمد عمودی از بعض مشایخ خود رحمهم الله حکایت کرده که در آخر زمان سلوک طریق به تربیت کم
گردد و وصول بخدای تعالی نشود مگر بصلوة بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم و ابن عطاء الله رحمه الله گفته که حاصل کلام شیخ اینکه
سالک ابتدا کند بصلوة بر سید کائنات صلی الله علیه و آله وسلم و بعد بکر از اذکار مشغول نگردد زیرا که وی صلی الله علیه و آله وسلم
واسطه است میان ما و خدای تعالی و تعلق بواسطه متقدم است و در دلائل الخیرات از بعض صحابه رضی الله عنهم نقل کرده که هر مجلسی که

دران ورود فرستاده شود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم خوشبوئی سبک از ان مجلس برآید تا به آسمان میرود و فرشتگان میگویند که این
مجلسیست که دران درود فرستاده شده است بر محمد صلی الله علیه وسلم شیخ ابو جعفر بن رواعه رحمه الله از حدیث بعض صحابه رضوان الله علیهم
آورده که نیست هیچ موضعی که دران ذکر آنحضرت صلی الله علیه وسلم شود یا بروی درود گفته شود مگر بر میدارد از ان خوشبوئی و آسمان ها را شگافته
تا بعرش میرسد یا بعد از آن بو را همه مخلوقات مگر آدمیان و جنیان پس اگر ایشان بشنوند ترک بکنند معاش را در لذت آن مشغول گردند
و هر که از ملائکه و غیرهم آن رایحه یابد دعا بمغفرت کند برای مردم آن مجلس و نوشته شود در حسنات برای اهل آن مجلس یکیکس باشند یا صد هزار یکی
از اجر آن با این عدد و شراح دلائل الخیرات نوشته اند که ثابت شده است که از قبر شیخ ابی عبد الله جزولی مولف دلائل الخیرات رحمه الله
بوی مشک می آید بسبب کثرت صلوة بروی صلی الله علیه وعلی آله وسلم و در بعضی از اخبار است که چون بنده مومن شروع کند در صلوة
بروی صلی الله علیه وسلم مفتوح کرده شود برای او ابواب آسمان و سرادقات تا بعرش پس همه ملائکه درود میفرستند بروی صلی الله علیه وآله وسلم
و دعا بمغفرت میکنند برای آن بنده تا وقتیکه خدایتعالی خواسته باشد شیخ ابن حجر مکی رحمه الله آورده که مردی از بنی اسرائیل مرد او را
دفن نکرده انداختند پس وحی آمد بسوی موسی صلی الله علی نبینا و علیه السلام که غسل دهید او را و نماز گذارد بر او که من او را مغفور
کرده ام موسی صلی الله علی نبینا و علیه وسلم استفسار سبب آن نمود حقتعالی فرمود که آن شخص روزی توریت بگشاد و یافت دران نام محمد صلی الله علیه وسلم
را پس درود فرستاد بروی صلی الله علیه وسلم از انجهت ورا امرزیدم در تاج العروس گفته که هر که خواهد استدراک صلوة هاء
صلوة که بکثرت فوت شده اند باید که لازم گیرد درود بر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم زیرا که یک صلوة خدایتعالی راجح
شده است از طاعات همه عمر چرا که صلوة بنده بقدر وسع طاقت اوست و صلوة خدایتعالی بحسب ربوبیت او خواهد بود پس گاه یک صلوة
خدا این حکم وارد پس چه سان خواهد بود ده صلوة او تعالی در مقابله یک صلوة بنده نازل شود کما جاء فی الحدیث الصحیح
پرسیده شد امام غزالی رحمه الله از معنی صلوة خدا بر کسی که صلوة فرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و از معنی صلوة ما بروی صلی الله
علیه وسلم جواب داد که معنی صلوة خدا بروی صلی الله علیه وسلم و بر درود گوینده کان افاضه انواع کرامات و لطائف نعم است بر ایشان
و اما صلوة ما بروی صلی الله علیه وسلم و صلوة ملائکه که در آیه کریمه وارد است پس آن سوال و ابتهال است در طلب آن کرامت
و رغبت است در افاضه آن بروی صلی الله علیه وسلم و نیز وی رحمه الله پرسیده شد از سبب استدعاء صلوة از امت ایا
راحت می یابد وی صلی الله علیه وسلم از ان یا شفقت است بر امت خلاصه جواب پس اینکه استدعا صلوة از امت برای
سه چیز است یکی آنکه ادعیه مؤثر اند در استمداد از فضل الهی و استجلاب از دیاد کرامات حوض و شفاعت و نشر مقامات محموده
که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدان وعده فرموده غیر محدود است بر وجهیکه متصور میشود زیادت دران پس استمداد بادعیه موجب
زیادت آن است دویم آنکه راحت می یابد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدان چنانچه خود فرموده است که بدرستی مباهات میکنم
بشما بر سائر امم پس چنانچه راحت مییابد عالم در حیات خود بکثرت شاگردان و کثرت ثنای ایشان و دعای
ایشان کسی را که نیست برسد او نشان و بر کمال تاثیر ارشاد او در انها و بر کمال محبت و امر انهار السبب ارشاد او با ایشان پس

پس همچنان انبیا صلوات الله علیهم اجمعین احتیاج میباشند بکثرت امم و تبعیت که باشند ایشان را راحت در دعا و صلوة با سقوط حقوق
خمس خیر سوم شفقت بامت است بتحریص ایشان بر چیزیکه حسنه و موجب قربت است در حق ایشان بلکه صلوة تنها یک خیر نیست متضمن چند
حسنات است اول ایمان بخدا تعالی دویم ایمان برسول او صلی الله علیه وسلم سوم تعظیم وی صلی الله علیه وسلم چهارم عنایت بطلب کرامات
مروی صلی الله علیه وسلم را پنجم تجدید ایمان بروز قیامت و انواع کرامات آن ششم ذکر وی صلی الله علیه وسلم و عند ذکر الصالحین
تنزل الرحمة هفتم تعظیم الهی بسبب نسبت وی صلی الله علیه وسلم بسوی وی تعالی هشتم اظهار مودت وی صلی الله علیه وسلم و آنحضرت
صلی الله علیه وسلم اجر ابلاغ رسالت از امت درخواست نکرده مگر مودت در ذوی القربی نهم ابتهال و تضرع در دعا مغز عبادت
دهم اعتراف باینکه رجوع هر امر بوی تعالی است و نبی صلی الله علیه و آله وسلم با وصف جلالت قدر و فخامت مرتبه محتاج است بسوی فضل و رحمت
وی تعالی و مدد او **منامات** منقول است که عبدالله بن حکم امام شافعی رضی الله عنه را در خواب دید و پرسید که خدای
تعالی با تو چه کرد گفت رحم کرد و مغفرت نمود و مثل عروس مرا بجنت برد و نثار کرد بر من چنانچه بر عروس نثار میکنند پس گفتم باین مرتبه
از چه چیز رسیدم قایلی گفت که بسبب صلوتیکه بر محمد صلی الله علیه وسلم فرستاده در رساله تو عبدالله بن حکم گفته که پرسیدم از چگونگی آن
درود گفت وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا ذَكَرَهُ الذَّاكِرُونَ وَعَدَدَ مَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْغَافِلُونَ
چون صبح شد در رساله او دیدم همچنان یافتم **منقول است** از احمد بن عطای رودباری و از ابی القاسم بن عبدالله مروزی رحمه الله
حکایت کرده که من و پدر من در شب مقابله حدیث میکردیم پس دیدم در مکانیکه مقابله میکردیم عمودی از نور که تا به آسمان رسیده است
پس گفتم که این چه نور است قایلی گفت که صلوة شما است که در وقت مقابله حدیث بر وی صلی الله علیه و آله وسلم میفرستید از ابو صالح
عبدالله بن صالح صوفی منقول است که بعض اصحاب حدیث را در خواب دیده گفته شد که خدا تعالی با تو چه کرد گفت آمرزید پرسید
از چه چیز گفت بصلوتیکه در کتاب خود نوشتم **منقول است** از حفص بن عبدالله رحمه الله که دیدم ابا ذرعه را در خواب بعد موت
او در حالیکه نماز میگذارد با ملائکه در آسمان دنیا از سبب نیل این مقام از وی پرسیدم گفت که بدست خود هزار هزار حدیث نوشتم
و در آن عن النبی صلی الله علیه وسلم میگفتم و آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است که در مقابله یک صلوة بنده خدا تعالی ده صلوة این
بنده میفرستد **منقول است** از عبیدالله بن عمر قواریری رحمه الله که بود کاتبی همسایه من بعد گذشتن در خواب دیدم و گفتم که خدا با تو
چه کرد گفت مغفرت نمود و عطا کرد آنچه از دیدن و شنیدن و محظور شدن در قلب بشر بیرون است از وی سببش پرسیدم گفت که
چون نام محمد صلی الله علیه وسلم مینوشتم درود میفرستادم بر وی صلی الله علیه وسلم **منقول است** از محمد بن سلیمان رحمه الله
که دیدم پدر خود را در خواب و گفتم ای پدر خدا تعالی با تو چه کرد گفت مغفرت فرمود گفتم بچه چیز گفت بسبب نوشتن صلوة بر وی
صلی الله علیه وسلم در هر حدیث این نقل را ابن سبع و ابن بشکوال و حجر و ابن و داعه و ابن منذیل رحمهم الله نقل کرده اند
و در تحفة الغریب از بعض بزرگان آورده که او پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را در خواب دید در آن اثنا شیخ احمد کشهو
رحمه الله آمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای او برخاست و در میان دو چشم شیخ احمد بوسه داد و بجانب راست خود نشاند

رای آنحضرت صلی الله علیه وسلم از سبب آن سوال کرد فرمود که بکثرت صلوة بر من این قربه یافت از ابن هبیره منقول است کی برو
صلی الله علیه وسلم درود میفرستادم در حالیکه بر هر دو چشم من بند بود و دیدم شخصی بدو نور صلوة من در کاغذ سبز نوشته بودند من آن
حروف نورانی را در کاغذ سبز میدیدم پس چشم گشادم که تا بر روی نگاه کنم دیدم که از من پوشیده شد حتی که سفیدی جامه او را دیدم شیخ
ابن حجر مکی رحمه الله آورده که شخصی را در خواب دیدند که در بر وی حله و بر سر تاج مکلل بجواهر است پس پرسیدند که خدای
تعالی با تو چه کرد گفت آمرزید و گرامی داشت و تاج بر سرم نهاد و در آورد به بهشت از سبب آن پرسیدند گفت املا میکردم نزد بعضی
محدثین حدیثی مسند را پس درود فرستاد شیخ ما بر وی صلی الله علیه وسلم و اهل مجلس نیز درود فرستادند پس مغفرت همه شد از برکات آن
صلوات از حافظ ابو الحسن دارمی رحمه الله منقول است که شخصی را از اهل معرفت خود در خواب دیدم و استفسار حالش نمودم گفت که بخشیده
شد از سبب چه پرسیدم گفت هزار رکعت نماز در هر رکعت هزار بار قل هو الله احد گفتم این را طاقت ندارم پس گفت هزار بار صلوة بر نبی
صلی الله علیه وسلم در هر شب دارمی گفته که میکنم این را هر شب شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نقل کرده که یکی از صلحا را در خواب دیده سوال
کرده شد از حال او گفت که خدای تعالی رحم کرد مرا و آمرزید و داخل جنت گردانید پس از وجهش پرسیده شد گفت که فرشتگان شمردند
گناهان من و صلوة من بر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم شمار کردند صلوة را زیاده تر یافتند پس فرمود حق تعالی بس است ای فرشتگان حساب مکنید
و او را بجنت برید و نیز از بعض صلحا نقل کرده که او صورتی قبیح در خواب دید و پرسید که تو کدامی او گفت من عمل قبیح تو
ام گفت نجات از تو بچه چیز است گفت بکثرت صلوة بر مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و نیز از بعض صلحا آورده که او صورتی بد هیبت
ناک دید و پرسید از چگونگی حال و جواب داد که از هلاک شدگان میبودم اگر کثرت صلوة من بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
نمی بود از شبلی رحمه الله منقول است که او یکی از همسایگان خود را در خواب دید و استفسار حالش نمود او گفت که گذشت بر من اهوال
عظیم وقت سوال ملکین پس در دل خود گفتم که این حالت بر من از کجا آمد آیا بر اسلام نمرده ام ندا رسید که این عقوبت اهمال
گذاشتن زبان تواست در دنیا پس چون فرشتگان قصد تعذیب من کردند حایل شد بر من مردی جمیل خوشبو و یاد داد مرا حجت من
از و گفتم که تو کدامی یرحمک الله او گفت که من آن شخص ام که پیدا کرده شده ام برای کثرت صلوة تو بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
و مامورم بنصرت تو در هر محنت و از ابو بکر رحمه الله منقول است که در خواب دیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم و عرض کردم که
مردی درود زیاده میفرستد بر تو فرمود کدام است آنکس عرض کردم فلان کس است فرمود که لا جرم تحقیق خدای تعالی مقرر کرده است برای
او ملک عظیم و منقول است که زنی نزد حسن بصری رضی الله عنه آمده گفت که دختر من مرده است میخواهم که او را در خواب ببینم پس گفت او را
که بعد از نماز عشا چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره فاتحه و سوره الهکم التکاثر بخواند و بخسپد و درود فرستد
بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آمدن خواب پس آن زن همچنان کرد و دید دختر خود را در بدترین عذاب و سخت ترین
عقوبت آن زن بعد بیداری نزد حسن بصری رضی الله عنه آمد و کیفیت باز گفت فرمود که صدقه دهی شاید برکت آن
گناهان دختر تو عفو شود و آن شب حسن بصری رضی الله عنه در خواب دید زنی را در بهترین نعیم جنت و آن زن گفت

مرا می شناسی من دختر همان زنم که تو ذکر کردی هزار درود الصلوة بر محمد صلی الله علیه وسلم حسن بصری رضی الله عنه گفت
که مادر تو حال تو خلاف این ذکر کرده بود آن زن گفت آری حال من همان بود حسن بصری گفت که سبب وصول این مرتبه چه
شد گفت که ما هفتاد هزار کس در عقوبت گرفتار بودیم مردی صالح از قبر ما گذشت و یکبار بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
درود فرستاد و ثوابش بما بخشید حق تعالی آن صلوة را از وی قبول فرمود و به برکت آن ما را از آن عقوبت آزاد کرد
الحکایة از ثواب آن صلوة بحصه من رسید این است که بودید شیخ ابن حجر مکی رحمه الله آورده که بعض صلحا بر خود نذر کرده بود
که هر شب عددی معلوم از صلوة بروی صلی الله علیه وسلم بوقت خواب فرستد شبی در خواب دید آن حضرت صلی الله علیه وسلم را که از در
درآمد و همه خانه او بنور پر شد و فرمود که بیار این دهن را که درود بسیار میفرستد بر من تا بوسه دهم آن کس حیا کرد و رخسار پیش نهاد آن
حضرت صلی الله علیه وسلم بر آن بوسه داد پس بیدار شد آن کس در حالیکه خانه او بوی مشک پر شده بود بسبب بوسه آنحضرت
صلی الله علیه وسلم و در رخسار آنکس بوی مشک تا یکهفته باقی بود و این عاصی عفی الله عنه از بزرگان خود شنیده که صالحی محمد میران نام
از قوم ما بر خود لازم کرده بود که هر روز و شب دوازده هزار بار درود بر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرستد آخر در قوم مشهور شد دوازده
هزاری گردید و آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب دید آنحضرت صلی الله علیه وسلم او را به سینه مبارک خود چسپانید و فرمود که تو
جگر گوشه من هستی جز این آثار درود بسیار در ابواب آینده مذکور خواهد شد **ضابطه** از شیخ ابو طالب مکی صاحب قوت القلوب و استاد
حاتم ابن احمد ابدل رحمهما الله منقول است که اقل عدد کثرت صلوة سیصد است و اکثر را حدی نیست شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که شاید
که اخذ کرده است این را از صالحی یا خود تجربه کرده است یا مائل گشته باشد که عدد اقل تواتر سیصد و چند است موافق عدد اصحاب بدر پس
سیصد را اختیار کرده کسر را اسقاط کرد و صاحب تحفة الغریب گفته که وسط آن هزار بار است و برای تائید آن نقل کرده که جد او سید عبد الله
عیدروس رحمه الله در بعض وصایای خود نوشته که به شب پیش از خواب هزار بار یا کریم یا رحیم هزار بار درود بر نبی صلی الله
علیه وآله وسلم باید خواند و نیز آورده که قاضی ابن کبن طبری قرشی عدنی رحمه الله را در هر شب هزار بار درود وظیفه بود و این عاصی
عفی الله عنه میگوید که نقلی که از حافظ ابو الحسن داری رحمه الله پیش ازین گذشت نیز مؤید آن است چرا که در آن هم درود هزار
بار است و قصه درود **اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ صلوةً تنجینا بها** الی آخرها که در باب آینده مسطور خواهد گردید نیز تائید
آن میکند زیرا که در آن امر شده بود به هزار بار و چون قرائت آن به صد رسید نجات یافت کشتی والله اعلم

باب پنجم در تعدید ثمرات صلوة

ثمرات و نتایج صلوة بر سید عالم صلی الله
علیه وآله وسلم از حیطه احصا و دائره استقصا متجاوز است از الجمله ابن فرحون قرطبی در کتاب خود ده ثمرات و صاحب حدائق
الانوار فی الصلوة والسلام علی النبی المختار صلی الله علیه وسلم چهل و یک ثمره و ابن قیم سی و پنج ثمره و سخاوی در قول بدیع
فی الصلوة علی الحبیب الشفیع و صاحب تفسیر علامی چهل و هفت ثمره و صاحب تحفه فاکهیه مکیه فی ثمار الصلوة النبویه پنجاه
و یک ثمره و شیخ ابن حجر مکی در کتاب در منضود پنجاه و پنج ثمره و صاحب تحفة الغریب شصت ثمره ذکر کرده و این عاصی جانی عفا الله عنه

همه ثمرات را بعد حذف مکررات جمع کرده و از احادیث شریفه استنباط نموده بکصد ثمره ذکر میکند شکر الله سعیه و غفر ذنبه بحرمت النبی الکریم علیه افضل الصلوة واکمل التسلیم

ثمره ۱ در صلوة امتثال امر الٰهی است و امتثال امر او بر مؤمن واجب است بدلیل انتفاء اختیار بقول وی تعالی **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ** و نیست هیچ مؤمن و نه هیچ مؤمنه را هرگاه که جاری کند خدا و رسول او امری اینکه باشد آنها را اختیار از نزد خود بلکه واجب است امتثال امر بدلیل ورود وعید بر ترک آن بقول وی سبحانه **فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ** پس باید که بترسند کسانی که مخالفت میکنند از امر او تعالی با اینکه برسد بآنها فتنه یا برسد بآنها عذاب الیم ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الحبیب و صاحب حدایق الانوار و ابن قیم

ثمره ۲ موافقت با او تعالی است اگرچه هر دو صلوة مختلف اند از روی معنی پس از خدا تعظیم و تشریف است و از مومنان دعا و سوال چنانچه در باب اول مذکور شد و هیچ عبادت نیست که او تعالی در آن شریک مومنین باشد مگر صلوة بر سید کائنات صلی الله علیه وسلم حسین کاشفی رحمه الله در تحفة الصلوة گفته که فاضل علامه سیف الدین ابو نصر احمد بن علی اسیر نکی در ترجمه کتاب اسباب نزول که از تصانیف امام الائمه ابی الحسن علی بن احمد واحدی است از اصمعی نقل میکند که در جامع بصره مهدی خلیفه را دیدم بر منبر در حالیکه میگفت ای مردمان حق سبحانه شما را کاری فرموده و در آن ابتدا بنفس خود کرده و بعده بملائکه حضائر قدس مثنی فرموده که **إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ** الآیه تخصیص آن را از انبیاء ایزد جلال و اکرام نکردند که پیغمبر ما را و از امم سابقه هیچ امت را این تشریف نداده اند که شما را پس نعمت خدا را بشکرگذاری و سپاس داری مقابله کنید و همواره بوظایف صلوة و سلام بر سید انام علیه الصلوة والسلام قیام و اقدام نمائید ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الحبیب و ابن قیم و صاحب حدائق الانوار

ثمره ۳ موافقت است با فرشتگان و آن دلالت دارد بر زیادت عزت و حرمت مصلی چنانچه در حدیث تأمین است که هر که آمین او با آمین ملائکه موافق افتد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و دلالت دارد بر غزارت قدر و نخامت مرتبه نبی کریم صلی الله علیه وآله وسلم و اینکه آن است باستغنای او صلی الله علیه وسلم از صلوة دیگران بسبب صلوة خدای تعالی و ملائکه ذکر کرده است این ثمره را ابن فرحون قرطبی و ابن قیم و صاحب حدائق الانوار و صاحب تحفة الحبیب

ثمره ۴ حق تعالی در مقابله یک صلوة بنده ده صلوة بر وی میفرستد چنانچه در باب سابق از روایت انس و ابی طلحه و عبدالله بن عمرو بن عاص و ابن عباس از اکابر اصحاب نقل کرده و غیرهم رضی الله عنهم مذکور شد و نیز بسند جید بلکه صحیح روایت کرده شده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بقصد مکان ضرور بر آمد پس عمر فاروق رضی الله عنه مطهره گرفته در پی رفت پس یافت آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در حال سجده پس یکسو گردید پس سر مبارک از سجده برداشت و شکر کرد و گفت **إِنَّ جِبْرِيلَ أَتَانِي فَقَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَرَفَعَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ** بدرستی که جبرئیل علیه السلام آمد پس گفت هر که درود فرستد بر تو از امت تو یکبار درود فرستد خدای تعالی بر آنکس ده بار و بلند کند

اورا ده درجه و در روایتی که همه رجال آن ثقات اند آمده است ما صلی علی عبد من امتی صلاة صادقا من قبل نفسه
الا صلی الله علیه بها عشر صلوات و رفعه بها عشر درجات و کتب له بها عشر حسنات و محا
عنه بها عشر سیئات درود نفرستد بر من هیچ بنده از امت من یک صلوة در حالیکه صادق است در دل خود مگر
صلوة فرستد خدا تعالی بران بنده در مقابل یک صلوة او ده صلوة و بلند گرداند او را بدان صلوة ده درجه و بنویسد برای او بدان
صلوة ده حسنه و محو کند ازو بدان صلوة ده سیئه و در روایتی آمده است اتانی آت من ربی فاخبرنی انه لن یصلی علی
احد من امتی الا رد الله علیه عشر امثالها آمد مرا آینده از پروردگار من پس خبر داد مرا که بدرستی هرگز درود نفرستد
بر من کسی از امت من مگر که فرستد الله تعالی در عوض آن بروی ده مثل آن صلوة و روایت کرده است تیمی و ابن عساکر
از طریق ابی طلحه رضی الله عنه که آمدم نزد آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پس دیدم او صلی الله علیه و سلم را مستبشر و خوش
از آن روز و عرض کردم که یا رسول الله گاهی ندیده ام ترا خوشتر و مستبشرتر از آنکه امروز دیدم فرمود که چه چیز منع کند مرا از خوشی
و حالانکه جبرئیل بتحقیق بر آمده است رحال از نزد من و گفته که خدا تعالی گفته است من صلی علیک صلاة صلیت علیه بها
عشرا و محوت عنه عشر سیئات و کتبت له عشر حسنات ذکر کرده اند این ثمره را همه علما که اسماء ایشان
در اول باب مسطور شد **ثمره ۵** رفع درجات در مقابل یک صلوة چنانچه از روایات سابقه معلوم شد ذکر کرده اند
این ثمره را نیز همه علما مگر قرطبی و صاحب تحفه فاکهیه مکیه **ثمره ۶** نوشتن ده حسنه عوض یک صلوة چنانچه از روایات
مذکوره معلوم گردید و نیز در روایت عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه آمده که دیدم صلی الله علیه و سلم را در سجده و بعد
فراغ از آن فرمود سجدت شکرا لربی فیما ابلانی ای فیما انعم علی فی امتی من صلی علی
صلوة من امتی کتب الله له عشر حسنات و محی عنه عشر سیئات سجده کردم برای
شکر پروردگار مرا در آنچه انعام کرد بر من در امت من هر که درود گوید بر من یکبار از امت من بنویسد خدا تعالی برای
آن کس ده حسنات و محو کند ازو ده گناهان و در روایت ابی نعیم از طریق ابی طلحه رضی الله عنه آمده که صبح کرد رسول خدا
صلی الله علیه و سلم در حالیکه خوش بود پس پرسیدیم از این حال پس فرمود ما یمنعنی و انما خرج جبرئیل علیه السلام
آنفا فاخبرنی انه من صلی علی صلوة کتب الله له عشر حسنات و محی عنه عشر سیئات و رد
علیه مثل ما قال و در روایت طبرانی نیز از طریق ابی طلحه رضی الله عنه آمده که آمدم نزد رسول خدا صلی الله علیه
و سلم در حالیکه وی تهلیل میخواند و روی مبارک مستبشر بود پس گفتم یا رسول الله بدرستی تو امروز بر حالتی است که گاهی
ندیده ام ترا بمثل آن حالت فرمود و ما یمنعنی اتانی جبرئیل علیه السلام فقال ابشر امتک
ان من صلی علیک صلوة کتب الله له بها عشر حسنات و کفر عنه بها عشر سیئات ابن
شاهین زیاده کرده است درین روایت این عبارت و رفع له بها عشر درجات و رد الله

عزّ وجلّ علیه مثل قوله وعرضت علیه یوم القیمة و در روایتی از طبرانی از طریق ابی طلحه رضی الله عنه آمده که در آمدم
نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم در حالیکه خطوط پیشانی وی درخشان بود پس گفتم یا رسول الله ندیدم ترا خوشتر نفس و بشاش ظاهر
تر از روی بشارت از اینجا امروز دیدیم فرمود کیف لا تطیب نفسی و یظهر بشری و انما فارقنی جبرئیل علیه السلام
الساعة فقال یا محمد من صلی علیک من امتک صلاة کتب الله له بها عشر حسنات و رفع له بها
عشر درجات وقال له الملک مثل ما قال لک قلت یا جبرئیل وما ذاک الملک قال ان الله عزّ وجلّ
وکّل ملکا منذ خلقک الی ان یبعثک لا یصلی علیک احد من امتک الا قال وانت
صلی الله علیک چرا خوش نباشد نفس من و ظاهر نشود خوشی من مفارقت نکرده از من جبرئیل علیه السلام درین ساعت پس گفت
گفت هر که درود فرستد بر تو از امت تو یکبار بنویسد خدای تعالی برای آن کس مقابله آن صلوة ده حسنه و بلند کرد اند او را بدان
ده درجه و صلوة فرستد بر وی فرشته مثل صلوة وی گفتم ای جبرئیل کدام است آن فرشته گفت بدرستی خدای تعالی مقرر کرده است
فرشته را از روزیکه پیدا کرده است ترا تا روزیکه بر انگیزد ترا از قبر درود نمی فرستد بر تو هیچ یکی از امت تو مگر که میگوید آن فرشته مر او را و تو نیز
صلی الله علیک ذکر کرده است این ثمره را ابن قیم و شیخ ابن حجر مکی و صاحب حدائق الانوار و صاحب تحفة الغریب ثمره ۷
محو کردن ده گناه در مقابله یک صلوة چنانچه از روایات سابقه موضوع شد این ثمره را همه علما ذکر کرده اند ثمره ۸
رجاء استجابت دعا است هرگاه واقع شود بعد صلوة یا میان دو صلوة چنانچه در باب سابق در روایت ترمذی از طریق فضالة
بن عبید و از روایت علی بن ابی طالب و در آثار عمر بن الخطاب و علی بن ابی طالب رضی الله عنهم و در قول ابن عطا مذکور شد و از
ابو سلیمان دارانی رحمه الله منقول است که هر که اراده سوال حاجت از خدای تعالی کند پس شروع نماید آن را بالصلوة بر پیغمبر خدا
صلی الله علیه وسلم و ختم کند بالصلوة پس بدرستی خدای تعالی قبول میکند هر دو صلوة را و وی اکرم و انزه است از گذاشتن آنچه
مابین هر دو صلوة است ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحب تحفة الغریب و صاحب حدائق الانوار و صاحب تحفه فاکهیه
ثمره ۹ سبب شفاعت آنحضرت صلی الله علیه وسلم است چنانچه از روایت مسلم و نسائی از طریق عبد الله
بن عمرو بن عاص و از روایت بزار از طریق رویفع بن ثابت و از روایت ابو موسی مدینی از طریق ابی هریره رضی الله عنهم مذکور شد
و نیز آورده است طبرانی باسناد جید من صلی علیّ حین یصبح عشرا و حین یمسی عشرا ادرکته شفاعتی
یوم القیمة هر که درود گوید بر من در وقت صبح ده بار و در وقت شام ده بار دریابد او را شفاعت من روز قیامت
ذکر کرده اند این ثمره را همه علمای مذکورین ثمره ۱۰ سبب غفران ذنوب است چنانچه در روایت ترمذی از طریق
ابی بن کعب مذکور شد این ثمره را نیز همه علما ذکر کرده اند ثمره ۱۱ سبب کفایت مهمات دینی و دنیوی است
چنانچه در روایت ترمذی از طریق ابی بن کعب رضی الله عنه مذکور شد و نیز آورده اند احمد و ابن ابی عاصم
و ابن ابی شیبه که گفت مردی یا رسول الله ای می بینی که بگردانم همه صلوة من برای تو فرمود اذا یکفیک الله تبارک و تعالی

وتعالى بما اهمك من دنياك و آخرتك واثر بيهقي نيز بسند جيد بطريق مسلسل روايت كرده است سر درآن است كه صلوة
مشتمل است بر ذكر خدا تعالى و تعظيم رسول او صلى الله عليه وسلم و آن موجب انجاح حوائج و كفايت مهمات است چنانچه در حديث
قدسي آمده من شغله ذكري عن مسئلتي اعطيته افضل ما اعطي السائلين هر كه را باز دارد ذكر من از سوال حاجت
او عطا كنم او را زياده تر از آنچه عطا كنم سوال كنندگان را اين ثمره را نيز همه علما ذكر كرده اند ثمره ۱۲ سبب قرب مصليان است
با آنحضرت صلى الله عليه وآله وسلم در روز قيامت چنانچه از روايت ترمذي و بزار از طريق عبد الله بن مسعود مذكور شد و اين
ثمره را نيز همه علما ذكر كرده اند مگر قرطبي ثمره ۱۳ قايم مقام شدن صلوة مقام صدقه در حق صاحب عسرت براورده اند جماعتي از محدثين
بسند حسن كه فرمود او صلى الله عليه وسلم ايما رجل مسلم لم تكن عنده صدقة فليقل في دعائه اللهم صل على
محمد عبدك ورسولك وصل على المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات فانها زكوة
هر مردى مسلمان كه نباشد نزد او صدقه پس بايد كه بگويد در دعاى خود اللهم صل على محمد تا آخر آن پس بتحقيق آن زكوة است و در روايتى آمده
ايما رجل كسب مالا من حلال فاطعم نفسه او كساها فمن دونه من خلق الله فانه زكوة وايما رجل لم يكن
عنده صدقة فليقل في دعائه اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وعلى المؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات فانها له زكوة هر مردى كه حاصل كند مال از حلال پس بخوراند نفس خود را و بپوشاند او را پس بخوراند غير او را
از خلق خدا تعالى پس بدرستى آن زكوة است و هر مردى كه نباشد نزد او صدقه پس بايد كه بگويد در دعاى او اللهم صل على محمد
تا آخر آن پس بدرستيكه آن مر او را زكوة است گفته اند كه ثواب صدقه مترتب است بر صلوة مخصوص در تحفه فاكهيه گفته احتمال دارد
كه آن صلوة تشهد باشد ابن عاصى عفى الله عنه ميگويد كه اگر مراد از آن همين صلوة كه درين دو روايت مذكور شده دارند بعيد نباشد
والله اعلم و بعضى گفته اند كه صلوة افضل است از صدقه حتى كه از صدقه مفروضه نيز زيرا كه آنچه فرض كرده است خدا تعالى
بر بندگان خود و ملائكه در آن شريك باشند افضل است از آنچه خود و ملائكه در آن شريك نباشند شيخ ابن حجر مكي رحمه الله از سخاوي
نقل كرده كه مخفي نيست بعد آن ذكر كرده اند اين ثمره را نيز همه علما مگر ابن قيم و قرطبي ثمره ۱۴ سبب قضاى حوائج دنيا
و آخرت است چنانچه از روايت مستغفري از طريق جابر بن عبد الله رضي الله عنه مذكور شد و روايت كرده است بيهقي از ابن
منكدر از بعضى كسانيكه صحبت او را يافته كه هر كه نزد قبر شريف آن حضرت صلى الله عليه وآله وسلم ايستاده آيه ان الله
وملائكته تا آخر آن بخواند بعد هفتاد بار بگويد صلى الله عليك يا محمد ندا كنند او را فرشته به صلى الله عليك
و باقى نماند حاجت او و در روايتي بسندى ضعيف آمده ان اقربكم مني يوم القيمة في كل موطن اكثركم
على صلوة في الدنيا من صلى على في يوم الجمعة وليلة الجمعة قضى الله له مائة حاجة
سبعين من حوائج الآخرة وثلثين من حوائج الدنيا ثم يوكل الله بذلك ملكا يدخله
في قبري كما يدخل عليكم الهدايا يخبرني من صلى علي باسمه ونسبه الى عشيرته فاثبته

عِندَ نَبِيِّي فِي صَحِيفَةٍ بَيضَاءَ آمد یستی که نزدیکترین شما از من در روز قیامت در هر موطن زیاده ترین شما است
بر من از روی صلوٰة در دنیا هر که درود بگوید بر من در روز جمعه و شب جمعه بر آرد الله تعالی برای او صد حاجت هفتاد
از حاجتهای آخرت و سی از حاجتهای دنیا پس موکل کند خدای تعالی بدان فرشته که می آرد آن صلوٰة را در قبر من
چنانچه آورده میشود نزد شما هدیه ها را خبر میدهد آن فرشته مرا از کسی که درود فرستاده است بنام و نسب وقبیله او پس ثبت
میکند نام او نزد من بر صحیفه سفید در تحفة الفاکهیه از کتاب مفاخر الصلوٰة النبویه که از تلمسانی است رحمه الله نقل کرده
که شخصی را هزار دینار دین بود صاحب دین او را نزد قاضی کشید و قاضی او را تهدید بحبس طویل نمود مدیون مهلت
یکماه از وی گرفت در خانه خود نشست و التزام نمود درود را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم در همه اوقات مگر وقت
ادای صلوٰة و ضرورات انسانی چون بیست و هفت روز از ماه گذشت در خواب دید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که بشارت داد او را
بقضای دین فرمود که نزد ابن عیسی وزیر رفته در خواست قضای دین بکن اگر بحرف خوشی پیدا آید و از اندیشه عدم تصدیق او توقف نمود
و باز بخواب رفت باز دید آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم را همچنان فرمود آن کس بیدار شد و همان اندیشه نمود و ندامت
کشید که از آنحضرت صلی الله علیه وسلم علامتی نپرسید که دلالت بر صدق وی کند باز بخواب رفت و بدولت دیدن
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فایز گردید پس فرمود بگو بعلامت اینکه درود میفرستی بر من از طلوع فجر تا ارتفاع شمس
هزار بار یا پنج هزار باختلاف روایت پس صبح بیدار شد و نزد ابن وزیر رفت و اخبار کرد بروی علامت آن وزیر از خوشی
بگریست و بقصد تفتیش نمود و گفت مَرْحَبًا بِرَسُولِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همان وقت
هزار دینار برای ادای دین و سه هزار دینار دیگر باو داد و گفت که هر مشقت نزد من بیا پس آن کس نزد قاضی رفت
و این را طلبید و زر برای ادای دین او بر آورد و باین ماجرا اخبار نمود قاضی گفت که من احق ام بادای دین تو از
ابن وزیر و سه هزار دینار طلبیده باو داد و این گفت که من احق از هر دو ام بترک دین وازدین ابرا نمود و قاضی زر خود داد پس آن کس رفت
پس مدیون به برکت درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مالک نه هزار دینار شده رفت این ثمره را همه علما ذکر کرده اند

ثمره ۱۵ سبب صلوٰة فرستادن فرشتگان است بر مصلی چنانچه از روایت ابن صخر از طریق عامر بن
ربیعه و از روایت عبد الرحمن بن عوف وغیر او رضی الله عنهم مذکور شد و در روایتی آمده مَنْ صَلَّى عَلَيَّ
صَلوٰةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ عَشْرًا وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ
مِائَةً وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِائَةً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ أَلْفَ صَلوٰةٍ وَلَمْ تَمَسَّ جَسَدَهُ
النَّارُ هر که درود گوید بر من یکبار درود گوید خدای تعالی بر آن کس و فرشتگان او ده بار و هر که درود گوید بر من
ده بار درود گوید خدای تعالی بر آن کس و فرشتگان او صد بار و هر که درود گوید بر من صد بار درود گوید خدا بر آن کس
و فرشتگان او هزار بار و مس نکند جسد او را آتش دوزخ ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و سخاوی و شیخ ابن حجر

مکی و صاحب تحفه فاکهیه صاحب تحفة الغریب **ثمره ۱۶** طهارت و زکوة سنت در حق مصلی چنانچه از روایت امیر المومنین
علی رضی الله عنه و از روایت ابن عدی و غیره مذکور گردیده و از محمد بن القاسم مروی است بسند معضل که چهار چیز از طهارت غسل
است و طهارت دلهای مومنان از زنگ گناه درود بر پیغمبر خدا است صلی الله علیه وسلم ذکر کرده اند این ثمره را همه علما مگر قرطبی
ثمره ۱۷ سبب بشارت بجنت است مر مصلی را و سبب دیدن او مکان خود در جنت قبل از موت روایت کرده اند
جماعتی از محدثین که فرمود نبی صلی الله علیه وسلم مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ فِیْ یَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ لَمْ یَمُتْ حَتّٰی یُبَشَّرَ بِالْجَنَّةِ یعنی هر که
درود گوید بر من هر روز هزار بار نمیرد آن کس تا که بشارت داده شود به بهشت و در روایتی بجای حَتّٰی یُبَشَّرَ بِالْجَنَّةِ حَتّٰی
یَرٰی مَقْعَدَهٗ مِنَ الْجَنَّةِ آمده است یعنی نمیرد تا که ببیند مکان خود از جنت شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که این حدیث
منکر است ذکر کرده اند این ثمره را نیز همه علما مگر قرطبی **ثمره ۱۸** سبب نجات مصلی است از هولهای روز قیامت چنانچه
از روایت جمعی از محدثین مذکور شد یَا اَیُّهَا النَّاسُ اَنْجَاکُمْ تا آخر این ثمره را نیز همه علما ذکر کرده اند مگر قرطبی **ثمره ۱۹**
سبب صلوة فرستادن آنحضرت صلی الله علیه وسلم است بر مصلی قریب باشد یا بعید و کذلک سلام سبب سلام است
صلی الله علیه وسلم چنانچه از روایت ابی داود و از طریق ابی هریره رضی الله عنه مذکور شد بر آمده است ابو موسی
مدینی مَنْ صَلّٰی عَلَیَّ صَلٰوةً جَاءَنِیْ بِهَا مَلَکٌ فَاَقُوْلُ اَبْلِغْهُ عَنِّیْ عَشْرًا وَقُلْ لَهٗ لَوْ کَانَتْ مِنْ هٰذِهِ
الْعَشَرَةِ وَاحِدَةٌ لَاَدْخَلْتَ مَعِیَ الْجَنَّةَ کَالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطٰی وَحَلَّتْ لَکَ شَفَاعَتِیْ
ثُمَّ یَصْعَدُ الْمَلَکُ حَتّٰی یَنْتَهِیَ اِلَی الرَّبِّ فَیَقُوْلُ اِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ صَلّٰی عَلٰی نَبِیِّکَ مَرَّةً وَاحِدَةً
فَیَقُوْلُ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی اَبْلِغْهُ عَنِّیْ عَشْرًا وَقُلْ لَهٗ لَوْ کَانَتْ مِنْ هٰذِهِ الْعَشَرَةِ وَاحِدَةٌ لَمَا مَسَّتْهُ
النَّارُ ثُمَّ یَقُوْلُ عَظِّمُوْا صَلٰوةَ عَبْدِیْ ثُمَّ اجْعَلُوْهَا فِیْ عِلِّیِّیْنَ ثُمَّ یَخْلُقُ مِنْ صَلٰوتِهٖ
بِکُلِّ حَرْفٍ مَلَکًا لَهٗ ثَلَاثُوْنَ وَسِتُّوْنَ رَاْسًا الحدیث هر که درود گوید بر من
یکبار بیارد نزد من آن صلوة را فرشته پس بگویم او را برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگو مر او را که اگر بودی از این
ده صلوة یکی هر آینه داخل شدی تو با من در بهشت مثل انگشت سبابه و وسطی یعنی با این قرب و لازم شدی مر ترا شفاعت
من پس بالا رود آن فرشته تا که برسد نزد پروردگار یعنی بمحل مناجات او تعالی پس بگوید بدرستی فلان پسر فلان درود
فرستاده بر پیغمبر تو یکبار پس بگوید خدا تعالی برسان آن بنده را از من ده صلوة و بگو مر او را که اگر بودی از این ده صلوة یکی
هر آینه مساس نکردی ترا آتش دوزخ پس بگوید او تعالی که بزرگ دارید درود بنده مرا پس قرار دهید آنرا در علیین پس
پیدا کنند از آن صلوة مقابل هر حرف یک فرشته که باشد او را سیصد و شصت سر الحدیث حافظ سخاوی رحمه الله گفته
که این روایت بلا شک موضوع است شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منضود آورده که مردی نزد ابو الفضل بن
زیرک خراسانی آمد و گفت در خواب پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را دیدم در حالیکه من در مسجد مدینه منوره ام آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم مرا فرمود اقرأ علی ابی الفضل منی السلام بخوان بر ابی الفضل از من سلام پس گفتم یا رسول اللہ
چرا بروی سلام میگوئی فرمود برای آنکہ او درود میفرستد ہر روز بر من صد بار و اخذ از ابو الفضل استعلام آن درود نمود
وگفت اللّٰہم صلّ علی محمد النبی الامی وعلی آل محمد جزی اللہ محمدا صلی اللہ علیہ
وسلم عنّا ما ہو اہلہ این حکایت را صاحب تحفۃ الغریب نیز از شیرویہ از عبد اللہ بن مکی از ابو الفضل
نقل کردہ شیخ ابن حجر مکی رحمہ اللہ از بیہقی وغیر او آوردہ کہ سلم بن شحیم روزی آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را دید و سؤال
کرد کہ آیا در سلام مردم بر وی صلی اللہ علیہ وسلم مر او را نفع ہست فرمود آری و من بر آنہا رد سلام میکنم ابراہیم بن شیبان
گفتہ کہ پس من شدم قبر شریف وی صلی اللہ علیہ وسلم آمدم و سلام کردم پس از قبر شریف شنیدم وعلیک السلام ونیز آوردہ
کہ سید نور الدین بن عفیف ایجی رحمہ اللہ جواب سلام از قبر شریف وی صلی اللہ علیہ وسلم وعلیک السلام
یا ولدی شنید وصاحب تحفۃ الغریب نقل کردہ کہ جد او شیخ علی بن علوی رحمہ اللہ چون السلام علیک یا رسول
اللہ میگفت خواہ داخل نماز باشد یا خارج آن جواب می شنید وعلیک السلام یا شیخ این عاصی عفی اللہ عنہ میگوید
کہ ثابت شدہ است کہ شاہ صبغۃ اللہ گجراتی مدنی قدس سرہ نزد قبر وی صلی اللہ علیہ وسلم بحضور جمع گفت السلام
علیک یا جدی جواب آمد وعلیک السلام یا ولدی این ثمرہ را ذکر کردہ اند ہمہ علما قرطبی وسخاوی
ثمرہ ۲۰ سبب طیب مجلس است چنانچہ در بعض از صحابہ رضی عنہم مذکور شد ذکر کردہ است این ثمرہ را
ابن قیم وصاحب تحفۃ الغریب وصاحب حدائق الانوار رحمہم اللہ **ثمرہ ۲۱** سبب یاد آمدن چیزی است کہ فراموش شدہ
باشد و فراموش شدن چیزیکہ یاد کردہ چنانچہ در حدیثی بسند ضعیف آمدہ اذا نسیتم شیئا فصلوا علی
تذکروہ ان شاء اللہ ہرگاہ فراموش کنید شما چیزی را پس درود گوئید بر من یاد خواہید کرد آن را اگر خدا
خواستہ باشد و از ابی ہریرہ رضی اللہ عنہ مروی است کہ بترسید بر خود فراموشی را پس زیادہ گوئید درود بر نبی صلی اللہ علیہ وسلم
ذکر کردہ است این ثمرہ را صاحب تحفۃ الغریب و شیخ ابن حجر مکی این بار اگرچہ در فصل فوائد صلوۃ ذکر کردہ لیکن در فصل مواطن
صلوۃ آوردہ است **ثمرہ ۲۲** سبب دور شدن فقر است بر آوردہ است ابو نعیم بسند ضعیف از سمرہ رضی اللہ
عنہ کہ بدرستی آمد مردی نزد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و پرسید کہ چہ چیز اقرب اعمال است سوی خدای تعالی فرمود
صدق الحدیث واداء الامانۃ راستی سخن و ادا کردن امانت اقرب اعمال بخدای تعالی است
گفتم یا رسول اللہ زیادہ بفرمای فرمود صلوۃ اللیل وصوم الھواجر نماز شب یعنی تہجد و روزہ در ایام
سخت گرما گفتم ازین زیادہ فرمای فرمود کثرۃ الذکر والصلوۃ علی تنفی الفقر الحدیث
زیادت ذکر الہی و زیادت صلوۃ بر من دور میکند فقر را و نیز بسند ضعیف آمدہ است کہ بدرستی مردی شکایت فقر و تنگی
معاش پیش آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم نمود پس فرمود او را آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ہرگاہ در آئی بخانہ خود

پس سلام کن در خانه کسی باشد یا نه باشد پس سلام کن بر من و بخوان قل هو الله احد یکبار پس چنان کرد آن مرد
زیاده کرد خدا تعالی رزق او تا که فیض شد به همسایگان و اقربای خود و نیز بسند ضعیف از ابی هریره رضی الله عنه آمده
که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم من قرأ القرآن وحمد الرب وصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم واستغفر
ربه فقد طلب الخیر من مظانه یعنی هر که خواند قرآن را و ستایش کند پروردگار را و درود فرستد بر نبی صلی
الله علیه وسلم و طلب مغفرت کند از پروردگار خود پس بتحقیق طلب کند نیکی را از جایهای گمان آن و در تحفه فاکهیه گفته که مراد از نفع
نفع عام است خواه حاصل شود بغبار قلبی یا بحصول ثمره ظاهری ذکر کرده اند این ثمره را همه علما **ثمره ۲۳**
سبب دور شدن وصف بخل است از مصلی زیرا که مذکور شد البخیل من ذکرت عنده ولم یصل علی
پس اقتضا کرد این حدیث که هر که صلوة گوید نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم بخیل نیست ذکر کرده اند این ثمره را صاحب
حدایق الانوار و صاحب تحفة الغریب **ثمره ۲۴** سبب نجات از دعا بر رغم انف است زیرا که در حدیث آمده
است که ترک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه و آله وسلم سبب رغم انف است چنانچه در باب آینده خواهد آمد ان شاء الله تعالی
پس صلوة در وقت ذکر وی صلی الله علیه وسلم موجب نجات از آن است ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان
حدایق الانوار و تحفة الغریب **ثمره ۲۵** سبب خطا نکردن مصلی است طریق جنت را چنانچه از روایت ابن ماجه
از طریق ابن عباس رضی الله عنهما مذکور شد که ترک صلوة موجب خطا راه جنت است و در باب آینده نیز خواهد آمد پس
اشتغال بالصلوة سبب عدم خطا است ذکر کرده اند این ثمره را نیز ابن قیم و صاحبان حدایق الانوار و تحفة الغریب
ثمره ۲۶ سبب نجات از نتن مجلس و حسرت اهل آن است چنانچه در باب آینده خواهد آمد که هر مجلسیکه
از صلوة نبوی خالی باشد در روز قیامت برای اهل آن مجلس حسرت خواهد بود و گویا که آن مردم از بدبوترین جیفه برخاسته
باشند پس اشتغال بالصلوة موجب نجات از آن است ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان حدایق الانوار و تحفة الغریب
ثمره ۲۷ سبب محافظت کلام است از نقصان و عدم برکت چنانچه بر آورده اند جماعه محدثین بسند
ضعیف که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کل کلام لا یذکر الله تعالی فیه ویبدأ فیه
بالصلوة علی فهو اقطع ممحوق من کل برکة یعنی هر کلامیکه ذکر کرده نشود خدا تعالی را در آن و شروع
کرده نشود در آن بالصلوة بر من پس آن کلام بریده و کاهیده شده از هر برکت ذکر کرده اند این ثمره را نیز صاحبان
حدایق الانوار و تحفة الغریب **ثمره ۲۸** سبب ثبات بر صراط و جواز از آن است چنانچه روایت کرده اند جمعی
بچند طرق که بعض آن حسن است از عبد الرحمن بن سمره رضی الله عنه که بر آمد بر ما رسول خدا صلی الله علیه وسلم و گفت
انی رأیت البارحة عجبا رأیت رجلا من امتی یزحف علی الصراط مرة ویحبو مرة ویتعلق
مرة فجاءته صلوته علی فاخذت بیده فاقامته علی الصراط حتی جاوزه

بدرستی دیدم در شب گذشته عجبی دیدم مردی را از امت من که مانده میشود بر صراط یکبار و میلغزد یکبار و چسبک بر آن میرود یکبار

پس آمد درود او که بر من فرستاده بود پس گرفت دست او و قایم کرد او را بر صراط تا که گذشت از آن و در روایتی دیگر آمده

رأیت رجلا من امتی یرعد علی الصراط کما ترعد السعفة فجاءته صلوته علی

فسکنت رعدته دیدم مردی را از امت من که میلرزد بر صراط چنانچه میلرزد شاخ درخت خرما پس آمد

او را درود وی که بر من فرستاده بود پس آرامیده ساخت لرزه او را ذکر کرده اند این ثمره را همه علما مگر ابن فرحون قرطبی

ثمره ۲۹ سبب خروج مصلی است از جفا چنانچه در باب آینده خواهد آمد که نفرستادن صلوة بر آنحضرت بعد

شنیدن ذکر وی صلی الله علیه وسلم از جفا است پس صلوة موجب صیانت از آن خواهد بود ذکر کرده اند این ثمره را

ابن قیم و صاحبان حدایق الانوار و تحفة الغریب ثمره ۳۰ سبب نشر و ابقار ثنای احسن است بر مصلی در میان

اهل سموات و ارضین زیرا که مصلی طالب ثنای حسن و تشریف و تکریم نبی صلی الله علیه و آله وسلم است از جناب باریتعالی

و جزا از جنس عمل میباشد پس لابد است از اینکه حاصل شود مصلی را نوعی از آن ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان

تحفة الغریب و حدایق الانوار ثمره ۳۱ سبب برکت در ذات مصلی و عمل او و عمر او و اسباب مصالح اوست زیرا که

مصلی داعی به برکت است بر وی صلی الله علیه وسلم و دعا مستجاب و جزا از جنس آنست و نیز سابق مذکور شد که

صلوة بر وی صلی الله علیه و آله وسلم زکات و طهارت مصلی است و ظاهر است که زکات متضمن نمو و برکت است شیخ

ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود نقل کرده که تاجری مرد و سه موی مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم و مال ترکه

گذاشت و دو پسر وارث او بودند هر واحد یک موی شریف و نصف مال گرفت و یک موی شریف باقی ماند پسر کلان خواست

که دو پاره کنند پسر کوچک بنا بر اجلال و اعظام جناب نبوی صلی الله علیه وسلم از شکستن آن امتناع نمود پس کلان بکوچک گفت

که هر سه موی بحصه خود از مال بگیر او قبول کرده گرفت و هر سه موی مبارک را در جیب خود داشت و هر وقت آنرا بر آورده

آن درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرستاد در اندک زمان مال او زیاده شد و مال پسر کلان هلاک گردید و چون پسر

کوچک مرد بعض صلحا آنحضرت را صلی الله علیه وسلم در خواب دید که میفرماید مردم را که هر کرا حاجتی بسوی خدایتعالی

باشد پس بیاید نزد قبر آن پسر و دعا کند حاجتش بر آید پس مردم نزد قبر او می آمدند و حاجات خود میخواستند

آخر مزار او چنان معزز گردید که هر که از آن میگذشت از مرکب فرود می آمد و پیاده میرفت ذکر کرده اند این ثمره را همه علما

مگر قرطبی ثمره ۳۲ سبب غشیان رحمت الهی است مصلی را آورده ابرار بسند حسن که فرمود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم ان لله سیارة من الملائکة یطلبون حلق الذکر فاذا اتوا علیهم حفوا بهم

ثم بعثوا رائدهم الی السماء الی رب العزة تبارک وتعالی فیقولون ربنا اتینا علی

عباد من عبادک یعظمون آلاءک ویتلون کتابک ویصلون علی نبیک محمد

صلى الله عليه وسلم ويسألونك لآخرتهم ودنياهم فيقول تبارك وتعالى غشوهم رحمتي
فيقولون يا رب إن فيهم فلانا الخطّاء إنما اعتنقهم اعتناقا فيقول تبارك وتعالى غشوهم
رحمتي فهم الجلساء لا يشقى بهم جليسهم بدرستیکه مر خدای تعالی را است سیر کننده گان از فرشتگان میطلبند
حلقه های ذکر را پس گاه بیایند بر آنها یعنی بر کسانیکه مجتمع شده اند برای ذکر الهی احاطه میکنند آن فرشتگان ایشان را
پس تر میفرستند رایید خود را بسوی آسمان بسوی رب العزت یعنی بسوی محل مناجات او پس میگویند ای پروردگار
ما آمدیم بر بندگانی از بندگان تو که بزرگ میدارند نعمتهای ترا و میخوانند کتاب ترا و درود میگویند بر پیغمبر تو محمد صلی الله
علیه وسلم وسوال میکنند از تو برای آخرت ایشان و دنیای ایشان پس میگوید خدای تعالی بپوشید آنها را رحمت من
پس میگویند فرشتگان ای پروردگار بدرستی در آنها است فلان بسیار گنهکار نیست مگر در آمیخته است با آنها در آمیختنی
میگوید خدای تعالی بپوشید آنها را رحمت من پس آن همه همنشین اند بدبخت گردانیده نشود با او شان همنشین ایشان
ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب حدائق الانوار و تحفة العزیب و تحفة الکاهیه **ثمره ۳۳** سبب
دوام محبت مصلی است بر آن حضرت را صلی الله علیه وسلم و زیادت و تضاعف آن زیرا که کثرت ذکر محبوب
واستحضار او و محاسن معانی جالبه حب او موجب تضاعف حب و تزاید شوق و استیلای صبابه است
شیخ جزولی رحمه الله در دلائل الخیرات آورده که پرسیده شد از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کدام اند آل محمد چنین
آل محمد که امر کرده شدیم بدوستی آنها و اکرام آنها و نیکی با آنها فرمود أهل الصفاء والوفاء من آمن بي
وأخلص اهل صفا و اهل وفا اند یعنی کسیکه ایمان آورد بمن و اخلاص نمود در آن پس پرسیده شد چیست علامت
آنها فرمود إيثار محبتي على كل محبوب واشتغال الباطن بذكري بعد ذكر الله
علامت آنها اختیار کردن دوستی من است بر هر محبوب و اشتغال باطن است بذکر من بعد ذکر خدای تعالی و در
روایتی است علامتهم إدمان ذكري والإكثار من الصلوة علي علامت آنها
همیشه کردن ذکر من و زیاده گفتن از صلوة است بر من محبت نبی صلی الله علیه وسلم عقدی است از عقود ایمان
که تمام نمیشود ایمان مگر بدان ألا لا إيمان لمن لا محبة له وثابت شده است که امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب
رضی الله عنه عرض کرد یا رسول الله تو دوست تری نزد من از هر چیز مگر از نفس من پس فرمود نبی صلی
الله علیه وسلم لا تكون مؤمنا حتى أكون أحب إليك من نفسك نباشی مؤمن
تا که باشم دوست تر نزد تو از نفس تو پس گفت عمر رضی الله عنه قسم بکسیکه نازل کرده است بر تو کتاب
هر آینه تو دوست تر هستی نزد من از نفس من پس فرمود آنحضرت صلی علیه وسلم الآن يا عمر تم إيمانك
الحال ای عمر تمام شد ایمان تو بر آورده است این را بخاری از حدیث عبد الله بن هشام رضی الله عنه ذکر کرده اند

این ثمره را ابن قیم و صاحبان تحفة الغریب و حدایق الانوار **ثمره ٣٤** سبب محبت وی صلی الله علیه وآله وسلم
و مصلی از برای که صلوة دلالت دارد بر اطاعت و انقیاد و آن موجب محبت مطاع است مطیع را ذکر کرده اند این ثمره را نیز ابن
قیم و صاحبان تحفة الغریب و حدایق الانوار **ثمره ٣٥** سبب هدایت مصلی و حیات قلب اوست زیرا که
صلوة دور کننده زنگ دل است و زنگ عبارت است از اوصاف رذیله که سبب ضلالت و موت دل است پس
زوال آن سبب هدایت و حیات دل باشد ذکر کرده اند این ثمره را قرطبی و صاحبان تحفة الغریب و حدایق الانوار
ثمره ٣٦ سبب معروض شدن نام مصلی و مذکور شدن آن نزد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم
چنانچه از روایت ابی داود و نسائی و ابن ماجه از طریق اوس بن اوس و از روایت ابی داود از طریق ابی هریره
و از روایت بزار از طریق عمار بن یاسر و از روایت ابن مسعود و غیره رضی الله عنهم سابق مذکور شد و نیز جماعتی
از محدثان بر آورده اند که فرمود وی صلی الله علیه وسلم إِنَّ لِلّٰهِ مَلَكًا أَعْطَاهُ أَسْمَاعَ الْخَلَائِقِ
فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي إِذَا مُتُّ فَلَيْسَ أَحَدٌ يُصَلِّي عَلَيَّ صَلٰوةً إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى
عَلَيْكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فَيُصَلِّي الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى ذٰلِكَ الرَّجُلِ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ
عَشْرًا بدرستی که مر خدای تعالی را فرشته است که عطا کرده است او را اسماع همه خلائق پس آن فرشته قائم
باشد بر قبر من چون بمیرم پس نیست هیچ یکی که درود گوید بر من درود گفتنی مگر که گوید آن فرشته ای محمد درود
گفته است بر تو فلان ابن فلان پس درود گوید پروردگار تعالی بر آنکس در مقابله هر یک صلوة ده بار و در روایتی است
فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي يُصَلِّي عَلَيَّ صَلٰوةً إِلَّا
قَالَ يَا أَحْمَدُ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ يُصَلِّي عَلَيْكَ كَذَا وَكَذَا وَضَمِنَ
لِي الرَّبُّ أَنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلٰوةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَإِنْ زَادَ زَادَهُ اللّٰهُ
پس آن فرشته قائم باشد بر قبر من تا که قائم شود قیامت پس نیست هیچ یکی از امت من که درود گوید بر من
درود گفتنی مگر که گوید آن فرشته یا احمد فلان بن فلان بنام آن کس و نام پدر او درود میگوید بر تو چنین
و چنین و ضامن شده است برای من پروردگار من که بدرستی هر که درود فرستد بر من یکبار درود فرستد خدای
تعالی بر آن کس ده بار و اگر زیاده کند آن کس زیاده کند او را خدای تعالی درود خود و در روایتی صحیح آمده
إِنَّ لِلّٰهِ مَلَائِكَةً يَسِيحُونَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي صَلَاةَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مِنْ أُمَّتِي
بدرستی مر خدای تعالی راست فرشتگان که سیر میکنند در زمین میرسانند مرا درود کسی که درود فرستد بر من
از امت من و در روایتی حسن آمده مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ وَمَنْ صَلَّى
عَلَيَّ مِنْ بَعِيدٍ أُعْلِمْتُهُ هر که درود گوید نزد قبر من می شنوم صلوة او و هر که درود گوید بر من از

دور دارا بنده شنوم صلوة او یعنی بواسطت ملک معروض میشود چنانچه در روایتی دیگر بسند مرفوع آمده است من
صَلّٰی عَلَیَّ عِنْدَ قَبْرِیْ سَمِعْتُهٗ وَمَنْ صَلّٰی عَلَیَّ نَائِیًا اَیْ بَعِیْدًا وَکَّلَ اللّٰهُ بِهٖ مَلَکًا
یُبَلِّغُنِیْ وَکُفِیَ اَمْرَ دُنْیَاهُ وَاٰخِرَتِهٖ وَکُنْتُ لَهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ شَهِیْدًا اَوْ شَفِیْعًا
هر که درود گوید بر من نزد قبر من بشنوم درود او و هر که درود گوید بر من در حالیکه دور است مقرر کند خدای تعالی بدان فرشته
را که میرساند مرا آن درود و کفایت کنند امر دنیا و آخرت او را و باشم او را روز قیامت گواه و شفاعت کننده
لفظ او بمعنی واو است یا برای تحقیق جمع است برای آنکه دیده از آنحضرت صلی الله علیه وسلم یا تشکیک از راوی **تبصره**
ازین احادیث که در باب عرض صلوة مذکور شد معلوم گردید که صلوة و سلام از دور باشد معروض میشود بواسطه ملک
و اگر نزد قبر شریف بود میشنود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بلا واسطه خواه در شب جمعه باشد یا غیر آن و درود صلوة و سلام
مخصوص بزائر نیست بلکه بعید و قریب برابر است چنانچه از عموم احادیث ظاهر شد و اما روایتیکه طبرانی برآورده
اِنِّیْ لَیْسَ مِنْ عَبْدٍ یُّصَلِّیْ عَلَیَّ اِلَّا بَلَغَنِیْ صَوْتُهٗ حَیْثُ کَانَ الْحَدِیْث بدین معنی که
من نیست هیچ بنده که درود فرستد بر من مگر میرسد مرا آواز او هر جا که باشد پس عراقی گفته که اسناد این
صحیح نیست و نیز ازان احادیث معلوم شد که آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم زنده است علی الدوام برای آنکه
از محال عادی است که زمانه از امته خالی باشد از سلام کننده بر وی صلی الله علیه وآله وسلم و جسد شریف را زمین
نمیخورد و بران اجماع علماست چه جای تعجب گفته اند که اجساد علما و شهدا و مؤذنین را نیز زمین نمیخورد و بصحت رسیده
عدم تغیر اجساد اینها که در مشاهده آمده و حیات شهدا بنص قرآن کریم ثابت شده است ذکر کرده اند این ثمره
را شیخ ابن حجر مکی و صاحبان تحفة الغریب فاکهیه **ثمره ۳۷** سبب نور است در روز قیامت بر
صراط چنانچه از روایت ابی هریره وغیر او رضی الله عنهم مذکور شد و نیز برآورده است دیلمی بسند ضعیف که فرموده آن
حضرت صلی الله علیه وسلم زَیِّنُوْا مَجَالِسَکُمْ بِالصَّلٰوةِ عَلَیَّ فَاِنَّ صَلٰوتَکُمْ عَلَیَّ نُوْرٌ یَّوْمَ
الْقِیٰمَةِ آراسته کنید مجلسهای شما را بفرستادن صلوة بر من پس بدرستیکه درود شما بر من نور است روز
قیامت و برآورده است ابو سعد در شرف المصطفی که فرموده صلی الله علیه وسلم اَلصَّلٰوةُ عَلَیَّ نُوْرٌ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ
عَلَی الصِّرَاطِ الْحَدِیْث درود بر من نور است در روز قیامت بر صراط ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی
و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۳۸** سبب ادای اقل قلیل از حق وی است صلی الله علیه وسلم و شکر نعمت
الٰهی که انعام فرموده است سبحانه این را بما اگرچه حقوق وی صلی الله علیه وسلم از حصر و احصا بیرون است سبحانه
و تعالی بمحض فضل و کرم خویش باین اقل قلیل راضی شده ذکر کرده اند این ثمره را ابن قیم و صاحبان
حدائق الانوار و تحفة الغریب **ثمره ۳۹** صلوة متضمن ذکر الٰهی است چنانچه سابق مذکور شد من

ذکرنی فقد ذکر الله ومن احبنی فقد احب الله ذکر کرده اند این ثمره را صاحب حدائق الانوار
وتحفة الغریب **ثمره ۴۰** سبب حب حق سبحانه است مر مصلی را چنانچه از روایت قشیری از طریق ابن
عباس رضی الله عنهما از خطاب حق سبحانه بموسی علی نبینا علیه الصلوة والسلام مذکور شد ذکر کرده اند این ثمره را شیخ
ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۴۱** سبب حب عبد است مر حق تعالی را زیرا که حب حق تعالی مر عبد را
مستلزم حب عبد است مر او تعالی را کما قال الله تعالی یحبهم ویحبونه و نیز
صلوت سبب حب نبی است و حب نبی سبب حب الهی است چنانچه قبل ازین گذشت من احبنی فقد احب الله
ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۴۲** سبب رویت آن حضرت صلی الله علیه وسلم در منام چنانچه
صاحب تحفة الغریب از حاتم بن احمد اهل وغیر او از صلحا رحمهم الله تعالی نقل کرده که هر که بر آن حضرت صلی الله
علیه وسلم هزار بار درود فرستد ببیند او را در خواب و از بعض دیگر آورده که هر که نقش کند اسم محمد رسول الله و احمد
رسول الله سی و پنج بار و در آن نظر کند در وقت طلوع آفتاب و درود فرستد بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم اگر به رویت
وی مشرف شود در بیداری و خواب و از بعض مصفا جد خود عبید الله عیدروس رحمه الله نقل کرده که هر که بر دوام اسم مذکور
در کاغذ پاره بروز جمعه بعد ادای نماز جمعه بنویسد و با خود نگهدارد و در وقت طلوع آفتاب هر روز در آن نظر کند و بر آن حضرت
صلی الله علیه وآله وسلم درود فرستد بحسب قبول و عفت نیت و صفای باطن رویت وی صلی الله علیه وسلم ببیند و شیخ ابن حجر
مکی رحمه الله وغیره آورده اند که هر که اراده رویت آن حضرت صلی الله علیه وسلم در خواب دارد این درود بعد طاق بخواند
اللهم صل علی محمد کما امرتنا ان نصلی علیه اللهم صل علی محمد کما هو
اهله اللهم صل علی محمد کما تحب و ترضی له و بعضی گفته اند که این درود را نیز با آن
ضم نماید اللهم صل علی روح محمد فی الارواح اللهم صل علی جسد محمد فی الاجساد اللهم صل
علی قبر محمد فی القبور شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب القلوب گفته که از اسباب
ادراک شرف رویت سید انام صلی الله علیه وسلم ملازمت صلوة است بصفت طهارت بصیغه اللهم
صل علی محمد وآله وسلم کما تحب و ترضی له مخفی نماند که این صلوة در صلوة منقوله
از شیخ ابن حجر مکی وغیر او نقل کرده شد داخل است لیکن لفظ آله وسلم زیاده است و نیز در کتاب مذکور گفته که هر که
در شب جمعه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه یازده بار آیة الکرسی و یازده بار سوره اخلاص بخواند و بعد
از سلام صد بار درود فرستد بصیغه اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الامی وآله وسلم
ببیند در خواب حضرت رسالت پناه را صلی الله علیه وسلم اگر نصیب باشد از سه جمعه نگذرد ان شاء الله تعالی
وقد جربه بعض الفقراء والحمد لله انتهی کلامه این عمل به نظام الدین احمد رحمه الله

این عاص علی رضی الله عنه نیز از حافظ اسعد بن محمد سعید مکی انصاری خزرجی بخاری که در شمن حدیث از اعلام وقت
بالبعض از امام آمده اند به بلده ارکات آمده بود رسیده لیکن ورا آیة الکرسی یکبار و سوره اخلاص پانزده بار
بعد از سلام درود ده هزار بارست و تعیین صیغه عدد و نیست و نیز مرویست که هر که بگذارد در شب جمعه دو رکعت نماز
و بخواند در هر رکعت بعد فاتحه سوره اخلاص بیست و پنج بار و بعد از سلام بخواند درود بصیغه صلی الله علی
محمد النبي الامي هزار بار پیش از رسیدن جمعه دیگر ببیند آنحضرت صلی الله علیه وسلم را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که برآورده است این روایت را ابو موسی مدنی و حالانکه صحیح نیست و شیخ عبد الحق دهلوی گفته که از مجربات
است والله اعلم و اعمالی دیگر نیز برای تحصیل این سعادت بیان کرده اند و خلاصه همه استغراق ذکر آن
حضرت صلی الله علیه وسلم در ظاهر و باطن و اکثار صلوة و دوام توجه است وفقنا الله المستعان اللهم
آمین ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و صاحبان تحفة الغریب و تحفة الحبیب **ثمره ۴۳** رویت بسبب
آنحضرت صلی الله علیه وسلم در بیداری صاحب تحفة الغریب از شیخ عبد الوهاب بن فتح الله بروجی از استاد
حاتم بن اهدل رحمهما الله نقل کرده که مداومت بر صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم با آداب آن از حضور دل
و غیره سبب رویت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم است در یقظه **تذنیب** و در جواز رویت
صلی الله علیه و آله وسلم در بیداری خلافست جماعه از علمای محققین تجویز آن کرده اند و وقوع آن مر اولیا را
بحد تواتر معنوی رسیده **حکایت کرده اند** ابن ابی جمره و بارزی و یافعی و غیرهم رحمهم الله از
تابعین و من بعدهم که ایشان دیدند وی صلی الله علیه وسلم را در خواب پس دیدند در بیداری و رسیدند از امور غیبیه
خبر پس خبر داده است وی صلی الله علیه و آله وسلم بدان و همچنان بود که خبر داده و ابن ابی جمره گفته که این از جمله کرامات
اولیا است پس انکار آن مستلزم انکار کرامات اولیاست و امام محمد غزالی رحمه الله در کتاب منقذ گفته که ارباب قلوب
در بیداری مشاهده میکنند ملائکه و ارواح انبیا را علیهم الصلوة والسلام و سماع اصوات ایشان و اقتباس
فوائد ازیشان میکنند انتهی بالجمله وقوع رویت آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم در بیداری مر اولیا امت را
بتواتر رسیده کتب مناقب اولیا بدان مملو و مشحون است نظر با اختصار الغرض بدان اکتفا کرده شد مخفی نماند
که از وقوع رویت بر جهت کرامات لازم نیاید صحت اطلاق لفظ صحابه بر ایشان زیرا که صحبت منقطع شد از موت
آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم چنانکه رویت بعد موت قبل از دفن موجب صحابیت نیست پس مندفع شد قول
بعض علما که این مشکل است پس اگر حمل بر ظاهر آن کنند لازم آید که ایشان صحابه باشند و صحبت تا روز قیامت
ممکن باشد و نیز مندفع شد قول بعضی که این رویت مستلزم خروج وی صلی الله علیه وسلم است از قبر و مشی
او در اسواق و خلو قبر از جسد شریف و زیارت قبر خالی و سلام بر غایب زیرا که از کرامات اولیاست رفع حجب کشف

اگر بخوانند از خواب بیدار شدند و اهل سفینه از تعلیم صلوة مذکوره بعد از رسیدن بخواندن آن مشغول گشتند چون به
بار رسیده بودند که از آن بلا نجات یافتند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب **ثمره ۴۸** سبب
توفیق توبه و ثبات بر آن است و در تحفة الغریب گفته که شیخ زروق رحمه الله در شرح حزب البحر نوشته است که ذکر
الهی و صلوة بر جناب سرور عالم صلی الله علیه و آله و سلم معین بر توبه و مدد بر آن است ذکر کرده است این ثمره
را صاحب تحفة الغریب **ثمره ۴۹** سبب حصول سایه است بر زیر سایه عرش در روز قیامت روایت
کرده شده است که رسول آنحضرت صلی الله علیه و سلم ثَلَاثَةٌ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ اللّٰهِ تَعَالٰی یَوْمَ الْقِیٰمَةِ
یَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّهُ قِیْلَ مَنْ هُمْ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ مَنْ فَرَّجَ عَلٰی مَکْرُوْبٍ مِنْ اُمَّتِیْ وَاَحْیٰی سُنَّتِیْ
وَاَکْثَرَ الصَّلٰوةَ عَلَیَّ یعنی سه کس در سایه عرش خدایتعالی خواهند بود در روز قیامت آن روز که نیست
نباشد سایه مگر سایه خدایتعالی گفته شد کدام اند آن کس یا رسول الله گفت کسیکه دور کند اندوه کسی که
محنت رسیده باشد از امت من و زنده گرداند طریقه مرا و زیاده کند درود بر من حافظ سخاوی گفته که ذکر کرده است
این حدیث را صاحب دیلمی لیکن واقف نشدم بر اسناد آن بر اصلی معتمد مگر اینکه صاحب فردوس نسبت کرده به انس بن
مالک رضی الله عنه و اسنادش ذکر نکرده است آن را صاحب فردوس نسبت کرده اند بخیر و نسبت نموده خلعی از حدیث
ابی هریره رضی الله عنه هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و در تحفة الغریب از شیخ
عبدالوهاب بن ابراهیم بن عنبسه یمنی رحمه الله نقل کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم را در خواب دیدم و عرض کردم
که در تفسیر نقاش از روایت حمید از انس رضی الله عنه این حدیث را دیده ام حدیث مذکور ذکر کرد انتهی ذکر کرده
اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحبان تحفة الغریب و تحفة فاکهیه **ثمره ۵۰** سبب
شدن روزنی است میان قبر آنحضرت صلی الله علیه و سلم و قبر مصلی صاحب تحفة الغریب گفته که در بعض تعلیقات
دیده ام که هر کسی و سه بار درود بصیغه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تَکُوْنُ لَکَ رِضَاءً وَلِحَقِّهٖ
اَدَاءً بخواند کشاده شود از قبر او سوی قبر آنحضرت صلی الله علیه و سلم روزنی که از آن برویت جمال
مبارک نبوی صلی الله علیه و سلم محظوظ و متمتع گردد و در تحفه فاکهیه از فواید شرجی همچنین نقل کرده
و ذکر کرده اند این ثمره را صاحبان تحفة الغریب و تحفة فاکهیه **ثمره ۵۱** سبب نجات از محاسبه الهی
است صاحب تحفة الغریب از ابو بنان اصفهانی آورده که دیدم آنحضرت صلی الله علیه و سلم را و عرض کردم
که یا رسول الله محمد بن ادریس شافعی ابن عم تو است آیا نفع رسانیدی مر او را فرمود سوال کردم خدایتعالی
را که با او محاسبه نکند گفتم یا رسول الله این بسبب چه چیز است فرمود که وی بر من درودی فرستاد که هیچ
کسی مثل آن نفرستاده گفتم یا رسول الله آن چه درود است فرمود اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کُلَّمَا ذ

الذاکرون وصل علی محمد کلما غفل عن ذکره الغافلون ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه
الغریب ثمره ۵۲ سبب مقبول شدن صلوة مصلی است نزد آن حضرت صلی الله علیه وسلم چنانچه در تاریخ حافظ سخاوی
مذکور است که علامه شیخی رحمه الله از مقبول رسول الله صلی الله علیه وسلم میگفتند و میگویند و میفرستاد و سبب آن
شد انتقال از مدینه طیبه قبل از این مذکور گردید ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب ثمره ۵۳ سبب شهرت
مصلی است بسمع حضرت جناب رسالت مآب صلی الله علیه وسلم از برکت صلوة شیخ اکبر محی الدین عربی رضی الله عنه در کتاب
رسالة القدس خود ذکر مشایخ خود گفته است که شخصی از ایشان مسمی بمحمد حداد و در اشبیلیه بود بسبب طول صلوة
و استغفار او بود در آن ملقب شد و مردم به اللهم صل علی محمد بعد از این لقب بسمی او مشتهر گردید ذکر کرده است این
ثمره را صاحب تحفه فاکهیه ثمره ۵۴ سبب مصافحه آن حضرت است صلی الله علیه وسلم با مصلی چنانچه قبل از این
از شهاب احمد قازانی رحمه الله مذکور گردید که مشام با آن حضرت صلی الله علیه وسلم مصافحه نموده منقول است از
ابن بشکوال از طریق ابی مطرف عبد الرحمن بن عیسی رضی الله عنه که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم من صلی علی
فی کل یوم خمسین مرة صافحته یوم القیمة هر که درود فرستد بر من هر روز پنجاه بار مصافحه کنم با او در
قیامت ذکر کرده اند این ثمره را صاحب تحفة الغریب و تحفه فاکهیه ثمره ۵۵ صلوة مانند عتق رقاب
است و در تحفة الغریب از وهب بن منبه آورده که صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم عبادت [illegible]
دمیری و ابن بشکوال نیز از ابی غسان مدنی آورده که هر که درود فرستد بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم هر روز صد بار آن
چنان باشد که گویا تمام روز و شب مشغول العبادت است ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب ثمره ۵۶
سبب مسامحت و تجاوز خدای تعالی است از گناه مصلی در آخرت منقول است از ابی الحسن بغدادی رحمه الله که منصور
بن عمار را بعد موت او در خواب دیدم و گفتم که خدای تعالی با تو چه کرد گفت که او تعالی فرمود مرا که تو منصور بن عمار گفتم آری
یا رب فرمود تو آنی که زهد میکردی در دنیا و حال آنکه رغبت میداشتی در آن گفتم آری فعل من این بود لیکن نمیگرفتم
هیچ مجلسی مگر که ابتدا میکردم در آن به ثنای تو و درود بر پیغمبر تو و نصیحت مر بندگان ترا پس فرمود او تعالی راست
گفت بنهید برای او کرسی که بر آن نشسته بر آسمان در میان ملائکه ثنای من کرده باشد چنانچه در زمین ثنای من در میان بندگان
من میکرد و در احیا از خواجه عبد الواحد بن زید رحمه الله نقل کرده که وی با اراده حج برآمد و مردی با او همراه شد و آن مرد با قیام
و قعود و حرکت و سکون درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرستاد پس عبد الواحد رحمه الله از سبب آن پرسید گفت
که اول بار با پدر خود در سفر مکه معظمه زادها الله تشریفا برآمدم در وقت معاودت در بعض منازل بخواب دیدم که مردی
مرا میگوید بیدار شو و ببین که خدای تعالی پدر ترا میرانیده و روی او سیاه کرده است پس بیدار شدم و جامه از روی او
برداشتم دیدم که مرده و روی او سیاه شده است پس غمناک شدم و در آن حالت خواب بر من غالب شد و خفتم

دیدم که پسر پدر من خیا پر چشمی با گریه‌های بی اختیار الغلتد بروی خویش رو بالا کرده مدد انها را و دیگر دوست

خود بروی پدر من فرود آورد پسر گریه من آمد و گفت که بیدار شو که روی پدر تو روشن شد و سیاهی رفت و دیگر

گفتم که تو کیستی گفت من محمد صلی الله علیه وسلم پس بیدار شدم و جامه از روی پدر برداشتم و دیدم که روشن شده است

و سیاهی دور گردیده پس از آن روز گفتن صلوة لازم کرده ام و هرگز ترک نمیکنم ذکر کرده است این ثمره را صاحب

تحفة الغریب **ثمره ۵۷** سبب کریم شدن مصلی است نزد اهل آخرت بعنایت تاج و دیگر منازل سنیه و مراتب علیه

نمیری و ابن بشکوال آورده که مردی از اهل شیراز ابو العباس احمد بن منصور را بعد موت در خواب دید که در محراب مسجد

جامع شیراز ایستاده و در حله و بر سر تاج مکلل بجواهر است این مرد از وی پرسید که خدا تعالی با تو چه کرد گفت آمرزید

گرامی داشت و بعنایت تاج در جنت معزز گردانید آن مرد پرسید که از چه چیز گفت بسبب کثرت صلوة بر سید کائنات

صلی الله علیه وسلم و از فقیه احمد بن محمد بن جابر رحمه الله منقول است که در خواب دیدم شیخ حسین بن اسمعیل سندرا

در صورتی جمیل و هیئتی شریف بر خلاف صورتیکه در دنیا داشت پس گفتم او را که بچه چیز این منزلت یافتی گفت بصلوة

بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و از این قبیل حکایات دیگر سابق مذکور شده اند ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة الغریب

بقدری تغایر عبارت **ثمره ۵۸** سبب کتابت برات از نفاق و از نار است بر پیشانی مصلی چنانچه آمده است

در روایتی که یکی از رواتش مجهول الحال است مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ مِائَةً وَمَنْ صَلَّى

عَلَيَّ مِائَةً كَتَبَ اللهُ تَعَالَى بَيْنَ عَيْنَيْهِ بَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَأَسْكَنَهُ

اللهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ الشُّهَدَاءِ هر که درود گوید بر من ده بار درود گوید خدا تعالی بر آن کس صد بار

و هر که درود گوید بر من صد بار بنویسد خدا تعالی میان هر دو چشم او برات از نفاق و برات از آتش دوزخ و ساکن گرداند

او را خدا تعالی در روز قیامت در شهدا ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة فاکهیه **ثمره ۵۹** سبب اسکان مصلی است

در شهدا چنانچه از روایت مذکوره معلوم گردید ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفة فاکهیه **ثمره ۶۰**

صلوة معادل عتق رقاب میشود روایت کرده است ابن ابی عاصم مَنْ صَلَّى عَلَيَّ كَتَبَ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ

وَمَحَى عَنْهُ بِهَا عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ بِهَا عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَكُنَّ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ

رِقَابٍ هر که درود گوید بر من نوشته شود مر او را در مقابله آن ده نیکی ها و محو کرده شود از وی بدان ده گناهان و بلند

کرده شود مر او را بدان ده درجه ها و باشند صلوات مر او را برابر ده رقاب که آزاد کند در راه خدا تعالی و سابق

از روایت ابن حبان گذشته مَا مِنْ مُسْلِمٍ صَلَّى عَلَيَّ عَشْرًا فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً و در اثر امیر المومنین

ابی بکر صدیق مذکور شده که سلام بر وی صلی الله علیه وسلم افضل از عتق رقاب است و در حدیثی آمده است

که صلوة افضل است از عتق رقاب ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه فاکهیه و سخاوی ذکر کرده است

افضلیت صلوة برعتق رقاب **ثمرهٔ ۶۱** محبت فرشتگان است مر مصلی را ودر روایتی بسند ضعیف ان للمساجد
اوتادا الجلساء هم الملائكة ان غابوا افتقدوهم وان مرضوا عادوهم وان رأوهم رحبوا بهم
وان طلبوا حاجة اعانوهم واذا جلسوا حفت بهم الملائكة من لدن اقدامهم الى
عنان السماء بايديهم قراطيس الفضة واقلام الذهب يكتبون الصلوة على النبي صلى الله
عليه وسلم يقولون اذكروا رحمكم الله زيدوا زادكم الله فاذا استفتحوا الذكر فتحت
لهم ابواب السماء واستجيب لهم الدعاء وتطلع عليهم الحور العين واقبل الله عز وجل
بوجهه ما لم يخوضوا في حديث ويتفرقوا فاذا تفرقوا قام الزوار يلتمسون حلق الذكر
بدرستیکه مر مساجد راست اوتاد یعنی مقیمان که همنشینان آنها فرشتگان اند اگر غایب شوند آنها جستجو میکنند
آنها را و اگر مریض شوند بیمار پرسی میکنند آنها را فرشتگان و اگر بینند فرشتگان آنها را مرحبا میگویند و اگر آنها طلب حاجت
آسان کنند بر ایشان و چون نشینند آنها در گیرند آنها را فرشتگان از نزد قدمهای ایشان تا وسط آسمان و باشد
در دستهای فرشتگان کاغذهای نقره و قلمهای زر مینویسند درود بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و میگویند
و گویند که ذکر کنید رحمت کناد بر شما خدا تعالی و گویند که زیاده کنید صلوة و ذکر را زیاده کناد شما را خدا تعالی رحمت خود پس
چون آغاز کنند ذکر الهی را گشاده شود برای ایشان درهای آسمان و مستجاب گردد مر ایشان را دعا و بر آیند بر ایشان
حوران فراخ چشمان و متوجه شود خدا تعالی بذات پاک خود بر آنها که خوض نکنند در سخن بیخبر و متفرق نشوند پس چون
متفرق شوند برخیزند فرشتگانی که برای زیارت ایشان آمده بودند و طلب میکنند حلقهای ذکر را که مخفی نماند که تفقد
و عیادت و ترحیب و اعانت بر حاجت دو عاشق از محبت است ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و از آن جمله ترحم
و دعا را و تحفه فاکهیه نیز آورده است **ثمرهٔ ۶۲** صلوة را ملائکه به اقلام ذهب بر کاغذ فضه مینویسند چنانچه
از حدیث مذکور ظاهر شد ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمرهٔ ۶۳** سبب شهادت
آنحضرت است صلی الله علیه وسلم مر مصلی را در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث مذکور شد و من نادی صلی ... و زیادته
وشوقا كنت له شفيعا او شهيدا يوم القيمة بر آورده است بخاری در ادب مفرد و ابن جریر
و عقیلی که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر که گوید اللهم صل علی محمد الی آخره گواهی میدهم برای آن کس در
روز قیامت به شهادت در باب کیفیت صلوة متممه صلوة مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی ذکر کرده اند این ثمره را
سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمرهٔ ۶۴** سبب مزاحمت کتف مصلی است با کتف شریف
آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر باب جنت در حدیث آمده من صلى على الف مرة زاحمت كتفه كتفي على باب الجنة که
هر که درود فرستد بر من هزار بار مزاحمت کند شانه آن کس شانهٔ مرا بر دروازهٔ بهشت مقصود از مزاحمت شانه اتصال است

الا آنکس همراه رسول خدا صلی الله علیه وسلم بهشت ... از حافظ سخاوی گفته است که تا هنوز بر اصل این حدیث واقف
نشده‌ام ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر ثمره ٦٥ سبب مغفرت خواستن صلوة است برای صاحب
و قرار یافتن چشم ... ضعیف است برآورده است دیلمی ... از وی ... ضعیف است ما من عبد صلی
علی صلوة الا عرج بها ملک حتی یجیء بها وجه الرحمن عز وجل فیقول ربنا تبارک وتعالی
اذهبوا بها الی قبر عبدی تستغفر لقائلها وتقر بها عینه یعنی هیچ بنده که درود گوید بر من
مگر که بالا برد آن را فرشته تا که تحیت می کند بدان جهة باری تعالی پس می گوید پروردگار ما ببرید آن صلوة را بسوی قبر بنده من
تا استغفار کند برای قائل آن و قرار یابد بدان چشم او ذکر کرده است این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
ثمره ٦٦ ثواب یک صلوة یک قیراط است و آن قیراط مانند کوه احد باشد برآورده است عبد الرزاق بسند ضعیف
که فرمود صلی الله علیه وآله وسلم من صلی علی صلوة کتب الله له قیراطا والقیراط مثل احد
هر که درود فرستد بر من یکبار می نویسد خدا تعالی برای او یک قیراط ثواب و آن قیراط مانند احد است بعض تعیین کوهی است نزد مدینه
منوره زادها الله تشریفا قیراط بالکسر نیم دانگ است که بحسب اختلاف بلاد مختلف است پس مکه ربع ششم حصه دینار است
و در عراق نصف عشر حصه دینار است و در جانبه گفته اند یک حصه از چهار حصه ... گفته اند ... ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی صاحب
تحفه فالهیه ثمره ٦٧ سبب پیموده شدن ثواب است به کیال اوفی چنانچه در باب چهارم مذکور شد و من اراد
ان یکتال بالمکیال الاوفی یوم القیمة فلیکثر من الصلوة علی و نیز روایت کرده است ابو داود در سنن
خود و عبد بن حمید در مسند خود و غیر ایشان که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم من سره ان یکتال بالمکیال الاوفی
اذا صلی علینا اهل البیت فلیقل اللهم صل علی محمد النبی وازواجه الخ هر که را خوش گرداند پیموده
شدن ثواب به پیمانه وافی تر هرگاه درود فرستد بر ما که اهل بیتیم پس باید بگوید اللهم صل علی محمد تا آخر آن
تتمه آن در کیفیات صلوة مذکور خواهد شد ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی ثمره ٦٨
یک صلوة سبب محو شدن گناهان هشتاد سال است برآورده است ابو الشیخ و ابو سعید در شرف المصطفی من صلی علی
مرة واحدة فتقبلت محی الله عنه ذنوب ثمانین سنة هر که درود فرستد بر من یکبار
پس قبول کرده شود آن صلوة محو گرداند خدا تعالی از آنکس گناهان هشتاد سال و سابق از روایت دیلمی مذکور گشته
که صلوة در روز جمعه سبب غفران ذنوب هشتاد سال است و در روایت دیگر هشتاد بار صلوة موجب غفران ذنوب هشتاد سال است پس توفیق
میان این روایت و آن دو روایت مشکل است و ممکن است جواب بآنکه این روایت مخصوص به صلوة معین
بوده باشد والله اعلم ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی صاحب تحفه فالهیه ثمره ٦٩ سبب
منع حافظین است از نوشتن گناه تا سه روز روایت آمده است من صلی علی صلوة واحدة امر الله حافظیه ان

ان لا يلقيا عليه ربنا ثلاث ايام هر كه درود فرستد بر من يك صلوة حكم فرمايد خدا تعالى بر دو فرشته را كه بر او گناهى
نقل نكنند از طرف حق تعالى بانكه ننويسند بر آن كس گناه سه روز حافظ سخاوى رحمه الله گفته كه در ثبوت اين حديث ترددست
صاحب تحفه فاكهه گفته كه كسى گويد كه منع حافظين از كتابت گناه مخصوص به كثرت صلوة باشد خواهيم گفت كه محتمل است
ليكن فضل الهى واسع است انتهى ابن عاصى عفا الله عنه ميگويد كه احتمال تخصيص بكثرت خلاف ظاهر است زيرا كه در حديث ذكر
تصريح است بيك صلوة فقط رحمه الله ذكر كرده اند اين ثمره را شيخ ابن حجر مكى وصاحب تحفه فاكهه ثمره ۷۰ وسبب منع بعضى
از دخول نار روايت كرده شده است من صلى على صلوة واحدة لم يلج النار حتى يعود اللبن في الضرع
هر كه درود فرستد بر من يك صلوة نه رسد بروى آتش دوزخ تا كه باز نيايد شير در پستان يعنى چنانچه شير از پستان بر آيد عود آن
در پستان محال است همچنان دخول مصلى در آتش محال است حافظ سخاوى گفته كه در ثبوت اين حديث ترددست ذكر كرده است
اين ثمره را شيخ ابن حجر مكى ثمره ۷۱ سبب رضاى الهى است جل جلاله براورده اند جماعه بسند ضعيف كه فرمود
آنحضرت صلى الله عليه وسلم من سره ان يلقى الله راضيا ودر روايتى است وهو عنه راض فليكثر
من الصلوة على هر كه خوش كند او را اينكه ملاقى شود خدا تعالى را در حاليكه او تعالى از و راضى است پس بايد كه
زياده فرستد از صلوة بر من شيخ ابن حجر مكى گفته كه در سند اين روايت شخصى متهم به كذب است ذكر كرده اند اين ثمره
را ابن قيم وسخاوى وشيخ ابن حجر مكى وصاحب تحفه فاكهه ثمره ۷۲ سبب امان از سخط خدا تعالى است مرويست
از امير المومنين على رضى الله عنه كه اگر بدرستى پيغمبر خدا تعالى صلى الله عليه وسلم ذكر خدا تعالى نكردى تقرب نكردى
بسوى خدا تعالى مگر بصلوة بر پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم زيرا كه بدرستى شنيده ام پيغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم
كه ميفرمود وقال جبرئيل يا محمد ان الله عز وجل يقول من صلى عليك عشر مرات استوجب
الامان من سخطى گفت جبرئيل اى محمد بدرستى خداى عز وجل ميفرمايد كه هر كه درود فرستد ترا ده بار مستحق
امان شود از نارضامندى من سخط بالضم وبضمتين بروزن عنق وبه فتحتين بروزن جبل نارضامندى شيخ ابن حجر مكى
گفته كه در سند اين حديث شخصى متهم است ذكر كرده اند اين ثمره را سخاوى وشيخ ابن حجر مكى رحمهما الله ثمره ۷۳
سبب گران شدن ميزان است در روز قيامت براورده است ابن ابى الدنيا بسندى هالك از عبد الله بن عمر رضى
الله عنهما ان لآدم من الله موقفا في فسيح العرش عليه ثوبان اخضران كانه
نخلة سحوق فينظر الى من ينطلق به من ولده الى الجنة وينظر الى من ينطلق به من
ولده الى النار قال فبينما آدم على ذلك اذ نظر الى رجل من امة محمد صلى الله عليه
وسلم ينطلق به الى النار فينادى آدم يا احمد يا احمد فيقول لبيك يا ابا البشر
فيقول هذا رجل من امتك ينطلق به الى النار فاشد المئزر واهرع في اثر الملائكة

فأقول يا رسل ربي قفوا فيقولون نحن الغلاظ الشداد الذين لا يعصون الله ما أمرهم ويفعلون
ما يؤمرون فإذا آيس النبي صلى الله عليه وسلم قبض على لحيته بيده اليسرى واستقبل العرش
بوجهه فيقول يا رب العرش قد وعدتني أن لا تخزيني في أمتي فيأتي النداء من عند
العرش أطيعوا محمداً وردوا هذا العبد إلى المقام فأخرج من حجزتي بطاقة بيضاء
كالأنملة فألقيها في كفة الميزان اليمنى وأنا أقول بسم الله فترجح الحسنات
على السيئات فينادي سعد وسعد جده وثقلت موازينه انطلقوا به إلى الجنة
فيقول العبد يا رسل ربي قفوا حتى أكلم هذا العبد الكريم على ربي فيقول بأبي أنت
وأمي وما أحسن وجهك وأحسن خلقك من أنت فقد أقلتني عثرتي ورحمت عبرتي فيقول
أنا نبيك محمد وهذه صلواتك التي كنت تصلي علي وقد وفتك أحوج ما كنت إليها

بدرستیکه مر آدم علیه السلام را نزد خدا تعالی مقامی است در فراخی عرش بروی ست دو جامه سبز گویا او درخت خرمای بلند است
ببیند بسوی کسیکه برده شود از اولاد او طرف جنت و ببیند بسوی کسیکه برده شود از اولاد او بسوی دوزخ آتش پس در اثنا
آنکه باشد آدم علیه السلام برین حال چون ببیند بسوی مردی از امت محمد صلی الله علیه وسلم که برده میشود او را بسوی
آتش دوزخ پس ندا کند آدم آن حضرت صلی الله علیه وسلم را به یا احمد یا احمد پس بگوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم
لبیک ای پدر او میان پس بگوید آدم علیه السلام این مردی است از امت تو که برده میشود او را بسوی آتش آن حضرت فرموده
پس میتوار خواهم بست با محاصره را و خواهم شتافت در پی آن فرشتگان که میبرند آن بنده را پس بگویم ای رسولان پروردگار
من بایستید پس بگویند آنها که مائیم فرشتگان غلاظ شداد یعنی سخت گناه و نافرمانی نمیکنیم خدا تعالی را در آنچه فرموده است
ما را و بجا می آریم آنچه بدان مأمور میشویم پس چون نومید شود وی صلی الله علیه وسلم از ایستادن آن فرشتگان بگیرد
ریش مبارک خود را بدست چپ و متوجه شود بسوی عرش بروی شریف خود و پس بگوید ای پروردگار عرش تحقیق وعده
کرده با من باینکه فضیحت نکنی مرا در امت من پس آید ندا از نزد عرش آن فرشتگان را که فرمان برداری کنید محمد را صلی
الله علیه وسلم و باز گردانید این بنده را بسوی موقف پس برآرم از بر خود کاغذ پاره سفید مانند انگشت و بیندازم در پله راست
میزان در حالیکه بگویم بسم الله پس گران شود حسنات بر سیئات پس ندا کرده شود که نیک بخت شد و بهتر شد کوشش او گران شد موازین
او ببرید او را بسوی بهشت پس بگوید آن بنده ای رسولان پروردگار من بایستید تا سخن کنم با این بنده بزرگ نزد پروردگار من
پس بگوید پدر و مادر من فدای تو باد و چه چیز نیک کرده است روی ترا و نیک کرده است خوی و خصلت ترا کدامی تو که
جبر کردی عثرت مرا یعنی مسامحت نمودی از بدی من و رحم کردی بر غربت و بیکسی من پس بگوید وی صلی الله علیه
وسلم که من پیغمبر تو ام محمد صلی الله علیه وسلم و این درود تست که میفرستادی بر من تحقیق وفا کردم چیزیکه محتاج تر بودی

بودی الی ابد چه خدا است بیرون کتاب الاعلام بفضل النبی علیه الصلوة والسلام آورده است و ذکر کرده اند
ابن ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهه **ثمره ۴** سبب امن از تشنگی است روز قیامت روایت کرده
ابو القاسم تیمی در ترغیب از کعب احبار رضی الله عنه که وحی کرده است خدا تعالی بسوی موسی علیه الصلوة والسلام که ای
موسی اگر نبودی کسیکه حمد کند مرا نازل نکردمی از آسمان قطره آبی و نرویانیدمی از زمین گیاهی ای موسی اگر نبودی کسیکه
عبادت من کند مهلت ندادمی یک طرفة العین کسی را که گناه من کند ای موسی اگر نبودی کسیکه گواهی دهد بوحدانیت من
هر آینه راه دادمی جهنم را در دنیا ای موسی چون ملاقات کنی مسکینان را بپرس از آنها چنانچه می پرسی اغنیا را پس اگر
نکنی تحقیق بگیر زیر خاک کن آنچه دانسته یا آنچه عمل کرده زیر خاک ای موسی آیا دوست میداری اینکه نگیرد ترا تشنگی در روز قیامت
گفت موسی علیه السلام الهی آری دوست میدارم آن را گفت حق تعالی پس بسیار کن فرستادن صلوة بر محمد صلی الله علیه
وسلم ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهه **ثمره ۵** سبب کمال قرب جناب
حق سبحانه و تعالی است آورده است ابونعیم در کتاب حلیة الاولیا که خدا تعالی وحی کرد بسوی موسی علیه السلام ای موسی آیا
میخواهی که باشم من نزدیکتر از سخن تو بزبان تو و نزدیکتر از وسوسه دل تو بسوی دل تو و نزدیکتر از روح تو بسوی
بدن تو و نزدیکتر از نور بصر تو بسوی چشم تو گفت موسی علیه السلام آری فرمود حق تعالی زیاده کن فرستادن صلوة
بر محمد صلی الله علیه وسلم و از ابن عباس رضی الله عنهما در لفظی آمده است که وحی کرد خدا تعالی بسوی موسی علیه السلام فانّ
ما تكون الي واقرب مني اذا اكثرت الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم و در لفظی دیگر آمده و
اقرب ما تكون انت مني اذا ذكرتني وصليت على محمد صلى الله عليه وسلم ابتدا این قول
از من مذکور شد و ترجمه آن نیز در انجا مسطور گردید ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله **ثمره ۶**
سبب کثرت ازواج است در جنت چنانچه در باب چهارم از روایت ابن [illegible] مذکور شد اکثرکم علی صلوة
اکثرکم ازواجا في الجنة و صاحب جذب منظم نیز آنرا ذکر کرده لیکن حافظ سخاوی رحمه الله گفته که واقف نشدم
بر آن تا بسوی ذکر کرده است این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی **ثمره ۷** صلوة معادل و مقابل بیست غزوه
در راه خدا تعالی است آورده است دیلمی بسند ضعیف که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم حجوا الفرائض
فانها اعظم من عشرين غزوة في سبيل الله وان الصلوة تعدل ذلك كله بگذارید حجهای
فرض را پس بدرستیکه حج بزرگتر است از بیست غزوه در راه خدا تعالی و بدرستیکه درود برابر است همه آنها را بیست غزوه
را و در روایتی آمده است من حج حجة الاسلام وغزا بعدها غزاة كتبت غزاته باربعمائة
حجة قال فانكسرت قلوب قوم لا يقدرون على الجهاد ولا الحج فاوحى الله عز وجل
الي ما صلى عليك احد الا كتبت صلوته باربعمائة غزاة كل غزاة باربعمائة حجة [illegible]

کنند حج اسلام و بعد از آن جنگ کند در راه خدا تعالی البته نوشته شود آن غزاه مقابل چهار صد حج فرمود صلی الله علیه وسلم
که بعشقت دل ایشان حزین شکسته شد و لهذا کسی بیانکه تعالی می دارد چهار صد حج پس حق فرستاد خدای عزوجل بسوی مؤمنین
ایشان و فرمود که گوید بر تو صلوة یکبار نوشته شود در دیوان او مقابل چهار صد غزاه و غزاه مقابل چهار صد حج حافظ سخاوی
گفته که این از مؤلفات است و آثار وضع آن هویدا است ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه ثمره ۷۸
صد صلوة در روزی سبب است برای هزار حسنه و ماحی هزار گناه و مقابل صد صدقه مقبوله است روایت آورده ابو سعد در شرف
المصطفی که فرمود صلی الله علیه وسلم من صلی علیّ فی یوم مائة مرة کتب الله له بها ألف ألف حسنة
ومحی عنه ألف ألف سیئة وکتب له مائة صدقة مقبولة ومن صلی علیّ ثم بلغتنی
صلوته صلیت علیه کما صلی علیّ ومن صلیت علیه نالته شفاعتی هر که درود فرستد
بر من در روزی صد بار بنویسد خدا تعالی مر آن کس را در عوض آن هزار هزار نیکی و محو کند از وی هزار هزار گناه و بنویسد
برا او را صد صدقه مقبوله و هر که درود گوید بر من پس برسد به من آن درود و هر درود گویم بر آن کس چنانچه درود فرستاده است
او بر من و هر که درود گویم برا او دریابد او را شفاعت من حافظ سخاوی گفته گمان است بعدم صحت این روایت
ذکر کرده اند این ثمره را شیخ ابن حجر و صاحب تحفه فاکهیه ثمره ۷۹ یک صلوة سبب قضای صد حاجت است روایت آورده
است دیلمی بسند منقطع من صلی علیّ صلوة واحدة قضیت له مائة حاجة هر که درود گوید
بر من یکبار روا گردد مر او را صد حاجت و در فردوس بلا اسناد از علی رضی الله عنه است بطریق رفع من صلی علی محمد و
علی آل محمد مائة مرة قضی الله له مائة حاجة ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
ثمره ۸۰ صلوة احب اعمال است نزد خدا تعالی روایت آورده است دیلمی بسند ضعیف که گفت آنحضرت صلی الله علیه
وسلم قلت لجبرئیل ای الاعمال احب الی الله عز وجل قال الصلوة علیک یا محمد
وحب علی بن ابی طالب گفتم مر جبرئیل را کدام عمل دوست تر است نزد خدا تعالی گفت جبرئیل که دوست
ترین عمل درود است بر تو ای محمد و دوستی علی ابن ابی طالب است ذکر کرده اند این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی رحمهما الله
ثمره ۸۱ صلوة سبب زینت مجالس است روایت آورده است دیلمی بسند ضعیف که گفت وی صلی الله علیه وسلم زینوا
مجالسکم بالصلوة علیّ فان صلوتکم علیّ نور یوم القیمة زینت و آرایش کنید مجلسهای شما را و بوستان
بر من پس بدرستیکه درود شما بر من نور است مر شما را روز قیامت و روایت کرده شده است از ام المؤمنین عائشه صدیقه و امیر
المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنهما زینت دهید مجلسهای شما را به فرستادن صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ذکر کرده
این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه ثمره ۸۲ برکت و فائده صلوة تا پسر و نبیره میرسد
مروی است از حذیفه رضی الله عنه بسند ضعیف که درود بر وی صلی الله علیه وسلم در مییابد مرد را و پسر او را و پسر پسر او را ذکر کرده است

این ثمره را سخاوی و شیخ ابن حجر مکی و صاحب تحفه فاکهیه ذکر کرده‌اند لیکن صاحب تحفه فاکهیه گفته که برکت تا جبل ثبت میرسد و آن را حدیث منکر و معاهد نیست والله اعلم **ثمره ۸۳** سبب عدم سؤال است از سفر و ضغطات ذکر کرده است مجد الدین لغوی فیروزآبادی از ابی الفتح ازدی از طریق ابن مسعود رضی الله عنهما که گفت وی صلی الله علیه وسلم مَنْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَزَارَ قَبْرِي وَغَزَا غَزْوَةً وَصَلَّى عَلَيَّ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ لَمْ يَسْأَلْهُ اللهُ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ یعنی کسیکه بگذارد حج اسلام و زیارت کند قبر مرا و جنگ کند در راه خدا یک غزوه و درود گوید بر من در بیت المقدس سؤال نخواهد کرد او را خدای تعالی در آنچه فرض کرده شده است برو ذکر کرده است این ثمره را شیخ ابن حجر مکی **ثمره ۸۴** سبب حصول راحت است نزد موت زیرا که صلوة دافع بلیات و کافی مهمات است چنانچه سابق مذکور شد و شدت سکرات موت نیز از مهمات است ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۵** محبت مردم است مصلی را ذکر کرده است این ثمره را سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۶** سبب نصرت بر اعدا است ذکر کرده است این ثمره را نیز سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۷** سبب منع اغتیاب مصلی است ذکر کرده است این ثمره را نیز سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه نقلا عن السخاوی **ثمره ۸۸** سبب ورود بر حوض کوثر است ذکر کرده است این ثمره را نیز سخاوی و صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۸۹** سبب در آمدن مصلی است در حمایت آن حضرت صلی الله علیه وسلم ذکر کرده است این ثمره را صاحب تحفه فاکهیه **ثمره ۹۰** سبب انطباع و انتقاش صورت کریمه آن حضرت است صلی الله علیه وسلم در نفس مصلی و این از اجل فوائد و اعظم ثمرات است ذکر کرده است این را صاحب حدائق الانوار **بدانکه** نود ثمره که از اول باب تا اینجا مذکور گردید آن را علمائیکه اسامی آنها در اول باب مذکور شد در سلک ثمرات منتظم کرده‌اند و از اینجا تا آخر باب مستخرجات این عاصی کان الله له بعید تعلم می آید **ثمره ۹۱** سبب معرفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم مصلی را بر حوض آورده است شیخ ابو عبد الله جزولی رحمه الله در دلائل الخیرات و قاضی عیاض در شفا و جلال الدین سیوطی در مناهل الصفا لکن ذکر کرده‌اند تخریج آنکه فرموده صلی الله علیه وسلم لَيَرِدَنَّ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْوَامٌ مَا أَعْرِفُهُمْ إِلَّا بِكَثْرَةِ الصَّلَاةِ عَلَيَّ یعنی هر آینه وارد شوند بر من بر حوض کوثر روز قیامت مردمانیکه نشناسم آنان را مگر بکثرت صلوة بر من **ثمره ۹۲** سبب ضحک حق تعالی است بر مصلی روایت کرده است نسائی در سنن کبری از ابن مسعود رضی الله عنهما که فرموده صلی الله علیه وسلم يَضْحَكُ اللهُ إِلَى رَجُلَيْنِ رَجُلٌ لَقِيَ الْعَدُوَّ وَهُوَ عَلَى فَرَسٍ مِنْ أَمْثَلِ خَيْلِ أَصْحَابِهِ فَانْهَزَمُوا وَثَبَتَ فَإِنْ قُتِلَ اسْتُشْهِدَ وَإِنْ بَقِيَ فَذَاكَ الَّذِي يَضْحَكُ اللهُ إِلَيْهِ وَرَجُلٌ قَامَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ لَا يَعْلَمُ بِهِ أَحَدٌ فَتَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ الْوُضُوءَ ثُمَّ حَمِدَ اللهَ وَمَجَّدَهُ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاسْتَفْتَحَ الْقُرْآنَ فَذَاكَ الَّذِي يَضْحَكُ اللهُ إِلَيْهِ يَقُولُ انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي قَائِمًا لَا يَرَاهُ أَحَدٌ غَيْرِي ضحک میکند خدای تعالی بدو کس یکی از آن مردیکه ملاقی شد دشمنان را بجا بلکه

سوار است برای ارشاد تربیت شبان قرآن خود پس بخفتند نهادن آن کس تا ثابت کرد و بلند پاک گرد شنید آن خنده کرد
زنده ماند پس بجانب کسیکه ضحک میکند خدا تعالی بر وی دوم آنان مردیست که بجاست در لحاف خنب در حالیکه اگاه
نباشد بدان هیچ کس پس وضو کرد وضو کامل سپس حمد کرد خدا تعالی را و تمجید او نمود و درود فرستاد بر نبی صلی الله علیه وسلم
و بکشاد قرآن یعنی بخواند قرآن مشغول شد پس آنست کسیکه ضحک میکند خدا تعالی بر وی در حالیکه میگوید ملائکه را
ببینید بسوی بنده من در حالیکه قائم است و نمی بیند او را هیچ کس سوای من **ثمره ۹۳** سبب مغفرت گناهان
صبح است پیش از آمدن شب و مغفرت گناهان شب است پیش از آمدن صبح روایت کرده شده است من صلی علی
مساءً غفر الله له قبل الصبح ومن صلی علی صباحاً غفر الله له قبل ان یمسی که
درود گوید بر من بشب بیامرزد خدا تعالی مر او را پیش از آمدن صبح هر که درود گوید بر من بصبح بیامرزد مر او را پیش از آمدن شب گرده
است این حدیث را شیخ ابن حجر مکی و حافظ سخاوی گفته که بر اصل آن واقف نشدم **ثمره ۹۴** سبب فتح
درهای آسمان و سرادقات است چنانچه قبل ازین حدیث مذکور شد فاذا استفتحوا الذکر فتحت لهم ابواب
السماء الحدیث و شیخ ابو عبد الله جزولی در دلائل الخیرات گفته که مذکور است در بعض اخبار ان العبد المؤمن
او الامة المؤمنة اذا بدأ بالصلوة علی محمد صلی الله علیه وسلم فتحت له ابواب السماء والسرادقات
حتی الی العرش فلا یبقی ملک فی السموات الا صلی علی محمد و یستغفرون لذلک العبد او الامة
ما شاء الله بدرستیکه عبد مومن یا امه مومنه چون شروع کند در صلوة بر محمد صلی الله علیه وسلم کشاده شود مر او را درهای
آسمان و سرادقات یعنی حجابها و پردها تا بعرش پس نمی ماند فرشته در آسمانها مگر که درود میگوید بر محمد صلی الله علیه وسلم و طلب
مغفرت میکنند برای آن بنده یا داه تا که خدا تعالی خواسته باشد **ثمره ۹۵** سبب برد چشم آنحضرت است صلی
الله علیه وسلم حکایت کرده است ابو بکر بن فورک رحمه الله که مراد از صلوة در حدیث جعلت قرة عینی فی الصلوة
صلوة خدا تعالی و ملائکه و مامور شدن امت بدان است زیرا که چون او تعالی خبر قطعی داد بصلوة خود و ملائکه و امر نمود امت را تا
بقیامت بصلوة پس حاصل شد وی را صلی الله علیه وسلم را بدان قرة العین یعنی برد چشم پس فرمود گردانیده شده است
تازگی و خنکی چشم من در صلوة یعنی درود **ثمره ۹۶** سبب دعای دابه در حق مصلی است برآورده است طبرانی که فرمود
آنحضرت صلی الله علیه وسلم من قال اذا رکب دابة بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء سبحانه
من لیس له سمی سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا
لمنقلبون والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سیدنا محمد وعلیه السلام قالت
الدابة بارک الله علیک من مؤمن خففت علی ظهری واطعت ربک فاحسنت الی
نفسک بارک الله فی سفرک وانجح حاجتک هر که گوید چون سوار شود بر آن بسم الله الذی

لا یضر مع اسمه شیء بالخیر بگوید و ابه برکت کناد خدا تعالی بر تو آورد و ی اینکه مومن سختی تخفیف کرد و پشت
بر طاعت کردی بر کار تو او نیکی نمودی بسوی نفس خود برکت دهاد خدا تعالی در سفر تو و روا کناد حاجت تو

ثمره ۹۷

سبب دفع وسوسهٔ شیطان است و حدیث آمده لما یخشی من شر ذلک الشیطان وشر وسوسته فلیلجأ الی الله فی دفعه متوسلا الیه بالصلوة علی نبیه صلی الله علیه وسلم هرگاه خوف کرده شود از بدی آن شیطان و بدی وسوسه او پس باید که التجا کند بسوی خدا تعالی برای دفع آن در حالیکه وسیله جوینده است بسوی وی تعالی به صلوة بر پیغمبر او صلی الله علیه و آله وسلم

ثمره ۹۸

سبب اقبال خدا تعالی است بسوی مصلی چنانچه سابق در حدیث مذکور شد و اقبل الله عز وجل بوجهه مالم یخوضوا فی حدیث ویتفرقوا الحدیث

ثمره ۹۹

سبب تکلم آن حضرت است صلی الله علیه و سلم با مصلی در روز قیامت چنانچه سابق در حدیث نقل میزان مذکور شد فیقول انا نبیک محمد وهذه صلوتک التی کنت تصلی علی وقد وافیتک احوج ما کنت الیها معنیش سابق مذکور شد

ثمره ۱۰۰

سبب دلالت نمودن آن حضرت است صلی الله علیه وآله وسلم محتاج را بسوی مصلی که تا حاجت آن محتاج از دولت مصلی انجاح یابد و آن مبنی باختصاص مصلی است با آنجناب مستطاب صلی الله علیه و سلم چنانچه در بیان قضای حوائج حکایتی از کتاب تلمسانی مذکور شد و در تحفة الحبیب از کتاب بغیة المستفید فی اخبار مدینة زبید نقل کرده که مردی نزد حسین بن سلامه آمد و گفت که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا نزد تو فرستاده است که تا عطا کنی مرا هزار دینار حسین بن سلامه گفت مرا چه درا که شاید شیطان باین صورت در نظر تو متمثل و متشکل شده است آن مرد گفت که آنحضرت صلی الله علیه وسلم آگاه کرده است مرا بر علامتی که جز تو کسی نمیداند و آن اینکه تو هر شب بخواب نمیروی تا که صد بار درود بر وی صلی الله علیه وسلم نگوئی حسین بن سلامه بگریست و گفت که راست گفتی از بیست سال جز خدا کسی بر ان مطلع نیست و او را هزار دینار داد و نیز از محمد بن مالک حکایت کرده که برای تحصیل علم نزد ابی بکر بن مجاهد مقری ببغداد رفتم روزی ما چند کس در قرائت کتاب بودیم پیرمردی نزد ابن مجاهد آمد و دستار و قمیص و چادر کهنه داشت شیخ برای تعظیم او قیام نمود و در مکان خود نشاند و از حال او و عیال او استخبار نمود آن مرد گفت که امشب مولودی زاییده شده اهل بیت از من روغن و عسل درخواست کردند و من مالک درمی نیستم که بدان کار روا کنم ابوبکر بن مجاهد گفته که من اندوهگین شدم چون بخواب رفتم دیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرماید چرا اندوهگین هستی برو نزد علی بن عیسی وزیر خلیفه و از من سلام برسان و بگو که بعلامت اینکه هر شب جمعه تو بخواب نمیروی تا که هزار بار درود بر من نگوئی و این جمعه هفتصد بار درود خوانده بودی که رسول خلیفه آمد و ترا طلب کرد و پس رفتی و بعد مراجعت تمام هزار کرده گفتی باین پیرمرد یکصد دینار بده تا بمصالح خود برد از پس ابوبکر آن پیرمرد را همراه خود گرفته

نزد وزیر رفت و گفت که این مرد امروز پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم نزد تو فرستاده است از وزیر پرسید و او را از مکان خود نشاند
و استفسار قضیه نمود و بعد پرسش خوش گردید و پیره دنانیر طلبید و آن صد دینار بآورد به پیر مرد داد و صد دینار دیگر آورد تا به شیخ بدهد
از گرفتن آن امتناع نمود وزیر گفت بگیر که تو بشارت دادی مرا باین خبر صادق حالانکه این مخفی بود میان من و خدای تعالی و
رسول خدا صلی الله علیه وسلم باز صد دینار آورد و گفت که بگیر در مقابله بشارت دادن تو بعلم آن حضرت صلی الله علیه
بدرود من بر وی صلی الله علیه وسلم هر شب جمعه یکصد بار و صد دینار دیگر داد و گفت بگیر در مقابله تعب کشیدن تو در آمدن
با من همین قسم صد صد دینار آورد تا که هزار دینار شد و شیخ گفت که نگیرم مگر آنچه امر کرده است بگرفتن آن رسول خدا
صلی الله علیه وسلم و در باب کیفیت صلوة حکایتی از همین قبیل از سلطان محمود سبکتگین مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی

باب ششم در ذکر عقوبات ترک صلوة

عقوبات و قبائح که
بر ترک صلوة مترتب میشوند بسیار اند از انجمله یکی ذکر آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم نشنوند و درود بر وی نفرستند
بعید از خدا و رسول و راغم الانف و شقی و مستحق دخول نار و مدعو علیه بعید و سحق از جبرئیل و صلی الله علیه و آله وسلم است
برآورده اند جمعی از محدثین که فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم اصحاب را حاضر شوید نزد منبر که تو طیار شده بود
پس حاضر شدند چون وی صلی الله علیه وسلم بر منبر درجه اول قدم نهاد آمین گفت بر آمد بر درجه دوم و گفت آمین پس بر آمد بر درجه
سیوم گفت آمین چون از منبر نزول فرمود صحابه رضی الله عنهم سوال کردند که یا رسول الله امروز شنیدیم از تو آنچه سابق
نشنیده بودیم پس فرمود ان جبرئیل عرض لی فقال بعد من ادرک رمضان فلم یغفر
له فقلت آمین فلما رقیت الثانیة قال بعد من ادرک ابویه الکبر عنده او احدهما
الکبر فلم یدخلاه الجنة قلت آمین ومن ذکرت عنده فلم یصل علیک فابعده
الله قل آمین فقلت آمین بدرستی جبرئیل عرض کرد مرا پس گفت دور از خیر شد یا هلاک شد کسیکه دریافت
رمضان را پس بخشیده نشد مر او را یعنی در آن عبادت الهی نکرد و مستحق دخول جنت نگردید پس گفتم آمین پس هر گاه بر آمدم بر درجه دوم
گفت جبرئیل هلاک شد هر که دریابد مادر و پدر را او را پیری نزد وی یکی از مادر و پدر را به پیری دریابد پس داخل نکنند پسر را در بهشت
یعنی خدمت آنها نکند و مستحق بهشت نشود گفتم آمین تا اینجا روایت صحیح الاسناد است بعد ازین تا آخر یکی از
رواتش ضعیف است اگرچه ابن حبان توثیق او کرده است و هر که ذکر کرده شوی نزد او پس درود نفرستد بر تو پس دور از
خیر و هلاک کرده است او را خدای تعالی بگو آمین پس گفتم آمین مخفی نماند که عدم مبادرت بگفتن آمین قبل امر درین
هر سه از آنست که وی صلی الله علیه وسلم برای ذات شریفه خود از هیچ کس انتقام نفرمود مگر بترک امر الهی و اما مبادرت بآمین پس
از امر در ثالثه پس از آنکه دیده بود که خواهد پس بلحاظ ترک امر الهی است بتعظیم آنحضرت صلی الله علیه وسلم کما قال الشیخ ابن
حجر المکی رحمه الله و در روایت ضعیف که مستند است بسبب شواهد بدرجه حسن رسیده است آمده که چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر منبر نشست

سوال کردند پس فرمود اتاني جبرئيل فقال رغم انف رجل ادرک ابويه او احدهما الکبر فلم يدخلاه
الجنة فقلت امين قال ورغم انف امرء ادرک رمضان فانسلخ منه ولم يغفر له فقلت
امين قال ورغم انف من ذکرت عنده فلم يصل عليک فقلت امين رغم بمعني لصق بالتراب
است يعني متصل شد بخاک از ذلت وخواري يا بمعني ذل يعني ذليل وخوار شد ترجمه حديث از ترجمه روايت سابقه ظاهر
ودر روايتي ديگر آمده لما رقيت الدرجة الاولى جاني جبرئيل فقال شقي عبد ادرک رمضان
فانسلخ منه ولم يغفر له فقلت امين ثم قال شقي عبد ادرک والديه او احدهما فلم يدخلاه
الجنة فقلت امين ثم قال شقي من ذکرت عنده فلم يصل عليک فقلت امين **قوله** شقي
بدبخت شد **قوله** فانسلخ پس گذشت ودر روايت بيهقي آمده که هرگاه بنا کرد آن حضرت صلى الله عليه وسلم منبر را گردانيد آن را
درجه پس هرگاه بر آن سوار شد نزد بر آمدن بر درجه گفت امين پس سوال کرده شد بدان پس فرمود آن جبرئيل عليه السلام صعد
قبلي العتبة الاولى فقال يا محمد فقلت لبيک وسعديک فقال من ادرک ابويه او احدهما فلم
يغفر له فابعده الله قل امين فقلت امين فلما صعد العتبة الثانية قال يا محمد قلت لبيک
وسعديک قال من ذکرت عنده فلم يصل عليک فمات ولم يغفر له فدخل النار فابعده الله
قل امين فقلت امين **قوله** صعد بکسر عين بالارتقا **قوله** عتبه درجه ودر روايتي ضعيف آمده که پيغمبر فرمود
آيا ميدانيد که چرا امين گفتم صحابه گفتند خدا ورسول او دانا تر است گفت جاني جبرئيل فقال انه من ذکرت عنده
فلم يصل عليک دخل النار فابعده الله واسحقه فقلت امين ومن ادرک والديه او احدهما فلم يبرهما
دخل النار فابعده الله واسحقه فقلت امين **قوله** اسحقه دور کرد او را **قوله** فلم يبرهما پس نيکي
نکرد با مادر و پدر ودر روايتي است که هرگاه آن حضرت صلى الله عليه وسلم از مسجد باز گشت بر سيد بدان پس گفت ان جبرئيل
تبدّى لي في اول درجة فقال يا محمد من ادرک والديه فلم يدخلاه الجنة فابعده الله ثم ابعده فقلت
امين ثم قال في الدرجة الثانية ومن ادرک شهر رمضان فلم يغفر له فابعده الله ثم ابعده فقلت
امين ثم تبدى لي في الدرجة الثالثة فقال ومن ذکرت عنده فلم يصل عليک فابعده الله ثم
ابعده فقلت امين **قوله** تبدى از باب تفعل يعني ظاهر شد و براورده است ابن سني بسند ضعيف من ذکرت
عنده فلم يصل علي فقد شقي هر که ذکر کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من پس تحقيق بدبخت شد آن کس ودر لفظي آمده است
شقي عبد ذکرت عنده فلم يصل علي روايت کرده است ديلمي من ذکرت عنده فلم يصل علي دخل النار
هر که ذکر کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من داخل شد در آتش دوزخ **از انجمله** کسي که شنود ذکر آن حضرت صلى الله عليه وآله
وسلم ودرود نفرستد خطا کند طريق جنت را مروي است از سيد الشهدا ابي عبد الله الحسين رضي الله عنه که گفت نبي صلى الله

علیه وسلم مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَخَطِیَ الصَّلٰوةَ عَلَیَّ خَطِیَ طَرِیْقَ الْجَنَّةِ یعنی هر که ذکر کرده شوم نزد او پس خطا کند گفتن صلوة
را بر من خطا کند راه جنت را **قوله خطی** بفتح خاء معجمه و کسر طاء مهمله و در آخر همزه بمعنی اثم یعنی گناه کرد و بمعنی اخطأ نیز آمده
یعنی راه خطا گرفت و بعضی گفته اند که خطی در محل عمد و اخطا در محل غیر عمد مستعمل میشود بر آورده است این حدیث را طبرانی و طبری و بر آورده
ابن ابی حاتم از طریق شیخ عطا مَنْ نَسِیَ الصَّلٰوةَ عَلَیَّ خَطِیَ طَرِیْقَ الْجَنَّةِ و در روایت ابن ابی عاصم و غیر او بطریق ارسال
از محمد بن الحنفیه رضی الله عنه آمده مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِیَ الصَّلٰوةَ عَلَیَّ خَطِیَ طَرِیْقَ الْجَنَّةِ و نسیان محمول
است برا اینکه بعد استماع ذکر وی صلی الله علیه وسلم متلابس شود و صلوة را فراموش کند زیرا که ناسی مکلف نیست و بعضی نسیان را بمعنی ترک
گفته اند کما فی قوله تعالی نَسُوا اللّٰهَ فَنَسِیَهُمْ یعنی ترک کردند خدا را پس ترک کرد خدا ایشان را **از انجمله** کسیکه ذکر آن حضرت صلی
الله علیه وآله وسلم شنید و برو درود نفرستاد جفا کرد بآن حضرت صلی الله علیه وسلم از قتاده بطریق ارسال بصحت رسیده که گفت
آن حضرت صلی الله علیه وسلم مِنَ الْجَفَاءِ اَنْ اُذْکَرَ عِنْدَ رَجُلٍ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ از جفا است
اینکه یاد کرده شوم نزد مردی پس درود نفرستد بر من جفا بمعنی ترک نیکی و ترک صله و غلظت طبع و بعد از خیری و در روایتی آمده
مَنْ ذُکِرْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ صَلٰوةً تَامَّةً فَلَیْسَ مِنِّیْ وَلَا اَنَا مِنْهُ اَللّٰهُمَّ صِلْ مَنْ وَصَلَنِیْ وَاقْطَعْ مَنْ
لَمْ یَصِلْنِیْ هر که یاد کرده شوم پیش او و درود نفرستد بر من درود تمام پس نیست آن کس از من و نیستم من از وی الهی پیوند کن با کسی که پیوند
کند با من و ببر کسی را که پیوند نکند با من حافظ سخاوی رحمه الله گفته که واقف نشدم بر سند این روایت **مخفی نماند** که مراد از صلوة تامه
آنست که در آن ذکر آل باشد چنانچه در حدیث دیگر آمده که نفرستید بر من صلوة بتر یعنی ناقص پرسیدند که صلوة بتر چیست فرمود که اللّٰهم
صل علی محمد میگوئید و خاموش میشوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ باید گفت **از انجمله** بخیل است کسیکه ذکر وی
صلی الله علیه وآله وسلم شنید و درود بر وی نفرستاد روایت کرده جمعی از امیر المومنین علی رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم البخیل من ذکرت
عنده فلم یصل علی در باب چهارم این حدیث مذکور شده است ترمذی گفته که این حدیث حسن صحیح است و در بعض نسخ او گفته که حسن صحیح
غریب است **بر آورده اند** جمعی از امیر المومنین ابی محمد الحسن رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم بحسب المرء من البخل
اَنْ اُذْکَرَ عِنْدَهُ فَلَا یُصَلِّیْ عَلَیَّ این حدیث نیز در باب چهارم مذکور شد **و بر آورده اند** جمعی از سبط الشهید ابی عبد الله
الحسین رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم البخیل من ذکرت عنده فلم یصل علی حاکم گفته که این روایت صحیح است
و بر آورده است بیهقی در شعب الایمان ان البخیل کل البخیل من ذکرت عنده فلم یصل علی و در روایتی
آمده الا انبئکم بابخل البخلاء الا انبئکم باعجز الناس من ذکرت عنده فلم یصل علی و
من قال الرب فی کتابه ادعونی فلم یدعه قال الله تعالی ادعونی استجب لکم
آگاه باشید خبر دهم شما را بکسی که بخیل ترین بخیلان است آگاه باشید خبر دهم شما را بکسیکه عاجز ترین مردم است بخیل ترین بخیلان
کسیست که یاد کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من و عاجز ترین مردمان کسیست که گفت مر او را پروردگار او که بخوانید مرا پس نخواند او را

گفته است خدای تعالی بخوانید مرا اجابت کنم مر شما را. السخاوی گفته که واقف نشدم بر سند آن و ابو سعد شرف المصطفی آورده که ام المؤمنین
عائشه صدیقه رضی الله عنها شبی در وقت سحر چیزی میدوخت و سوزن گم گشت و چراغ فرو مرد پس تشریف آورد آن حضرت صلی الله علیه وسلم
خانه پس نور روی صلی الله علیه و آله وسلم روشن گردید و سوزن یافته شد پس عائشه صدیقه رضی الله عنها گفت از راه تعجب که چه چیز روشن کرده است
روی ترا ای رسول خدا آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود ویل و بلا کسی راست مر کسی را که نبیند مرا در روز قیامت عائشه رضی الله عنها گفت کدام
کس است که نبیند ترا فرمود نه بیند مرا بخیل ام المؤمنین رضی الله عنها گفت کدام است بخیل فرمود کسیکه نزد او گوید سخن من چون بشنود نام مرا آورده است
دیلمی حسب العبد من البخل اذا ذکرت عنده ان لا یصلی علی بس است بنده را از بخل این قدر که چون یاد کرده شوم
نزد او درود نگوید و حسن بصری رضی الله عنه بطریق ارسال مروی است بحسب المؤمن من البخل ان اذکر عنده فلا یصلی علی
بس است مومن را از بخل این قدر که یاد کرده شوم نزد او پس درود نگوید بر من و در لفظی است کفی به شحا ان اذکر عند رجل فلا یصلی
علی صلی الله علیه وسلم کافی است مومن را از بخل این قدر که ذکر کرده شوم نزد آن مرد پس درود نگوید بر من شیخ ابن حجر گفته که
راویان این حدیث ثقات اند و در روایتی است الا اخبرکم بابخل الناس قالوا بلی یا رسول الله قال من ذکرت
عنده فلم یصل علی صلی الله علیه وسلم آگاه باشید خبر دهیم شما را به بخیل ترین آدمیان گفتند صحابه آری یا رسول الله
خبر دهی ما را بدان گفت هر که یاد کرده شوم نزد او پس درود نفرستد بر من بخل در لغت عبارت است از امساک چیزی که مستحق آن
و در بخیل مراد از آن تکاسل و هون است از فرستادن صلوة کما قال الشیخ ابن حجر المکی از انجمله ملعون است کسیکه ذکر
آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بشنود و درود نفرستد ذکر کرده است ابو نعیم در حلیه که مردی گذشت از آن حضرت صلی الله علیه وسلم و با او آهو
بود که شکار کرده آورده آن آهو بقدرت ایزدی جل جلاله بسخن آمد و گفت یا رسول الله مرا اولاد است و انها را شیر میدهم و انها
گرسنه اند حکم کن این مرد را که رها کند تا که رفته انها را شیر داده باز آیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود اگر عود نکنی پس چه باید کرد آهو گفت
اگر عود نکنم لعنت کناد مرا خدای تعالی مثل کسیکه تو پیش او مذکور شوی و درود نفرستد یا باشم مثل کسیکه نماز گذارد و دعا نکرد پس
آن حضرت صلی الله علیه وسلم آن مرد را فرمود که رها کن من ضامن هستم پس رها کرد آهو رفته باز آمد پس آمد جبرئیل علیه السلام و گفت
ای محمد خدای تعالی ترا سلام میخواند و میفرماید قسم بعزت و بزرگی من که هر آینه من مهربان ترم به امت تو از این آهو نسبت باولاد او و من
باز آرم انهارا بسوی تو چنانچه باز آمد آهو بسوی تو صلی الله علیه وسلم از انجمله لئیم ترین مردم است کسیکه ذکر آن حضرت صلی الله علیه
و آله وسلم بشنود و بر وی درود نفرستد بر آورده است ابو سعید که گفت وی صلی الله علیه وسلم الا ادلکم علی خیر الناس و شر الناس
و ابخل الناس و اکسل الناس و الأم الناس و اسرق الناس قیل یا رسول الله بلی قال خیر الناس
من انتفع به الناس و شر الناس من یسعی باخیه المسلم و اکسل الناس من ارق فی لیله و لم یذکر
الله بلسانه و جوارحه و الأم الناس من ذکرت عنده فلم یصل علی و ابخل الناس من بخل بالسلام
علی الناس و اسرق الناس من سرق صلوته قیل یا رسول الله کیف یسرق صلوته قال لا یتم رکوعها

و سجود ها آگاه باشید دلالت میکنم شما را بر بهترین آدمیان و بدترین آدمیان و بخیل ترین آدمیان و کسلمندترین آدمیان و لئیم ترین آدمیان
و دزدترین آدمیان گفته شد یا رسول الله آری خبر ده ما را گفت بهترین آدمیان کسی است که سود مند شوند بدو آدمیان و بدترین
آدمیان کسی است که غمازی کند برادر مسلم را و کاهلترین آدمیان کسی است که بیدار شود و شب را و نکند خدا تعالی را به زبان و اندام خود و
ناکسترین آدمیان کسی است که ذکر کرده شوم پیش او پس درود نفرستد بر من و بخیل ترین آدمیان کسی است که بخل کند از گفتن سلام و لئیم ترین آدمیان
و دزدترین آدمیان کسی است که بدزدد نماز خود را گفته شد که یا رسول الله چگونه دزدد نماز خود را فرمود تمام نکند رکوع آن و سجود آن را
از انجمله هر مجلسیکه خالی باشد از صلوة بروی صلی الله علیه وسلم در روز قیامت مردم آن مجلس حسرت خواهد بود ترمذی و بسیاری از محدثین
برآورده اند که فرمود وی صلی الله علیه وسلم ما جلس قوم مجلسا لم یذکروا الله تعالی فیه ولم یصلوا علی
نبیه صلی الله علیه وسلم الا کان علیهم ترة من الله فان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم
نه نشست قومی مجلسیکه یاد نکردند خدا تعالی را در آن و درود نفرستادند بر نبی او صلی الله علیه وسلم مگر که باشد بر ایشان حسرت
نزد خدا تعالی پس اگر خدا تعالی خواهد عذاب کند ایشان را و اگر خواهد بیامرزد و در روایت حاکم است ما جلس قوم مجلسا ثم تفرقوا
قبل ان یذکروا الله ویصلوا علی نبیه الا کان علیهم حسرة الی یوم القیمة **قوله** ثم تفرقوا
پس جدا شدند **قوله** الی یوم القیمة یعنی بعد موت تا روز قیامت یا الی بمعنی فی است یعنی در روز قیامت و در روایتی
است که تصحیح کرده است آن را حاکم ایما قوم جلسوا اطالوا الجلوس ثم تفرقوا قبل ان یذکروا الله
ویصلوا علی نبیه الا کان علیهم ترة من الله ان شاء عذبهم وان شاء غفر لهم **قوله**
ایما قوم یعنی هر قوم **قوله** اطالوا یعنی دراز گردند ذهبی گفته که سندش ضعیف است و در روایتی است ما جلس قوم
لم یذکروا الله ولم یصلوا علی نبیهم الا کان ذلک المجلس علیهم ترة ولا قعد قوم لم یذکروا
الله الا کان علیهم ترة حاکم گفته که این روایت صحیح است بر شرط بخاری و در روایتی است بسند صحیح لا یجلس
قوم مجلسا لا یصلون فیه علی رسول الله صلی الله علیه وسلم الا کان علیهم حسرة وان
دخلوا الجنة لما یرون من الثواب **قوله** وان دخلوا الجنة الخ یعنی ایشان حسرت کنند بر ترک صلوة
بروی صلی الله علیه وسلم در موقف از جهت فوت شدن ثواب آن اگرچه باشد مصیر ایشان سوی جنت و بعد دخول جنت حسرت ملازم
ایشان نخواهد بود زیرا که جنت دار راحت است حسرت رنج و محنت **قوله** ترة بتاء فوقانیه مکسوره و راء مخففه مفتوحه بمعنی حسرت
و گفته اند که بمعنی آتش است و بمعنی گناه و ابن اثیر گفته که بمعنی نقص است و در اعراب آن نصب و رفع هر دو جائز است نصب بر این که خبر کان
است و رفع اینکه اسم آن است **از انجمله** هر مجلسیکه مردم آن قبل از صلوة بروی صلی الله علیه وآله وسلم متفرق شوند گویا
که از بدبوترین جیفه جدا شدند آمده است بسند صحیح بر شرط مسلم ما اجتمع قوم ثم تفرقوا عن ذکر الله عز
وجل وصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم الا قاموا عن انتن جیفة جمع نشد قومی بمجلس متفرق شدند

بدون ذکر خدای عز و جل و بدون درود بر نبی صلی الله علیه وسلم مگر که برخاستند انها از بدبوترین مردار ازانجمله کسیکه
درود نفرستد بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم نیست مر آن کس را دین برآورده است روزی قسمتی که دران شخصی غیر مسمی است
که گفت وی صلی الله علیه وسلم مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَلَا دِيْنَ لَهٗ یعنی هرکه درود نفرستد بر من نیست دین او ازانجمله
کسیکه درود بر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم نفرستد نه بیند روی صلی الله علیه وسلم را چنانچه قبل ازین از ابی سعد و از ام
المومنین عائشه صدیقه رضی الله عنها مذکور شده نیز مروی رضی الله عنهما مروی است که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لا یری
وَجْهِيْ ثَلَاثَةٌ اَلْعَاقُّ لِوَالِدَيْهِ وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِيْ وَمَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ اِذَا ذُكِرْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ
نبیند روی مرا سه کس یکی نافرمان برنده والدین را دوم ترک کننده سنت و طریقه من سیوم کسیکه درود نفرستد بر من چون
یاد کرده شوم پیش او

باب هفتم در تفصیل مواقع صلوة

و این باب مشتمل است بر سه مقام **مقام اول** در مواقع وجوب صلوة **اول** نزد ذکر وی صلی الله علیه وآله وسلم ابوجعفر طحاوی و صاحبان محیط و تحفه و غیره
و مفید از حنفیه و ابوعبدالله حلیمی و استاد ابواسحق اسفراینی و شیخ ابوحامد اسفراینی از شافعیه و طرسوسی و ابن عربی و
فاکهانی و لخمی از مالکیه و ابن بطه از حنابله قایل اند بوجوب صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم هر بار اگرچه در مجلس واحد مکرر شود
بحدیث رغم انف و نسبت بخل بتارک آن و بعضی قایل اند بوجوب آن در مجلس یکبار اگرچه مکرر شود ذکر او صلی الله علیه وسلم
حکایت کرده است این را زمخشری و توجیه کرده اند باینکه لازم آید تسلسل در صورت تکرار زیرا که هر درود مشتمل بر نام وی
صلی الله علیه وسلم است و ذکر نام او موجب صلوة است جواب خواهیم گفت که مفضی بتسلسل نمیشود زیرا که چون کسی بنام آنحضرت صلی
الله علیه وسلم تلفظ کرد و بعده درود فرستاد به صلی الله علی محمد لازم نیست صلوة دیگر بتلفظ این صیغه زیرا که نام
او مقرون بصلوة است فلا اشکال والله اعلم **حکایت** کرده است قاضی عیاض از نخعی که واجب است بر مومن
که نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم خضوع و خشوع و توقر و سکون از حرکت نماید و غالب گرداند بر خود هیبت و اجلال وی صلی الله علیه و
سلم گویا که حاضر است نزد او و متادب است بانچه خدا تعالی بدان ما را ادب کرده است و همین بود عادت سلف صالح و ایمه ماضیه منقول
است که مالک رضی الله عنه در وقت ذکر وی صلی الله علیه وسلم متغیر اللون و منحنی میشد چون این حالت بر جلسای او شاق
گذشت از وی سوال کردند او گفت اگر به بینید شما آنچه من دیدم انکار بر من نخواهید کرد **حکایت** کرد از ایمه سلف که خود با انها
ملاقی شده در وقت ذکر وی صلی الله علیه وسلم میگریستند یا رنگ انها زرد میشد یا زبان بر دهن خشک میگردید بهیبت ذکر وی
صلی الله علیه وسلم انتهی این عاصی عفی الله عنه جد خود را همواره دیده است که در وقت ذکر احوال آنحضرت صلی الله علیه
وآله وسلم میگریست آواز او متغیر میشد تمام و غیر علما مذکورین قایل اند باستحباب صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم
دویم بعد تشهد آخر پیش از سلام یعنی تشهدیکه بدان نماز تمام میشود اگرچه تشهد اول دران نباشد اجماع مسلمین است
بر مشروعیت صلوة دران مذهب امام شافعی و اسحق بن راهویه وجوب است و عدم صحت صلوة بدون آن حتا که بر آنحضرت

صلی الله علیه و سلم نیز واجب بود و امام احمد بن حنبل نیز در آخر رجوع بآن کرده و نزد حنفیه و جماعه علما سنت است و ان قول
صحیح از مذهب مالکیه و طحاوی و ابن منذر و خطابی مبالغه دارند در انکار قول شافعی و قاضی عیاض در شفا تابع اوشان شده و نسبت
شافعی به شذوذ کرده و گفته که مردم برو تشنیع کرده انتهی حافظ زین الدین عراقی از اکثر مشایخ انکار بر قاضی عیاض بسبب
انکار او بر شافعی و نسبت او به شذوذ نقل کرده زیرا که قاضی در شفا خلاف در طهارت بول و خون وی صلی الله علیه و سلم حکایت
کرده و قول بطهارت را نظر بزیادت شرف وی صلی الله علیه و سلم استحسان نموده پس انکار وی بر وجوب صلوة که اهم زیادت
شرف است تشنیع و غیر صواب است و جزری ره در تایید مذهب شافعیه گفته که الست قول عبد الله بن مسعود انصاری رضی الله عنه
روایت کرده است ابوبکر بن ابی شیبه و قول عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است ازو حسن بصری و قول عامر شعبی و امام ابی جعفر
محمد بن علی الباقر و مقاتل بن حیان رضی الله عنهم و الست مختار ابی عمر بن عبد البر و ابن مواز از مالکیه انتهی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که موافق اند شافعی را جماعتی از صحابه و تابعین و فقهای امصار رضی الله عنهم از صحابه امیر المومنین عمر و ابن مسعود و ابو
مسعود بدری و ابن عمر رضی الله عنهم از ابن مسعود بصحت رسیده که تشهد بخواند مرد در نماز پس درود فرستد بر نبی صلی الله
علیه و سلم و از ابن عمر بصحت رسیده که حاصل نمیشود نماز مگر بخواندن قرآن و تشهد و صلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم پس اگر
فراموش کند از ان جبر اینکه سجده کند بعد سلام و از تابعین شعبی و امام ابوجعفر محمد بن علی الباقر رضی الله عنهم
بر آورده است بیهقی از شعبی که هر که درود نفرستد بر نبی صلی الله علیه و سلم در تشهد پس اعاده کند نماز خود را و در لفظی است
کفایت نمیکند نماز او یعنی اعاده آن کنند و نیز بصحت رسیده که میدانیم تشهد را پس چون بگوید اشهد ان محمدا عبده و رسوله احمد کند پروردگار
خود را و ثنا گوید برو پس درود فرستد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم پس بخواهد حاجت خود را و از امام ابی جعفر محمد رضی الله عنه
نقل کرده است بیهقی مثل آن نقل کرده است از شعبی و دارقطنی و محمد بن کعب قرظی و مقاتل بن حیان تصویب قول وی کرده اند و شیخ
الاسلام شهاب بن حجر عسقلانی رحمه الله گفته که هیچ کس از صحابه و تابعین رضی الله عنهم تصریح بعدم وجوب نکرده اند
مگر ابراهیم نخعی و هم اشعار کرده است بقول غیر او بوجوب از فقهای امصار امام احمد حنبل رحمه الله گفته که اول در تردد بود و بعده
ظاهر شد که صلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم واجب است در تشهد صاحب مغنی گفته که اینجا رجوع او باین ظاهر شد و در آخر قول
از اسحق بن راهویه آمده که ترک صلوة عمدا مبطل نماز است و در سهو امید جواز و مختار ابن عربی از مالکیه نیز همین است و از حنفیه
صاحبان محیط و تحفه و غنیه و مفید تصریح کرده اند باینکه صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه و سلم واجب است و در تشهد نام وی صلی
الله علیه و سلم مذکور است پس صلوة در ان واجب است اگر کسی گوید که اینجا لازم نیاید که صلوة شرط صحت صلوة باشد جواب گوئیم
که در روایت بیهقی از امام ابوجعفر محمد و شعبی رضی الله عنهما و قول احمد بن حنبل تنصیص است بشرطیت نماز قطع نظر از ان غرض
ما رفع شذوذ شافعی رحمه الله بود و آن خود حاصل شد باقی ماند وجوب و عدم صحت نماز بدون آن پس برای اثبات
آن دلایل بسیار است از انجمله حدیث یا رسول الله اما السلام علیک فقد عرفناه فکیف

نصلی علیک اذ نحن صلینا فی صلوتنا صلی الله علیک فصمت صلی الله علیه وسلم ثم قال
اذا انتم صلیتم فقولوا اللهم الخ یا رسول الله اما سلام بر تو پس تحقیق دریافتیم آن را پس چگونه درود گوییم بر تو چون
درود گوییم در نماز ما پس خاموش ماند آنحضرت صلی الله علیه وسلم سپس گفت چون شما درود گویید پس بگویید اللهم تا آخر روایت
کرده اند این را جماعات محدثان و تصحیح کرده اند آن را ترمذی و ابن خزیمه و حاکم و گفته است دارقطنی که اسنادش حسن متصل
است و گفته است بیهقی که اسناد آن صحیح است اگرچه در اسناد او ابن اسحق است لیکن وی تصریح کرده است بقول حدثنا و پس لفظ صلینا
فی صلوتنا وجوب آن دلالت دارد بر وجوب آن در تشهد بعد از فراغ از آن زیرا که تعلیم سلام در تشهد در حالت صلوة بود پس سوال
از کیفیت صلوة و تعلیم آن دلالت دارد بر ایقاع آن در تشهد بعد فراغ از آن و دلایل آینده معاضد آن است واز انجمله حدیث
ابن مسعود رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم اذا تشهد احدکم فی الصلوة فلیقل اللهم صل الخ چون
تشهد خواند یکی از شما در صلوة پس باید که بگوید اللهم صل الخ این حدیث دلالت صحیح دارد بر وجوب و تصحیح کرده اند
آن را جماعتی از محدثان و وهم کرده اند که در اسناد آن راوی مجهول است زیرا که روایت کرده است از راوی مبهم و مراد از طریق دیگر است که در آن راوی
ضعیف و طریقی دیگر که در آن راوی مختلط است لیکن تقویت است از تعدد طرق ثابت شد که حسن است واز انجمله حدیث کعب
بن عجرة که بیرون نشستی بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میگفت در نماز اللهم صل محمد تا آخر روایت کرده است آن را بیهقی
و ایراد کرده باینکه احتمال دارد که مراد از لفظ فی الصلوة کیفیت صلوة باشد یا نه محل آن لکن این احتمال بعید است بنابر اینکه در حدیث
سابق و لاحق تصریح است باینکه مراد از نماز است واز انجمله حدیث فضاله رضی الله عنه انه صلی الله علیه وسلم
سمع رجلا یدعو فی صلوته لم یحمد الله ولم یصل علی النبی صلی الله علیه وسلم فقال صلی
الله علیه وسلم عجل هذا ثم دعاه فقال له او لغیره اذا صلی احدکم فلیبدا بتحمید ربه
والثناء علیه ویصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم ثم یدعو بعد بما شاء یعنی شنید نبی صلی الله علیه
وسلم شنید مردی را که دعا میکند در نماز خود حالانکه ثنای خدای تعالی نکرده و درود بر نبی صلی الله علیه وسلم نفرستاد پس
گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم جلدی کرد این و سپس خواند و گفت او را یا غیر او را که چون نماز گذارد یکی از شما پس باید که
ابتدا کند بحمد پروردگار او و ثنا بروی و درود فرستد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس دعا کند بعد آن هر چیز که بخواهد روایت کرده
است آن را ابوداود و تصحیح آن کرده اند ترمذی و ابن خزیمه و ابن حبان و حاکم و اشکال باینکه اگر این حدیث مفید وجوب باشد
تارک را امر باعاده میکرد مندفع است باحتمال اینکه نماز آن کس نفل بوده باشد یا آن کس مبادرت باعاده کرده باشد یا پیش از
یا نزد فراغ او از نماز صلوة واجب باشد پس لازم نیاید تاخیر بیان از وقت حاجت چون موافق شد مذهب شافعی
رضی الله عنه با اقوال جمعی از صحابه و تابعین فقهای امصار و معاضدت نمودند آن را احادیث صحیحه صریحه مندفع گردید
تشنیع انکار و نسبت وی بشذوذ و تا اینجاست خلاصه تحقیقات شیخ ابن حجر مکی رحمه الله و در تحفة الترغیب از ابن قیم نقل

گروهی که اجماع وارد اند بر شریعت صلوة در تشهد اختلاف کرده اند در وجوب و استحباب آن پس تمسک بعمل سلف در عدم وجوب محل
تردد و نظر است زیرا که عمل آنها موافق است با وجوب پس امر اعتقادی است محتاج بنقل صریح است از سلف بعدم آن و وجود
نقل صریح متعین است از شافعی رضی الله عنه میگویم که چون وجود نقل صریح بر عدم وجوب متعسر شد و نقول صریحه بر وجوب ثابت شدند
ثبت گردید مذهب شافعی رضی الله عنه فلله الحمد علی ذلک **سیوم** صلوة جنازه اتفاق علما است بر مشروعیت
صلوة در آن بعد تکبیر دویم پس نزد شافعی و احمد رضی الله عنهما واجب است بر قول مشهور و نماز بدون آن صحیح نیست و نزد ابی حنیفه
و مالک رضی الله عنهما مستحب است شافعی و احمد استدلال کرده اند بعمل سلف رضی الله عنهم مروی است از ابی امامه از بعض اصحاب
او رضی الله عنهم که صلوة مثل تکبیر سنت است در نماز جنازه روایت کرده اند آنرا شافعی و جماعتی از محدثان و شبیه صلوة بتکبیر مستلزم
وجوب است زیرا که تکبیر واجب است بالاتفاق **قوله** سنت است یعنی طریقه نبوی است صلی الله علیه و سلم یا ثابت است بسنت و
حاکم در صحیح خود آورده که جماعه صحابه رضی الله عنهم باو خبر داده اند که در صلوة جنازه تکبیر گوید پس صلوة فرستد بر آن حضرت
صلی الله علیه و سلم زهری گفته که ابو امامه مرا این سخن گفت درحالیکه ابن مسیب میشنید و انکار نکرد بروی پس نقل کردم این را پیش
محمد بن سوید پس گفت که من از ضحاک بن قیس شنیده ام که از حبیب بن مسلمه همین روایت میکرد و نیز زهری از ابی امامه نقل
کرده است که او به ابن مسیب گفت سنت در صلوة جنازه خواندن فاتحة الکتاب و صلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم است و بیهقی
در سنن خود از ابی هریره رضی الله عنه آورده که او عباده بن الصامت را بعد سوال او از کیفیت صلوة جنازه گفت قسم بخدا خبر
میدهم ترا که الله اکبر پس میگوئی تکبیر پس درود میفرستی بر نبی صلی الله علیه و سلم پس میگوئی اللهم ان تا آخر یعنی دعا برای
میت و مالک و غیر او از ابی هریره رضی الله عنه آورده اند که چون از و سوال از کیفیت صلوة جنازه کردند گفت که در پی
جنازه میروم با کسان آن پس چون نهاده شود آنرا تکبیر میگویم و حمد میکنم خدا را و درود میگویم بر پیغمبر او صلی الله علیه و سلم پس
میگویم اللهم انه عبدک تا آخر و از ابن عباس و ابن مسعود و مجاهد رضی الله عنهم نیز آمده **چهارم** خطبه های
جمعه و هر دو عید و کسوف و خسوف و استسقا نزد شافعی و احمد رضی الله عنهما صلوة در خطبه ها رکن است و نزد ابی حنیفه و
مالک رضی الله عنهما مستحب است و دلیل وجوب فعل خلفای راشدین و تابعین است رضی الله عنهم و منقول نیست از اینها که هیچ خطیب
قطع نظر از خطبه جمعه حمد بی صلوة بوده باشد و سلف صالح خطبه بی صلوة را بتراء یعنی ناقص میگفتند و در صحاح وارد
که خطبه خوانده اند یا خطبه بتراء زیرا که در آن حمد نکرد و صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم نفرستاد و مروی است صلوة در خطبه امیر المومنین
علی کرم الله وجهه بروایت احمد و در خطبه عمرو بن العاص رضی الله عنه بروایت دارقطنی از طریق ابن لهیعه و در خطبه ابن مسعود رضی
الله عنه بروایت نمیری و غیر او و در خطبه ابی موسی اشعری رضی الله عنه و در نهایه ابن اثیر است که باین اجماع قطعی از سلف
ثابت شد وجوب و الا ترک میکردند در بعض احیان ابن بشکوال از محمد بن عبد الحکیم رحمه الله آورده که امیری در مدینه مطهره
خطبه جمعه خواند و مشتمل کردانیدن آن بر نسیب بعد از اتمام خطبه و نزول او از منبر برانگیخته اهل مسجد بروی غوغا کردند و از

بر جانب صحیح زوند و این دلیل است بر این که لازم باشد در خطبه چند چیز که نزد سلف مشهور و معروف است که ترک جایز نیست در رحمة الامة في اختلاف الائمه گفته که نزد ابی یوسف و محمد صاحبان امام اعظم رحمهم الله لابد است از کلامی که مسمی است بخطبه بر عادت و در روایتی از مالک رحمه الله آمده که کافی نیست مگر آنچه مسمی است بخطبه در عرف یعنی کلام مؤلف بیان **فائده** واجب است نزد شافعی در خطبه‌ها آوردن صیغه صلوة چون اللهم صل یا اصلي یا نصلي یا الصلوة والسلام علی محمد یا احمد یا نامی دیگر از نامهای وی صلی الله علیه وسلم و اگر تنها سلم الله علی محمد یا رحم الله محمدا یا صیغه دیگر که مشتق از ماده صلوة نباشد یا صلی الله علیه بضمیر آرد اگرچه نام وی صلی الله علیه وسلم سابق مذکور شده باشد بر مذهب معتمد جایز نیست کذا في المنهج القويم للشيخ ابن حجر المكي رحمه الله **مقام دویم** در مواقع ندب و استحسان صلوة **اول** بعد از وضو و غسل و تیمم چنانچه نقل کرده امام نووی رحمه الله از شیخ نصر در وضو بصراحت و اشارت کرده است بدان در غسل و تیمم روایت کرده است ابن حبان بسند ضعیف از ابن مسعود رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم چون فارغ شود یکی از شما از طهور خود پس باید که بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله پس باید که درود فرستد بر من آمده است در روایتی ضعیف که مرتقی میشود بسوی حسن بطرق رضی الله عنه اذا تطهر احدكم فليذكر اسم الله فانه يطهر جسده كله وان لم يذكر احدكم اسم الله على طهوره لم يطهر منه الا ما مر عليه الماء فاذا فرغ احدكم من طهوره فليشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده ورسوله ثم ليصل علي فاذا قال ذلك فتحت له ابواب الرحمة چون طهارت کند یکی از شما پس باید که یاد کند نام خدا تعالی را پس بدرستی که آن پاک میکند همه جسد او را و اگر یاد نکند یکی از شما نام خدا تعالی را بر طهارت خود پاک نشود از وی مگر آنچه گذشته است بر آن آب پس چون فارغ شود یکی از شما از طهارت خود پس بخواند کلمه شهادت پس درود فرستد بر من پس چون بگوید آن را گشاده شود برای وی درهای رحمت و در روایتی درهای جنت است و در روایتی ضعیف آمده **لا وضوء لمن لم يصل على النبي صلى الله عليه وسلم** نیست وضو کامل مر کسی را که درود نفرستاد بر نبی صلی الله علیه وسلم **دویم** بعد اذان و اقامت مؤذن و مقیم و سامع را پیش از دعای اللهم رب هذه الدعوة التامة الخ بحدیث ابن عمر رضی الله عنه که بروایت مسلم سابق مذکور شد اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا الحديث و اما روایت احمد پس که بگوید وقتی که ندا کند منادی اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة صل على محمد وارض عنه رضى لا سخط بعده مستجاب کند خدا تعالی دعای او را و این محمول است بر آنکه بعد فراغ از صلوة بگوید تا مطابقت شود میان سه حدیث و کذلک روایت بخاری که هر که بگوید در وقت شنیدن ندا اللهم رب هذه الدعوة التامة تا آخر و ابن ابی الدردا رضی الله عنه برآورده است که وی صلی الله علیه وسلم چون اقامت میشنید میفرمود اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة صل على محمد وآته سوله يوم القيمة و میشنوانید کسانی را که گرد وی صلی الله علیه وسلم میبودند و دوست میداشت که همچنین بگویند چون بشنوند مؤذن را و هر که بگوید مثل این چون بشنود مؤذن را واجب و لازم شود مر او را شفاعت محمد صلی الله علیه وسلم در روز قیامت

قوله سؤله یعنی حاجت او از شل شفاعت عظمی و حوض و لواء حمد و وسیله غیر آن از آنچه مقرر کرده است خدا تعالی برای وی **فرع**
سامع مؤذن در حالت نماز مقیس است بر مؤذن یعنی بعد فراغ از نماز درود گوید و وسیله برای وی صلی الله علیه وسلم بخواهد کما قال
العلامة المحلی فی شرح المنهاج **فائده** شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب سفنو و گفته که آنچه معتاد است
که صلوة و سلام عقب اذان بر مناره ها میگویند مگر اذان صبح و جمعه که در ان پیش از اذان میگویند و اذان مغرب که بسبب ضیق وقت
نمیگویند احداث کرده سلطان صلاح الدین یوسف بن ایوب است شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب وسایل الی معرفة الاوایل گفته
که اول در زمان سلطان صلاح الدین بن ایوب در مصر و شام حادث شد که قبل از اذان صبح در هر شب السلام علی رسول الله
میگویند و این تا سنه هفتصد و هشت و هفت جاری بود و بعد به امر صلاح الدین برنسی محتسب زیاده شد الصلوة والسلام علیک
یا رسول الله پس در ماه شعبان سنه هفتصد و نود و یک در زمان سلطان حاجی بن اشرف شعبان بن حسین بن ناصر محمد بن منصور
قلاوون به امر نجم الدین طنبدی محتسب تقرر یافت که بعد هر اذان بگویند و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از بعض مورخین نقل کرده که در سنه
هفتصد و نود و یک بنا بر رویای بعض معتقدین تقرر یافت آنچه مذکور شد بعض متاخرین تصویب آن کرده و گفته که بدعت حسنه
است و فاعلش بحسن نیت خود ماجور خواهد شد و شیخ الاسلام زکریا رحمه الله در فتاوی خود گفته که اصل آن مستحب و کیفیت بدعت است
سیوم در تشهد اول بر قول جدید امام شافعی رضی الله عنه چنانچه نص کرده است بر آن امام و ترک آن موجب سجده سهو است
و اما قول قدیم پس زیاده نکند بر تشهد و روایت کرده است این را مزنی از وی رضی الله عنه لیکن قول جدید اظهر است بدلیل احادیث که
در خصوص تارک صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم وارد است و چون مصلی در آخر تشهد ذکر وی صلی الله علیه وسلم نمود پس مسنون
شد او را صلوة علیه آن را خارج کرد از ان عموم که شامل است مصلی و غیر مصلی را این عاصی عفی الله عنه میگوید که بر قول
کسانیکه قایل اند بوجوب صلوة نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم لازم آید وجوب صلوة در تشهد اول نیز و این مشکل است زیرا که
هیچ کس تصریح نکرده است بوجوب آن در تشهد اول والله اعلم و مذهب امام اعظم و مالک و احمد رضی الله عنهم موافق قول قدیم
است بلکه نزد حنفیه لازم آید سجده سهو بزیادت صلوة زیرا که بسبب آن متاخر شد رکن یعنی قیام بسوی رکعت ثالثه و
اختلاف کرده اند آنها در قدر زیاده بعضی گفته اند اللّٰهم صلّ علی محمّد و بعضی گفته اند اللّٰهم صلّ علی
محمّدٍ و علی آل محمّدٍ و اول اصح است کما فی العینی شرح الکنز **چهارم** در آخر قنوت نزد شافعیه
صلوة در قنوت وتر ثابت شده است در روایت نسائی بسند حسن که تعلیم فرموده آن حضرت صلی الله علیه وسلم مر امیر المومنین
حسن را رضی الله عنه کلماتیکه بخواند آنرا در وتر یعنی اللهم اهدنی فیمن هدیت تا آخر و در انتهای آن و صلی الله علی
النبی است بی زیادت اما کسیکه زیاده کرده است لفظ محمد و سلم و نسبت آن بسنن نسائی نموده وهم است زیرا که این لفظ در آن
نیست کما قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و بصحت رسیده که بعض صحابه رضی الله عنهم درود میفرستادند در قنوت
و از زهری رضی الله عنه بصحت رسیده که صحابه رضی الله عنهم درود میفرستادند بر وی صلی الله علیه وسلم در قنوت وتر رمضان

ونیز از بعض صحابه مرویست که چون عشرهٔ اخیرهٔ رمضان آمد زیاده میکرد در قنوت اللّهم صلّ علی محمّدٍ کما صلّیت علی ابراهیم
اللّهم بارک علی محمّدٍ عبدک ورسولک السّلام علیه ورحمة الله وبرکاته وصلوة در آخر قنوت صبح نیز روا
صحیح مسنون است بر قیاس قنوت وتر وقول بعضی که در اول وآخر نیز مسنون است مخالف روایات است اگرچه صلوة در اول وآخر هر دعا است لیکن
قنوت بنا بر رعایت روایات مذکوره از آن مستثنی است ومسنون است در آخر قنوت سلام وذکر آل نیز وذکر اصحاب نیز اولی است نیز
چون ذکر آل مسنون باشد ودر ایشان غیر اصحاب هم هستند پس ذکر اصحاب بطریق اولی مسنون باشد واعتراض باینکه این قول منافی اجماع
ایشان است بعدم ذکر اصحاب در صلوة تشهد مدفوع است باینکه در تشهد اقتصار نمودند بر حدیث ودر اینجا زیاده کردند ذکر آل
پس قیاس کرده شد بران ذکر اصحاب واشکال باینکه ذکر آل در تشهد اول چرا مسنون نشد وجه فرق است میان آن وقنوت مدفوع است باینکه قنوت
محل دعاست پس مناسب شد ختم بدعا آل واصحاب بعکس اینست بر او شان هکذا ذکر الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله پنجم
عقب نماز بحدیث ضعیف من دعا بهؤلاء الدعوات فی دبر کل صلوة مکتوبة حلت له الشفاعة منی یوم
القیمة اللّهم اعط محمّد الوسیلة واجعل فی المصطفین محبته وفی العالمین درجته وفی المقربین داره
هر که دعا کند باین دعوات در پس صلوة فرض واجب گردد یا شایسته شود برای او شفاعت از من در روز قیامت وآن دعوات این است
اللّهم اعط محمدا تا آخر چون در ابتداء هر دعا صلوة مسنون است پس در این دعا نیز مسنون است اینجا است که در فتح المعین شرح قرة
المعین گفته که مسنون است افتتاح وختم دعا بالحمد نماز وبحمد خدا وصلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم **ششم** نزد هر دعا ودر آن
سه وجه است یکی ابتدا بالحمد وصلوة شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منضود گفته که علما اجماع دارند بر ندب ابتداء دعا بحمد
پس صلوة وآمده است بسندیکه رجالش رجال صحیح اند اذا اراد احدکم ان یسأل الله شیئا فلیبدأ بمدحه والثناء
علیه بما هو اهله ثم یصلی علی النبی صلی الله علیه وسلم ثم یسأل بعد فانه اجدر ان
ینجح چون خواهد یکی از شما که سوال کند از خدا تعالی چیزی را پس باید که آغاز کند بمدح او تعالی وثنا بر وی بچیزیکه او لایق است
سپس درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم پستر سوال کند پس بدرستیکه آن کس لایق است که بدرستی وی رستگاری یابد ودر روایتی
است اذا اراد احدکم ان یدعو فاحب ان یستجاب له فلیحمد الله ولیثن علیه ولیصل علی النبی
صلی الله علیه وسلم ثم لیدع بحاجته فانه اجدر ان یستجاب له چون خواهد یکی از شما که دعا کند
پس دوست دارد که استجابت کرده شود او را پس باید که حمد خدا کند وثنا بر وی گوید ودرود فرستد بر نبی صلی الله علیه وسلم
سپس باید که بخواهد حاجت خود را پس بدرستیکه او لایق است باینکه استجابت کرده شود دعا او را وآورده اند نسائی مرفوعا
الدعا کله محجوب حتی یکون اوله ثناء علی الله عز وجل وصلوة علی النبی صلی الله علیه
وسلم حتی یدعو فیستجاب له دعائه دعا همه آن محجوب است تا که باشد در اول آن ثنا بر خدا تعالی وصلوة بر نبی
صلی الله علیه وسلم ودعا کند پس مستجاب کرده شود دعا او قوله حتی یدعو حتی ای عطف است ومفید ترتیب

و غیر با صحت کذا فی الدر المنضود وجه دوم ابتدا و اختتام دعا بصلوة کند امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که اجماع دارند
علما بر استحباب ابتداء دعا بحمد خدا و ثنای او و صلوة بر رسول او صلی الله علیه و سلم و کذلک ختم دعا بحمد و صلوة و آثار درین باب بسیار و مشهور
اند انتهی و حدیثی آمده الدعاء بین الصلوتین علی لا یرد دعا در میان دو صلوة برین گردد نمیشود و قول ابی سلیمان دارانی درین
امر سابق مذکور شده است وجه سیوم مسنون است صلوة در اول و اوسط و آخر دعا مرویست بسند ضعیف غریب لا تجعلونی
کقدح الراکب سئل و ما قدح الراکب قال ان المسافر اذا فرغ من حاجته صب ما فی قدحه فان کان له حاجة
توضأ منه او شربه و الا اهرق اجعلونی فی اول الدعاء و وسطه و آخره نگردانید مرا مانند کاسه سوار
سوال کرده شد که کاسه سوار چیست گفت بدرستیکه مسافر چون فراغت یابد از حاجت خود می اندازد آنچه در کاسه خود است از آب پس اگر
باشد مر او را حاجت وضو میکند بدان آب یا مینوشد آن را و گرنه میاندازد آن را بگردانید مرا در اول دعا و در میان آن و در آخر آن و غرض از نهی از تشبیه بقدح
راکب آنست که در ذکر موخر نکنند آنحضرت را صلی الله علیه و سلم چنانچه راکب می آویزد قدح خود را در آخر رحال و در پس خود و در روایتی دیگر
که بخصوص یکی ازین وجوه ثلثه دلالت نداشته باشد بیاید دیلمی روایت کرده کل دعاء محجوب حتی یصلی علی النبی صلی
الله علیه و سلم و در لفظیست الدعاء یحجب عن السماء و لا یصعد الی السماء من الدعاء شیء حتی یصلی علی النبی صلی
الله علیه و سلم فاذا صلی علی النبی صلی الله علیه و سلم صعد الی السماء دعا محجوب باز داشته میشود از آسمان و بالا نمی رود بسوی آسمان از دعا
چیزی تا که درود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم پس چون درود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم بالا رود دعا بسوی آسمان و در شفا است که دعا
و نماز معلق باشد میان آسمان و زمین بالا نرود بسوی خدای تعالی یعنی محل مناجات او تا که درود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم و از عمر
بن الخطاب رضی الله عنه مرویست که بدرستی دعا ایستاده میان آسمان و زمین بالا نمی رود از آن چیزی تا که درود گوید بر نبی صلی
الله علیه و سلم چون این سخن ممکن نیست که از برای خود گوید پس در حکم حدیث مرفوع آمد مرویست بسند ضعیف از وی صلی
الله علیه و سلم که نیست هیچ دعا مگر که او میان او و میان آسمان حجابست تا که درود گوید بر محمد و بر آل محمد پس چون درود گوید
شکافته شود آن حجاب و داخل گردد دعا و چون درود نگوید باز گردد دعا و از ابن عطا سابق مذکور شد که صلوة از اسباب
دعا است هفتم در حال قرائت قرآن چون بگذرد بآیتیکه در آن ذکر وی صلی الله علیه و سلم است قاری و سامع را خارج
نماز بالاتفاق و اما داخل نماز پس از شافعیه یوسف بن حسین اردبیلی رحمه الله در انوار از عجلی نقل کرده که چون بخواند در نماز
آیتی که در آن نام آنحضرت صلی الله علیه و سلم است مستحبست صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم و در فتاوی صاحب روضه مذکور
است که صلوة نفرستد و اول اقربست انتهی و شیخ ابن حجر مکی در کتاب در منضود گفته که چون بگذرد در نماز بآیتی که
در آن ذکر وی صلی الله علیه و سلم است مسنون است قاری و سامع را صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم و قول صاحب انوار
هم آورده و گفته که بر قول اول درود گوید بضمیر مثل صلی الله علیه یعنی تصریح بنام وی صلی الله علیه و سلم نکند مثلا از جهت
نباید نقل رکن قولی که مبطل صلوة است بر قول وی و صاحب تحفة الغریب از قاضی اسمعیل آورده که مرویست از حسن بصری

ندب صلوة مطلقا نماز فرض باشد والله اعلم و امام احمد بن حنبل رضي الله عنه نص كرده بر ندب صلوة در نماز نفل و نزد حنفيه
مسنون نيست پس مبطل نماز نيست زيرا كه از قبيل اذكار است ليكن سجده سهو لازم خواهد آمد چنانچه بر بنايات صلوة در تشهد
اول لازم مي آيد بعد احصاى اين مسئله از كتب ايشان منظر اين عاصي نيامده والله اعلم ومن عنده علم اصول بتحرير برد ياورد والله اعلم ٭ ششم ٭ نزد
مرور بمسجد و دخول آن و خروج از آن كما بيرود الله بو داود و نسائي و ابن ماجه و طبراني و بيهقي و ابو عوانه و ابن خزيمه و ابن
سني و ابن حبان باسانيد صحيحه از ابي حميد يا از ابي اسيد رضي الله عنه كه فرمود وي صلي الله عليه وسلم اذا دخل احدكم المسجد
فليصل على النبي صلى الله عليه وسلم ثم ليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج فليقل اللهم اني
اسئلك من فضلك ٭ چون درآيد يكي از شما در مسجد پس بايد كه درود گويد بر نبي صلي الله عليه وسلم پس گويد اللهم تا آخر و چون
برآيد از مسجد پس بايد كه بگويد اللهم تا آخر زياده كرده است ابن سني و ابن خزيمه و ابن حبان چون برآيد پس بايد كه درود گويد بر نبي
صلى الله عليه وسلم و بگويد اللهم اعذني من الشيطان الرجيم ٭ امام نووي رحمه الله در اذكار خود از كتاب ابن سني
از روايت انس رضي الله عنه آورده كه چون نبي صلي الله عليه وسلم داخل مسجد ميشد ميگفت بسم الله اللهم صل على محمد
و چون بيرون مي آمد ميگفت بسم الله اللهم صل على محمد و نيز در اذكار از ابن عمر رضي الله عنهما آورده كه وي صلى
الله عليه وسلم درود بر خود ميفرستاد نزد دخول مسجد و خروج از آن و در روايتي است اذا دخل احدكم المسجد فليسلم
على النبي صلى الله عليه وسلم وليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك و اذا خرج فليسلم على النبي
صلى الله عليه وسلم وليقل اللهم اعصمني من الشيطان ٭ حاكم گفته كه اين روايت صحيح است بر شرط شيخين
قاضي اسمعيل از طريق امير المومنين علي ابن ابي طالب رضي الله عنه روايت كرده كه چون بگذريد بر مساجد پس درود گوييد
بر نبي صلى الله عليه وسلم ٭ هفتم ٭ در اثناي تكبيرات صلوة عيدين نزد شافعيه روايت كرده است قاضي اسمعيل باسناد
صحيح از طريق عبد الله بن مسعود و ابي موسى و حذيفه رضي الله عنهم كه برآمد بر ايشان وليد بن عقبه و گفت كه عيد نزديك
رسيد پس تكبير چه طور است عبد الله بن مسعود رضي الله عنه گفت آغاز كني نماز را پس گويي تكبير افتتاح و حمد خدا كني و
درود گويي بر نبي صلى الله عليه وسلم بستر دعا كني و تكبير گويي و بكني آنچه بعد تكبير اول كردي حاصلش اينكه ميان تكبيرتين حمد
و صلوة گويد و دعا كند ابو موسى و حذيفه رضي الله عنهما تصديق وي كردند و نزد حنفيه تكبيرات متوالي بايد گفت و ذكري
در ان مستحب نيست مالك موافق حنفي و احمد موافق شافعي است رضي الله عنهم اجمعين ٭ هشتم ٭ در مناسك حج چند موطن
اول عقب تلبيه چنانچه امام نووي رحمه الله در اذكار خود نوشته كه مستحب است درود بر آنحضرت صلى الله عليه وسلم بعد تلبيه
روايت كرده است دار قطني از قاسم بن محمد رضي الله عنه بسند ضعيف كه مستحب است كه چون فارغ شود از تلبيه درود فرستد
بر وي صلى الله عليه وسلم ٭ دوم ٭ بر صفا و مروه و ليث بسند صحيح از امير المومنين عمر بن الخطاب رضي الله عنه در مكه معظمه
زادها الله شرفا خطبه خواند پس گفت چون بيايد مردي از شما در حالتيكه حج كننده است پس بايد كه طواف

خانه کند هفت بار و نماز گزارد نزد مقام ابراهیم دو رکعت پس از آن بخواند سعی بصفا پس چون بر صفا بر آید رو بسوی خانه کند پس
بگوید هفت تکبیر میان هر دو تکبیر حمد خدای تعالی کند و ثنا گوید بر وی و درود فرستد بر نبی صلی الله علیه وسلم و دعا برای نفس خود
کند و بر مروه مثل آن بجا آرد و معروف است که ابن عمر رضی الله عنهما تکبیر میگفت بر صفا سه بار میگفت لا اله الا الله وحده
لا شریک له الخ سه بار و درود میفرستاد بر نبی صلی الله علیه وسلم سه بار و دعا میکرد و قیام و دعا دراز مینمود و بر مروه
همچنین میکرد ۳ نزد استلام حجر اسود آمده است بروایت صحیح از ابن عمر رضی الله عنهما که چون او اراده استلام حجر میکرد
میگفت اللهم ایمانا بک وتصدیقا بکتابک وسنة نبیک سه بار و درود میفرستاد بر وی صلی الله
علیه وسلم روایت کرده است این را ابو ذر هروی از نافع و واقدی در مغازی خود بطریق رفع ۴ در طواف حکایت کرده
شیخ ابن حجر مکی از منهاج حلیمی از سفیان بن عیینه رضی الله عنه که شنیدم زیاده از هفتاد کس را که میگفتند در طواف اللهم صل
علی محمد وعلی ابینا ابراهیم و این در حق ولد ابراهیم است غیر او گوید اللهم صل علی محمد نبیک وابراهیم
خلیلک و این بجهت آن است که همه مناسک نسبت به ابراهیم است علی نبینا وعلیه افضل الصلوة والسلام و بیت الله
از بنا او ست و تلبیه اجابت دعای او است انتهی ملخصا ۵ در عرفات ذکر امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که سنت است
افتتاح و اختتام دعا یعنی در عرفات بحمد خدا و ثنا بر وی سبحانه و صلوة و تسلیم بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم و مستحب است اکثار
تلبیه و صلوة و تسلیم بر وی صلی الله علیه وسلم روایت کرده است بیهقی بسند غریب ما من مسلم یقف عشیة عرفة بالموقف
فیستقبل القبلة بوجهه ثم یقول لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی
کل شیء قدیر مائة مرة ثم یقرأ قل هو الله احد مائة مرة ثم یقول اللهم صل علی محمد وعلی آل
محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید وعلینا معهم مائة مرة الا قال
الله تبارک وتعالی یا ملائکتی ما جزاء عبدی هذا سبحنی وهللنی وکبرنی وعظمنی وعرفنی
واثنی علی وصلی علی نبیی اشهدوا انی قد غفرت له وشفعته فی نفسه ولو سألنی عبدی هذا لشفعته
فی اهل الموقف کلهم نیست هیچ مسلمان که بایستد آخر روز عرفه در موقف پس رو بجانب قبله کند پس بگوید
لا اله الا الله تا آخر صد بار پس بخواند قل هو الله احد صد بار پس گوید اللهم صل تا آخر صد بار مگر که میگوید
خدای تعالی ای فرشتگان من چیست جزای این بنده من که تسبیح و تهلیل و تکبیر و تعظیم و تعریف من کرد و ثنا کرد بر پیغمبر من گواه باشید
که بدرستی بتحقیق آمرزیدم او را و قبول کردم شفاعت او در حق او اگر سوال میکرد این بنده من را اینه قبول میکردم شفاعت او در حق همه اهل موقف و زیاده کرده است
دیلمی در روایت خود قراءة سوره فاتحه صد بار بعد له الحمد یحیی و یمیت بیده الخیر و محب طبری در احکام خود دعای طویل آورده
و در آخر آنست که درود گوید بر نبی صلی الله علیه وسلم پس دعا کند برای نفس خود و والدین و اقارب خود و برادران دینی و
ذکر کرده است مر آنرا ثواب عظیم و گفته که ابو منصور در جامع دعا صحیح برای او رد کرده است دیگر او گفته که این سخن عجیب

زیرا که ابن جوزی آنرا در موضوعات شمار کرده (۶) در ملتزم و آن ما بین باب کعبه و حجر اسود است گویند امام نووی رحمه الله در اذکار
خود دعائی که مأثور است در ملتزم آورده اللهم صل وسلم علی محمد وعلی آل محمد و شیخ ابن حجر از امام شافعی و
اصحاب او رضی الله عنهم آورده که سنت است مر کسی را که فارغ شود از طواف وداع بایستد نزد ملتزم و بگوید اللهم البیت
بیتک الخ بستر و مستند بنبی صلی الله علیه وسلم که در انجا جای اجابت دعا است و شیخ عبد الحق دهلوی در جذب القلوب گفته
که نزد روی کعبه شریفه نیز ... و مسنون است یازدهم نزد زیارت قبر شریف آنحضرت صلی الله علیه وسلم امام نووی رحمه الله در اذکار
خود گفته که در راه مدینه منوره اکثار صلوة و سلام بر وی صلی الله علیه وسلم نماید چون واقع شود نظر او بر اشجار مدینه منوره و حرم آن
زیاده کند از صلوة و تسلیم بر وی صلی الله علیه وسلم و دعا برای نفع خود از زیارت آنحضرت صلی الله علیه وسلم و چون نزد قبر مبارک وی صلی الله علیه
وسلم رسد پشت بقبله روی بجانب قبر شریف کرده بفاصله چهار ذراع از جدار قبر بایستد باواز نرم سلام کند السلام
علیک یا رسول الله السلام علیک یا خیرة الله من خلقه السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا سید المرسلین وخاتم النبیین السلام علیک وعلی آلک واصحابک و اهل بیتک
وعلی النبیین وسائر الصالحین اشهد انک بلغت الرسالة وادیت الامانة ونصحت الامة
فجزاک الله عنا افضل ما جزی رسولا عن امته پس یک ذراع متاخر شده بر امیر المومنین ابی بکر صدیق
رضی الله عنه سلام کند پس یک ذراع متاخر گشته بر امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه سلام کند باز بمقام اول رود و مقابل
روی شریف وی صلی الله علیه وسلم بایستد و توسل و تشفع از وی صلی الله علیه وسلم برای خود کند و دعا برای والدین و اصحاب
و احباب خود کند و جهد کند در اکثار دعا و مغتنم داند آن موقف شریف را و در تحمید خدا و تسبیح و تکبیر و تهلیل او و صلوة
بر رسول او صلی الله علیه وسلم اکثار نماید انتهی ملخصا شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که از ابن عمر رضی الله عنهما از طرق متعدده
مروی است که وی چون در ان مقام شریف می ایستاد صلوة و تسلیم میگفت بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بر ابی بکر پس بر پدر خود رضی
الله عنهم در حالیکه میبود مستقبل قبر شریف وی و مستدبر قبله و در روایتی است که قبر شریف را بدست راست مس میکرد و در روایتی
است که مس نمیکرد شاید گاهی چنین و گاهی چنان مینمود و سلام از دیگر صحابه نیز مروی است رضی الله عنهم و مجد الدین
لغوی فیروز آبادی رحمه الله گفته که سلام بر وی صلی الله علیه وسلم نزد قبر شریف افضل است از صلوة بدلیل حدیث
ما من مسلم یسلم علی فی شرق ولا غرب الا انا وملائکة ربی نرد علیه السلام فقال
قائل یا رسول الله فما بال اهل المدینة قال وما یقال للکریم فی جیرانه انه مما امر به من حفظ
الجوار وحفظ الجیران نیست هیچ مسلمی که سلام کند بر من در مشرق و نه در مغرب مگر که من و فرشتگان پروردگار من
باز میکنند بر وی سلام پس گفت قائلی یا رسول الله پس چیست حال مردم مدینه طیبه گفت چه گفته شود مر کریم را در حق همسایگان
او بدرستیکه او مامور است به حفظ حق همسایگی و حفظ همسایگان شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که سند این حدیث غریب

ملکه و زان کسی است که ادبی در اللهم بوضع کرده و سابق مذکور شده که هر که نزد قبر شریف وی صلی الله علیه وسلم ایستاده این آیه ان الله
و ملائکته تا آخر بخواند و هفتاد بار صلی الله علیک یا محمد گوید فرشته بر وی درود فرستد و همه حاجات او بر آید و شیخ ابن
حجر مکی رحمه الله از بعض متأخرین نقل کرده که مسنونست صلوة و سلام بعد دیدن اثری از آثار وی صلی الله علیه وسلم خصوصاً
منازل وی بخاری روایت کرده است که چون اسماء رضی الله عنها میگذشت از حجون که نام موضعیست میگفت صلی الله علی
رسوله لقد نزلنا معه ههنا و در وی فرستد خدای تعالی بر پیغامبر در اینجا فرود آمده بودیم با وی صلی الله علیه وسلم
در ینجا یعنی در هنگام هجرت که در اینجا فرود آمده بود و بر آورده است احمد رحمه الله که چون انس رضی الله عنه قدح آنحضرت صلی الله علیه وسلم
بعد وفات بر آورد و در آن آب بود جماعه از صحابه رضی الله عنهم از آن نوشیدند و بر سر و روی خود ها ریختند و در روی بردی صلی الله
علیه وسلم فرستادند **دوازدهم** روز جمعه و شب جمعه امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که مستحب است
در روز و شب جمعه اکثار قرأت قرآن و اذکار و دعوات و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم احادیث در باره صلوة در روز
جمعه بسیار است و در باب فضائل صلوة و ثمرات آن که قبل ازین آمده اجمالا در ینجا نیز اشارتی بدان کرده میشود در روایتی
است در روز جمعه هشتاد بار صلوة موجب غفران ذنوب هشتاد سال است و آن از طرق متعدده مرویست و در روایتی است
که هشتاد بار صلوة بعد عصر بصیغه اللهم صل علی محمد النبی الامی وعلی آله وسلم تسلیما سبب غفران
ذنوب هشتاد سال و کتابت عبادت هشتاد سال است و در روایت اولی در بعض طرق تعیین کرده است صیغه اللهم صل علی محمد
عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی و در بعضی دیگر تعیین وقت بما بعد عصر کرده است و در روایتی است
درود در روز جمعه سبب شفاعت وی صلی الله علیه وسلم است و در روایتی است که در روز جمعه صد بار درود سبب نور است در
روز قیامت و در روایتی است که صد بار درود سبب غفران گناهان هشتاد سال است و در روایتی که هزار بار درود در روز جمعه
سبب رویت مکان خود است در جنت قبل از موت و در روایتی در روز جمعه چهل بار درود سبب محو ذنوب چهل سال و یک درود
سبب محو گناهان هشتاد سال است و در روایتی است که یک صلوة در روز جمعه سبب هزار صلوة خدای تعالی و ملائکه
و کتابت هزار هزار نیکی و محو شدن هزار هزار خطا و رفع هزار هزار درجه در جنت است و دیلمی از ابی ذر غفاری
رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی یوم الجمعة مائتی مرة غفر له
ذنب مائتی عام هر که درود گوید برمن روز جمعه دو صد بار آمرزیده شود مر او را گناه دو صد سال شیخ ابن حجر مکی
رحمه الله گفته که این روایت صحیح نیست و در روایتی است من صلی علی لیلة الجمعة مائة مرة غفر له خطیئة
عشرین سنة هر که درود گوید برمن در شب جمعه صد بار آمرزیده شود مر او را خطایای بیست سال شیخ ابن حجر مکی
گفته که ظاهر است عدم صحت آن بر آورده است ابن بشکوال اذا کان یوم الخمیس بعث الله ملائکة معهم
صحف من فضة واقلام من ذهب یکتبون یوم الخمیس ولیلة الجمعة اکثر الناس

صلوة علی النبي صلی الله علیه وسلم چون باشد روز پنجشنبه بفرستد خدای تعالی فرشتگان که باشد با ایشان صحیفه‌های نقره
و قلمهای زر ازینها می‌نویسند در روز پنجشنبه و شب جمعه زیادترین مردم را از روی صلوة بر نبي صلی الله علیه وسلم شیخ ابن حجر مکی رحمه الله
گفته که در سندش شخصی مجهول است و در روایتی ضعیف آمده ان لله ملائکة خلقوا من النور لا یهبطون الا لیلة الجمعة
و یوم الجمعة بایدیهم اقلام ذهب و دوی من فضة و قراطیس من نور لا یکتبون الا الصلوة علی النبي
صلی الله علیه وسلم بدرستیکه مر خدای تعالی راست فرشتگان که پیدا کرده شده اند از نور فرود نمی‌آیند مگر در شب جمعه و روز جمعه
می‌باشند در دستهای ایشان قلمهای زر و دوات نقره و کاغذهای نور نمی‌نویسند مگر درود که بر نبي صلی الله علیه وسلم فرستاده میشود
و در روایتی است اکثروا الصلوة علی فی اللیلة الغراء فان صلوتکم تعرض علی زیاده کنید فرستادن صلوة
بر من در شب روشن یعنی شب جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من و در روایتی است اکثروا علی من الصلوة یوم
الجمعة ولیلة الجمعة فمن فعل ذلک کنت له شهیدا او شفیعا یوم القیمة زیاده کنید بر من صلوة در
روز جمعه و شب جمعه پس هر که اینچنین کند باشم مر او را شهید یا شفیع در روز قیامت حرف او یا برای تقسیم است یعنی شفاعت کننده مر
عاصی را و شهادت دهنده مر مطیع را یا بمعنی واو است یعنی شفیع و شهید برای همه یا برای شک راوی است پس بر تقدیر صحت لفظ
شهید ظاهر است که شهادت خصوصیتی است زاید بر شفاعت مدخره مجرده برای غیر ایشان و بر تقدیر صحت لفظ شفیع محمول است
بر اینکه هر که این فعل کند مختص گردد بنوعی از انواع شفاعت غیر شفاعت عظمی کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و مروی است
اتخذ الله ابراهیم خلیلا و موسی نجیا و اتخذنی حبیبا ثم قال وعزتی وجلالی لاوثرن
حبیبی علی خلیلی و نجیی فمن صلی علی لیلة جمعة ثمانین مرة غفرت له ذنوب مائتی عام
متقدم و مائتی عام متأخر گرفته است خدای تعالی ابراهیم را خلیل و موسی را نجی یعنی مناجات کننده با او و گرفته است
مرا حبیب بعد گفته که قسم بعزت من و جلال من هر آینه اختیار خواهم کرد حبیب را بر خلیل من و نجی من پس هر که درود گوید بر من
در شب جمعه هشتاد بار آمرزیده شود مر او را گناهان دو صد سال گذشته و دو صد سال آینده سخاوی گفته که بر اصل آن واقف
نشدم و گمان عدم صحت آن دارم از امام شافعی بطریق ارسال مروی است اذا کان یوم الجمعة ولیلة الجمعة فاکثروا الصلوة
علی چون باشد روز جمعه و شب جمعه پس زیاده فرستید صلوة بر من مروی است از عبد الرحمن [illegible] که خالد بن کثیر در حالت
نزع بود زیر سر او کاغذ پاره یافتند که در آن نوشته بود [illegible] هذه براءة من النار لخالد بن کثیر پرسیدند از اعمال
او گفته شد که درود میفرستاد بر محمد صلی الله علیه وسلم هر جمعه هزار بار [illegible] اللهم صل علی محمد النبي الامي [illegible]
رضی الله عنه گفته دوست میداشتم که [illegible] صلوة بر نبي صلی الله علیه وسلم در حال [illegible] روز جمعه و شب آن [illegible]
تحفة الغوث از شیخ اکبر محیی الدین [illegible] روز جمعه میباید که تمام بود
درود فرستد بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وسلم [illegible] شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب

در منضود گفته که این موقع از روی آثار از موکدترین مواطن دعاست و اقرب باجابت و محل نزول رحمت پس صلوة نیز از موکدترین امور
است در آنوقت روایت کرده است بیهقی در شعب الایمان از طریق ابی هریره رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه و سلم من قرأ
القران وحمد الرب وصلی علی النبي صلی الله علیه وسلم واستغفر ربه فقد طلب الخیر من مکانه
هرکه خواند قرآن و ثنا گفت پروردگار را و درود گوید بر نبي صلی الله علیه وآله وسلم و طلب مغفرت کند از پروردگار خود پس بتحقیق طلب
کرد نیکی را از مکان آن آورده است این را جلال الدین سیوطی رحمه الله در اتقان امام نووی رحمه الله در تبیان فی آداب حملة القرآن
در آخر باب سادس گفته که ابتدا و اختتام کند دعای ختم قرآن را به الحمد لله رب العالمین حمدا یوافی نعمه ویکافی
مزیده اللهم صل وسلم علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد کما صلیت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم
وبارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید
مجید **چهاردهم** نزد بیداری از خواب برای نماز شب بعد از فراغ از تهجد استدلال کرده اند بر اول بآنچه آورده است
نسائی در سنن کبیر از ابن مسعود رضی الله عنه که گفت وی صلی الله علیه وسلم یضحک الله الی رجلین الحدیث تمام حدیث
مع ترجمه آن در باب ثمرات صلوة مذکور شده است و استدلال کرده شده است بر استحباب آن بعد تهجد بحدیث نسائی و ابن ماجه
که از ام المومنین عائشه صدیقه رضی الله عنها آورده اند که بودیم ما که تیار میکنیم مر رسول خدا را صلی الله علیه وسلم مسواک
کردن او و طهارت نمودن او پس برانگیزد او را خدا تعالی هرگاه که خواهد او تعالی برانگیختن او از شب پس مسواک میکند و وضو میکند و نماز
میگذارد نه رکعت نمی نشیند دران رکعات مگر نزد رکعت هشتم و حمد خدا تعالی میکند و درود میگوید بر نبي او صلی الله علیه وسلم و دعا میکند
درمیان آن رکعات و سلام نمیکند پس بلند میکند از در رکعت نهم و می نشیند و حمد میکند خدا تعالی را و درود میگوید بر نبي صلی الله علیه وسلم و دعا
میکند پس سلام میکند سلام کردنی که میشنویم خود ازان پس میگذارد دو رکعت نشسته انتهی این روایت دلالت ندارد بر ندب
صلوة بعد فراغ از تهجد زیرا که این صلوة در تشهد بود نه خارج نماز هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله
وعجب منه **پانزدهم** نزد تفرق قوم بعد اجتماع و قیام از مجلس درین باب احادیث متعدده
در باب عقوبات صلوة مذکور شده و آمده است از سفیان ثوری رضی الله عنه که چون اراده قیام از مجلس میکرد میگفت
صلی الله وملائکته علی محمد وعلی انبیائه وملائکته **شانزدهم** نزد خروج
بسوی بازار و خصوص وقت شدن آن برآورده اند جمعی از ابن مسعود رضی الله عنه که وی چون در مجلسی یا ختان یا نزد
جنازه و غیران حاضر میشد توقف میکرد تا که حمد خدا و ثنا بروی تعالی و درود بر نبي صلی الله علیه وآله وسلم گوید
و دعا کند و همچنین در بر بازار که شغل مردم و غفلت ایشان بیشتر میشد میآمد می نشست و حمد و صلوة میگفت
هفدهم نزد همّوم و کروب احادیث درین باب در ثمرات صلوة مذکور شد و در وارد است من عسی
علیه شیء فلیکثر من الصلوة علی فانها تحل العقد و تکشف الکرب هر که دشوار شود بر او

چیزی نیست باید که زیاده فرستاد صلوة بر من پس بدستیکه صلوة و امیکند کره ها را و می برد اندوه را حافظ سخاوی گفته که بر اصل این روایت واقف نگشتم بر آورده است طبرانی از امام محمد باقر رضی الله عنه که گفت چون بدر من بکر بتی مبتلا شد وضو میکرد و دو رکعت نماز میگذارد بعد دعا میکرد و حاجت خود میخواست باین صیغه اللهم انت ثقتی فی کل کرب وانت رجائی فی کل شدة وانت فی کل امر نزل بی ثقة وعدة فکم من کرب قد تضعف عنه الفؤاد وتقل فیه الحیل ویرغب عنه الصدیق ویشمت به العدو انزلته بک وشکوته الیک ففرجته وکشفته فانت صاحب کل حاجة وولی کل نعمة وانت الذی حفظت الغلام بصلاح ابویه فاحفظنی بما حفظته به ولا تجعلنی فتنة للقوم الظالمین اللهم واسألک بکل اسم هو لک سمیته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک واسألک بالاسم الاعظم الذی اذا سئلت به کان حقا علیک ان تجیب ان تصلی علی محمد وعلی آل محمد واسألک ان تقضی حاجتی **هشتم** نزد خوف غرق در باب ثمرات صلوة از کتاب فجر منیر حکایتی موضیر مذکور شده است در مطالع المسرات شرح دلائل الخیرات از فقیه حسن بن علی الاسوانی رحمه الله نقل کرده که هر که درود بصیغه اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد صلوة تنجینا تا آخر در مهم و نازله هزار بار بخواند کشاده شود بفضل خدا و مامول حاصل گردد **نوزدهم** نزد عروض حاجت مروی است بسندی ضعیف که فرمود وی صلی الله علیه وسلم من صلی علی مائة صلوة حین یصلی الصبح قبل ان یتکلم قضی الله تعالی مائة حاجة یعجل له منها ثلاثین ویدخر له سبعین وفی المغرب مثل ذلک هر که درود گوید بر من صد بار و تقبیله بگذارد نماز صبح قبل از سخن گفتن روا کند خدا تعالی صد حاجت در دنیا و در آخرت هفتاد و بعد نماز مغرب نیز همچنین است بر آورده اند ترمذی و ابن ماجه و طبرانی و غیر او هر که باشد مر او را بسوی خدا تعالی حاجتی یا بسوی یکی از بنی آدم پس باید که وضو کند و نیک کند وضو را و بگذارد نماز دو رکعت پس ثنا کند بر خدا تعالی و درود فرستد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بعد بخواند این دعا لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب العرش الکریم والحمد لله رب العالمین اسألک موجبات رحمتک وعزائم مغفرتک والغنیمة من کل بر والسلامة من کل ذنب لا تدع لنا ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة هی لک رضا الا قضیتها یا ارحم الراحمین شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که در اسناد این سخن است و در روات آن فائد ضعیف الحدیث است و ابن جوزی در موضوعات گفته که مردود الحدیث است لیکن حاکم گفته که حدیث فائد مستقیم است مگر این که شیخین از روایت او اخراج نکرده اند ابن عدی گفته که با وصف ضعف حدیث او نوشته میشود و حافظ سخاوی گفته که بسیار ضعیف است در فضائل اعمال نوشته میشود لیکن موضوع نیست و امام سبکی بر آن اعتراض کرده که در صورت شدت ضعف

در فضایل هم عمل بدان می کنند و آمده است بسندی ضعیف کسی که باشد او را حاجتی بسوی خدای تعالی پس وضو کامل بکند و بگذارد
دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول سوره فاتحه و آیة الکرسی و در رکعت دویم سوره فاتحه و آمن الرسول بستر تشهد خواند
و سلام کند و پس از سلام دعا کند باین صیغه اللهم یا مونس کل وحید و یا صاحب کل فرید و یا قریب
غیر بعید و یا شاهد غیر غایب یا غالب غیر مغلوب یا حي یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
یا بدیع السموات والارض اسالک باسمک الرحمن الرحیم الحي القیوم الذی له عنت الوجوه
وخشعت له الاصوات و وجلت له القلوب من خشیته ان تصلی علی محمد و علی آل محمد
وان تفعل لي کذا و کذا و آمده است در روایتی که موقوف است بر ابن عمر رضي الله عنهما که هر کرا باشد حاجتی بسوی خدای تعالی
پس باید که روزه دارد به روز دوشنبه و پنجشنبه و جمعه و در تحفة الغریب بجای دوشنبه چهارشنبه است و مناسب همین است
زیرا که صیام متوالی میشوند والله اعلم پس چون روز جمعه آید طهارت نماید و بسوی مسجد رود و تصدق کند چیزی قلیل یا کثیر
و بعد ادای نماز جمعه دعا کند باین صیغه مستجاب گردد ان شاء الله تعالی اللهم اني اسالک باسمک بسم الله الرحمن
الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اسالک باسمک بسم الله
الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الحي القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم الذی ملات عظمته
السموات والارض واسالک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الذی عنت له
الوجوه وخشعت له الابصار و وجلت له القلوب من خشیته ان تصلی علی محمد صلی
الله علیه وسلم وان تقضي حاجتي وهي کذا و کذا ابن عمر رضي الله عنهما گفته که تعلیم این مکنید سفیهان را
تا دعا نکنند در کار گناه یا قطع رحم امام غزالی رحمه الله در احیا بسند مرفوع آورده اذا سالتم الله حاجة فابدؤا
بالصلوة علي فان الله اکرم ان یسال حاجتین فیقضي احدیهما و یرد الاخری چون سوال
کنید از خدای تعالی حاجتی را آغاز کنید سوال را به صلوة بر من پس بدرستیکه خدای تعالی بزرگ است از آنکه سوال
کرده شود از دو حاجت پس روا کند یکی را و رد کند دیگری را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که معروف است این از قول ابی
الدرداء رضي الله عنه شاید قول ابي سلیمان دارانی که سابق مذکور شد ماخوذ از همین روایت است شیخ ابن حجر
مکی رحمه الله از کتاب سبع الابرار نقل کرده که مردی از عبد الملک خوف میکرد و نزد او نمی رفت پس در دمشق از هاتف
شنید این انت من التسبیح کجائی تو از این تسبیحات گفت کدام تسبیحات گفت سبحان الله الواحد الذي
لا غیره له سبحان الدائم لا نفاد له سبحان القدیم لا امد له سبحان الذی یحیي و یمیت
سبحان الذی هو کل یوم في شان سبحان الذی خلق ما یری و ما لا یری سبحان
الذی علم کل شيء بغیر تعلیم اللهم اني اسالک بحق هؤلاء الکلمات و حرمتهن ان تصلي

محمد وان تفعل لی کذا ونیز شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نقل کرده که ابن طولون حاکم کرد بقتل مصری ازو مهلت گذاردن دو رکعت نماز خواست
کرد مهلت دادند پس شنیدند که او بانگشت خود اشارت میکند و این میخواند یا لطیف فیما تشاء ویا فعال لما ترید
صل علی محمد وآله والطف بی فی هذه الساعة وخلصنی من یدیه پس نمود او در آن مجلس تفتیش کردند
ونیافتند پس ابن طولون بآن حال آگاه کردند پس گفت که راست گفتی که این دعوت مستجاب است و برای قضای حوائج منقول است
از قطب ربانی محبوب سبحانی شیخ محی الدین سید عبد القادر جیلانی رضی الله عنه وارضاه هر که بگذارد دو رکعت نماز در هر رکعت بعد سوره فاتحه
سوره اخلاص یازده بار بخواند بعد اتمام صلوة درود و سلام فرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم وذکر وی کند پس بجانب عراق یازده
خطوه رود درحالیکه یاد میکند نام محبوب سبحانی را رضی الله عنه و یاد میکند حاجت خود را روا کرده حاجت او ذکر کرده است این را یافعی رحمه
الله در خلاصة المفاخر و در تحفة الغریب این را از ثمرات صلوة ذکر کرده است **بیستم** نزد دخول در خانه روایت کرده است
ابوموسی مدینی از سهل بن سعد رضی الله عنه که مردی نزد آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم آمد و شکایت فقر وضیق معاش نمود پس فرمود
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم مر اورا که چون بمنزل در آئی پس سلام کن کسی در خانه باشد یا نه باشد پس سلام کن بر من و بخوان
سوره قل هو الله احد یکبار پس آن مرد همچنان کرد حق تعالی برو چندان ادرار رزق کرد که بر اقربا و جیران خود افاضه
نمود **بیست و یکم** نزد روی دادن فقر و خوف آن سابق از روایت ابی نعیم از جابر بن سمره رضی الله عنهما مذکور شد کثرة
الذکر والصلوة علی تنفی الفقر الحدیث **بیست و دوم** در وقت صبح و شام روایت کرده است
طبرانی از طریق ابی الدرداء رضی الله عنه که گفت نبی صلی الله علیه وسلم من صلی علی حین یصبح عشرا وحین یمسی
عشرا ادرکته شفاعتی یوم القیمة هر که درود فرستد بر من در وقت صبح ده بار و در وقت شام ده بار در یابد
او را شفاعت من در روز قیامت و حدیث من صلی علی مائة صلوة حین یصلی الصبح الحدیث قبل ازین مذکور شد
و حدیث من صلی علی مساء غفر له قبل ان یصبح ومن صلی علی صباحا غفر له قبل ان یمسی در باب
ثمرات صلوة مذکور شده است **بیست و سوم** نزد اراده نوم و غفلت آن و بیداری از آن در روایتی است
من اوی الی فراشه ثم قرأ تبارک الملک ثم قال اللهم رب الحلال والحرام ورب البلد الحرام
ورب الرکن والمقام ورب المشعر الحرام بحق کل آیة انزلتها فی شهر رمضان بلغ روح
محمد منی تحیة وسلاما اربع مرات وکل الله به ملکین حتی یأتیا محمدا فیقولان له ان فلان
بن فلان یقرأ علیک السلام ورحمة الله فاقول علی فلان بن فلان منی السلام و
رحمة الله وبرکاته هر که آید بسوی بستر خود یعنی برای خواب بستر بخواند سوره تبارک الملک پس بخواند
اللهم رب الحلال والحرام تا آخر چهار بار مقرر گرداند خدای تعالی بدان دو فرشته تا که بیایند محمد را صلی الله علیه
وسلم پس بگویند مر اورا که فلان بن فلان میخواند بر تو سلام ورحمة الله پس بگویم باد بر فلان بن فلان از من سلام

و رحمت خدا و برکات از شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که سندش مجهول است در تحول احادیث در باب استحباب ذکر خدا تعالی
نزد بیداری از خواب وارد است پس استحباب صلوة نزد بیداری مقیس است بران کذا قال صاحب تحفة الغریب
و شیخ شهاب احمد بن عبد اللطیف شرجی رحمه الله در فواید خود گفته که قاضی مجد الدین شیرازی رحمه الله در کتاب الصلات
وارد است ذکر کرده که مردی نزد بعض علما شکایت قلت نوم کرد پس آن عالم مر او را گفت که چون اراده آمدن بخواب داری
پس بخوان این آیه کریمه را إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ تا آخر شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نیز این را در کتاب در منضود
نقل کرده است **بیست و چهارم** نزد افتتاح هر کلام ذی بال یعنی ذی خیر امام شافعی رضی الله عنه گفته که
دوست میدارم اینکه مقدم کند آدمی در خطبه هر امر مطلوب حمد خدا تعالی و ثنا بر وی سبحانه را و صلوة و سلام بر رسول خدا
صلی الله علیه وسلم نقله الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله مرویست از ابی هریره رضی الله عنه که فرمود آنحضرت صلی الله
علیه وسلم **کل کلام لا یذکر الله فیه فیبدأ به وبالصلوة علیّ فهو اقطع ممحوق من کل برکة**
هر کلامیکه یاد کرده نشود خدا تعالی را در ان و ابتدا کرده نشود بصلوة بر من پس ان ناقص کاهیده شده است از برکت
روایت کرده اند از ابو موسی مدنی و جماعه محدثین از حدیث ابی هریره رضی الله عنه و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که
سندش ضعیف است و در روایتی از ابن منده آمده کل امر ذی بال لا یبدأ فیه بذکر الله ثم بالصلوة علیّ
فهو اقطع الخ ممحوق من کل برکة **قوله** کل امر ذی بال یعنی هر کار ذی خیر **قوله** اقطع الخ یعنی
بریده و ناقص **بیست و پنجم** در اوایل رسائل و کتب بعد بسمله بحدیث مذکوره یعنی کل کلام لا یذکر الله فیه
الخ قاضی عیاض رحمه الله در شفا گفته که از مواطن صلوة که جاری شده است بران عمل امت و کسی بران انکار نکرده اوایل
رسائل است بعد بسمله و این در صدر اول نبود و حادث شده است اندر دولت بنی هاشم پس جاری شده است بران عمل مردم
در اقطار ارض و بعض ایشان ختم کتاب نیز بدان میکنند شیخ یوسف بن عمر گفته که بستر واقع شده است بران اجماع پس
نوشته نشود کتابی مگر که نوشته شود دران صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم بعد بسمله انتهی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته در
حاصلش اینکه حدوث این در خلافت امیر المؤمنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه بود و جریان عمل بران در اقطار ارض از اول دولت
بنی هاشم است چنانچه از طریق واقدی از ابی بکر صدیق رضی الله عنه آمده است که وی رضی الله عنه بعض عمال خود نوشته بسم الله الرحمن
الرحیم من ابی بکر خلیفه رسول الله صلی الله علیه وسلم الی طریفة بن حاجر سلام علیک فانی
احمد الیک الله الذی لا اله الا هو واساله ان یصلی علی محمد صلی الله علیه وسلم اما بعد
الخ و این کلام رد میکند بر قول کسیکه گفته اول شخصیکه ابتدا کرد رسائل را بالصلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم هارون الرشید
بود و این عاصی عفی الله عنه میگوید که ازینجا و هم از قول قاضی عیاض که در صدر اول نبود نیز ظاهر شد والله اعلم و مؤید قول شیخ
ابن حجر مکی است آنچه آورده است امام نووی رحمه الله در اذکار خود از حماد بن سلمه بود مکاتبت مسلمین باین طور من فلان

الی فلان اما بعد سلام علیک فانی احمد الیک الله الذی لا اله الا هو واسأله ان یصلی
علی محمد وعلی آل محمد ودر تاریخ احداث نموده تا اینکه در اول آنست اطال الله بقاءک انتهی **بیست**
و ششم در وقت خطبه بکسر خاء معجمه وسکون طاء مهمله وفتح باء موحده زن خواستن ودر وقت عقد نکاح امام نووی
رحمه الله در کار خود گفته که مستحب است نماید برای ابتدا کند بحمد خدا تعالی وثنا بروی وصلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم
وبگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله بعده
خواستگاری کند وهمچنین پیش از عقد نکاح بعمل آرد وآمده است از ابن عباس رضی الله عنهما بسند ضعیف در تفسیر آیه صلوة
ان الله وملائکته یصلون علی النبی یعنی بدرستیکه خدا تعالی ثنا میکند بر پیغمبر شما وامر کرده به استغفار
فرشتگان را یا ایها الذین امنوا صلوا الخ یعنی ثنا کنید بروی صلی الله علیه وسلم در نماز شما ومساجد شما ودر هر موطن ودر
خواستگاری زنان پس فراموش مکنید او را واز عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه مثل آن ثابت شده است **بیست و هفتم** عقب گناه
برای تکفیر آن بحدیث ابن ابی عاصم صلوا علی فان الصلوة کفارة لکم فمن صلی علی واحدا صلی الله علیه
عشرا درود گوئید بر من که بدرستی درود کفارت است مر شما را پس کسیکه درود گوید بر من یکبار درود گوید خدا تعالی بر آنکس ده بار
مروی است از ابی کاهل رضی الله عنه که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرا ورا یا ابا کاهل من صلی علی کل یوم ثلث
مرات حبا وشوقا الی کان حقا علی الله ان یغفر ذنوبه تلک اللیلة وذلک الیوم ای ابا کاهل
هر که درود گوید بر من هر روز سه بار از روی دوستی واز روی شوق بسوی من با حق است بر خدا تعالی که مغفرت کند گناهان او را
در آن شب ودر آن روز **قوله** اوشوقا یا تردید از راوی است یا بمعنی او است واحادیث متضمن اینکه صلوة زکوة است
در حق مصلی مذکور شده اند در باب ثمرات صلوة وظاهر است که زکوة متضمن نما وبرکت وطهارت نفس از رذائل است
بیست و هشتم نزد اراده سفر امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته که مستحب است که نزد اراده سفر دعا کند وافتتاح
نماید آنرا بحمد خدا تعالی وصلوة وسلام بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم انتهی وحدیث کل امر ذی بال الحدیث نیز دلالت
دارد بران **بیست و نهم** نزد رکوب دابه بحدیث در باب ثمرات صلوة مذکور شد من قال اذا رکب دابته بسم الله
الذی الحدیث **سی ام** نزد اراده تذکر منسی خوف نسیان چیزی بحدیثیکه در باب ثمرات صلوة مذکور شد اذا
نسیتم شیئا الحدیث وآمده است بسندی ضعیف مرسل من اراد ان یحدث بحدیث فنسیه فلیصل علی فان
فی صلوته علی خلفا من حدیثه وعسی ان یذکره که هر که بخواهد که سخن کند بحدیثی پس فراموش کند
آنرا پس باید که درود گوید بر من پس بدرستیکه در صلوة او بر من خلف پس مانده است از سخن او وقریب است که یاد کند آنرا
سی ویکم نزد کتابت نام شریف آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم علما مستحب داشته اند تکرار صلوة وسلام هر گاه
که نوشته شود نام شریف وی صلی الله علیه وسلم واز اینجا است قول ابن صلاح که سزاوار است محافظت بر نوشتن صلوة

و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نفرستد کرده تنگی اگر تشود و اگر تکرار صلوة نزد تکرار نام وی صلی الله علیه و سلم کرده اگر
خواهد است و تغافل از آن موجب حرمان عظیم و باید که تعبیر کنند از آن بصیغه جمع نه از روی صورت چنانچه بعض مجوزان در عوض صلی
الله علیه و سلم صلعم یا صلم با تعظیم یا مثل آن می نویسند از روی معنی با فراد صلوة از سلام و عکس آن چه عبارت از محمد نیز کمی لفظ و سلم نیز
در رویا آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را منقبض و معاتب بر ترک آن دیده و بعض از ایشان را در منام فرموده که چرا محروم میکنی خود را
از چهل حسنه زیرا که لفظ و سلم چهار حرف است هر حرف ده حسنه کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله منقول است که ابو طاهر
مخلص آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید و سلام کرد صلی الله علیه و آله و سلم روی مبارک از وی گردانید ابو طاهر پیش آمده عرض کرد
یا نبی الله چرا روی از من گردانیدی فرمود از آنکه هرگاه ذکر من در کتاب خود میکنی درود بر من نمی فرستی ابو طاهر گفته که بعد از آن هر جا
که نام آنحضرت صلی الله علیه و سلم می نوشتم صلی الله علیه و سلم تسلیما کثیرا کثیرا کثیرا تحریر میکنم منقول است که ابو زرعه را
کسی در خواب دید که در آسمان با ملائکه نماز میگذارد از سبب آن پرسید گفت که بدست خود هزار هزار حدیث نوشتم چون ذکر آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم می آمد درود می فرستادم از این درجه یافتم زیرا که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم گفته است که هر که بر خود یک صلوة
فرستد خدا تعالی بر آن کس ده صلوة فرستد منقول است که مردی حدیث مینوشت و از بخل ورق صلوة نوشتی دست وی را
آکله پیدا شد و از بعض سلف نقل کرده اند که در بعض مواضع از ایشان کتابت صلوة ترک یافته و چون کسی در اصل شیخ او این لفظ
نوشته بجهت احتیاطیکه محدثان در مطابقت روایت دارند وی نیز نمینوشت لیکن بزبان تلفظ میکرد و بعضی دیگر در وقت استعجال برای
صلوة بیاض میگذاشتند و این همه از باب مسابله و مسامحت و لاتنی و دقی که در کتابت این لفظ و تلفظ آن است از اعظم مثوبات
و الذ لذات است کذا قال الشیخ عبد الحق الدهلوی قدس سره فی کتاب جذب القلوب روایت کرده است طبرانی در اوسط
و ابو الشیخ در ثواب و مستغفری در دعوات و خطیب در شرف اصحاب حدیث و اصبهانی از طریق ابی هریرة رضی الله عنه بسند ضعیف من صلی
علی فی کتاب لم تزل الملائکة یستغفرون له ما دام اسمی فی ذلک الکتاب هر که درود فرستد بر من در کتابی
همیشه فرشتگان طلب آمرزش کنند برای آنکس تا که باشد نام من در آن کتاب و در لفظ دیگر آمده من کتب فی کتابه صلی الله علیه
و سلم لم تزل الملائکة تستغفر له ما دام فی کتابه هر که بنویسد در کتاب او لفظ صلی الله علیه و سلم همیشه فرشتگان
طلب آمرزش کنند برای آنکس تا که باشد آن صلوة در کتاب او ابن جوزی این حدیث را در موضوعات شمار کرده و ابن کثیر گفته که صحیح
نیست و جماعتی از امیر المؤمنین ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده اند من کتب عنی علما و کتب معه صلوة علی
لم یزل فی اجر ما قرئ ذلک الکتاب هر که نویسد از من علمی در حالیکه مینویسد با آن درود بر من همیشه باشد آن
درود یعنی ثواب آن تا آخر زمانیکه خوانده شود آن کتاب و در روایتی است از ابن عباس رضی الله عنهما من صلی علی
فی کتاب لم تزل الصلوة جاریة له ما دام اسمی فی ذلک الکتاب هر که درود گوید بر من در کتابی همیشه
صلوة جاری باشد یعنی صلوة خدا بر آن کس مقابله آن صلوة تا که باشد نام من در آن کتاب شیخ ابن حجر مکی گفته که

کرده‌اند نیز بعضی ایشان بکذب آن و ابن کثیر گفته که سندش ضعیف است لیکن بوجوه کثیره مروی است از امام جعفر صادق رضی الله عنه
بسند موقوف من صلی علی رسول الله صلی الله علیه وسلم فی کتاب صلت علیه الملائکة غدوة ورواحا
ما دام اسم رسول الله صلی الله علیه وسلم فی الکتاب هر که درود گوید بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در کتابی
درود گویند بر آن کس فرشتگان صبح و شام که باشد نام پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آن کتاب و برادر روایت است طبرانی که گفت نبی صلی
الله علیه وسلم اذا کان یوم القیمة یجیء اصحاب الحدیث ومعهم محابر فیقول الله لهم انتم اصحاب الحدیث
طال ما کنتم تکتبون الصلوة علی النبی صلی الله علیه وسلم انطلقوا الی الجنة چون باشد روز قیامت بیایند
اصحاب حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم در حالیکه باشد با ایشان محبره‌ها پس گوید خدا تعالی مر ایشان را که شمائید اصحاب حدیث بدرازی
شد نوشتن شما صلوة بر پیغمبر من صلی الله علیه وسلم بروید بسوی بهشت خطیب گفته که این حدیث موضوع است و روایت کرده
آن را دیلمی از طریق دیگر و نمیری نیز بلفظی که قریب بلفظ اول است و آن نیز ضعیف است و ابن جوزی نیز در کتاب خود ذکر کرده کذا قال
الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله و وارد است از سفیان ثوری رضی الله عنه که اگر نباشد صاحب حدیث را فائده غیر از صلوة بر وی صلی
الله علیه وسلم کافیست برای که درود فرستاده میشود برو تا آنکه صلوة در کتاب است **وقت دوم** نزد ابتدای درس علم و وعظ
و قرائت حدیث و در وقت اختتام آن و در اثنای آن هر گاه که ذکر وی صلی الله علیه و آله وسلم در آید سابق از قول امام شافعی رضی الله عنه مذکور شده که
دوست میدارم تقدیم ذکر خدا تعالی و ثنا بر وی و صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در خطبه هر امری که طلب آن کند انتهی و اختتام
مجلس بعد از ابتدای حدیث کل کلام لا یذکر الله فیه الحدیث نیز دال است استحباب آن الصلوة امام نووی رحمه الله در اذکار
خود گفته که مستحب است مر قاری حدیث را و آنچه در معنی آنست چون ذکر وی صلی الله علیه و آله وسلم آید بلند کند آواز را بصلوة و تسلیم
بر وی صلی الله علیه وسلم و در رفع صوت کمال مبالغه نکند انتهی منع از کمال مبالغه از آنست که گاهی سبب فوات سماع حدیث میشود کما
قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله ابو احمد زاهد رحمه الله گفته که مبارکترین علوم و افضل و اکثر آن از روی نفع در دین و دنیا
بعد کتاب خدا تعالی حدیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم است بسبب کثرت صلوة در آن بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم انتهی و لهذا
وکیع رحمه الله گفته که اگر حدیث نزد من از تسبیح غیر آن افضل نبودی تحدیث نمیکردم و اگر بیدار نشستم که نماز افضل است از آن حدیث تحدیث نمیکردم
تسبیح کسی او مراد از نماز نفل است **وقت سیوم** نزد افتا اردبیلی رحمه الله در انوار گفته که مستحب است نزد افتا تعوذ و تسمیه
و حمد و صلوة و حوقله و قرائت آیه رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا
قَوْلِي و قرائت آیه سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ و اگر سائل از امور نقل سؤال
کرده باشد عام مجیب را با صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آخر سوال پس باید که مفتی الحاق آن کند انتهی محبین
شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منضود از روضه نقل کرده که اتیان این امور در افتا بنا بر جریان عادت علما است و نیز گفته
که ظاهر است قیاس صلوة مفتی قبل از افتا در ندب آن مر حاکم را پیش از حکم این عامی میگوید که حدیث کل امر ذی بال

الحدیث نیز دلالت دارد بر آن والله اعلم سی و چهارم در هر موضع که مجتمع شوند در آن برای ذکر خدا تعالی زیرا که
نبی علیه السلام گفته ان لله سیارة من الملائکة اذا مروا علی حلق الذکر قال بعضهم لبعض اقعدوا
فاذا دعوا امنوا فاذا صلوا علی النبی صلی الله علیه وسلم صلوا معهم حتی یفرغوا ثم یقول
بعضهم لبعض طوبی لهؤلاء یرجعون مغفورا لهم یعنی بدرستیکه مر خدای تعالی را گردندگان اند از ملائکه
چون بینند حلقه های ذکر را گوید بعض ایشان مر بعض را بنشینید پس چون دعا کنند ایشان آمین گویند فرشتگان پس چون درود گویند ایشان
بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم درود گویند فرشتگان با ایشان تا که فارغ شوند پس گوید بعض ایشان مر بعض را که خوشی است مر ایشان را که باز
میگردند از این مجلس در حالیکه مغفور اند و در باب ثمرات صلوة حدیثی متضمن غشیان رحمت نیز روایت از ذکور شده است سی و
پنجم وقتیکه مخطوط شود آن حضرت صلی الله علیه وسلم در دل و در تحفة العجب گفته که صلوة در این موطن با خود است ای استحباب
یا وجوب آن نزد ذکر وی صلی الله علیه وسلم زیرا که در آن جریان ذکر بر سمع است و در این قلب و این استنباط مستحسن است انتهی
سی و ششم نزد عقد بیع چنانچه اقتضای کلام اردبیلی رحمه الله در انوار همین است جائیکه گفته که متخلل نشود میان
ایجاب و قبول کلامی اجنبی که نه از مقتضای عقد و نه از مصالح آن و نه از مستحبات آن باشد پس اگر گوید مشتری بسم الله
والحمد لله والصلوة علی رسول الله قبلت صحیح است بیع و حدیث کل امر ذی بال الحدیث نیز دال
است بر آن کما قال الشیخ ابن حجر المکی سی و هفتم نزد ذبیحه مستحب داشته اند آن را شافعیه و ابن شاقلا
از اصحاب امام احمد بن حنبل رضی الله عنه امام شافعی رضی الله عنه در ام گفته که تسمیه ذبیحه بسم الله است اگر زیاده کند بعد
آن چیزی از ذکر خدا تعالی پس بهتر است مکروه ندارم با تسمیه گفتن صلی الله علی محمد بلکه دوست دارم آن را و دوست دارم
کثرت صلوة را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم در همه حالات زیرا که صلوة بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم ایمان بخدا است و عبادت
او و قائل آن ماجور خواهد شد ان شاء الله تعالی و حنفیه و حنبلی از اصحاب مالک و احمد رحمهما الله صلوة نزد ذبیحه مکروه داشته اند
گفته اند که در این ایهام اهلال لغیر الله است و در حدیث نهی از آن وارد شده لا تذکرونی فی ثلاث مواطن عند العطاس
وعند الذبح وعند التعجب ذکر مکنید مرا در سه جا نزد عطاس و نزد ذبح و نزد تعجب و در لفظی بدل التعجب تسمیه طعام است
و شافعیه جواب داده اند که ایهام اهلال لغیره در صورتی است که بگوید بسم الله و اسم محمد صلی الله علیه وسلم نه در صورت
بسم الله وصلی الله علی رسوله و استدلال بخبر مذکور بر تقدیر صحت آن است و حال آنکه صحیح نیست زیرا که در سند آن
سلیمان بن عیسی سنجری است متهم بوضع و عبد الرحیم العمی ضعیف است و بر تسلیم ممکن است حمل آن بر ذکری که مخالف وجه شرعی
باشد چنانچه نفایس گفته شد کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی سی و هشتم نزد آواز کردن
گوش بحدیث یعنی وقتیکه آواز کند روایت کرده امام نووی رحمه الله در اذکار خود از کتاب ابن سنی از ابی رافع مولای آنحضرت صلی الله علیه وسلم
که گفت نبی صلی الله علیه وسلم اذا طنت اذن احدکم فلیذکرنی ولیصل علی ولیقل ذکر الله بخیر من ذکرنی

ذکر نمی‌کنند چون آواز کند گوشش یکی از شما پس باید که یاد کند مرا و باید که درود فرستد بر من و باید که بگوید یاد کند خدا تعالی هر
کسی را که یاد کرده است مرا این را ابن خزیمه نیز روایت کرده در صحیح خود بر آورده است لیکن از وی تعجب کرده گفته که در اسناد آن غریب است و عقیلی
گفته که بی اصل است **سیوم** نزد خواب کردن پای آورده است امام نووی رحمه الله در اذکار خود از کتاب ابن سنی از [illegible]
که گفت بودیم نزد عبد الله بن عمر رضی الله عنهما پس خواب کرد پای وی پس کسی ورا گفت که یاد کن دوست‌ترین مردم را نزد تو پس گفت
یا محمد صلی الله علیه وسلم پس دفع شد گویا که از عقال گشاده شد و آمده است نیز از کتاب مذکور از طریق مجاهد آورده که
خواب کرد پای مردی نزد ابن عباس رضی الله عنهما پس گفت ابن عباس رضی الله عنهما که یاد کن دوست‌ترین مردم را نزد تو پس
گفت محمد صلی الله علیه وسلم پس دفع شد و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب منضود گفته که آمده است از هر یکی از امیر المومنین عمر و
او و ابن عباس رضی الله عنهم که پای وی خواب کرد پس بگویی ورا گفت که یاد کن دوست‌ترین مردم را نزد تو پس گفت اول
یا محمد صلی الله علیک و ثانی گفت یا محمد و گفت ثالث محمد صلی الله علیک وسلم پس دفع شد خدر و
عامری خدر و قیقه عبد الله با سهل در قلائد نیز ذکر کرده اند **چهلم** نزد عطاس مستحب داشته اند از جمیع بحدیثی که مروی است
بسندی ضعیف مَنْ عطس فقال الحمد لله علی کل حال ما کان من حال وصلی الله علی محمد وعلی اهل
بیته اخرج الله من منخره الایسر طائرا یقول اللهم اغفر لقائلها و در روایتی است اکبر من الذباب
واصغر من الجراد یرفرف تحت العرش یقول اللهم اغفر لقائلها یعنی هر که عطسه زند پس بگوید الحمد لله تا آخر
بر آرد خدا تعالی از سوراخ چپ بینی او پرنده که بزرگ‌تر باشد از مگس ضعیف‌تر باشد از جراد بپرد زیر عرش در حالیکه بگوید الهی بیامرز
گوینده را لکن قائل مرا گفته اند که در سندش اندیشه نیست مگر یکی از روات آن ضعیف است نزد اکثر جمعی دیگر گفته اند که صلوة نزد عطاس
مستحب نیست بحدیث مذکور لا تذکرونی الحدیث جواب بحث سابق مذکور شد و آنچه مروی است از ابن عباس رضی الله عنهما موطنان
لا یذکر فیهما رسول الله صلی الله علیه وسلم عند العطاس والذبح نیز صحیح نیست و از ابن
عمر آمده که وی مستحب داشت صلوة نزد عطاس گفت مر عاطس را که نیز دوی الحمد لله والسلام علی رسول
الله صلی الله علیه وسلم گفت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم مارا این قسم تعلیم نکرده شیخ ابن حجر مکی رحمه الله نقل کرده
که این هم ضعیف است اگرچه حاکم آن را در صحیح خود بر آورده انتهی ابن عاصی می‌گوید که حافظ ابو موسی مدنی و ابو الشیخ با سناد
او از نافع رضی الله عنه بر خلاف آن از ابن عمر رضی الله عنه بر آورده اند یعنی مردی نزد ابن عمر عطسه زد و اقتصار کرد بر الحمد لله
ابن عمر رضی الله عنهما با وی گفت که تحقیق بخل کردی چرا با حمد خدا صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم نگفتی روایت کرده این را
بیهقی و از اینجاست قول شیخ ابن حجر مکی که بیهقی ترجیح داده است اول را والله اعلم **چهل و یکم** نزد نهیق حمار
بر آورده است طبرانی و ابن سنی رحمهما الله لا ینهق الحمار حتی یری شیطانا او یتمثل له شیطان فاذا کان
ذلک فاذکروا الله وصلوا علی یعنی آواز نمی‌کند خر تا که ببیند شیطان را یا متشکل شود مر او را شیطان پس چون

شود این بس ولیکن خدای تعالی را ودر دو گوید بحق محمد باب بمرات صلوة حید لما یحتبی من شر دی آل الشیطان
الحدیث ذکر شده است **چهل و دویم** نزد خوردن ترب یاد درود است دیلمی رحمه الله اذا اکلتم الفجل فاردتم ان
لا یوجد لها ریح فاذکرونی عند اول قضمه یعنی چون بخورید ترب پس اخیر که نشود بوی آن پس کنید مرا نزد ابتدای
خاییدن آن شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که این حدیث صحیح نیست بطریق رفع و در آن اشکال بکلام این نسبت از جمله اسباب چهل
و سیوم نزد استحسان چیزی نقل کرده است این را شیخ ابن حجر مکی رحمه از ابن ابی حجله بدون ذکر مستند و شیخ عبد الحق دهلوی
رحمه الله نیز در جذب القلوب آورده است **چهل و چهارم** نزد ملاقات احباب و در این است حدیث بسیار ضعیف ما من
متحابین یستقبل احدهما صاحبه فیصافحه و یصلی علی النبی صلی الله علیه و سلم الا لم یبرحا حتی
یغفر لهما ذنوبهما ما تقدم منها و ما تأخر نیست هیچ یکی از دو دوست که پیش آید یکی از آن پس درود و هر دو مصافحه
مصافحه کند با او و درود فرستند بر نبی صلی الله علیه و سلم مگر آنکه نروند تا آنکه آمرزیده شود مر ایشان را گناهان ایشان آنچه مقدم شده است از آن
و آنچه پس آینده است و در روایت بجای متحابین مسلمین است و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از بعض مبارکین نقل کرده که خواب دید آنحضرت را صلی
الله علیه و سلم در حالیکه این حدیث سفر بود **چهل و پنجم** در دعای حفظ قرآن مروی است که امیر المومنین علی رضی الله عنه شکایت
کرد نزد وی صلی الله علیه و آله و سلم از عدم حفظ قرآن پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم او را که چون باشد ثلث اخیر شب جمعه که ساعت
مشهوده و وقت استجابت دعاست و یعقوب با فرزندان خود در قول وی **سوف استغفر لکم ربی** وعده بدان شب جمعه کرده بود
و اگر نتواند پس در نیم شب و اگر نتواند پس در اول شب چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول بعد فاتحه سوره یس و در دویم سوره
دخان و در سیوم سوره الم تنزیل السجده و در چهارم سوره تبارک الملک بخواند بعد فراغ از تشهد حمد کند خدای تعالی
را و ثنا کند بر او و درود گوید بر نبی صلی الله علیه و سلم و بهتر درود گوید بر همه انبیا و استغفار کند برای مومنین و مومنات
و کسیکه با ایمان گذشته است پس این دعا بخواند اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی وارحمنی
ان تکلف ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم بدیع السموات والارض
ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام اسألک یا الله یا رحمن بجلالک و نور وجهک
ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی وارزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک عنی
اللهم بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام والعزة التی لا ترام اسألک یا الله یا رحمن
بجلالک و نور وجهک ان تنور بکتابک بصری وان تطلق به لسانی وان تفرج به عن قلبی
وان تشرح به صدری وان تغسل به بدنی فانه لا یعیننی علی الحق غیرک ولا یؤتیه الا انت
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بیست و یک شب و هر او را یا ابا الحسن یا پنج یا هفت جمعه
مستجاب شود بحکم خدای تعالی الی آخره و نزد علی رضی الله عنه آنحضرت صلی الله علیه و سلم آن قبیل بشد بر وی حفظ چهار آیت

و حالا او غریب است چنانکه ابا میکنند پس سود آنحضرت صلی الله علیه وسلم قسم غریب است که ابو الحسن ... جمعی از محدثان این حدیث را ایراد کرده
و از ابو الفضل ... گفته که غریب است و حاکم گفته که صحیح است بر شرط شیخین و ذهبی با غرابت آن ... جزم کرده بوضع آن و ... گفته که باطل است
و گاه میگوید که خوف میکنم از اینکه موضوع باشد و گاه گفته که والله در حیرت انداخته مرا جودت اسناد آن و سخاوی از ... نقل
دیگر کرده که غریب است ... آورده و بعضی گفته که از منذری طرق اسانید این حدیث جید و غریب ... و عماد بن کثیر گفته که در متن آن حدیث
بلکه نکارت است بهتر گفته که من میگویم که حق آنست که در آن هیچ علت نیست و اکثری شنیده‌ام که تجربه این کرده‌اند حق یافته‌اند قال
الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **چهل و ششم** نزد اتهام بخبری که فی الحقیقه از آن بری باشد ذکر کرده است این
موقع را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله لیکن در باره احادیثی که درین باب وارد اند حکم بعدم صحت آن کرده از آنجمله بر آورده است دیلمی که بر
گواهی داده بودند بر دزدی ناقه پیش نبی صلی الله علیه و آله وسلم حکم قطع ید آن کس کرد پس چون باز گشت در حالیکه درود میخواند پس شتر بسخن آمد و گفت ای
محمد صلی الله علیه وسلم پاک است آنکس از دزدی من پس نبی صلی الله علیه وسلم باحضار آن کس حکم کرد حاضرش کردند فرمود که تو در حال
معاودت چه میگفتی بحقیقت حال خبر داد آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت برای همین است که دیدم سوی فرشتگان که ... میکنند
در مدینه تا که قریب شد که حائل شوند میان من و تو ... در حالیکه ... [illegible]
هم این را بر آورده است لیکن در سندش شخصی متهم بوضع حدیث است از آنجمله بر آورده است طبرانی که اعرابی مهار شتر خود بدست
گرفته بحضور نبی صلی الله علیه وسلم آمده ایستاد و گفت السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته پس نبی
صلی الله علیه وسلم بروی رد سلام نمود و از حالش پرسید از پس مردی آمد و گفت یا رسول الله این اعرابی شتر دزدیده است پس اشتر
بر آورد و ناله کرد پس آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای او خاموش گردید و آواز و ناله او شنید چون شتر ساکت شد آنحضرت
صلی الله علیه وسلم ... [illegible]
بازگشت و آنحضرت از اعرابی پرسید که در وقت آمدن نزد من چه گفتی اعرابی گفت پدر و مادرم فدای تو باد گفتم اللهم صل علی
محمد حتی لا یبقی صلوة اللهم وبارك على محمد حتى لا يبقى بركة اللهم وسلم على محمد
حتى لا يبقى سلام اللهم وارحم محمدا حتى لا يبقى رحمة
نبی صلی الله علیه وآله فرمود ... که شتر گواهی داد ... فرشتگان ... افق آسمان را ... چندان کثرت
ظاهر شدند که افق ... شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که ظاهر ... نکارت این روایت ... در روایتی است که جماعتی گواهی دادند نزد
نبی صلی الله علیه وسلم بر دزدی شتری پس امر کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بقطع ید سارق شتر ... که قطع کنند آن کس
پرسیدند که سبب نجات تو چه شد گفت نجات یافتم بسبب صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم هر روز صد بار پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم که نجات یافتی از عذاب دنیا و آخرت **چهل و هفتم** نزد کتابت وصیت شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که بعض متاخرین قائل
این شده‌اند و استدلال میکنند بامر ابی بکره مولای نبی صلی الله علیه وسلم بکتابت وصیت خود باین طور هذا ما اوصی به

تسبیح دهم و اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا صلی الله علیه و سلم نبیه و خیر بریته حدیث کرد
میان فتح ... کرد بعد از بسیت ... خداوند تعالی ... محمد صلی الله علیه و سلم ... جان ...
این عبارت ... تمام ... صلوة ... که نام وی صلی الله علیه و سلم است باستقلال ...
صلوة که این خبر استحباب ذکر وی صلی الله علیه و آله و سلم ثابت شده و استحباب ذکر وی صلی الله علیه و سلم مستلزم استحباب صلوة است
بلکه مستلزم وجوب صلوة بر قول کسیکه قائل بوجوب صلوة است بذکر وی صلی الله علیه و سلم پس استحباب اگرچه بعبارت خبر مذکور ثابت نشد
لیکن باقتضا این ثابت گردید حدیث کل امر ذی بال الحدیث نیز دلیل این است والله اعلم **چهل و هشتم** نزد ادخال میت در قبر
یعنی بحینیکه لحد میت ... که وی صلی الله علیه و سلم چون میت را در قبر می نهاد بسم الله و علی سنة رسول الله صلی
الله علیه و سلم میگفت ... اشکال ... قبل ازین گذشت در ملتزم و جواب همان است **چهل و نهم** نزد ... نقل کرده است
این را صاحب تحفة الغریب بعض کتب شیخ احمد بن شیخ رضی الدین قزوینی مکی نیز در رساله منظومه که در بیان مواطن صلوة انشا کرده ایراد
پنجاهم نزد زلزله شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب کشف الصلصله عن وصف الزلزله که از جمله چیزی که میتوان کرد نزد زلزله
تسبیح و تکبیر و صلوة بر نبی صلی الله علیه و سلم است زیرا که صلوة دافع بلیات و ... است و از ... رفع جمیع اهوال
و افزونی **پنجاه و یکم** نزد وقوع طاعون و وبا شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب ما رواه الواعون فی اخبار
الطاعون از ابن ابی حجله نقل کرده که بعض صالحان ذکر کرده اند که از اعظم اشیا در رفع طاعون و غیره بلایای عظام کثرت صلوة بر
پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم است و شیخ شمس الدین بن خطیب تصویب این نموده و استدلال بر این بحدیث ابی بن کعب رضی الله عنه اذا یکفی همک
و یغفر ذنبک کرده انتهی و استدلال بر این باین وجه نیز کرده شده که صلوة رحمت خدا است و طاعون در اصل عذاب است و رحمت
و عذاب مجتمع نمی شوند و نیز صلوة سبب نجات از اهوال قیامت است پس نجات از طاعون و وبا که از اهوال دنیا است اولی باشد و نیز مدینه منوره
زادها الله شرفا محفوظ است از در آمدن طاعون ببرکت وی صلی الله علیه و سلم پس برکت صلوة نیز چنین است و بودن طاعون رحمت
در حق مومنان و دعای آن حضرت صلی الله علیه و سلم برای امت خود بوقوع آن چنانچه در احادیث وارد است منافی نیست طلب رفع
آن را و لهذا بر قول معتمد مسنون است خواندن دعا قنوت در نمازهای مکتوبه برای رفع طاعون و وبا چنانچه قتل در محاربه کفار
شهادت و رحمت است در حق مومنان چنانچه بنصوص ثابت شده معهذا استعاذه از آن و طلب رفع آن مسنون است و در حدیث آمده
یا ایها الناس لا تتمنوا لقاء العدو و اسألوا الله العافیة الحدیث ای مردم آرزو مکنید ملاقات دشمن
را و بخواهید از خدا تعالی عافیت را و نیز طاعون و وبا اگرچه رحمت خاص است لیکن رفع آن نعمت عام زیرا که وقوع آن بغیر علما
نفوس و موجب ضعف اسلام بموت علما و شجعان است **هکذا افاد الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله** **پنجاه و دوم**
در روز شنبه و یکشنبه شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود گفته که حدیثی در طلب صلوة درین دو روز وارد است و در آن
مذکور است که یهود و نصاری در آن دو روز سب وی صلی الله علیه و سلم میکنند و نیز حدیثی وارد است که مذکور است در آن کثار در آن

هست دو رکعت نماز در شب جمعه که در هر رکعت بعد فاتحه یازده بار ... درود فرستاده شود بر وی صلی الله علیه وسلم حافظ سخاوی گفته که آنرا شیخ
ابن حجر مکی ذکر کرده است و مخفی نماند که مدینی ذکر کرده است نعتی متضمن کیفیت آن چهار رکعت نماز بعد عشا قبل از وتر در شب جمعه که خوانده
شود و در هر رکعت آیاتی مخصوص و بعد فراغ درود گفته شود بر وی صلی الله علیه وسلم پنجاه بار و بر آن ثواب عظیم بیان کرده
ولیکن اسناد متهم بکذب است کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله تعالی **پنجاه و سوم** نزد گریختن
غلام آورده است ابن الشیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب القلوب در فوائد متفرقه مذکور است که برای باز آمدن
غلام گریخته بنویسند کاغذ سوره فاتحه و آیة الکرسی و این دعا اللهم انی اسألک بان لک السموات والارض و من فیهن
فاجعل اللهم السموات والارض وما فیهما علی عبد فلان بن فلانة اضیق من حلقة حتی یرجع
الی مولاه برحمتک یا ارحم الراحمین و بنویسند او کظلمات فی بحر لجی یغشه موج من فوقه موج
من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له نورا
فما له من نور والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ و بنویسند اللهم انی اسألک
بحق هذه الآیات الشریفة ان تصلی علی محمد و علی آل محمد وان ترد العبد الی مولاه برحمتک
یا ارحم الراحمین فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد و
علی آله وصحبه وسلم بعد از آن کاغذ را در جیوه در آن به پارچه پوشیده بدار در چاه تاریک بیندازند بر آن سنگ
گریخته باز آید باذن الله تعالی **پنجاه و چهارم** نزد خوردن آب از ظرف نوشته است ابن الشیخ عبد الحق دهلوی در جذب القلوب
و مستندان چیزی ذکر نکرده **پنجاه و پنجم** در رسائل احوال الشیخ ابن حجر مکی رحمه الله حکایت کرده که مردی حج گذارد
و در مواقف آن همه اعمال آن صلوة بر وی صلی الله علیه وسلم بسیار می گفت از وی پرسیدند که چرا اشتغال با دعیه ماثوره نمی کنی گفت
که با پدر خود برای حج برآمده بودم والدم در بصره مرد چون روی او کشادم دیدم که بصورت خر است پس نهایت محزون شدم خوابیدم
آنحضرت صلی الله علیه وسلم را دیدم و متعلق بوی شدم و سوگند دادم که بحال والدم آگاهی دهد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وی ربا
میخورد پس حال آکل ربا در دنیا و آخرت همین است لیکن او هر شب صد بار درود بر من نزد خواب میفرستاد چون حال او این شد فرشته
موکل بر عرض احوال امت آمد او این حال خبر داد پس از حق تعالی دعا برای او کردم و او تعالی قبول کرد پس بیدار شدم و دیدم که روی
پدر او چون ماه تابان است و بعد دفن او از هاتف شنیدم که سبب شمول این عنایت پدر ترا صلوة و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم
است از آن روز بر نفس خود مقرر کرده ام که ترک صلوة در هیچ حال نکنم و نیز از سفیان ثوری رضی الله عنه نقل کرده که حج کننده را
دید که درود بسیار میگوید پس او را گفت که این موضع ثنا بر خداست نه صلوة آن کس گفت که برادرم چون مرد دیدم روی او سیاه شد
حال اندوهگین بودم دیدم که مردی در پیش من چراغ تابان بر آمد و دست خود بر روی او کرد سیاهی رفع شد و چهره او مثل
قمر درخشان گردید از این حال خوش شده ام از مردم پرسیدم گفت که من فرشته موکل ام بر کسیکه درود بر محمد صلی الله علیه وسلم

مبغوض شده همچنین با مصلی نیکم پدر تو درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسیار میفرستاد او را بجنتی عارض گردید و عقاب آن بسیار
روشن پس حقتعالی ببرکت صلوة او را آمرزید و سیاهی او دور گردانید و روشنی بخشید و نیز از روایت ابو نعیم وغیره از سفیان ثوری رضی
الله عنه آورده که وی حج کرد او جوانی را دید که قدم بر نمیداشت و فرو نمی نهاد مگر که درود میفرستاد بر وی صلی الله علیه وسلم پس سفیان ثوری رضی
الله عنه او را گفت که آیا بعلمی اینچنین میکنی گفت آری حج کردم با والده خود و خواست که داخل بیت الله شود او را اندرون خانه کعبه بردم
بستر نهادم مریض شد و شکم او آماسید و روی او سیاه گردید پس محزون شدم و دعا کردم که الهی اینچنین میکنی با کسی که بخانه تو درآید پس دیدم
که ابری از طرف تهامه برخاست و از آن مردی سفید لباس آمد و داخل خانه شد و دست بر شکم و رویش کرد و رویش روشن گردید و آماس
فرو شد پس آن مرد خواست که بیرون رود تشبث بجامه اش کردم و گفتم تو کیستی که از این غم مرا نجات بخشیدی گفت من پیغمبر تو ام محمد صلی الله
علیه وسلم گفتم یا رسول الله وصیتی بمن بکن فرمود بر نداری و فرو ننهی قدمی مگر صلوة فرستی بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم
پنجاه و ششم در شهر ربیع الاول آورده است این را صاحب تحفة الغریب رحمه الله و گفته سزاوار است که مختص گردانیده شود روز
تولد آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون هشتم و دوازدهم باختلاف اقوال بنوعی از زیادت عبادت زیرا که علما گفته اند که شهر مولد
شریف سزاوار است بتکریم آن بانواع عبادات کرده شود و صلوة که از افضل عبادات است انسب است بآن این عاجز عفی عنه میگوید که سابق گذشته
است فرستادن درود بر وی صلی الله علیه وسلم نزد روضه اش اثری از آثار وی صلی الله علیه وسلم و شهر مذکور نیز از آثار زمانی است چنانچه
مدینه منوره زادها الله شرفا از آثار مکانی است والله اعلم **پنجاه و هفتم** در روز دوشنبه زیرا که
تولد آنحضرت صلی الله علیه وسلم است پس در اشرفیت بر دیگر ایام چه کدام نعمت اعظم و اشرف است از ظهور جسم شریف آنحضرت صلی
الله علیه وسلم در تحفة الغریب گفته که سزاوار است هر مسلم را که شکر انعام الهی ادا نماید و ادای آن بانواع عبادات است از انجمله صلوة بر پیغمبر
خدا صلی الله علیه وسلم بلکه از افضل عبادات است و امام غزالی وغیر او رحمهم الله تعالی بلا اسناد آورده اند که مذکور است در آن چهار
رکعت نماز در شب دوشنبه در هر رکعت بعد فاتحه پنج بار درود فرستاده شود بر وی صلی الله علیه وسلم پس بطلبد حاجت خود را از خدا
تعالی حق است بر وی تعالی که مسئول او عطا کند و مسمی است آن نماز بصلوة حاجت شیخ ابن حجر گفته که این حدیث بصحت نرسیده
است **پنجاه و هشتم** در شهر شعبان در تحفة الغریب از ابن ابی الصیف نقل کرده که شعبان شهر صلوة بر محمد مختار
صلی الله علیه وسلم زیرا که نزول آیه صلوة در آنست لکن سند این قول بکسی نکرده و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب در منضود
گفته که هیچ چیز در ماه شعبان بخصوصه ثابت نشده اگرچه از ائمه متأخرین ابن ابی الصیف یافت برای این رساله در فضل
شعبان ترتیب داده و در آن از جعفر و ابی الیمان روایت کرده است لیکن هیچ چیز را اصل معتمد نیست انتهی مخفی نماند که عدم
صحت روایه مذکوره نفی استحسان صلوة را منافی نیست والله اعلم و نیز شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که هیچ چیز در باب صلوة
صلی الله علیه وسلم در ماه رجب بخصوصه بصحت نرسیده و در موضوعات ابن جوزی احادیث واهیه درین باب آمده است لکن
معتمد نیست **پنجاه و نهم** در وقت سحر ذکر کرده است این را شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب

القلوب و مستندی بر آن نیاورده **تکمیل** شیخ مجد الدین فیروزآبادی لغوی رحمه الله در سفر السعادة گفته که حدیث من شمّ الورد الاحمر و لم یصل علیّ فقد جفانی و حدیث خلق الورد الاحمر من عرقی و امثال آن موضوع و باطل است انتهی شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در شرح آن آورده است که در مواهب لدنیه گفته که آنچه روایت کرده شده است که ورد پیدا کرده شد از عرق آنحضرت صلی الله علیه وسلم یا از عرق جبرئیل یا از عرق براق شیخ ما در احادیث مشتهره گفته که نووی رضی الله عنه گفته که صحیح نیست و شیخ الاسلام ابن حجر مکی گفته که موضوع است و پیش از وی ابن عساکر نیز حکم بوضع آن کرده و اما حدیث من شمّ الورد الاحمر و لم یصل علیّ فقد جفانی در میزان الاعتدال این حدیث را از معمر باشترت آورده معمر شخصی بود از عرب که در عهد نوشیروان بود بعد از آن بر آمده دعوی کرد که وی از صحابه است و مصاحبت کرده است پیغمبر را صلی الله علیه وسلم و دید وی علیه الصلوة والسلام او را دعا کرده و فرمود یا معمر عمّرک الله پس ببرکت دعای آنحضرت صلی الله علیه وسلم تا حدود یکصد از هجرت باقی مانده و تحدیث کرده و روایت کرد که شنیدم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که گفت من شمّ الورد و لم یصل علیّ فقد جفانی و در وی لفظ قید احمر نیست و باوجود این و قطع نظر از صحت حدیث اگر شم رایحه طیبه باستحضار و تذکار طیب رایحه مصطفوی و محبت وی صلی الله علیه وسلم مر طیب را اباء بی آید صلوة مشروع ملحوظ کرده و مستحسن است چنانکه بمشاهده و معاینه آثار و مغانی وی صلی الله علیه وسلم کذا افتی بعض العلماء المتاخرین بمکة انتهی کلام الشیخ عبد الحق رحمه الله و مخدوم زین الدین معبری ملیباری رحمه الله در کتاب فتح المعین شرح قرة العین بعضی صلوة جمعه آورده که روز جمعه تطییب بمشک افضل است و مسنون نیست صلوة صلی الله علیه وسلم نزد شم آن بلکه حسن است استغفار نزد آن کما قال شیخنا انتهی مخفی نماند که این قول مخالف قول شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله و مستلزم کراهت صلوة نزد شم رایحه طیبه نمیشود زیرا که شیخ رحمه الله حکم باولویت آن کرده و نفی مسنونیت مستلزم کراهت و نفی اولویت نمیشود زیرا که درجه اولی متنزل است از درجه سنت و بعد اولویت درجه اباحت است و درجه کراهت بعد اباحت است و حسن استغفار نزد آن نیز مستلزم کراهت صلوة نیست چنانچه نزد نهیق حمار تعوذ و صلوة هر دو مسنون بلکه حسن استغفار مستلزم حسن صلوة است زیرا که استغفار دعا است و مسنون است ابتدا و اختتام هر دعا بصلوة و در بعض فتاوی حنفیه دیده ام که درود گفتن نزد شم گل کاذی که در هندی کیوره نامند و گل رایبیل مکروه است زیرا که این هر دو گل را کفار در بت پرستی استعمال میکنند والله اعلم

مقام سیوم در مواقع کراهت صلوة **اول** در اماکن مستقذره و مواقع نجاسات ذکر کرده است از شیخ محمد مهدی فاسی رحمه الله در مطالع المسرات **دوم** در کلام منهی عنه چنانچه شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در کتاب جذب القلوب اشارت بدان کرده **سیوم** در وقت غضب بنا بر خوف اینکه غضب نبوی گویند نعوذ بالله من ذلک نقل کرده است این را شیخ ابن حجر مکی رحمه الله از اذکار امام نووی رحمه الله **چهارم** نزد جماع **پنجم** در وقت قضای حاجت انسانی **ششم** برای شهرت مبیع **هفتم** وقت عطسه زیرا که این چهار مقام مواطن تعظیم نیستند و مقصود از صلوة تعظیم جناب نبوی است صلی الله علیه وآله وسلم و مقتضای کلام صاحب مطالع المسرات اینکه اتفاق علما است بر کراهت صلوة درین چهار موقع و در محل تعجب و ذبح و عطاس اختلاف است و اما کلام شیخ ابن حجر مکی پس دلالت بر عدم اتفاق ندارد زیرا که وی تصریح کرده است که جماعه از علما قایل

اند فرادیکه الهی بخیر و آکمل و ترتیب جماع و عطاس مانند آن سنت ست باب صلوة و سلام در آن محل از سنت نیست و در آن محل عطاس و علما
مسائل مذکور شده و بعد مواضع حیث کل امر ذی بال او میکند انتهی شاید مراد از اتفاق علما و علام صاحب مطالع المسرات اتفاق
مالکیه باشد والله اعلم و سخنون مالکی مکروه داشته صلوة بر وی صلی الله علیه و سلم نزد تعجب و حلیمی از شافعیه گفته که مکروه نیست تهلیل و تسبیح زیرا که
وجه ثنا و تعظیم باری تعالی است پس صلوة نزد چیزی که مستقذر باشد یا مضحک منه محل خطر است بلکه اگر مصلی اندکه صلوة را عجب کرده ام و از آن
استخفاف کند کافر میشود و نووی رحمه الله بران ایراد کرده که ذکر صلوة نزد مستقذر و مضحوک منه اگر بقصد استقذار صلوة و جعل آن مضحکه باشد
کفر خواهد بود و الا نه انتهی و ابن حجر عفی الله عنه میگوید که از عدم استقذار اگرچه کافر نمیگردد لیکن بلفظ صلوة در محل استقذار و ضحک خالی از عدم
مبالات و تهاون در امر جناب مستطاب صلی الله علیه و سلم نیست پس احتراز اولی و انسب است والله اعلم و بیهقی از حنیفه جزم کرده که حرمت صلوة
مثل تسبیح و تکبیر نزد عمل حرام یا عرض سلعه یا فتح متاع و در صاع گفته که مکروه است آنچه صادر میشود از عوام که در اعراس و غیر آن برای اشتهار افعال
خود در نظر مسوی آن صلوة میگویند و زیادت توقیر و احترام در نظر ایشان نمی نیست بلکه بالعب و ضحک مقرون میدارند انتهی

باب هشتم در بیان حکم صلوة بر غیر آنحضرت صلی الله علیه و سلم

و این باب مشتمل است بر دو ضرب

ضرب اول در حکم صلوة بر دیگر انبیا علی نبینا و علیهم الصلوة والسلام

در جواز صلوة بر دیگر انبیا خلاف نیست و بیهقی بسند واهی از حدیث بریده رضی الله عنه آورده که فرمود نبی صلی الله علیه و سلم لا تترکن فی التشهد الصلوة
علیّ و علی الانبیاء ترک مکنید در تشهد صلوة بر من و بر همه انبیا و آورده است قاضی اسمعیل بسند ضعیف از حدیث ابی هریره رضی الله
عنه صلوا علی انبیاء الله فان الله بعثهم کما بعثنی درود گوئید بر پیغمبران خدا پس بتحقیق خدا بعث فرستاده است
ایشان را چنانچه فرستاده است مرا و آمده است بسند صحیح قول مجد الدین بغوی رحمه الله اذا صلیتم علی المرسلین فصلوا علیّ معهم فانا
من المرسلین چون درود گوئید بر پیغمبران پس درود گوئید بر من با ایشان که بدرستی من پیغمبرم از پیغمبران و در حدیث لفظ است اذا سلمتم علیّ
فسلموا علی المرسلین و از ابن عباس رضی الله عنهما بصحت رسیده لا ینبغی الصلوة من احد علی احد الا علی النبی صلی
الله علیه و سلم سزاوار نیست درود از هیچ کس بر هیچ کس مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم و در روایتی است از ابن عباس رضی الله عنهما ما اعلم
الصلوة ینبغی علی احد من احد الا علی النبی صلی الله علیه و سلم و لکن یدعی للمسلمین و المسلمات بالاستغفار
نمیدانم صلوة را که سزاوار باشد بر احدی از احدی مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم ولیکن دعا کرده شود مسلمین و مسلمات را به طلب آمرزش و در روایتی
از ابن عباس رضی الله عنهما لا تصلح الصلوة علی احد الا علی النبی صلی الله علیه و سلم لیاقت ندارد صلوة بر احدی
مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم و جائز نیست حمل این قول بر خلاف اولی یا کراهت یا حرمت و بیهقی و عبد الرزاق از سفیان ثوری رضی الله عنه مراد روایت کرده اند
که مکروه است که درود فرستاده شود مگر بر نبی صلی الله علیه و سلم و از بعض شیوخ مالکیه منقول است که جائز نیست که درود فرستاده شود مگر بر محمد
صلی الله علیه و سلم و حکایت کنند از امام مالک رضی الله عنه لا یصلی علی غیر نبینا من الانبیاء و اصحاب او این قول را تاویل کرده
گفته اند که معنیش این است تعبد نکنیم بصلوة بر دیگر انبیا چنانچه تعبد میکنیم بصلوة بر وی صلی الله علیه و سلم و بعضی گفته اند که این قول

لکن امام مالک معروف نیست بلکه قول او این است اکره الصلوة علی غیر الانبیاء و لا ینبغی ان نتعدی ما امرنا
به مکروه داشتم صلوة بر غیر انبیاء و سزاوار نیست که تجاوز کنیم از آنچه امر کرده شده‌ایم بدان و یحیی بن یحیی رضی الله عنه گفته که نیست حرج
در صلوة بر دیگر انبیاء زیراکه صلوة دعاست جهت بر پس منع از آن محتاج است بنص یا اجماع این حاصل سیکوید که حدیث لا تترکن فی التشهد الصلوة
علی و علی الانبیاء و حدیث اذا صلیتم علی المرسلین او حدیث اذا سلمتم علی فسلموا علی المرسلین دلالت دارد بر فرستادن
صلوة بر دیگر انبیاء بسبب آنکه نبی صلی الله علیه و سلم نه با صفات و الله اعلم و اما در صلوة نیز خلاف است امام النووی رحمه الله انکار گفته که
اجماع کرده شد است بدینکه قول آنانکه معتقد صحت جواز صلوة استحبابی آن بر سائر انبیاء و ملائکه استقلالا انتهی و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب
درمنضود گفته که صلوة بر ملائکه پس معروف نیست آن نص مگر آنکه آمده است بطرق ضعیفه که گفت نبی صلی الله علیه و سلم صلوا علی انبیاء الله
و رسوله فان الله بعثهم کما بعثنی صلی الله علیهم و سلم تسلیما در رکو سید بر انبیاء خدا و رسولان او پس بدرستیکه
خدا تعالی فرستاده است آنان را چنانکه فرستاده است مرا پس بتقدیر ثبوت این مستحب است صلوة بر ملائکه نیز زیراکه حق تعالی مسمی کرده است
ملائکه را رسل و کلام مجید قال تعالی جاعل الملائکة رسلا الآیة **مرصد دویم در حکم صلوة بر غیر انبیاء علیهم الصلوة والسلام** و درینجا دو مبحث است **مبحث اول در جواز عقلی** استاد نحریر زین
الدین احمد بن سیف الدین محمد صدر الورع نقی سقی الله ثراه و جعل الجنة مثواه در رساله در سفینة الصلوة علی خیر البریة استدلال
کرده است بران بچند وجه **اول** آنکه صلوة بمعنی دعا یا رحمت یا ثنا یا تعظیم بلیغ یا اعتنا است با مصلی بحال مصلی علیه است و این امور قدر
احدی از عقلا ممتنع نیست استقلالا در حق غیر انبیاء علیهم الصلوة والسلام غایة الامر اینکه مختلف خواهد شد باختلاف احوال مصلی
علیهم **دویم** صحت اطلاق الفاظ بسبب تحقق مدلولات آن یا عدم صحت آن بسبب عدم تحقق مدلول آن بحث لغوی است متعلق باحکام شرعیه
سیوم ممتنع عقلی آنست که لازم آید از فرض وقوع آن محال عقلی و صلوة بر غیر انبیاء لازم نیاید از فرض وقوع آن محال عقلی چنانچه
حلیمی رحمه الله گفته که مراد از صلوة علیه دعا و ایلم بالصلوة علیه است او انکار کرده نمی شود بر عطف آل و ازواج و ذریه او بروی صلی
الله علیه و آله و سلم بر او زیراکه ممتنع نیست دعا در حق ایشان بتعظیم چه تعظیم هر کس بحسب لیاقت او ست **مبحث دویم در جواز**
شرعی و آن بر دو نوع است تبعا و استقلالا اما تبعا پس خلاف نیست در آن هیچ کس را چنانچه در مواهب لدنیه گفته اما صلوة بر
غیر انبیاء اگر بسبیل تبعیت باشد پس جائز است باجماع و در تفسیر بیضاوی آورده که جائز نیست بر غیر وی صلی الله علیه و سلم تبعا و در تفسیر مدارک
نوشته که اگر صلوة گفته شود بر غیر وی صلی الله علیه و سلم بر سبیل تبعیت فلا کلام فیه انتهی بلکه صلوة بر آل مامور به است زیراکه در حدیث وارد است
قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و در صواعق محرقه گفته که در روایت حاکم در قول اصحاب یا رسول الله کیف الصلوة علیکم
اهل البیت فرمود قولوا اللهم صل علی محمد و علی آل محمد الخ دلیلی است ظاهر بر اینکه امر بصلوة بر اهل بیت و بقیه آل
صلی الله علیه و سلم مراد است ازین آیت و الا سوال نمیکردند از صلوة بر اهل بیت و آل عقب نزول آیت و آنحضرت صلی الله علیه و سلم جواب ایشان
بدانچه مذکور شد نمیداد پس این جواب دال است بر اینکه صلوة بر ایشان از جمله مامور به است و نیز آنحضرت صلی الله علیه و سلم قائم کرد ایشان را

راه دادن و مقام ذات خود زیرا که قصد از صلوة تعظیم وی صلی الله علیه وآله وسلم است و از تعظیم اوست تعظیم اهل بیت وآل او صلی الله
علیه وسلم و از اینجاست که چون داخل فرمود فاطمه زهرا و امیر المومنین علی و حسنین را رضی الله عنهم در کسا پس گفت اللهم انهم منی وانا
منهم فاجعل صلواتك ورحمتك ومغفرتك ورضوانك علي وعليهم یا الهی بدرستیکه ایشان از من اند و من از ایشان
ام پس بگردان صلوة تو و رحمت تو و مغفرت تو و رضوان تو بر من و بر ایشان و اما استقلالا پس مضطرب اند جدا در قول العلما امام احمد بن حنبل
رضی الله عنه و جماعتی جایز داشته اند مطلقا قاضی عیاض گفته که بر اینند عامه اهل علم انتهی و استدلال ایشان بقول وی تعالی است هو الذی
یصلی علیکم وملائکته و قول وی تعالی اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة و قول وی تعالی ان صلوتك سكن
لهم و بحدیث صحیح که بر آورده اند بخاری و مسلم از عبد الله بن ابی اوفی که بود وی صلی الله علیه وسلم چون آوردی قومی صدقه را میگفت
اللهم صل علیهم پس آورد پدر من صدقه پس فرمود اللهم صل علی آل ابی اوفی و بحدیثیکه تصحیح کرده است آنرا ابن حبان که زنی
گفت بعمر خدا صلی الله علیه وسلم صلوة بر من و بر زوج من بگو پس صلوة فرستاد وی صلی الله علیه وسلم بر هر دو و بحدیثیکه مسلم است
ان الملائکة تقول لروح المومن صلی الله علیك وعلی جسدك بدرستیکه فرشتگان میگویند مر روح مومن را صلوة کناد الله
بر تو و بر جسد تو و بحدیثی مفصل که وی صلی الله علیه وسلم صلوة فرستاد بر هر دو اخذ خلفای اربعه راشدین و بر عمرو بن العاص رضی الله عنهم
و موید آنست آنچه بصحت رسیده است از مالک از امام جعفر صادق از امام محمد باقر رضی الله عنهم که امیر المومنین علی نزد امیر المومنین عمر رضی
الله عنهما در حالیکه عمر در چادر پیچیده خفته بود ایستاد و گفت ما اقلت الغبراء ولا اظلت الخضراء احدا احب الی ان
القی الله بصحیفته من هذا المسجی صلی الله علیه بر نداشت زمین هیچ کس را و سایه نکرد آسمان بر هیچ کس دوست تر
بانقدر نزد من باینکه ملاقات کنم خدا تعالی را با صحیفه اعمال او ازین چادر پیچیده صلی الله علیه سفیان رحمه الله که راوی این اثر است
گفته از امام محمد باقر رضی الله عنه پرسیده شد ایا نیست صلوة بر غیر انبیا نهی عنه جواب داد که همچنین شنیده ام و قرطبی و جماعتی گفته اند که
جایز نیست استقلالا و اما بتبعا پس جایز است در آنچه وارد شده است آن بلفظ یا ملحق است بآن بر سبیل الالحاق و امام ابو حنیفه و جمعی گفته اند که
جایز است بتبعیت مطلقا نه بدان اگر در آورده شود دیانه و باستقلال جایز نیست کذا قال الشیخ ابن حجر المکی لیکن در تتمه الفتاوی
از فتاوی ابی بکر محمد بن الفضل نقل کرده که مکروه است صلوة بر غیر نبی نزد ابی حنیفه و محمد رحمهما الله نزد ابی یوسف مکروه نیست و بر سبیل
تبع جایز است بالاتفاق و همچنین است در نوادر هشام و بحر الفتاوی و نادر الفتاوی و نقل کرده محیط سرخسی از نوادر ابی یوسف
و خلاصه الفتاوی قول امام اعظم رضی الله عنه لایصلی احد علی احد الا علی النبی صلی الله علیه وسلم درود نگوید احدی
بر احدی مگر بر نبی صلی الله علیه وسلم و این قول محتمل کراهت و عدم جواز هر دو است و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله شاید بر عدم جواز حمل کرده و الله اعلم
و نزد بعضی مکروه است استقلالا نه تبعا چنانچه نقل کرده شده از تتمه الفتاوی و غیره و آن مروی است از احمد بن حنبل رحمه الله نیز و در حنابله
کرده است آنرا بیضاوی در تفسیر خود و نزد بعض شافعیه باستقلال حرام است و نزد بسیاری خلاف اولی است و نزد اکثری مکروه است بکراهت
تنزیه زیرا که شعار اهل بدعت است و ممنوع هستیم از شعار آنها و صحیح همین قول است چنانچه امام نووی رحمه الله در اذکار خود گفته

واورده که معتمد درین باب آنست که صلوة مخصوص شده است در لسان سلف بانبیا صلوات الله و سلامه علیهم چنانچه لفظ
مخصوص بخدا تعالی است پس چنانچه جایز نیست گفتن محمد عز و جل اگرچه عزیز و جلیل است جایز نیست گفتن ابوبکر یا علی صلی الله علیه اگرچه معنیش صحیح است قاضی اسمعیل روایت
کرده که عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه بعمال خود نوشته که قصاصان احداث کرده اند صلوة بر خلفا و امرای خود مثل صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم انها را
امر کنید که ازین بدعت باز آیند و صلوة را مخصوص به پیغمبران صلی الله علیهم و سلم دارند و دعا برای عامه مسلمین کنند انتهی و مانعان جواب میدهند
از دلائل مجوزین بانکه در آیات و احادیث صدور صلوة از خدا تعالی و رسول او ست صلی الله علیه و سلم و شارع را میرسد که مخصوص
گرداند هر کرا خواهد بهر چه خواهد و دیگران را بدون اذن شارع جایز نیست و اذن ثابت نگردیده و اما قول او تعالی صل علیهم الخ
پس خصیصه انحضرت صلی الله علیه و سلم است چنانچه شیخ جلال الدین سیوطی رحمه الله در کتاب انموذج اللبیب فی خصایص الحبیب ذکر کرده
و ازینجاست قول ابی الیمن بن عساکر رحمه الله که انحضرت صلی الله علیه و سلم میرسد که صلوة فرستد بر غیر او مطلقا زیرا که آن حق
و منصب او ست پس او را میرسد تصرف در ان کیف یشا بخلاف امت که او شان را نمی رسد ایثار غیر او در منصب او صلی الله علیه و سلم لیکن
صاحب معتمد منازعت کرده است بانکه دلیلی بر خصوصیت صلوة بوی صلی الله علیه و سلم یافته نمی شود و بسبقی محاکمه نموده و گفته
که قول بمنع مخصوص است بوقتیکه گردانیده شود صلوة را تعظیم و تحیت و قول بجواز مخصوص است بوقتیکه گردانیده شود دعا و تبرک
انتهی پس قول علی بن ابی طالب کرم الله وجهه در حق عمر بن الخطاب رحمه الله از قبیل ثانی است و مختار بعض حنابله اینکه صلوة مفرد
است بر آل مستحب زیرا که در حدیث آمده مگوئید بر من صلوة بترا پرسیدند که صلوة بترا چیست فرمود که اللهم صل علی محمد
میگوئید و خاموش میشوید بلکه بگوئید اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و جایز است استقلالا او را بر ملائکه و اهل طاعت جایز است
عموما و بر شخصی معین یا جماعتی معینه مکروه و اگر گفته شود بتحریم آن روا است علی الخصوص چون گردانیده شود آنرا شعار برای صلی الله علیه و سلم
نه برای کسیکه مساوی او ست یا دون او چنانچه روافض میکنند و جایز است احیانا چنانچه صلوة انحضرت صلی الله علیه و سلم بر
امرأة و زوج او و صلوة علی رضی الله عنه بر عمر رضی الله عنه کما مر و ازین تفصیل و از جواب مانعین متفق شدند ادله طرفین کما قال الشیخ
ابن حجر المکی رحمه الله و اما سلام پس امام نووی رحمه الله در اذکار خود از ابی محمد جوینی رحمه الله نقل کرده که در معنی صلوة است
پس استعمال کرده نشود در حق غایب و در حق غیر انبیا بر سبیل استقلال پس گفته نشود علی علیه السلام و برابر اند دران احیا و اموات و اما
حاضر پس جایز است بالاتفاق خطاب بسلام علیک یا علیکم و السلام علیک یا علیکم و بعضی گفته اند که سلام مشروع
است در حق مومنین بخلاف صلوة و بعضی گفته اند که سلام بمعنی تحیت جایز است در حق حی غایب نیز شیخ ابن حجر مکی رحمه الله در کتاب
در منضود گفته که بعض علما تحقیق کرده اند که سلامیکه شامل است حی و میت را مقصود از ان تحیت است مثل سلام نزد ملاقات مردم یا نزد زیارت
قبور و آن مستحب است و مندفع است از جواب بر سبیل وجوب کفایت یا وجوب عین بنفس ... در حاضر و برسول یا کتابت در غایب یا سلام علیکم مقصود از آن
دعا بتسلیم خدا تعالی است بر مدعوله برابر است که بلفظ غیبت باشد یا حضور مختص است او صلی الله علیه و سلم مگر بقصد اشارت کرده
بدان تقی الدین سبکی رحمه الله در کتاب شفا العوام تنبیه ... رضی ترحم ... رضی الله عنه

و رحمه الله گفتن بر صحابه و تابعین رضی الله عنه و کسانیکه بعد او شان اند از علما و عباد و سائر اخیار و بعض علما گفته اند که رضی الله عنه مخصوص است بصحابه رضی الله عنهم و رحمه الله بغیر صحابه و قول اول صحیح است و دلائل آن بسیار کما قال الامام النووی رحمه الله فی الاذکار و اگر مذکور شود صحابی که پسر صحابی است چون ابن عمر و ابن عباس و ابن بشیر و ابن جعفر و امثال این بدین پس رضی الله عنهما باید گفت کذا فی الاذکار **فائده** در تعیین لقمان و مریم رضی الله عنهما که بقول جمهور علما نبوت ایشان ثابت نیست پس بعض علما مستحب است صلوة و سلام بتبعیت انبیا زیرا که درجه ایشان از درجه کسیکه در حق او ترضی باید کرد مرتفع است بعض قرآن مجید و امام الحرمین گفته که ظاهر این است اگر سلام گفته شود اند لیکن نیست و امام نووی گفته ارجح ترضی است زیرا که نبوت ایشان ثابت نشده است

باب پنجم در کیفیت صلوة

و این باب مشتمل است بر چهار مورد **مورد اول** در صیغهای که در احادیث صحیحه وارد شده روایت کرده است مسلم و غیر او از طریق ابی مسعود انصاری بدری رضی الله عنه که آمد رسول خدا صلی الله علیه و سلم نزد ما در مجلس سعد بن عباده پس گفت بشیر بن سعد که امر کرده ما را خدا تعالی بفرستادن صلوة بر تو یا رسول الله پس چگونه صلوة فرستیم بر تو پس سکوت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم تا که آرزو کردیم که یا رسول [illegible] پس گفت بگوئید [illegible] صلی الله علیه و سلم **اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید** و سلام چنانست که شما دانستید **تبصره** اختلاف است در آنکه مراد از [illegible] چگونه صلوة فرستیم بعضی گفته اند که سوال از صفت صلوة است نه جنس آن زیرا که اصل آن معلوم بود بامر الهی پس سوال [illegible] صلی الله علیه و سلم تا استعمال کنند آن را و بعضی گفته اند که سوال از معنی آن است که بکدام لفظ [illegible] تعظیم الیس سوال کردند که بکدام لفظ ادا شود شیخ ابن حجر مکی گفته که اول ارجح [illegible] زیرا که لفظ کیف ظاهر است در صفت [illegible] پس سوال از آن لفظ [illegible] که چون سلام در تشهد بلفظ مخصوص وارد شد فهمیدند که صلوة نیز بلفظ مخصوص وارد شود و قیاس نکردند [illegible] الفاظ [illegible] مشکل خود است پس دانستند که لفظ مخصوص موافق فهم آنها امر بقیاس [illegible] اکا السلام گفت کذا قاله الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **منها** روایت کرده اند ترمذی و ابن خزیمه [illegible] ابن اسحق [illegible] گفت یا رسول الله اما سلام بر تو تحقیق دانستیم [illegible] پس چگونه صلوة فرستیم بر تو [illegible] صلی الله علیک پس خاموش گشت آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفت چون صلوة گوئید پس بگوئید **اللهم صل علی محمد النبی الامی و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد النبی الامی و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حمید مجید** **قوله الامی** بضم همزه [illegible] منسوب است [illegible] گویا که بر اصل ولادت ام است باشد زیرا که [illegible] حالت [illegible] کمالات است [illegible] وصف است [illegible] از معجزات آنحضرت است صلی الله علیه و سلم

و نوشتن وی صلی الله علیه وسلم قصه حدیبیه نیز معجزه است بر تقدیر ثبوت بالسبب بسوی ام القری است یا بسوی است بسبب اهتمام وی صلی الله
علیه وسلم بحال آنها یا بسبب نادانستن عرب در اغلب احوال قرات و کتابت و یا نسبت بام الکتاب است اما نزول آن بروی صلی الله علیه وسلم
یا بنابر عموم رسیدن تصدیق بدان هکذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **منها** و در روایتی است که گفته شد یا رسول الله
مامور شده ایم که بگوئیم سلام بر تو و بگوئیم صلوة بر تو پس تحقیق دانستیم که چگونه گوئیم سلام بر تو پس چگونه گوئیم صلوة بر تو فرمود بگوئید
اللهم صل علی آل محمد کما صلیت علی آل ابراهیم اللهم بارک علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم
منها آمده است در روایتی متفق علیه از طریق عبد الرحمن بن ابی لیلی رضی الله عنه که ملاقات کرد مرا کعب بن عجره رضی الله عنه پس گفت آگاه باش
که هدیه میکنم مر ترا امری که بدرستی رسول خدا صلی الله علیه وسلم برآمد نزد ما پس گفتیم که یا رسول الله بتحقیق دانستیم که چگونه سلام کنیم بر تو پس چگونه
گوئیم بر تو و در روایت حاکم است که چگونه است صلوة بر شما ای اهل بیت گفت وی صلی الله علیه وسلم بگوئید **اللهم** صل علی محمد و علی
و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم
انک حمید مجید و در روایت البخاری آمده است و علی آل ابراهیم در هر دو موضع بعد قول او علی ابراهیم **منها** پرورده است ابی
که وی صلی الله علیه وسلم در نماز میگفت **اللهم** صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم و
بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید **منها** روایت مسلم
آمده است که هرگاه نازل شد آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی گفتند یا رسول الله این است سلام بر تو که دانستیم چگونه
است آن پس چگونه صلوة میفرمائی ما را که درود گوئیم بر تو فرمود بگوئید **اللهم** اجعل صلواتک علی محمد کما جعلتها علی
ابراهیم انک حمید مجید زیاده کرده است ابن ابی شیبه و سعید بن منصور لفظ آل در هر دو موضع یعنی آل محمد و آل ابراهیم
علیهما الصلوة والسلام **منها** در روایت ام سلمه آمده است [illegible] **اللهم** صل علی [illegible] رسولک
و اهل بیته کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید **منها** در لفظ بخاری و غیره از ابی سعید خدری آمده که
گفتیم یا رسول الله این است سلام بر تو که دانستیم آن پس چگونه درود گوئیم بر تو گفت بگوئید **اللهم** صل [illegible] عبدک
و رسولک و اهل بیته کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم
و در روایتی زیاده کرده است و آل ابراهیم **منها** در روایتی متفق علیه آمده است بگوئید **اللهم** صل علی محمد و
ازواجه و ذریته کما صلیت علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و ازواجه و ذریته کما بارکت
علی ابراهیم انک حمید مجید احمد و حبیر زیاده کرده اند لفظ آل را گفته علی آل ابراهیم ابن ماجه زیاده
کرده است لفظ کما بارکت علی آل ابراهیم فی العالمین **منها** در روایتی موقوفه آمده بگوئید **اللهم** اجعل
صلواتک و رحمتک و برکاتک علی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین محمد عبدک
و رسولک امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمة اللهم ابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون

والآخرين اللهم صل على محمد وابلغه الوسيلة والدرجة الرفيعة من الجنة اللهم اجعل في المصطفين
محبته وفي المقربين مودته وفي الاعلين ذكره والسلام عليه ورحمة الله وبركاته اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد
كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد **قوله** مصطفين بفتح فا يعني كسانيكه برگزيده شده اند از ابناء جنس و مراد از ايشان انبيا
ست اولى العزم اند يعني نوح و ابراهيم و موسى و عيسى عليهم الصلوة والسلام و بعضي گفته اند كه يعني پاك كرده شدگان از دنس است و گفته شده كه مراد از ان صحابه است
و گفته شده كه مراد اهل بيت است زيرا كه در حق ايشان خير امة اخرجت للناس وارد است **قوله** مقربين از نزديك شدگان كه وارد در شان ايشان السابقون
السابقون اولئك المقربون و از ملائكه خواص ايشانرا اشارت است بانها در قول حق تعالى ولا الملائكة المقربون يعني حملة عرش و كروبيان كه گرد عرش اند مثل جبرئيل
و ميكائيل يا مدبران اجرام سماويه و گفته شده كه مقربين جمعيت اند اسرافيل و جبرئيل و ميكائيل و عزرائيل و رضوان و مالك و روح القدس و بر اين قول غير جبرئيل
است **قوله** اعلين بفتح لام يعني فرشتگان **قوله** ذكره و در روايتي است واده **منها** در روايتي اعزيه آمده بگويند **اللهم** صل على محمد
وعلى آل محمد و بارك على محمد كما صليت و باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد **منها** در روايتي آمده ليكن در سندش
اختلاف است برادران بگويند **اللهم** صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد وبارك
على محمد وعلى آل محمد كما باركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد **منها** در روايت ابي داود است آمده **اللهم** صل
على محمد النبي الامي و ازواجه امهات المؤمنين و ذريته و اهل بيته ذريه بالضم نسل انسانرا گويند ذكر باشد يا انثى و اولاد بنات
داخل اند در ان بالاتفاق بر قول ابن حاجب ليكن مذهب امام اعظم و در روايتي از امام احمد رحمهما الله خلاف آن است اما
اولاد فاطمه زهرا رضي الله عنها پس بالاتفاق داخل اند در ذريت آنحضرت صلى الله عليه وسلم و اين خصيصه ايشان است
و ديگران را ازان نصيب نيست **منها** در روايت صحيحه آمده بگويند **اللهم** صل على محمد كما صليت على ابراهيم
انك حميد مجيد و بارك على محمد و على آل محمد كما باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد
منها آمده است از ابي هريره رضي الله عنه كه گفتند يا رسول الله چگونه درود گوييم بر تو يعني در نماز فرمود بگويند **اللهم**
صل على محمد و على آل محمد كما صليت على ابراهيم و بارك على محمد و على آل محمد كما باركت
على ابراهيم پستر سلام گوييد بر من برآورده است آنرا شافعي رضي الله عنه ليكن شيخ در ان ضعيف است و نزد بزار
و سراج آورده اسنادش صحيح است بر شرط شيخين **منها** روايت مذكوره نزد طبراني از طريقي ديگر آمده كه بگويند
اللهم صل على محمد و بارك على محمد و على آل محمد كما صليت و باركت على ابراهيم و آل
ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد و سلام چنان است كه دانسته **منها** در روايتي ضعيفه
آمده است بگويند **اللهم** اجعل صلواتك و رحمتك و بركاتك على محمد و على آل محمد كما جعلتها
على ابراهيم و على آل ابراهيم انك حميد مجيد و در روايتي از ابن ... وارحم محمدا و آل محمد كما

صليت وباركت وترحمت على ابراهيم الخ در سندش شخصی مجهول از مردی مبهم روایت کرده است منها در روایتی ضعیف آمده است اللهم
صل على محمد وعلى اهل بيته كما صليت على ابراهيم انك حميد مجيد اللهم صل علينا معهم اللهم بارك على محمد
وعلى اهل بيته كما باركت على آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم بارك علينا معهم صلوة الله وصلوات
المرسلين على محمد النبي الامي السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ودر روایتی ضعیف زیاده کرده است ازان وارحم محمدا
وآل محمد كما رحمت على ابراهيم انك حميد مجيد ودر دعاء امیر المؤمنین علی رضی الله عنه زاید است اللهم وترحم على محمد
وآل محمد كما ترحمت على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم وتحنن على محمد وعلى آل محمد كما تحننت على آل
على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم وسلم على محمد وعلى آل محمد كما سلمت على ابراهيم وعلى آل
ابراهيم انك حميد مجيد شیخ ابن حجر مکی گفته که سندش ضعیف است زیرا که یکی از رواتش مجهول است دیگری متروک الحدیث است واز امر
دیگرش متهم است لیکن همه غریب است ودر بعضی ازان آمده است تسلسل بشمار که وی صلی الله علیه وسلم شمار کرد این کلمات را پیش امیر المؤمنین علی
رضی الله عنه وفرمود که شمار کرد آنها را پیش من جبرئیل وی گفت که شمار کرد پیش من میکائیل وی گفت که شمار کرد پیش من اسرافیل وی گفت که شمار کرد
پیش من رب العالمین جل جلاله وسند آن خالی نیست از متهم بکذب یا وضع بلکه بعض محققان فقهاء وحفاظ از متاخرین گفته اند که سایر طرق که دران
زیادت رحمت وتحنن است خالی نباشد از متهم بکذب ووضع كما قال الشیخ ابن حجر المکی ره منها آنچه روایت کرده است بخاری در ادب مفرد و
ابن جریر وعقیلی که گفت وی صلی الله علیه وسلم هر که خواند این درود را گواهی دهم برای او روز قیامت بشهادت وشفاعت کنم او را اللهم
صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على ابراهيم وآل ابراهيم وبارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على ابراهيم
وآل ابراهيم وترحم على محمد وآل محمد كما ترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم شیخ ابن حجر مکی رحمه الله این حدیث را از قول
بعض محققان که الحال گذشت استثنا کرده است وگفته که این حدیث حسن است ورجال او رجال صحیح اند مگر یکی وهو ابن ... ابن حبان در ثقات
ذکر کرده است بر قاعده خود منها در روایتی ضعیفه آمده است اللهم اجعل صلواتك ورحمتك وبركاتك على محمد وعلى آل محمد
كما جعلتها على ابراهيم وعلى آل ابراهيم انك حميد مجيد منها آمده است در روایتی که سندش هالک است که گفت وی
صلی الله علیه وسلم مر کسی که گفت این درود را تحقیق می بینم فرشتگان را که بند کردند افق را یعنی در وقتی که خواند این درود را ملائکه چندان بکثرت حاضر
شدند که افق آسمان از نظر آمدن موقوف شد اللهم صل على محمد حتى لا تبقى صلوة اللهم بارك على محمد حتى لا تبقى
بركة اللهم سلم على محمد حتى لا يبقى سلام وارحم محمدا حتى لا تبقى رحمة قوله حتى لا تبقى تا آنکه در مقدور نماند
همه صلوات را که وی سزاوار وجود آورده و بر انبیاء دیگر و ملائکه و سایر اهل اختصاص خود فرستاده یعنی صلوة بفرست بر محمد صلی الله علیه وسلم مثل
آنچه صلوة فرستاده بر غیر وی صلی الله علیه از اهل اختصاص خود وزیاده ازان استعمال داده که بر سبیل مبالغه باشد در کثرت اعطاء رحمت ودر بیان
نعمت چنانچه گفته میشود که پادشاه عطا کرد فلان را چیزی که باقی نماند نعمتی یعنی می دهد نعمت وافره بحدیست که باقی نماند اورا
شوق بسوی غیر آن نعمت ضرورت حمل مثل این کلمات بر این وجه لازم نباید توهم نفاد بعض مقدورات او سبحانه كما قال المهدی

الفاسی منها آمده است در روایتی بسندی حسن که هر که این درود گوید واجب شود برای وی شفاعت من اللّهم صلّ علی محمد وانزله
المقعد المقرّب عندک یوم القیامة و در روایتی است عندک فی الجنة و مقعد مقرّب بزرگتر و اولی احتمال دارد که مقام محمود باشد
زیرا که آن اظهر خصائص وی صلی الله علیه وسلم است که متمیز گردد بدان وی را از دیگران و نیز بر روایت ثانیه احتمال دارد که وسیله باشد زیرا که آن ارفع درجات وی
صلی الله علیه وسلم است که ممتاز گردد بدان از جمیع اهل جنت منها در روایتی بسندی ضعیف آمده که هر که گوید جزی الله عنا محمدا
صلی الله علیه وسلم بما هو اهله در زحمت انداخته هفتاد فرشته را هزار روز برای نوشتن ثواب آن کس یا برای استغفار مر او را و ضمیر
اهله احتمال دارد که راجع باشد بحق تعالی یا بوی صلی الله علیه وسلم منها در روایت آمده هر که گوید این صلوة خواهد دید مرا در خواب و هر که مرا در خواب
بیند ببیند مرا در روز قیامت و هر که مرا در قیامت ببیند برای وی شفاعت کنم و هر کرا شفاعت کنم خواهد نوشید از حوض من و حرام گرداند
خدا تعالی جسد او را بر آتش دوزخ اللّهم صلّ علی روح محمد فی الارواح وعلی جسده فی الاجساد وعلی قبره فی القبور
حافظ سخاوی گفته که تا حال بر اصل این واقف نشدم منها روایت کرده است ابو داود در سنن خود و عبد بن حمید در مسند خود و غیر
ایشان که فرمود وی صلی الله علیه وسلم هر کرا خوش کند پیموده شدن ثواب به پیمانه وافی تر چون درود گوید بر ما که اهل بیتیم پس بگوید اللّهم
صلّ علی محمد النبی وازواجه امهات المؤمنین وذریته واهل بیته کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید
منها در روایت آمده لیکن در سند آن یکی مجهول و دیگری مختلط است هر کرا خوش کند پیموده شدن ثواب تمام آخر پس بگوید اللّهم
اجعل صلواتک وبرکاتک علی محمد النبی الامی و در روایتی بسندی موقوف بر امیر المؤمنین علی رضی الله عنه آمده که هر کرا خوش
کند پیموده شدن ثواب به پیمانه وافی تر پس ختم کند این آیه کریمه سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین منها آمده است در روایتی از امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه بسندی ضعیف و آنرا طریق دیگر
است که رجال آن رجال صحیح اند لیکن مرسل است زیرا که راوی آن علی رضی الله عنه را ندیده و نشنیده وی رضی الله عنه تعلیم میکرد مر مردم
را صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم پس میگفت اللّهم یا داحی المدحوات وباری المسموکات وجبار القلوب
علی فطرتها شقیها وسعیدها اجعل شرائف صلواتک ونوامی برکاتک ورأفة تحننک علی
عبدک ورسولک الخاتم لما سبق والفاتح لما اغلق والمعلن الحق بالحق والدامغ جیشات
الاباطیل کما حمل فاضطلع بامرک بطاعتک مستوفزا فی مرضاتک بغیر نکل عن
قدم ولا وهن فی عزم واعیا لوحیک حافظا لعهدک ماضیا فی نفاذ امرک
حتی اوری قبسا لقابس آلاء الله تصل باهله اسبابه به هدیت القلوب
بعد خوضات الفتن والاثم وابهج موضحات الاعلام ومنیرات الاسلام و
نائرات الاحکام فهو امینک المامون وخازن علمک المخزون وشهیدک یوم الدین وبعیثک نعمة
ورسولک بالحق رحمة اللهم افسح له مفسحا فی عدنک واجزه مضاعفات الخیر من فضلک مهنآت له

غیر مکدرات من فوز ثوابک المضنون وجزیل عطائک المعلول اللهم اعل علی بناء الناس بناءه واکرم مثواه
لدیک ونزله واتمم له نوره واجزه من ابتعاثک له مقبول الشهادة ومرضی المقالة ذا منطق عدل وخطة فصل
وحجة وبرهان عظیم صلی الله علیه وسلم ابو بکر بن ابی شیبه در روایتیکه در ان شخص تحصیل است زیاده کرده بعین اللهم اجعلنا سامعین
مطیعین واولیاء مخلصین ورفقاء مصاحبین اللهم ابلغه منا السلام واردد علینا منه السلام قوله داحی المدحوات
داحی یعنی باسط مدحوات یعنی مبسوطات مراد از ان زمین هاست قال تعالی والارض بعد ذلک دحاها یعنی گسترد زمین را زیرا که
اول منشبه بود ودر روایتی مدحیات آمده بهمان معنی قوله باری المسموکات باری در آخر همزه است بمعنی پیدا کننده بدون مثال مسموکات
بمعنی مرفوعات یعنی آسمانها ودر روایتی بجای باری سامک آمده بمعنی بلند کننده قوله جبار القلوب علی فطراتها جبار بمعنی قهار فطرات
یعنی جبلت وطبیعت قوله لما اغلق بضم اول وکسر ثالث بر صیغه مبنی للمفعول قوله والدامغ یعنی هلاک کننده قوله جیشات الاباطیل
جمع جیشه وآن مره است از جاشت بمعنی فواره زد وبلند شد واباطیل جمع باطل قوله کما حمل بضم حای مهمله وکسر میم مشدده بر صیغه مبنی
للمفعول قوله فاضطلع بامرک اضطلع بضاد معجمه یعنی برخاست به امر تو بنابر قوت او برآن قوله مستوفزا بصیغه اسم فاعل
بمعنی جاری شونده قوله لغیر نکل عن قدم نکل بر وزن طفل وحبل بمعنی جبن قدم یعنی اقدام قوله ولا وهن فی عزم وهن بمعنی ضعف
ودر روایتی واهیا است بیای مثناة تحتیه بمعنی لغزش قوله واعیا یعنی حافظ وضابط قوله فی نفاذ بفتح نون ودر آخر ذال معجمه بمعنی جاری
گردیدن امر ودر روایتی بجای فی علی است قوله وری از ایرا است بمعنی روشن کردن آتش قوله قبسا بفتحتین شعله آتش صاحب
مواهب گفته که در بخاری مراد از ان اسلام وحق است قوله لقابس یعنی طلب کننده آتش وحاصل آن در اینجا اینکه وی صلی الله علیه وسلم ظاهر کرد
نوری از حق برای طلب آن یعنی در آن تشبیه سعی وی صلی الله علیه وسلم بر روشن کردن آتش در اظهار حق قوله آلاء الله بالجمع
بکسر همزه یا فتح آن وتنوین یا بکسر همزه وسکون لام وتنوین یعنی نعمتها قوله هدیت بصیغه مبنی للفاعل ومبنی للمفعول قوله انهج یعنی واضح
کرد قوله موضحات بصیغه اسم فاعل یا اسم مفعول قوله نائرات جمع نائره بیا بعد الف از نور است قوله خزان بصیغه مبالغه
ودر روایتی خازن بصیغه اسم فاعل آمده ودر روایتی خزائن بصیغه جمع خزینه قوله عدنک بفتح عین وسکون دال معلقین مراد محل رحمت وبقای
است یا جنت عدن قوله اجزه بهمزه وصل وکسر زای قوله مضاعفات بضم میم وفتح ها وعین مشدده جمع مضاعف بفتح عین بمعنی
دو چند قوله من فوز نبا دارای بمعنی ظفر یافتن بمقصود قوله ثوابک المضنون اسم مفعول است از ضنن بضاد معجمه بمعنی بخل یعنی ثوابی که
بسبب نفاست آن بخل کرده میشود ودر روایتی ثوابک المحلول آمده بمعنی مستوجب بفتح جیم قوله جزیل یعنی عظیم قوله عطائک
قوله المعلول اسم مفعول است از علل بفتحتین بمعنی شرب دوم مقابل نهل است بفتحتین بمعنی شرب اول ومراد بعطاء المعلول عطاء پی در پی است
علی بناء الناس ودر روایتی بناء البانین یعنی بنا کنندگان قوله نزله بضمتین یا بضم اول وسکون ثانی [illegible] مهیا کرد
برای مهمان [illegible] قوله من ابتعاثک بصیغه مصدر از باب افتعال [illegible] ابتعاثک [illegible]
[illegible]

خطبہ نظم خانی محبت فتح طائی جملہ مستبدہ یعنی امر یا طریقہ فصل یعنی قطع مراد از ان امر فاصل میان حق و باطل **منہا** در شفاء الامیر
علی رضی اللہ عنہ آوردہ است ان اللہ وملائکتہ یصلون علی النبی یا ایہا الذین امنوا صلوا علیہ وسلموا تسلیما لبیک
اللہم ربی وسعدیک صلوات اللہ البر الرحیم والملائکۃ المقربین والنبیین والصدیقین والشہداء والصالحین
وما سبح لک من شیء یا رب العالمین علی محمد بن عبد اللہ خاتم النبیین وسید المرسلین وامام المتقین
ورسول رب العالمین الشاہد البشیر الداعی الیک باذنک السراج المنیر علیہ السلام حافظ سخاوی رحمۃ اللہ گفتہ
واقف نشدم بر اصل این روایت **منہا** در روایتے آمدہ است کہ دینار نوری رحمۃ اللہ سوال کرد از انس بن مالک رضی اللہ کہ آیا بر سید از آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم کیفیت صلوۃ تامہ گفت آری صلوۃ تامہ این است **اللہم** صل علی محمد کما امرتنا ان نصلی علیہ وصل علیہ
کما ینبغی ان نصلی علیہ این روایت مخالف است مر روایت ابی سعید را کہ در شرف المصطفی بر آوردہ صلوۃ نگوئید برمن
صلوۃ بترا گفتند کہ صلوۃ بترا چیست یا رسول اللہ گفت کہ میگوئید **اللہم** صل علی محمد و خاموش میشوید بلکہ بگوئید اللہم
صل علی محمد وعلی آل محمد شیخ ابن حجر مکی رحمہ اللہ گفتہ کہ سند این روایت اولی ثابت است نزد حافظ سخاوی در حق روایت
ثانیہ گفتہ است کہ واقف نشدم بر اسناد آن **منہا** بصحت رسیدہ کہ ابن عباس رضی اللہ عنہما در نماز میگفت **اللہم** تقبل شفاعت
محمد الکبری وارفع درجتہ العلیا واعط سؤلہ فی الآخرۃ والاولی کما اتیت ابراہیم وموسی **منہا**
در روایتے ضعیفہ آمدہ است کہ گفت وے صلی اللہ علیہ وسلم اللہم انی اسالک یا اللہ یا رحمن یا رحیم یا جار المستجیرین
یا امان الخائفین یا عماد من لا عماد لہ یا سند من لا سند لہ یا ذخر من لا ذخر لہ یا حرز الضعفاء یا کنز
الفقراء یا عظیم الرجاء یا منقذ الہلکی یا منجی الغرقی یا محسن یا مجمل یا منعم یا متفضل یا
عزیز یا جبار یا منیر انت الذی سجد لک سواد اللیل وضوء النہار وشعاع الشمس وحفیف الشجر
ودوی الماء ونور القمر یا اللہ انت اللہ لا شریک لک اسالک ان تصلی علی محمد عبدک ورسولک
تبصرہ شیخ ابن حجر مکی رحمہ گفتہ کہ این روایت مشتمل است بر وصف الہی باوصافیکہ وارد نشدہ است بان حدیث صحیح و تردد
متحقق است مشہور است کہ اسماء الہی توقیفی است وثبوت آن بحدیث ضعیف صورت پذیر نیست پس جائز نیست گفتن مثل این کلمات
تا آنکہ وارد نشود در احادیث صحیحہ **منہا** آمدہ است در روایتے موضوعہ کہ ہر کہ گوید **اللہم** صل علی محمد وعلی آل محمد فی
الاولین والآخرین وفی الملاء الاعلی الی یوم الدین اگر دریا مداد شود و درختان اقلام و فرشتگان کاتبان
ہر اینہ فانی گردد مداد و شکستہ شود اقلام و نرسند فرشتگان بثواب آن **منہا** در شفاء ابن سبع شرف المصطفی آوردہ کہ وے
صلی اللہ علیہ وسلم نشاندہ بود یاران خود را میان ابی بکر رضی اللہ عنہ پس صحابہ عجب نمودند از ان زیرا کہ در میان وے صلی اللہ
علیہ وسلم و امیر المومنین ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ کسی ہمی نشست و وے صلی اللہ علیہ وسلم بعد قلق آنکہ فرمود کہ این مرد میگوید در صلوۃ
خود **اللہم** صل علی محمد کما تحب وترضی لہ حافظ سخاوی رہ گفتہ کہ واقف نشدم بر سند آن و بر تقدیر ثبوت اجلاس

صلی الله علیه وسلم مر آنرا در اوراد این مکان تالیف بود و یا ترغیب خاطر این در گفتن این درود و کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله فی منیه
در تحقیق آل وی صلی الله علیه وسلم اصل آن اهل بود بدلیل تصغیر آن بر اهیل بدل کردند ها را بهمزه و تسهیل نمودند و این مذهب سیبویه است
مذهب سیبویه و محققان نحات و نزد بعضی اصل آن اول بود از آل یؤول بمعنی رجع بدلیل تصغیر آن بر اویل حکایت کرده است این را
کسائی و مختص است اضافت آن بسوی کسیکه معظم است مثل حملة القرآن آل الله و نحو اهل بیت آل الاسکاف و اما اضافت آن بسوی
فرعون در قول تعالی آل فرعون پس بنا بر متصور شدن اوست بصورت عظما و جایز نیست اضافت آن بسوی ضمیر بر قول اصح و استعمال
آن در غیر ذوی العقول جایز نیست و داخل میشود در آن مضاف الیه مگر بقرینه و مراد از آل وی صلی الله علیه وسلم نزد شافعی و جمهور علما
مؤمنان اقارب وی صلی الله علیه وسلم اند از بنی هاشم و بنی المطلب پسران عبد مناف زیرا که وی صلی الله علیه وسلم تقسیم کرد سهم ذوی القربی
یعنی خمس الخمس را در میان آنها و نداد چیزی از آن بنی اعمام آنها یعنی بنی نوفل و بنی عبد شمس را و صف سوال ایشان رواه البخاری و فرمود که
حلال نمیگردانم برای شما ای اهل بیت از صدقات چیزی را و نه غساله دستهای مردم بدرستیکه مر شما راست خمس خمس آنچه غنا بخشد یا بسیار
رواه الطبرانی فی معجمه الکبیر و فرمود که این صدقه نیست جز اوساخ مردم است بدرستیکه آن حلال نیست محمد و مر آل محمد را رواه مسلم و نزد بعضی بنی هاشم
فقط و آنست قول ابن قاسم و مالک و اکثر اصحاب او و نزد بعضی بنی المطلب فقط و آنست محتمل قول وی رحمه الله مالک و نزد بعضی ازواج و بنات و صهر وی
علی رضی الله عنه کذا گفته است این را در قاموس و نزد بعضی آل وی صلی الله علیه وسلم ذریت فاطمه زهرا است خاصة رضی الله عنهم و نزد بعضی ذریت عباس و جعفر و عقیل و حمزه
رضی الله عنهم و نزد بعضی جمیع قریش و نزد بعضی جمیع امت اجابت و قول ابن عبد البر نیز مایل است بسوی آنکه مالک و ما یلیه فقه که از مالک بهمین قول منقول است و میل کرده شیخ
منهاج بیضاوی نیز نسبت باو کرده و اختیار کرده است آنرا ازهری و امام نووی نیز در شرح مسلم آنرا ترجیح داده لیکن قاضی حسین و غیر او مقید کرده اند به اتقیای
امت و مؤید آنست قول وی سبحانه ان اولیاؤه الا المتقون نیست دوستان او مگر متقیان و ابو عبید هروی از ابن عرفه نقل کرده
که آل وی صلی الله علیه وسلم کسی است که راجع است بسوی او بدین یا بمذهب یا بنسب مورد دوم در بعض صیغ که اکابر سلف و خلف رضی الله
عنهم انشا کرده اند صیغه اللهم صل علی سیدنا محمد السابق للخلق نوره الرحمة للعالمین ظهوره عدد
ما مضی من خلقک و من بقی و من سعد منهم و من شقی صلوة تستغرق العد و تحیط بالحد صلوة
لا غایة لها و لا انتهاء و لا امد لها و لا انقضاء صلوة دائمة بدوامک و علی آله و صحبه کذلک
والحمد لله علی ذلک این صلوة از شیخ محی الدین معروف بجنید یمن رضی الله عنه است و گفته که هر که این را هر صبح ده بار و ده بار در شام
بخواند مستوجب رضای الهی و تواتر رحمت او و امان از عذاب و دیگر بهبودیها گردد و تسهیل مشکلات کرد سخاوی رحمه الله از بعض مشایخ
خود نقل کرده که ثواب یکبار خواندن این ده هزار صلوة است از قصه غریب انتهی شیخ ابن حجر مکی رحمه الله و غیر او بیان قصه مذکوره
کرده اند که یکی از اولیا هر شب ده هزار درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرستاد یکبار بسبب ضعف از اتمام ده هزار عاجز گردید و تعب بسیار
کشید پس وی صلی الله علیه وسلم را در خواب دید که میفرمودند ای فلان بگو این صلوة را یکبار اعتنا خواهد بخشید ده هزار پس آنکس معتاد شد
و این ورد وی بود و قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی قدس الله سره در حزب خود در باب این درود داخل نموده است

صیغه اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی آله و صحبه و بارک و سلم این صلوة سفر و دخل
در مسبعات عشر که از اوراد مشهوره مبارکه است از زمان تابعین و تبع تابعین معمول مشایخ است صیغه اللهم لک الحمد بعدد
من حمدک و لک الحمد بعدد من لم یحمدک و لک الحمد کما تحب ان تحمد اللهم صل علی محمد
بعدد من صلی علیه و صل علی محمد بعدد من لم یصل علیه و صل علی محمد کما تحب ان یصلی علیه این صلوة
را طبرانی که یکی از اکابر محدثین است انشا کرده و گفته که این را در خواب آنحضرت صلی الله علیه وسلم عرض کردم و وی صلی الله علیه وسلم از روی فرحت
استماع آن تبسم فرمود تا که نواجذ شریف ظاهر شد و از ثنایای وی نور ظاهر گردید صلی الله علیه وسلم صیغه اللهم صل علی محمد
و علی آله و اصحابه و اولاده و ازواجه و ذریته و اهل بیته و اصهاره و انصاره و اشیاعه
و محبیه و امته و علینا معهم اجمعین یا ارحم الراحمین این صلوة را در شفا از حسن بصری رضی الله عنه آورده و گفته
وی رضی الله عنه میگفت که هر که خواهد که بیاشامد بکاس اوفی از حوض مصطفی صلی الله علیه وسلم پس بخواند این صلوة صیغه
اللهم صل علی محمد فی الاولین و صل علی محمد فی الآخرین و صل علی محمد فی النبیین و صل علی محمد
فی المرسلین و صل علی محمد فی الملأ الاعلی الی یوم الدین اللهم اعط محمد الوسیلة و الفضیلة
و الشرف و الدرجة الرفیعة و ابعثه مقاما محمودا اللهم آمنت بمحمد و لم اره فلا تحرمنی فی الجنة
رؤیته و ارزقنی صحبته و توفنی علی ملته و اسقنی من حوضه شربا مرویا سائغا هنیئا لا نظمأ
بعده ابدا انک علی کل شیء قدیر اللهم ابلغ روح محمد و آله منا تحیة و سلاما اللهم کما
آمنت به و لم اره فلا تحرمنی فی الجنة رؤیته بلفظه تلمسانی از نیشاپوری نقل کرده که سعید بن عطا رحمه الله گفته
که هر که این صلوة را سه بار بعد نماز صبح و سه بار وقت شام بخواند منهدم شود بنای ذنوب وی و محو گردد نقش خطایای وی و دائم
گردد سرور او و مستجاب شود دعای او و داده شود آمال او و نصرت داده شود بر اعدا او موفق گردد بانواع خیر و رفیق شود در
بهشت مر مصطفی را صلی الله علیه وسلم در جنات اعلی و جبر نیز از سعید بن عطا از نقل کرده است صیغه اللهم صل علی محمد
و علی آل محمد صلوة انت لها اهل و هو لها اهل و بارک و سلم شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله گفته که این
درود بحسن قبول رسیده است آورده اند که یکی از زائران که مقبول درگاه نبوی بود با تحاف این صلوة اقامت داشت
چون خواست که از مدینه منوره زادها الله شرفا تحول کند در خواب آنحضرت را صلی الله علیه وسلم دید که میفرماید بار دیگر روز
دیگر باش که این درود ترا خوش آمده است صیغه اللهم صل و سلم علی حبیبک و قریبک و لبیبک
مظهر ربوبیتک و مثال حضرتک و تمثال تدلیک روح القدس معطی الحیوة و الفضیلة
بامرک ملک العوالم مفیض لواطق النفوس صفا الطهر و المعالی سر و شرف نور ک
شیخ عبد الحق دهلوی رحمه الله در حاشیه جذب القلوب نوشته که بعضی مشایخ گفته اند که این کلمات الفت کرده حقیقة

محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ است **صیغہ** اللّٰھم صلِّ علی محمدٍ و علی آل محمدٍ ما اختلف الملوان و تعاقب
العصران و تکرر الجدیدان و استقبل الفرقدان و بلّغ روح محمدٍ و آلہ اَرواحَ اھلِ بیتہ منا التحیۃ والسلام
حسین کاشفی در تحفۃ الصلوٰۃ آوردہ کہ مردی نزد سلطان محمود سبکتگین آمد و گفت از مدتی میخواستم کہ پیغمبر خدا را صلی اللہ علیہ وسلم در خواب
بنیم دوش بمساعدت سعادت بدین دولت مشرف شدم و عرض کردم کہ یا رسول اللہ ہزار درم قرض دارم و بر ادائے آن قادر نیستم می ترسم کہ اجل
دررسد و بار قرض بر گردنم بماند آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ نزد سلطان محمود برو و ہزار درم بگیر گفتم یا رسول اللہ شاید او از من باور نکند
و نشانی طلبد فرمود بگوید آن نشان کہ در اول شب کہ تکیہ میکنی سی ہزار درود و در آخر شب ہزار درود بر من میفرستی چون سلطان محمود
این واقعہ شنید بگریہ درآمد و تصدیق وی کرد و قرضش ادا نمود و ہزار دینار دیگر عطا فرمود چون ارکان دولت متعجب گشتند استفسار نمودند
و گفتند کہ اول شب با تو میباشیم نمی بینیم کہ تو بصلوٰۃ اشتغال میکنی اگر کسی تمام روز و شب جہد نماید شصت ہزار بار درود گفتن نتواند نیز را
باندک فرصت چگونہ این امر صورت می بندد گفت کہ از علما شنیدہ بودم کہ ہر کہ این درود یکبار بگوید مقابل دہ ہزار است من در اول شب سہ بار
و در آخر شب یک بار این درود میگویم و چنان میپندارم کہ شصت ہزار درود فرستادم و پیغام سید انام کہ این درویش آوردہ است دلیل است بر آنکہ از فساد
بود کہ سخن علما درست آمد و پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بر آن گواہی داد و شیخ عبد الحق دہلوی نیز این درود را در جذب القلوب آوردہ و این یک درود افضل و زیادہ
العمر الابعد و استقبل الفرقدان **صیغہ** اللّٰھم صل علی سیدنا محمدٍ و آل محمدٍ صلوٰۃ تکون لک رضاءً و لحقہ اداءً
و اعطہ الوسیلۃ و الفضیلۃ و الدرجۃ الرفیعۃ و ابعثہ مقاما محمودا و اجزہ عنا افضل ما جزیت
نبیا عن امتہ و صل علی جمیع اخوانہ من النبیین و الصدیقین و الشھداء و الصالحین و علی جمیع
الاولیاء و المتقین و علی جمیع ملائکتک من اھل السمٰوٰت و الارضین و علی جمیع عباد ک الصالحین و علینا
معھم یا ارحم الراحمین شیخ عبد الحق دہلوی بعد و المتقین الحاق کردہ این لفظ علی سیدنا الشیخ محی الدین عبد القادر الجیلانی و گفتہ کہ خواندن این صلوٰۃ بعد از صبح و خواب
آمدہ است و در تحفۃ القریب این درود باندک تغیر آوردہ و گفتہ کہ امام غزالی رضی اللہ عنہ از ایشان نقل بعد از جمعہ خوانند و گویند کہ از ہر جمعہ تا جمعہ دیگر کہ بسیار حسنات
جمیع
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم **صیغہ** اللّٰھم صل علی سیدنا محمدٍ و علی آل سیدنا محمدٍ صلوٰۃ تنجینا بھا من
الاھوال و الآفات و تقضی لنا بھا جمیع الحاجات و تطھرنا بھا من جمیع السیئات و ترفعنا بھا عندک
اعلی الدرجات و تبلغنا بھا اقصی الغایات من جمیع الخیرات فی الحیوٰۃ و بعد الممات قصہ این درود
در باب ثمرات صلوٰۃ مذکور شدہ است **صیغہ** اللّٰھم صل علی سیدنا محمدٍ النبی الامی الطاھر الزکی صلوٰۃ تحل بھا
العقد و تفک بھا الکرب صلوٰۃ تکون لک رضاءً و لحقہ اداءً و علی آلہ و صحبہ و بارک و سلم شیخ عبد الحق
دہلوی رحمۃ اللہ در حاشیہ جذب القلوب نوشتہ است کہ خواندن این درود دل را روشن کند و سینہ را کشادہ گرداند و حاجات را مقضی
سازد و ہموم و کروبات دفع نماید **صیغہ** اللّٰھم صل و سلم و بارک و کرم علی سیدنا و نبینا محمدٍ عبدک و نبیک و رسولک
النبی الامی نبی الرحمۃ و شفیع الامۃ الذی ارسلتہ رحمۃ للعالمین و علی آلہ و اصحابہ و اولادہ و ذریتہ

واهل بیته الطیبین الطاهرین وعلی ازواجه الطاهرات امهات المومنین افضل صلوة وازکی سلام
وانمی برکات عدد ما فی علمک وزنة ما فی علمک وملأ ما فی علمک ومداد کلماتک ومبلغ رضاک و
صل وسلم وبارک وکرم کذالک کله افضل صلوة وازکی سلام وانمی برکات وعلی جمیع الانبیاء و
المرسلین وعلی آل واز واجهم واصحابهم کل منهم والتابعین ودرین جا زیاده کرده است شیخ عبد الحق دهلوی رحمة الله جهت
التحلوب علی سیدنا الشیخ محی الدین عبد القادر الجیلانی الامین وعلی کل ولی لله فی العالمین وسائر المومنین
من الاولین والآخرین عدد ما علم الله وملأ ما علم الله وزنة ما علم الله وارحمنا الهنا بحرمتهم اجمعین
واشفنا وعافنا من کل آفة وعاهة واعف عنا وعاملنا بلطفک الجمیل ولا تسلط علینا بذنوبنا من لا
یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین آمین آمین آمین آمین از بعض صلحا نقل کرده که هرکه مواظبت نماید برین صلوة نجات بخشد اورا
خدا تعالی از هر نازله ونگهدارد او را از هر حادثه صیغه اللهم صل علی محمد النبی کما امرتنا ان نصلی علیه وصل علی محمد
النبی کما ینبغی ان یصلی علیه وصل علی محمد النبی بعدد من صلی علیه وصل علی محمد النبی بعدد من لم یصل
علیه وصل علی محمد النبی کما تحب ان یصلی علیه حسین کاشفی در تحفة الصلوة از آثار الاحادیث از روایت انس رضی الله
عنه نقل کرده که یکی از صحابه از پیش نبی صلی الله علیه وسلم گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این مرد را هر روز آن قدر اعمال مقبول
قبول می شود که هیچ یکی را از امت من نخواهد بود گفتند که این کرامت بچه چیز یافت فرمود که جبرئیل امین همین گفته و من هم استفسار نکردم
چون جبرئیل بار دیگر نازل شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از وی پرسید گفت که هر روز ده بار این درود میخواند صیغه صلوات الله وملائکته
وانبیائه ورسله وجمیع خلقه علی محمد وعلی آله وعلیهم السلام ورحمة الله وبرکاته حسین کاشفی در تحفة الصلوة از
ریاض المذکرین از روایت امیر المومنین علی کرم الله وجهه نقل کرده که هرکه هر روز سه بار درود و روز جمعه صد بار این درود بگوید پس درستی که
فرستاده باشد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم به اندازه همه خلائق و روز قیامت در زمره خواص آنحضرت صلی الله علیه وسلم مبعوث گردد وی
صلی الله علیه وسلم دست او گرفته به بهشت در آید صیغه اللهم صل علی محمد ملأ السموات وملأ الارض وملأ العرش
العظیم این صلوة را شبلی علیه الرحمة بعد هر نماز پس از خواندن آیه لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص
علیکم بالمومنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
میخواند بدین سبب نبی صلی الله علیه وسلم در رؤیا بعض القضایا بر جبین او بوسه داد کما مر سابقا صیغه اللهم صل علی محمد والہ عدد ما خلقت
اللهم صل علی محمد واله ملأ ما خلقت اللهم صل علی محمد واله عدد کل شیء اللهم صل علی محمد واله
ملأ کل شیء اللهم صل علی محمد واله عدد ما احصاه کتابک اللهم صل علی محمد واله ملأ ما احصاه کتابک
اللهم صل علی محمد واله عدد ما احاط به علمک اللهم صل علی محمد واله ملأ ما احاط به علمک حسین
کاشفی از فتوحات مکیه نقل کرده که سلطان ابراهیم ادهم رحمة الله علیه در حرم مسجد اقصا در قبة الملائکه با جبار ثمانیه رحمهم الله ملاقی شد

هر یکی یک کلمه از کلمات ثمانیه بوی آموختند و گفتند که ما را برکت این کلمات ترقی کلی هست احوال و مواجید عجیب این هر با غلبه میکنند و فواید آن
بسیاست سلطان ابراهیم رحمه الله بقیه العمر بران مواظبت نمود **صیغه** اللهم صل علی سیدنا محمد مطلق عنان جواد
الایمان فی میدان الاحسان مرسلا مرشدا الی ریاح الکرم فی روض الجنان وعلی آل محمد وسلم حسین کاشفی
از شیخ سعد الدین حموی رحمه الله نقل کرده که هر که باین نوع درود بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرستد هر اینه با ایمان از دنیا رود **صیغه** اللهم صل
علی سیدنا محمد مغرق فرق الکفر والطغیان ومشتت بغات جیوش القرین والشیطان وعلی آل محمد
وسلم حسین کاشفی از شیخ اکبر رضی الله عنه نقل کرده که خواندن این درود موجب امن از شر شیطان و دغدغه نفس و هوا است **صیغه** اللهم صل
علی سیدنا محمد صاحب الفرق والفرقان وجامع الرزق ومنزله من سماء القرآن وعلی آل محمد وسلم حسین کاشفی
از شیخ اکبر رضی الله عنه نقل کرده که هر که این درود خواند هرگز بدست ظالمی مبتلا نشود و او را حق تعالی از احتیاج و تنگدستی نگاهدارد **صیغه**
اللهم صل علی محمد فی عرصات القیمة اللهم صل علی محمد حین تقوم الساعة والطامة اللهم صل علی محمد صلوة
مخلصة من الملامة اللهم صل علی محمد صلوة مبلغة الی السلامة اللهم صل علی محمد صلوة فایضة علی اهل
الکرامة اللهم صل علی محمد فی کل حین واوان اللهم صل علی محمد فی کل زمان ومکان اللهم صل علی محمد
بکل لسان وجنان اللهم صل علی محمد عند ظهور کل حکمة وبیان اللهم صل علی محمد صاحب الکتاب العزیز و
الفرقان اللهم صل علی محمد صلوة جامعة بین کن ومکان حسین کاشفی از شیخ سعد الدین رحمه الله نقل کرده که روزی بطالبی صادقی
در غرفه نبوی صلی الله علیه وسلم آمده این یازده کلمه فرمود و باصلاح و انشاء آنحضرت صلی الله علیه وسلم کتابت کرده و در آخر آن بعنایت خود
زیادت نموده وصل علی جمیع اخوانه من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین اهل القبلة والایمان
والکتاب والمیزان یا حنان یا منان واغفر لامة نبیک حبیبک محمد علیه الصلوة والسلام واسکنهم اعلی
الجنان واحسن الیهم یا ولی الاحسان وادخلهم برحمتک فی الرضا والرضوان والرحمة والغفران واعذهم
من الشیطان والنیران برحمتک یا ارحم الراحمین وگفته که خواندن این صلوة در ترتیب عرض حاجات موجب اجابت دعوات
و امن از مخافات است و اکثر بزرگان تجربه آن کرده اند **صیغه** اللهم صل علی محمد صلوة لا تحصی بتوفره اللهم صل علی
محمد صلوة مقرونة بتزید کره ومذکوره اللهم صل علی محمد صلوة جامعة بین فروعه وسره اللهم صل علی محمد صلوة محیطة بالطرق
وصوره اللهم صل علی محمد صلوة منورة لقلوب اصحابه وصدوره اللهم صل علی محمد صلوة شارحة مقرره فی سطوره
وصل علی جمیع اخوانه من الانبیاء والاولیاء بعدد عبوره ومامره بین الماء وطهوره والنور وظهوره
والحق واموره حسین کاشفی هم از شیخ سعد الدین نقل کرده که رجحان غرفه مذکوره از آنحضرت صلی الله علیه وسلم در سماع این صلوات شنیده
خواص و فواید آن بسیار است **صیغه** اللهم صل علی محمد بعدد کل ذرة الف الف مرة حسین کاشفی گفته که یکی از خلفای شیخ رکن الدین
علاء الدوله سمنانی رحمه الله آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در خواب دید پرسید که چگونه درود گویم بر تو فرمود که این صلوة بگوی **صیغه**

اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ فی اوّل کلامنا اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ فی وسط کلامنا اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ فی آخر کلامنا

حسین کاشفی روایت کند که شیخ سعید الدین فرغانی در مناهج این صلوٰة را ایراد کرده و شیخ ابو العباس تبریزی گفته که هر که این را هر روز سه بار و هر شب سه بار

بخواند گویا در تمام ساعات شبانروز صلوٰة فرستاده باشد **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله وسلّم عدد ما علمت اللّٰهمّ صلّ علی

محمّدٍ وآله وسلّم زنة ما علمت اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وآله وسلّم ملأ ما علمت حسین کاشفی گفته که این صلوٰة از خصائص

نبینا علیه الصلوٰة والسلام بعضی از اولیاء این امت رسیده و در مناهج فرغانی نیز مذکور است و منافع آن نامحصور است **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی

سیّدنا محمّدٍ وآله وصحبه وسلّم بعدد ما فی جمیع القرآن حرفًا حرفًا وبعدد کل حرفٍ الفًا الفًا حسین کاشفی از حافظ

ابی الحسن علی بن محمود شاذلی رحمه نقل کرده که بموجب التماس شیخ ابو عبد الله حرا التعلیم این صلوٰة هو ورا کرده و گفته که بوقت تمام وظیفه قرآن

این صلوٰة خوانده باشد **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ بعدد کلّ داءٍ ودواءٍ حسین کاشفی از مولانا شمس الدین بن کیسی نقل کرده که در ملک روم وبای عام

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در خواب دیده و استعلام دعای برای امن از وبا نمود این صلوٰة تعلیم کرده فرمود که گفتن آن موجب امن از وبا است **صیغه**

یا ربّ صلّ علی محمّدٍ بعدد ورق هذه الاشجار وصلّ علی محمّدٍ بعدد الورد والانوار وصلّ علی محمّدٍ بعدد قطرات الامطار

وصلّ علی محمّدٍ بعدد رمل القفار وصلّ علی محمّدٍ بعدد دوابّ البراری والبحار حسین کاشفی از ذخیرة المذکرین آورده

که یکی از صلحاء امت در ایام بهار بصحرا رفت و سرسبزی اشجار و ظهور انوار مشاهده نموده این کلمات گفت هاتفی آواز داد که این مرد گوینده رنج

انداخت کرام الکاتبین را بجهت نوشتن ثواب این کلمات و مستوجب درجات بلند شد و رحم که از بدی کرده بود آمرزیده شد **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی

سیّدنا محمّدٍ افضل ما صلّیت علی احدٍ من خلقک صلوٰة دائمة بدوام ابدًا بدوام بقائک تکون لک رضاء ولحقه

صلوٰة محققة لذ تبعه وصف علیه وعلی آله وصحبه بارک وسلّم این صلوٰة را شیخ عبد الحق دهلوی در کتاب جذب القلوب الی دیار المحبوب جانب آن

بلد انسب تکیسی ذکر کرده است و محققین این صیغه را که بعد از این ذکور است عدیلا انسب آورده **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ ملأ الدّنیا

وملأ الآخرة وبارک علی محمّدٍ ملأ الدّنیا وملأ الآخرة وسلّم علی محمّدٍ ملأ الدّنیا وملأ الآخرة **صیغه**

اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ وبارک وسلّم وعظّم وکرّم فی الدّنیا باعلاء دینه واظهار دعوته وابقاء ذکره وانفاذ

شریعته وفی الآخرة بقبول شفاعته فی امته وتضعیف اجره واظهار فضله علی الاوّلین والآخرین

وتقدیمه علی کافة الانبیاء والمرسلین فی شفاعته واعلاء درجته فی الحشر وعلی آله واصحابه واتباعه اجمعین

صیغه اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ معدن الجود والکرم ومنبع العلم والحکم وعلی آله وصحبه وسلّم **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی

محمّدٍ بعدد اوراق الاشجار وبعدد قطرات الامطار وبعدد دوابّ البراری والبحار وعلی آله وصحبه وسلّم

صیغه اللّٰهمّ صلّ علی محمّدٍ بعدد کلّ ذرّة الف الف مرّة وعلی آله وصحبه وسلّم **صیغه** اللّٰهمّ صلّ علی سیّدنا محمّدٍ و

علی آل سیّدنا محمّدٍ النّبیّ الامّیّ الّذی ارسلته رحمة للعالمین واصطفیته علی الخلائق اجمعین عدد ما فی

علمک ملأ ما علمک زنة ما فی علمک عدد کلّ خلقک عدد کلّ ذرّة اضعافًا مضاعفة فی ذلک الف الف مرّة

فی الفم مرة فی کل نفس و لحظة و طرفة یطرف بها اهل السموات و الارض و علی اله و صحبه و سلم صیغه

اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک السید الکامل الفاتح الخاتم بنور ک المبین و رسولک الصادق الامین

وافیه سیدنا محمد الوسیلة الفضیلة و الدرجة الرفیعة و ابعثه المقام المحمود الذی وعدته الشفیع المرتضی

و رسولک المجتبی اللهم صل علیه و علی اله کما صلیت علی ابراهیم و بارک علیه و علی اله کما بارکت علی ابراهیم فی العالمین

انک حمید مجید عدد خلقک و رضا نفسک و سلم تسلیما کثیرا طیبا مبارکا برحمتک یا ارحم الراحمین

صیغه اللهم صل علی محمد عدد کل ما خلقت و ذرأت و برأت و عدد کل قطرة قطرت من سموائک

الی ارضک من حین خلقت الدنیا الی یوم القیامة کل یوم الف مرة و علی اله و صحبه و سلم اجمعین صیغه

اللهم صل علی محمد و علی اله و صحبه و سلم عدد کل شیء و صل علی محمد و علی اله و صحبه و سلم زنة کل شیء و صل علی

محمد و اله و صحبه و سلم ملأ کل شیء صیغه اللهم صل علی محمد اله و صحبه و سلم عدد خلقک و رضا نفسک و زنة عرشک و مداد کلماتک و منتهی علمک

صیغه صلی الله علی محمد و اله و سلم صلوة هو اهلها شیخ عبدالحق دهلوی ره نزد این درود شریف نوم بخواندن و صبح ارواح شده است صیغه اللهم اجعل افضل

صلواتک ابدا و انمی برکاتک سرمدا و ازکی تحیاتک فضلا و عددا علی اشرف الخلائق الانسانیة و مجمع الحقائق الایمانیة و طور التجلیات الاحسانیة

و مهبط الاسرار الرحمانیة و عروس المملکة الربانیة و اسطة عقد النبیین و مقدم

جیش المرسلین و قائد رکب الانبیاء المکرمین و افضل الخلق اجمعین حامل لواء العز الاعلی و مالک ازمة

المجد الاسنی شاهد اسرار الازل و مشاهد انوار السوابق الاول و ترجمان لسان القدم و منبع العلم و الحلم

و الحکم و مظهر سر الجود الجزئی و الکلی و انسان عین الوجود العلوی و السفلی روح جسد الکونین و عین حیوة

الدارین المتحقق باعلی رتب العبودیة المتخلق باخلاق المقامات الاصطفائیة الخلیل الاعظم و الحبیب الاکرم

سیدنا محمد بن عبد الله بن عبد المطلب و علی اله و صحبه اجمعین عدد معلوماتک و مداد کلماتک کلما ذکرک و ذکره

الذاکرون و کلما غفل عن ذکرک و ذکره الغافلون این صلوة از قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبدالقادر جیلانی قدس الله اسراره

است و از حافظ محمد اسعد بن محمد سعید مکی انصاری خزرجی بخاری بنظام الدین احمد بن عامی رحمهم الله رسیده که خواندن این صلوة بعد صوم و تطهر

و تطیب و خواب رفتن باعث رویت جمال مصطفوی است صلی الله علیه وسلم و این صلوة را صاحب تحفة الرغیب با ذکر تفاوت نقل کرده است

صیغهای صلوة که اولیا و علمای امت انشا فرموده اند از حیطه حصر بیرون و از دایره احصا افزونست بنا بر رعایت اختصار برین چهل صیغه اکتفا

کرده شد و فی الحقیقة اکثر ذخیره قبول اعتبار گزیده صلوة کافیست **صورت سیوم در تعیین افضل کیفیات**

صلوة کیفیات در احادیث شریفه وارد است بلا شک انسان بهر کیفیت که تلفظ بلفظ شریف نبی صلی الله علیه و اله و سلم کند فضیلت کرده است

است لهذا بعضی علما گفته اند که افضل الصلوة است که بعد تشهد مجوّز اند بدلیل تعلیم نبی صلی الله علیه و اله و سلم صحابه را سوال

چرا که احتیاط کند نبی صلی الله علیه وسلم برای ذات شریف خود مگر آنچه افضل و اشرف از کیفیات است نصوص باجماع نووی رحمه الله در رحمه که

اگر کسی حلف کند که افضل صلوات بفرستد بر آنحضرت مگر بدان کیفیت و سلکی و توجیه آن گفته که بهتر بدان صیغه صلوة گوید پس تحقیق صلوة گفته باشد
یقیناً و بیقین بوده شود او را نو ابیکه در احادیث بر فرستادن صلوة موعود است هر که بغیر آن صیغه درود فرستد در اتیان صلوة مطلوبه شک است
زیرا که چون صحابه سوال کردند در جواب ایشان فرموده که بگوئید این چنین پس طلب فرموده از انها گفتن صلوة مخصوصه و در تعیین آن کیفیت علما را باز دو
قول است **اول** گفته است امام شافعی رضی الله عنه که افضل آنست که بگوید در تشهد اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی
ابراهیم و آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید امام نووی
ره در شرح مهذب حکم باولویت آن کرده لیکن نیست لفظ علی نزد آل ابراهیم در هر دو موضع بنابر ورود آن در احادیث صحیحه **دویم** اللهم صل
علی محمد و آل محمد کلما ذکره الذاکرون و کلما سهی عنه الغافلون امام رافعی از مروزی رحمهما الله نقل کرده که اگر کسی حلف کند
بفرستادن افضل صلوة پس سزاوارست که بخواند همین صیغه و اخذ کرده است این را از اختیار کردن امام شافعی رضی الله عنه در خطبه رساله خود
این صیغه را لیکن بدل لفظ غفل سهی آورده **سیوم** گفته است قاضی حسین و غیر او که افضل صیغ اللهم صل علی محمد کما هو اهله
و مستحقه است و قریب بآن است قول بعضی دیگر که افضل حمد و صلوة این است اللهم لک الحمد کما انت اهله فصل علی محمد کما انت
اهله وافعل بنا ما انت اهله فانک اهل التقوی و المغفرة **چهارم** بارزی گفته که ابلغ و افضل این است اللهم صل
علی محمد و علی آل محمد افضل صلواتک عدد معلوماتک **پنجم** بعضی گفته اند که افضل این است اللهم صل علی سیدنا
محمد النبی الامی و علی کل نبی و ملک و ولی عدد الشفع و الوتر و عدد کلمات ربنا التامات المبارکات
ششم بعضی محققان گفته اند که ابلغ و افضل این است اللهم صل علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی و علی اله
و ازواجه و ذریته و سلم عدد خلقک و رضی نفسک و زنة عرشک و مداد کلماتک **هفتم** بعض محققین گفته اند که این
کیفیت افضل است ماخوذ از حدیث صحیح در تسبیح اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و سلم عدد خلقک و رضی نفسک و زنة عرشک
و مداد کلماتک **هشتم** بعض علما گفته که افضل کیفیات این است اللهم صل علی محمد و علی آل محمد صلوة دائمة بدوامک
نهم بعضی گفته اند که افضل این است اللهم یا رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و اجز محمدا صلی الله علیه و سلم
ما هو اهله **دهم** نزد بعضی افضل این است اللهم صل علی محمد النبی و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته
کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید زیرا که این کیفیت در حدیث من سره ان یکتال بالمکیال الاوفی آمده است
یازدهم ابن نحاس گفته که نزد من اشمل و اعم و افضل و اکثر از روی عدد صلوات غیر این صیغه اللهم صل افضل صلواتک علی سیدنا
محمد و علی آله و صحبه و سلم عدد معلوماتک و مداد کلماتک کلما ذکرک الذاکرون و غفل عن ذکرک الغافلون
دوازدهم امام نووی ره در شرح مهذب گفته سزاوارست که جمع کرده شود میان کیفیاتیکه در احادیث صحیحه وارد است پس بگوید
اللهم صل علی محمد النبی الامی و علی آل محمد و ازواجه و ذریته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم
و بارک علی محمد النبی الامی و علی آل محمد و ازواجه و ذریته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم

فی العالمین انک حمید مجید در راه کار خود زیاده کرده است لفظ عبدک و رسولک بعد صل علی محمد و عقد فتاوی خود ساقط

کرده است لفظ النبی الامی بعد بارک محمد و بران اعتراض کرده شده است بنکه لفظ امهات المومنین بعد ازواجه و لفظ اهل

بیته بعد ذریته و لفظ عبدک و رسولک بعد و بارک علی محمد و لفظ فی العالمین انک حمید مجید بعد و بارک

و ترحم علی محمد الخ بعد انک حمید مجید الخ و لفظ صل علینا معهم بیدان زیاده باید کرد زیرا که در روایت ابی داود و غیر او

این الفاظ وارد است و دیگر اسیر و هم کفته است شیخ محقق کمال الدین بن همام حنفی رحمه الله جمیع کیفیتها وارده در صیغه موجود انه اللهم صل ابدا

افضل صلواتک علی سیدنا عبدک و نبیک و رسولک محمد و اله و سلم علیه تسلیما و زده شرفا و تکریما و انزله

المنزل المقرب عندک یوم القیمة چهارم و هم همه کرده است بعض علما جمیع انچه آمده است در احادیث در یک صیغه اللهم صل

و بارک و ترحم علی محمد عبدک و نبیک و رسولک النبی الامی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین

امام الخیر و قائد الخیر و رسول الرحمة و علی ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته و اله و اصحابه

و انصاره و اتباعه و اشیاعه و محبیه کما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین

انک حمید مجید و صل و بارک و ترحم علینا معهم افضل صلواتک و ازکی برکاتک کلما ذکرک الذاکرون

و غفل عن ذکرک الغافلون عدد الشفع و الوتر و عدد کلماتک التامات المبارکات عدد خلقک

و رضی نفسک و زنة عرشک و مداد کلماتک صلوة دائمة بدوامک اللهم ابعثه یوم القیمة مقاما محمودا یغبطه

به الاولون و الاخرون و انزله المقعد المقرب عندک یوم القیمة و تقبل شفاعته الکبری و ارفع درجته العلیا

و اعط سوله فی الاخرة و الاولی کما اتیت ابراهیم و موسی اللهم اجعل فی المصطفین محبته و فی المقربین مودته

و فی الاعلین ذکره و اجزه عنا ما هو اهله خیر ما جزیت نبیا عن امته و اجز الانبیاء کلهم خیرا صلوة

الله و صلوة المومنین علی النبی الامی السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و مغفرته و رضوانه اللهم ابلغه

منا السلام و اردد علینا منه السلام و اتبعنا من امته و ذریته ما تقر به عینه یا رب العالمین پانزدهم شیخ

ابن حجر مکی ره کفته که احسن صیغ درام کسوان و بخوانم از رسالها این است اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی آل

محمد و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل بیته کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک

حمید مجید و بارک علی محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی آل محمد و ازواجه امهات المومنین و ذریته و اهل

بیته کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید و کما یلیق بعظیم شرفه و کماله و رضاک عنه

و کما تحب و ترضی له عدد معلوماتک و مداد کلماتک و رضی نفسک و زنة عرشک افضل صلوة و اکملها و

اتمها کلما ذکرک و ذکره الذاکرون و غفل عن ذکرک و ذکره الغافلون و سلم تسلیما کذلک و علینا معهم

و کفته که این کیفیت ابلغ کیفیات مذکوره است بنابر اشتمال آن بر اصح کیفیتها با زیادتی بلیغه که متضمن است معانی جمیع الفاظ کیفیات مذکوره را

و در تحفة الغریب و جذب القلوب هم گفته اند که این کیفیت افضل و اشمل و ابلغ کیفیات است و اذرعی از شافعیه و ابن قیم از حنابله و ابن جوزی
گفته اند اولی آنست که بهر صیغه که در حدیث وارد است علیحده در هر وقت از اوقات بخواند تا اتیان بجمیع الخ و ورود یافته کرده باشد
و تلفیق میان صیغ مستلزم احداث صیغه دیگر است که بهیئت مجموعی آن در هیچ حدیث ورود نیافته لیکن ابن اسعد? نقل کرده است از جمعی از صحابه و من
بعدهم رضی الله عنهم که در فرستادن صلوة بروی صلی الله علیه و سلم توقیف و نصوص نیست بلکه هر کرا حق تعالی بیانی شافی و قوت تعبیر معانی
صحیحه بالفاظ فصیحه کرامت کند و بدان اظهار و ابانت عظم حرمت و کمال شرف نبوی صلی الله علیه و سلم نماید و بانشاء صلوات و تسلیمات
بلیغه مشرف گردد امتثال امر صلوا علیه و سلموا تسلیما حاصل شود چنانچه ابن مسعود رضی الله عنه گفته نیک کنید صلوة بر پیغمبر شما پس بدرستیکه شما نمی دانید
که شاید آن عرض کرده شود بروی صلی الله علیه و سلم و بعضی از متعلمان? در تفسیر آیه کریمه و قولوا للناس حسنا گفته اند که مراد از ناس آنحضرت صلی الله
علیه و سلم است بطریق ذکر عام و اراده خاص و مراد از حسن قول صلوة بروی صلی الله علیه و سلم است انتهی آری استعمال بصلوات اگرچه از بعض صحابه
مانند افضل است زیرا که الوارد سنا و دس? للاجابة گفته اند و قول بعضی که نیل ثواب صلوة نیست مگر در اتیان بصلوة وارده
پس محمول است بکمال ثابت زیرا که در اتیان آن تلبس به الفاظ وی صلی الله علیه و سلم است **مورد چهارم** در وجه تخصیص تشبیه صلوة
بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بصلوة بر ابراهیم و آل او صلی الله علی نبینا و علیهما و علیهم السلام جواب آنکه در کلام الهی هیچ یکی را از انبیا علیهم السلام
نیامده است جمع میان رحمت و برکت مگر ابراهیم و آل او را علیهم السلام قال الله تعالی رحمة الله و برکاته علیکم اهل البیت انه
حمید مجید ازین جهت مخصوص شد تشبیه با وی علیه السلام و نیز ابراهیم افضل انبیاست بعد وی صلی الله علیه و سلم و نیز ابراهیم از آبای آنحضرت است صلی الله
علیهما و سلم پدر اقرب است از غیر و نیز مناسبت آبا در فضائل مرغوب میباشد مناسبت تعظیم و نیز موافقت دارد آنحضرت صلی الله علیه و سلم با ابراهیم
علیه السلام در ملت قال الله تعالی ملة ابیکم ابراهیم و نیز دعای? ابراهیم علیه السلام است آنجا که گفت و اجعل لی لسان صدق
فی الاخرین و نیز آنحضرت صلی الله علیه و سلم مامور بود باقتدای ابراهیم علیه السلام و شیخ ابو محمد جرجاره? گفته که سر در تشبیه با ابراهیم نه موسی
علیهما السلام آنست که موسی را تجلی بجلال بود کما قال تعالی و خر موسی صعقا و خلیل را علیه السلام تجلی بجمال بود
زیرا که محبت و خلت از آثار تجلی بجمال است و درینجا علما مناقشه? کرده اند زیرا که از مقررات است که مشبه دون مشبه به باشد و درینجا
بعکس آنست زیرا که محمد صلی الله علیه و سلم افضل است از ابراهیم و آل او علیهم السلام و جواب آن به سه چند وجه است **اول** آنکه این تشبیه
قبل از علم آنحضرت صلی الله علیه و سلم بود با فضلیت خود از ابراهیم علیه السلام بر او روایت کرده است مسلم از حدیث انس رضی الله عنه که
مردی آنحضرت را صلی الله علیه و سلم گفت یا خیر البریة او فرمود ذلک ابراهیم و بران اعتراض کرده اند که این سخن اگر درست
بودی باید که صلی الله علیه و سلم بعد علم با فضلیت خود تغییر دادی کیفیت صلوة را **دوم** تشبیه برای تواضع است تواضع مشروع را
تعلیم امت است بتواضع که موجب اکتساب فضیلت و ثواب است ایراد کرده اند بر آن مشروعیت تواضع جائی است که موهم خلاف واقع
نشود **سیوم** تشبیه اصل صلوة است باصل صلوة نه تشبیه قدر آن بقدر آن یعنی چنانچه متقدم شده است صلوة تو بر
ابراهیم است ارسال صلوة میکنم از تو بر محمد بطریق اولی چراکه آنچه ثابت است مر فاضل را اولی است بثبوت آن مر افضل را التشبیه

برای تشبیه است چنانچه در قول وی تعالی إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ و در قول وی تعالی أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ و در قول وی تعالی
كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ و امثال آن بسیار است قرطبی رحمه الله ترجیح داده است این قول را در مفهم و امام نووی
نیز تحسین آن کرده است چهارم اینکه کاف در کما صلیت برای تعلیل است چنانچه در قول وی تعالی وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ ای لاجل هدایتکم
ایاکم یعنی یاد کنید خدای تعالی را بسبب هدایت کردن او شما را و همچنین است تقدیر صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ یعنی درود فرست
بر محمد بسبب درود فرستادن تو بر ابراهیم پنجم اینکه تشبیه عاید است بآل محمد فقط عمرانی در بیان از شیخ ابی حامد نقل کرده این جواب منصوص است از امام شافعی
رضی الله عنه و اعتراض نموده اند باینکه لازم آید مساوات آل وی صلی الله علیه وسلم با ابراهیم علیه السلام و مساوات غیر انبیا با انبیا مستحیل است و دفع کرده اند
باینکه درینجا مطلوب است صلوة بر آل محمد صلی الله علیه وسلم مثل صلوة بر ابراهیم و آل او علیه السلام در اصل ثواب و تعظیم نه در کمال آن که مستلزم مساوات
غیر نبی با نبی را آن مستحیل است ابن قیم زعم کرده است عدم صحت این قول از امام شافعی رضی الله عنه چرا که این ترکیب رکیک است در غیر موضع است و
فصحا امام تعبیه و شیخ ابن حجر مکی ره در کتاب منصوص نفی رکاکت آن نموده زیرا که تقدیر کلام وَصَلِّ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ لهذا تشبیه متعلق است بجمله ثانیه و آن مخالف قاعده اصولیت چه نزد او جائز است رجوع متعلقات بسوی جمیع جمل الی آخر توجیه
نزد که در رد او گفته در آن لفظ آل محمد نیست جاری نمیشود دلیل تمام است ششم تشبیه مجموع بمجموع است زیرا که انبیا از آل ابراهیم علیه السلام بسیار
پس اگر مقابله کرده شود آن ذوات کثیره از ابراهیم و آل او علیه السلام باصفات کثیره آنحضرت صلی الله علیه وسلم ممکن است انتفای تفاضل و فرق پس در
است قول ابی الیمن بن عساکر و ابن عبد السلام و حاصلش اینکه صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او مشابه است بصلوة بر ابراهیم علیه السلام
و آل او پس حاصل میشود مر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او را از آثار رضوان مقارب آنچه حاصل است مر ابراهیم علیه السلام و آل او را که اکثر انبیا
اند پس تقسیم کرده شود جمله این حاصل بخواهد شد آل آنحضرت صلی الله علیه وسلم را آنچه حاصل است آل ابراهیم علیه السلام را زیرا که غیر انبیا مستحق کمال
انبیا نمیشوند انتهی چون مقارب مساوی شد صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او مجموعا مر صلوة بر ابراهیم علیه السلام و آل او را مجموعا
درست شد تشبیه و لازم نیامد افضلیت ابراهیم علیه السلام امام نووی و ابن قیم رحمهما الله تحسین کرده اند این توجیه را آری در روایتی که در آن لفظ آل
محمد نیست این توجیه هم جاری نمیشود والله اعلم هفتم درینجا تشبیه نسبت عطیه الهی مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که قبل از دعا حاصل بود
زیرا که دعا متعلق نمیشود مگر بمعدوم و میان عطیه الهی مر ابراهیم علیه السلام را که حاصل بود آنچه آنحضرت را صلی الله علیه وسلم قبل از دعا حاصل است
داخل نشد در تشبیه آنچه بعد دعا حاصل شد و در آن فضل مر ابراهیم را است علیه السلام و بر این تقدیر فضل کافی است که او را حاصل بود و آنحضرت را
بعد دعا حاصل شد و متحصل آنست که تشبیه عطیه حاصله آنحضرت صلی الله علیه وسلم بعطیه حاصله ابراهیم علیه السلام است با وجود آن جهود درینجا نیست
هشتم تشبیه باعتبار صلوة نیست که حاصل میشود آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آل او را از هر فرد امت تقی الدین سبکی و پسر او رحمهما الله
بیان کرده اند باینکه صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم عوض مستجاب آنچه طلب میکند هر فرد غیر آنست که طلب کند دیگری والا لازم آید تحصیل
حاصل پس هر بار که بنده دعا کند بصلوة بصیغه مذکوره حاصل میشود از جهت حق تعالی آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آل او را صلوتی که مماثل
صلوة بر ابراهیم علیه السلام و آل او است پس از مجموع حاصل میشود آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آل او را اضعاف آنچه حاصل ابراهیم

علیه السلام و آل او را که تشبیه راجع بمصلی است حاصلش اینکه یا الهی عطا کنی مرا بر صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او ثوابی مثل ثواب کسیکه
درود فرستد بر ابراهیم و آل او بعد تکلف این وجه ظاهر است و هم تشبیه مخصص اعلی نیست بلکه گاهی بادون هم میشود مانند قول حق تعالی مثل
نوره کمشکوة وجه واقع است مشبه مشکوة را از نور حق تعالی لکن چون مقصود تطبیق و وضوح نزد سامع بود درست شد تشبیه نور حق تعالی بمشکوة
و درینجا نیز همچنان است که هر گاه تعظیم ابراهیم علیه السلام و آل او مشهور بود نزد همه عرب مستند طلب شد مثل آن برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم
و سوم آن است ذکر لفظ فی العالمین بعد ذکر آل ابراهیم فقط نه بعد ذکر آل محمد صلی الله علیه وسلم چنانچه در روایت مسلم و غیر او وارد است حاصلش
اینکه الهی چنانچه ظاهر کرده صلوة بر ابراهیم و آل او علیه السلام در عالمین ظاهر کن صلوة را بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او پس تشبیه از باب الحاق
غیر مشتهر بمشتهر است نه از باب الحاق ناقص بکامل و چهارم آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم از آل ابراهیم علیه السلام است پس گویا که امر کرده ما را بفرستادن
صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او خصوصا بعد صلوة ما برو صلی الله علیه وسلم با ابراهیم علیه السلام و آل او عموما پس صلوة بر آل ابراهیم
و آل او که آنحضرت صلی الله علیه وسلم داخل ایشان است اقوی است از صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آل او فقط پس حاصل شد از صلوات
مر آل محمد را صلی الله علیه وسلم آنچه لایق با ایشان است و آنچه باقی ماند کل حاصل است مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم و آن ازید و افضل
است از آنچه مر غیر او را است قطعی و دوازدهم مراد از اللهم صل علی محمد و آل محمد الخ آنست که الهی بگردانی از اتباع
صلی الله علیه وسلم کسیکه مرا در دین تبه علیا است چنانچه صلوة فرستادی بر ابراهیم علیه السلام به پیدا کردن انبیا علیهم الصلوة والسلام
در آل او و صلوة فرستی بر آل محمد صلی الله علیه وسلم بعطای تحقیت اجتهاد دین مر او شان را چنانچه صلوة فرستادی بر آل ابراهیم
علیه السلام بعطای نبوت و تشریع و وحی مر ایشان را پس اتباع آنحضرت صلی الله علیه وسلم شبیه انبیا علیهم السلام اند در تشریع دین و احکام آن چنانچه در حدیث
وارد است علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل این توجیهات را شیخ ابن حجر مکی در کتاب صواعق محرقه آورده و صاحب مطالع المسرات بعض
بذکر بعضی از آن شده و سیزدهم وجه شبه این است که هر واحد از صلوتین افضل است از صلوة بر سابقین پس صلوة بر سید المرسلین صلی
الله علیه وسلم افضل است از صلوة بر سابقین و از ایشان است ابراهیم علیه السلام چنانچه صلوة بر ابراهیم علیه السلام افضل است بر صلوة
بر جمیع انبیا سابقه علیهم السلام این وجه را ملا جلال الدین دوانی در رساله از قدوة الاصفیا سید عبد الرحمن حسینی قدس سره در
خود نقل کرده و تحسین آن نموده و گفته که بالمشافهه از شیخ شنیده ام و از ایراد بلزوم افضلیت صلوة بر آل محمد از صلوة بر آل
ابراهیم علیهما الصلوة والسلام جواب داده که تفضیل مجموع بر مجموع است و نیز جائز است تفضیل مفضول ببعض وجوه چه فضل جزئی منافی
فضل کلی نمیشود پس ممکن است تفضیل صلوة بر آل محمد صلی الله علیه وسلم بر صلوة بر آل ابراهیم علیه السلام باعتبار بعض وجوه چنانچه
در حدیث آمده ان لله عباداً لیسوا بانبیاء و یغبطهم الانبیاء یعنی مر خدای تعالی را بندگانند که نیستند پیغمبران
در حالانکه آرزو می برند بایشان پیغمبران و از ایراد باینکه وجه شبه اقوی باشد در مشبه به ولی خود درین توجیه معکوس است جواب
داده که صلوة بر ابراهیم و آل او علیه السلام مشهور و متعارف است بین الامم پس قوت از روی شهرت کافی است و از ایراد
باینکه در اول امر این جواب کافی است احتیاج بچندین تکلفات نیست جواب داده که در صورت اکتفا باین در اول وهله افضلیت صلوة بر آنحضرت

صلی الله علیه وسلم بر صلوة بر ابراهیم علیه السلام از عبارت جواب معلوم نمیشود لهذا از کتب حنفیه نقل کرده اند که تشبیه ... حاصل تمام رسائل ملا جلال الدین دوانی

باب دهم در فواید متفرقه

فائده در جواز دعا برحمت برای آنحضرت صلی الله علیه وسلم خلاف است بعضی ابن عبد البر وی منع کرده زیرا که دران ایهام نقص قصور است و دلیل قران مجید صلوا و سلموا کما آن که در حدیث معین صلی ... و ارحم محمدا

و جمهور علما در آن تجویز میکنند بوده آن در احادیث صحیحه آمده که در حدیث تشهد السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و بتقریر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مر اعرابی را که در حضور وی صلی الله علیه وسلم گفت اللهم ارحمنی و ارحم محمدا و بقول وی صلی الله علیه وسلم اللهم انی اسالک رحمة من عندک اللهم ارجو رحمتک یا حی یا قیوم برحمتک استغیث و بقول امام شافعی رض در خطبه رساله خود صلی علیه وسلم و رحم و کرم و جمعی گفته اند که ممنوع است افراد آن از صلوة با سلام یعنی گفته نشود تنها علی النبی رحمة الله زیرا که دران ترک ماموره و خلاف او سبب بابرا ستلزام آن تسویه میان وی صلی الله علیه وسلم و افراد امت و اما جواز بر سبیل تبعیت صلوة و سلام پس محل اجماع است و اکثر علما جائز اند بتعانه استقلالا و تقریر وی صلی الله علیه بنابر تالیف اعرابی بوده یا بنابر ... زیرا که وی صلی الله علیه وسلم ... نفوس و انتقام نمی نمود و قاضی عیاض این قول را در اکمال از جمهور نقل کرده و قرطبی گفته که همان است قول صحیح و صاحب مطالع المسرات نقل نموده حق همان است و امام غزالی ره نیز جزم کرده است بعدم جواز آن با نفراد بدلیل قول او تعالی لا تجعلوا دعاء الرسول کدعاء بعضکم بعضا و ممکن است که حمل کرده شود بر آن قول ابن عبد البر و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که ظاهر قول اعرابی و تقریر وی صلی الله علیه وسلم دلیل جواز است بدون انضمام صلوة یا سلام و قول بعدم جواز محمول است بر نفی جواز مستوی الطرفین پس صادق آید بانکه مکروه است و اشعار اولی است و اما لفظ ترحم پس امام نووی و ابن ابی زید و غیر آنها رحمهم الله گفته اند که زیادت آن در صلوة بدعت و لا اصل است و جمعی از حفاظ که جامع اند میان حدیث و فقه تصریح نموده اند و میگویند که احتجاج بعض شافعیه حنفیه مالکیه بر زیادت آن با حادیث که دران ... صحیح نیست زیرا که همه روایات که دران لفظ ترحم است واهی است و سند آن خالی از کذاب یا متهم بکذب و وضع نیست و عمل بحدیث ضعیف در فضائل اعمال مبنی بر عدم شدت ضعف است چنانچه سبکی رحمه الله ذکر کرده و صیدلانی از ائمه شافعیه در انکار زیادت رحمت مبالغه کرده و گفته که بعضی مردم زیاده میکنند و ارحم محمدا کما ترحمت یا رحمت علی ابراهیم و حالانکه آن خبر وارد و غیر صحیح است زیرا که گفته نمیشود رحمت علیه بلکه میگویند رحمه یعنی متعدی بعلی نمیشود بلکه متعدی بنفسه میگردد و اما ترحم پس آن بمعنی تکلف و تصنع است و اطلاق آن در حق وی تعالی غیر مستحسن مخفی نماند که قول صیدلانی بعدم صحت رحمت علیه مسلم است و در رحمت علیه غیر مسلم زیرا که صحیح از بعض مستعدین ائمه لغت نقل کرده که ترحمت علیه لحن و خطا است و صواب رحمته علیه بتشدید حا و اما رحمت علیه بکسر حا یعنی مخففه پس صاحب قاموس گفته که مستعمل نیست از مشاهیر ائمه لغت و بر تقدیر صحت نقل در غایت شذوذ و ضعف است و ابن یوسف شارح ... جوهری نقل کرده که رحمت علیه میگویند انتهی بر تسلیم رحمت متضمن معنی صلوة است پس صحیح است تعدیه به علی و اما قول وی که ترحم مشعر بتکلف است منتقض میشود به لفظ متکبر و متفضل که در شرع اطلاق آن در حق وی تعالی آمده است اگر کسی گوید که وی صلی الله علیه وسلم غنی است از رحمت بنص قرآن مجید و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین پس چه احتیاج است ... دعا

رحمت عموم که بود در وی صلی الله علیه وسلم رحمت برای خلق از جمله رحمتهای الهی و مزد وی تعالی را رحمتهای دیگر است مر آنحضرت صلی الله علیه وسلم که طلب کرده میشود برای وی بجهت حصول انتظار آن کذا قال الشیخ ابن حجر المکی رحمه الله **فائده** در زیادت لفظ سیدنا پیش از نام شریف آنحضرت صلی الله علیه وسلم خلاف است مجد الدین لغوی رحمه الله گفته که ظاهر ترک آن است بنا بر اقتصار بر آنچه وارد شده است در حدیث معنوی وی گفته یاد دارم که شیخ عز الدین ابن عبد السلام بنا کرده است بر اینکه امتثال امر افضل است یا سلوک طریق ادب پس بر تقدیر اخیر مستحب است انتهی و شیخ ابن حجر مکی ره نیز مایل باستحباب شده و گفته که سلوک طریق ادب اولی است از امتثال زیرا که چون امیر المومنین ابوبکر صدیق رضی الله عنه در حالت امامت چون آنحضرت را صلی الله علیه وسلم دید متاخر گردید از مکان خود و آن حضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد بثبوت در مکان او پس امتثال امر نکرد و چون وی صلی الله علیه وسلم بعد از فراغ نماز پرسید عرض کرد که بنا بر ادب امتثال امر ننمودم و گفت ما کان ینبغی لابن ابی قحافة ان یتقدم بین یدی رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست سزاوار مر پسر ابی قحافه را که متقدم شود پیش رسول خدا صلی الله علیه وسلم و در ینجا دلیل قوی است بر اینکه سلوک طریق ادب اولی است از امتثال امر و از ابن مسعود رضی الله عنه بسند موقوف بصحت رسیده که نیک کنید صلوة بر پیغمبر شما و ذکر کرده است از ان کیفیتی که در ان لفظ سید المرسلین است و آن شامل است نماز و خارج آنرا و بعض محشیان جامی گفته که زیادت سیدنا مبطل نماز است شیخ ابن حجر مکی ره گفته که این غلط واضح است و احتجاج بعض مانعین خارج صلوة بحدیث انکار وی صلی الله علیه وسلم بر کسیکه گفت انت سیدنا بی موقع است زیرا که انکار برای فرار از مدح است با وصافیکه بعد آن ذکر کرد و شیخ محقق جلال الدین محلی ره گفته که ادب کسیکه مذکور شود مطلوب است و در شرع بذکر لفظ سید چنانچه در حدیث صحیح آمده قوموا الی سیدکم یعنی سیدکم ابن سعد و سیادت او بعلم و دین بود پس قول مصلی اللهم صل علی سیدنا محمد اتیان بما امر بوده و زیادت اخبار بما هو واقع است انتهی و صحت سیادت است قول وی صلی الله علیه وسلم انا سید ولد آدم من سرور اولاد آدمم و آنکه ابن تیمیه که فتوی بترک آن داده است پس تعقب او نمودند از شافعیه و حنفیه جمعی و زیاده تشنیع نموده اند و شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته که او لایق آن است

فائده فتوی داده است ابن عبد السلام ره باینکه اولی در صلوة اقتصار بر کسانیست که در احادیث مذکور اند از آل و ازواج و ذریت و اهل بیت نه اصحاب شیخ ابن حجر مکی رحمه الله گفته این ظاهر است بنسبت بصلوة تشهد اما در صلوة خارج صلوة پس اولی است ذکر اصحاب در ان زیرا که برکاه مطلوب شد صلوة بر همه آل و در آنهاست غیر صحابی نیز پس طلب آن برای صحابه اولی است بلکه قنوت حکم باستحباب آن کرده کما مر سابقا **فائده** بعضی گفته اند که در نماز تعیین لفظ صلوة که در حدیث وارد شده واجب است و مذهب عدم تعیین است پس کفایت خواهد کرد اللهم صل علی محمد و همچنین صلی الله علی محمد بر قول اصح زیرا که در خبر زیادت تاکید است بخلاف الصلوة علی رسول الله که بالاتفاق کافی نیست زیرا که خالی است از اسناد صلوة بسوی خدا تعالی پس نشد آن در معنی وارد

وازینجاست قول نیساپوری رحمه الله که کافی نیست گفتن صَلَّیْتُ عَلٰی مُحَمَّدٍ زیراکه مرتبهٔ عبد قاصرست ازان بلکه سوال کند
ازخدا تعالی برای فرستادن صلوة بروی صلی الله علیه وسلم وجایزست ابدال لفظ محمد به النبی و رسول الله نه بلفظ احمد و نه بضمیر
که مرجع متقدم شود و نه بلفظ الرسول چنانچه بیهقی وعبادی از امام شافعی نقل کرده اند واما خارج نماز پس بعضی
گفته اند که اتیان صلوة بصیغهٔ طلب یعنی اللهم صل وسلم افضل است چنانچه در تشهد وجمعی مکرر جواب صیغه داده اند بانکه
محدثین اتفاق دارند بر اتیان آن در وقت تحدیث بصیغهٔ خبر یعنی صلی الله علیه وسلم زیراکه نزد قرائت کتب حدیث مجمع
عوام پس صیغهٔ طلب خوب فهم نمی شود و ظاهر آنها است که صلوة از خدا تعالی تا حال بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یافته نشده حالانکه
طلب آن میکنند و در صیغهٔ خبر با وصف تضمن آن معنی طلب را این وهم نیست تاکید در صیغهٔ خبر زیاده است از صیغهٔ طلب کما لا
یخفی **فائده** قرائت قرآن افضل ست یا صلوة بر نبی صلی الله علیه وسلم جزری در جواب داده است که صلوة بر وی صلی الله
علیه وسلم در مواطنی که نص بدان وارد شده افضل ست و غیر آن قایم نشود در مقام آن واما در غیر آنها پس قراءة قرآن
افضل است و عبد القادر عیدروس جواب داده که مرید را که از وی اثم و وزر زیاده شده باشد پس کثرت صلوة اولی است
در حق او برای تطهیر قلب که محل اخلاص ست تا مستعد قبول انوار شود و هر که در سلک ابرار منتظم باشد پس قراءت قرآن افضل است
مراو را تا رفع حجاب و تضاعف انوار شود مروی ست از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه که اگر بدینی بنودی الست من بذل رحمه
تقرب او تعالی می جستم بذکر صلوة بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میرم شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود گفت
جبرئیل ای محمد بدرستی خدا تعالی میگوید هر که درود گوید بر تو ده بار مستحق امن شود از سخط من روایت کرده است آنرا النقیب بن
مخلد و از طریق او ابن بشکوال لیکن در سند آن مردیست غیر مسمی **فائده** ظاهر کلام بعض حنابله وجوب زیادهٔ لفظ یا آل
علی محمد است در صلوة و ابن حزم گفته که واجب است الرحمة و تحیه ... و علماء غیر آنها قائل
نیستند بان و برکت بمعنی نمو یا زیادت خیر و کرامت است و بعضی گفته اند که تطهیرست و بعضی گفته اند که بمعنی استمرار و دوام
تطهیر است **فائده** خلاف است در آنکه اگر کسی درود فرستد بصیغه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ اَلْفَ مَرَّةٍ وعدد لذا او مثل آن
آیا حاصل میشود مر او را ثواب موافق آن عدد پس ابن عرفه گفته که حاصل میشود ثواب اکثر از یکبار نه موافق عدد مذکور و بعضی
گفته اند که حاصل میشود او را ثواب موافق عدد مذکور حقیقة و بعضی گفته اند که عدد لغو است شیخ رصوف در بعض کتب خود گفته که حصول
متوسط اولی ملزم او تعالی ست و قول اخیر ظاهرست در اعتبار و نیز گفته شده که این مختلف است باختلاف احوال و اشخاص پس کسیکه
مانع ست او را انجر نیست مانند کسیکه مانع است او را شغل و کسیکه مانع ست او را شغل نیست مانند کسیکه اختیار کرده است امرا از راه
غفلت و شیخ ابن حجر مکی آورده که ابو الفرج عیدروس از ابی المطرف سوال کرد از کیفیت صلوة نبیکه درین حدیث وارد شده مَنْ صَلّٰی
عَلَیَّ فِیْ یَوْمٍ خَمْسِیْنَ مَرَّةً صَافَحْتُهٗ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ رواه ابن بشکوال پس گفت ابو المطرف بگوید اللهم صل علی
محمد خمسین مرة پس حاصل خواهد شد او را ثواب پنجاه بار انشاء الله تعالی واگر پنجاه بار تکرار آن کند پس بهتر است انتهی

و معلوم است که آن حضرت صلی الله علیه وسلم [illegible] از ازواج مطهره در حالیکه تسبیح میخواندند شمار میکردند [illegible]

[illegible] سبحان الله و بحمده عدد خلقه الحدیث [illegible]

[illegible] اللهم صل علی محمد الف مرة یا عدد خلقه [illegible]

[illegible] فائده [illegible] حسن خلق و خلق آنحضرت صلی الله

علیه وسلم [illegible] صلی الله علیه وسلم شده [illegible] خیال

جمال [illegible] صلی الله علیه وسلم [illegible] جمال حبیب [illegible]

[illegible] انا الله تعالی الحمد والمنة [illegible]

[illegible] صلی الله علیه وسلم باختتام انجامید [illegible]

[illegible] مسوده آغاز کرده بودم و آن [illegible] روز بانجام

وصلی الله علی سیدنا محمد النبی الامی وعلی

آله وازواجه وذریته واهل بیته و

اصحابه وانصاره بعدد کل

حرف کتبته الف الف مرة وسلم

تسلیما کثیرا

تمت بالخیر

رباعی تاریخ از جانب سید عبد اللطیف

چون حل طبع یافت با حسن شیوع
تاریخ بگفت دل ز روی بهجت

این نسخهٔ خوب بهر ارباب خضوع
اسناد درود گشته نیکو مطبوع

۷۰

صحت نامہ کتاب بسام الازہار فی الصلوۃ علی سید الابرار

صفحہ	سطر	غلط	صحیح	صفحہ	سطر	غلط	صحیح	صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۲	۹	[illegible]	[illegible]	۱۳	۵	[illegible]	و	۳۰	۱۱	[illegible]	غفیر
۲	۱۱	رعیہ	لعیہ	+	+	اختیں	احب	+	۱۲	عالم	علما کر
۸	۱۲	نغیشین بن	[illegible]	+	۶	از المغی	از نالغی	+	۱۳	باد	یاد
۸	۱۰	رحمہ	[illegible]	+	۷	الاف	الاف	۲۶	۱	نوشتہ	نوشتہ
۸	۲	[illegible]	باحفظ	۱۴	۲۰	بسام	بسام	+		دیگر اگر	دیگر اگر
۱۰	۷	تغنیہ	تجنبیہ	۱۶	۴	زمن	زمین	۲۶	۹	لہ پہ کر	او بعض صلی نقل ازدہ لہ پہ کہ
۱۰	۳	ان	بران	+	۲۴	سوہ	رو	+	۱۴	ابن درہ	ابن مردود
۶	۵	صیر	صبر	۱۷	۵	لبسبعین	لہ بعین	+	۲۶	علی کما	علی محمد کما
۶	۱۹	بلیل سراف	بلیل حدیث شریف	+	۱۲	حلبہ	حلب	۲۷	۳	بعد	بعد
۷	۱	منح	منح است	+	۱۴	النور	النور	+	۱۱	بن اہدل	بن احمد اہدل
۷	۱۲	قطبی	قرطبی معہ	۱۹	۲	المشروع	المشروح	+	۱۷	اراب	ارباب
۹	۸	اعوال	قول	+	۲۳	[illegible]	[illegible]	+	۱۹	اوشان	ازوشان
۹	۶	بزنم	برخم	۲۰	۱۳	یابد	باید	+	۲۵	غابت	غایب
۹	۱۰	مستعمل	متمل	۲۳	۲۹	ابوبکر	ابوبلیہ	۲۳	۳۳	[illegible]	[illegible]
۹	۱۱	کراہت	بکراہت	+	۲۱	کیم	کریم	۲۹	۱۱	یسر	پستر
۹	۱۴	اوشس	اوس بن اوس	۲۵	۳	مہی	محی	۳۳	۵	غربی	بن عربی
۹	۷	الفاط	الفاظ	۲۷	۲۴	حوایج	من حوایج	۳۴	۱	سیر	سبز
۹	۵	بن اوفی	بن ابی اوفی	۲۹	۴	بدبہ	[illegible]	+	۱۶	کتب	کتب
۱۰	۲	عمرکہ	عمبرکہ	+	۱۷	رایین	واین	۴۵	۱۸	بروز	بروزن
+	+	متقعد	منقد	۲۹	۱۹	صخراز	صخرار	۳۹	۱۶	سخت کندہ	سخت کہ کندہ
+	۱۷	نزدیکترن	نزدیکتربن	۲۹	۱۷	ثلاثون	ثلاثۃ	۳۹	۱۹	تفہیم	تفہیم
۱۲	۱۶	چون	یعنی چون	۳۰	۷	تقدم	آدم	۴۹	۴	فیلجا	فیلجا
+	۱۹	کو نند	گوینده	+	+	او	آورده	+	۱۰	گنت	گفت

صفحه	سطر	غلط	صحیح	٦٧	٣	سنی	ابن سنی ابن الخنس	٦٧	١٣	لول	قول
٥١	١٠	کُنتُ	کُنتَ	+	٢٠	دوحمار	کفیق حمار	+	١٥	منقین	متقین
٥٢	٣	وار	آواز	٩٠	٣	تشود	یافته نشود بوی آن پس یاد		١٦	اکاه	اکابر
٥٤	٩	اذکُرُ	اذکَرَ	+	٤	این سبب	ابن مسیب	+	٢١	گروه	گرود
٥٥	٧	اُذکُرُ	اُذکَرَ	٩١	١	مص	مومن	٩٩	١	دخل	داخل است
+	١٦	که رہے	که مرا رہے	+	٢٥	بذزدی	بدزدی	+	١٤	کہا	وکہا
٥٧	٤	روی	روی وے	٩٢	٢٨	دہرروز	دربہرروز	+	١٧	نفرت	ونفرت
				٩٣	١٠	که	گفته که				
+	١٨	برابیکه	به ادبیکه	٩٤	٢٣	واوروی	واخروی	١٠٣	١٨	باعلاء	باعلاء
٥٨	٧	روایت کرده است	روایت کرده است ازو	٩٦	٣	نیت تنفیل	نیت عبادة نکرده نیت تنفیل	١٠٤	٢٠	واعلاء	واعلاء
٥٩	٦	وجوب	جواب	٩٧	٥	نیز	صلوة بر ملائکه نیز	١٠٣	٢٣	لهذا	ولهذا
+	١٢	رضی الله	رضی الله عنه	+	٩	این	این روایت	١٠٥	١	نقط	نقط دور
٦٠	٣	شعر شد	شعر است	+	١١	تحریر	تحریر	١٠٦	٦	مه	بر
+	١١	قبس	قیس	+	٢٣	است	است صلوة	+	٧	و	در
٦١	٢٥	بشوند	بشنوند	٩٩	٢	ان	وصلی علیہم ان	+	٩	زلهی	انتهی
٦٣	٣	رب است	سنت است	+	٩	خدرا	خدارا	+	٨	اشتغال	اشتغال
٦٦	١٥	محمد	علی محمد	٩٩	١٥	باجامعتی	باجامعتی	١٠٦	١٤	پد	هر پدر
								١٠٧	٢٣	بقدر	اینقدر
+	٢٨	بید	بیده	٩٠	١	عنه	عنهم	١٠٧	٢٨	نورے	نور روے
٦٨	٦	فرمود	فرود	+	٢٠	تحقیق	پس تحقیق	١٠٩	٩	سبا	اشیا
٦٩	٢١	ذیر او	زیر سراو	+	٢٥	س	لسا عدم	+	٢٤	علیه	علیه وسلم
٧٠	٩	ارتهد	ازتهجد	٩١	٢٣	حمد	احمد	١١٠	٤	برابیکه	این را بر الفعلیم
٧٢	٨	شد	طیشد	٩٣	٢١	ازبی	ازابی	+	١٠	ها	عنها
+	٥	یوغب	ویوغب	+	٢١	وسلع	وسراج	+	١٣	فراط	افراط
+	٩	الاعظم الاعظم	الاعظم الاعظم	+	٢١	طبرانی	طبری	١١١	٣	کو	که
+	٢٤	ابن عدی	وابن عدی	+	٢٤	وارتسخند	واتستید	+	١٦	جزم	حزم
٧٧	٢٠	اردبیلی	ارد بیلی		١٧	رحمتک	رحمتک	١١٢	٦	سلم	سلم ودرد قنت نقط بنام کریم وی صلی الله علیه
٧٩	٧	میگرداند	میگردند	٩٥	١٣	ماے	بہاے				
+	٢٥	صو [illegible]	صو [illegible]	٩٥	٢٠	طه	طاله				